

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله الذي جعل القرآن الكريم  
الذي هو كلامه الحكيم  
الذي هو نور الهدى والرحمة  
التي لا تحصى والبرهان  
الذي لا يدرك بالحواس  
والذي هو العروة الوثقى  
والذي هو المنهج المستقيم  
والذي هو السبيل المستبصر  
والذي هو النور المكنون  
والذي هو الخزانة العظمى  
والذي هو الكتاب العظيم  
والذي هو الهدى والبرهان  
والذي هو النور المكنون  
والذي هو الخزانة العظمى  
والذي هو الكتاب العظيم

سفید

- ۳۲ -

# ۱۰ سؤال

پیرامون مسجد

مرکز رسیدگی به امور مساجد



## فهرست مطالب

سخن ناشر .....	۱۵
مقدمه .....	۱۷
پیشگفتار .....	۱۹

### آداب مسجد

سؤال ۱ - انداختن آب دهان و بینی و خلط سینه در مسجد چه حکمی دارد؟ .....	۲۱
سؤال ۲ - آداب ظاهری مسجد رفتن که در حضور قلب و حال خضوع و خشوع مؤثرند، کدام‌ها هستند؟	۲۲
سؤال ۳ - آیا با عذر شرعی می‌توان وارد حیاط مسجد و یا حرم امامان و امام‌زادگان شد؟ ....	۲۷

### احترام مسجد

سؤال ۴ - آیا احترام گذاشتن به مسجد، انبیا، ائمه اطهار <small>علیهم‌السلام</small> و خانه کعبه با اصل توحید منافات دارد؟	۲۵
سؤال ۵ - مقصود از «هتک حرمت مسجد» چیست؟ .....	۳۱
سؤال ۶ - آیا ازاله نجاست از مسجد واجب است؟ .....	۳۴

### امکام مسجد

سؤال ۷ - آیا معامله کردن و صنعتگری در مساجد جایز است؟ .....	۳۷
سؤال ۸ - آیا تغییر و تبدیل مسجد به کتابخانه، کوچه، خیابان و مانند آن جایز است؟ .....	۴۰
سؤال ۹ - تخریب مسجد در چه صورت جایز است؟ .....	۴۵

- سؤال ۱۰ - آیا جُنُب و حائض می‌توانند به مسجد بروند؟ ..... ۴۹
- سؤال ۱۱ - در چه صورتی جُنُب حق ورود و توقف در مسجد را دارد؟ ..... ۵۳
- سؤال ۱۲ - آیا می‌توان از زکات برای ساخت مسجد استفاده کرد؟ ..... ۵۵
- سؤال ۱۳ - تغییر نام مسجد چه حکمی دارد؟ ..... ۵۶
- سؤال ۱۴ - آیا می‌توان خُمس را در ساختن مسجد مصرف کرد؟ ..... ۵۷
- سؤال ۱۵ - بردن شیء نجس به مسجد چه حکمی دارد؟ ..... ۵۸
- سؤال ۱۶ - آیا زن مستحاضه می‌تواند به مسجد برود؟ ..... ۵۹
- سؤال ۱۷ - استفاده از وضوخانه مسجد برای امور عبادی خارج از مسجد چه حکمی دارد؟ .. ۶۰

### افلاص در مسجد

- سؤال ۱۸ - نقش اخلاص در اعمال عبادی انسان، بخصوص مسجد، تا چه حدی است؟ ..... ۶۲

### اذان در مسجد

- سؤال ۱۹ - بلند کردن صدای اذان از مسجد جایز است یا خیر؟ ..... ۶۵

### اعتکاف در مسجد

- سؤال ۲۰ - اعتکاف چیست و چه رابطه‌ای با مسجد دارد؟ ..... ۶۶

### امام جماعت مسجد

- سؤال ۲۱ - ویژگی‌های یک امام جماعت موفق و شایسته کدام‌هاست؟ ..... ۶۹
- سؤال ۲۲ - آیا مردم در قبال امام جماعت وظایفی دارند؟ ..... ۷۲
- سؤال ۲۳ - آیا امام جماعت می‌تواند در دو مسجد اقامه جماعت کند؟ ..... ۷۵
- سؤال ۲۴ - آیا امامت غیرروحانی جایز است؟ ..... ۷۶
- سؤال ۲۵ - فاصله امام جماعت و مأمومان تا چه مقدار جایز است؟ ..... ۷۷
- سؤال ۲۶ - آیا می‌توان به امام جماعت در طبقات گوناگون اقتدا کرد؟ ..... ۷۸

- سؤال ۲۷ - دفن اموات در مسجد چه حکمی دارد؟ ..... ۸۰
- سؤال ۲۸ - نماز گزاردن بر اموات در مسجد جایز است یا خیر؟ ..... ۸۳

### اموال مسجد

- سؤال ۲۹ - آیا بیرون بردن ابزار و وسایل مسجد از مسجد جایز است؟ ..... ۸۴
- سؤال ۳۰ - استفاده شخصی از اموال و امکانات مسجد چه حکمی دارد؟ ..... ۸۶
- سؤال ۳۱ - خرید و فروش مسجد و ابزار و وسایل آن چه حکمی دارد؟ ..... ۹۰
- سؤال ۳۲ - آیا کتاب‌هایی را که وقف مسجد شده‌اند و مورد استفاده نیستند؛ می‌توان به کتابخانه دیگری منتقل کرد؟ ..... ۹۳
- سؤال ۳۳ - قرض دادن و یا صرف کردن پولی که متعلق به مسجد است و سپس جایگزین کردن آن با پول دیگر چه حکمی دارد؟ ..... ۹۴
- سؤال ۳۴ - هرگاه کسی سهواً به مسجد ضرر برساند ضامن است یا خیر؟ ..... ۹۵

### امور دنیوی و مسجد

- سؤال ۳۵ - آیا صحبت کردن درباره امور دنیوی و بلند کردن صدا در مسجد جایز است؟ ..... ۹۶

### اهل مسجد

- سؤال ۳۶ - اهل مسجد چه منزلت و جایگاهی دارند؟ ..... ۹۹
- سؤال ۳۷ - مسجدی‌ها باید دارای چه صفات و ویژگی‌هایی باشند؟ ..... ۱۰۳

### بانی مسجد

- سؤال ۳۸ - چه کسانی صلاحیت احداث و بنای مسجد دارند؟ ..... ۱۰۶
- سؤال ۳۹ - خداوند متعال چه پاداش‌هایی برای بانیان مساجد در نظر گرفته است؟ ..... ۱۰۹
- سؤال ۴۰ - انگیزه‌ها، اعم از صحیح و غلط، چه نقشی در مسجdsازی دارند؟ ..... ۱۱۲

**تربیت در مسجد**

سؤال ۴۱ - آیا مسجد می‌تواند اعمال و رفتار فاسد انسان را اصلاح کند؟ ..... ۱۱۵

**ترک مسجد**

سؤال ۴۲ - ترک مسجد چه عواقبی به دنبال دارد؟ ..... ۱۱۷

سؤال ۴۳ - با کسانی که به مسجد نمی‌آیند، چگونه باید برخورد کنیم؟ ..... ۱۲۰

**تزئین مسجد**

سؤال ۴۴ - آیا تزئین مساجد و آراستن آن‌ها با طلا جایز است؟ ..... ۱۲۱

**تکدی در مسجد**

سؤال ۴۵ - آیا تکدی و تقاضای کمک از دیگران در مسجد جایز است؟ ..... ۱۲۳

**تولیت مسجد**

سؤال ۴۶ - آیا قرار دادن متولی برای مسجد از سوی واقف صحیح است؟ ..... ۱۲۵

**جامعه و مسجد**

سؤال ۴۷ - مساجد چگونه می‌توانند همگام با مقتضیات جامعه، حرکت فکری و فرهنگی خود را

استمرار بخشند و مردم را به خود جذب کنند؟ ..... ۱۲۸

**میشن ازدواج در مسجد**

سؤال ۴۸ - آیا تشکیل مجلس عقد ازدواج و شیرینی خوردن در مسجد جایز است؟ ..... ۱۳۱



### جوانان و مسجد

- سؤال ۴۹ - خادم‌ان و متولیان مساجد چگونه می‌توانند با نوجوانان خاطی برخورد مناسبی داشته باشند؟ ..... ۱۳۳
- سؤال ۵۰ - برای جذب جوانان به مسجد از چه عواملی می‌توان بهره گرفت؟ ..... ۱۳۷
- سؤال ۵۱ - علل عدم حضور بعضی جوانان در مسجد چیست؟ ..... ۱۴۲

### چراغ در مسجد

- سؤال ۵۲ - چرا در روایات بر «افروختن چراغ» در مسجد سفارش شده است؟ ..... ۱۴۶
- سؤال ۵۳ - چه آثار و ثواب‌هایی برای افرادی که خانه خدا را روشن نگه می‌دارند، در روایات ذکر شده است؟ ..... ۱۴۸

### مضور در مسجد

- سؤال ۵۴ - اقامت در مسجد چه آثار و فوایدی دارد؟ ..... ۱۵۰
- سؤال ۵۵ - آیا توقف بیهوده در مسجد جایز است؟ ..... ۱۵۵
- سؤال ۵۶ - حضور با طهارت در مسجد چه آثار و فوایدی دارد؟ ..... ۱۵۷
- سؤال ۵۷ - آمد و شد به مساجد چه فواید و آثاری برای انسان دارد؟ ..... ۱۶۰
- سؤال ۵۸ - آیا بستن در مساجد در غیر اوقات نماز از مصادیق «ظلم» در آیه شریفه قرآن نیست؟ ..... ۱۶۳

### فواپیدن در مسجد

- سؤال ۵۹ - فواپیدن در مسجد چه حکمی دارد؟ ..... ۱۶۶

### زن در مسجد

- سؤال ۶۰ - رفتن به مساجد برای زنان، در جامعه کنونی چگونه است؟ ..... ۱۶۸

**زینت در مسجد**

سؤال ۶۱ - مقصود از «زینت» در آیه شریفه (خُدُوا زینتکم عند کلِّ مسجدٍ) چیست؟ ..... ۱۷۱

**سلاه در مسجد**

سؤال ۶۲ - سلام کردن به مؤمنان حاضر در مسجد چه حکمی دارد؟ ..... ۱۷۶

**سیاست در مسجد**

سؤال ۶۳ - آیا سر دادن شعارهایی از قبیل «مرگ بر آمریکا» و «مرگ بر اسرائیل» در مسجد و مکان‌های مقدّس صحیح است؟ ..... ۱۷۹

**شعر در مسجد**

سؤال ۶۴ - چرا خواندن شعر در مسجد نهی شده است؟ و آیا این نهی شامل همه انواع شعر می‌شود؟ ..... ۱۸۳

**عبور از مسجد**

سؤال ۶۵ - آیا می‌توان از مساجدی که دو درب دارند به عنوان گذرگاه استفاده کرد؟ ..... ۱۸۵

**غصب در مسجد**

سؤال ۶۶ - غصب کردن جای دیگران در مسجد چه حکمی دارد؟ ..... ۱۸۶

سؤال ۶۷ - حق تقدّم در مشترکات تا چه زمانی ثابت است؟ ..... ۱۸۸

**کارکرد مسجد**

سؤال ۶۸ - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پیش از هجرت به مدینه چه استفاده‌ای از مسجد الحرام می‌کردند؟ ۱۹۰

سؤال ۶۹ - پس از هجرت پیامبر به مدینه در صدر اسلام، نقش عبادی، فرهنگی و آموزشی مسجد

- به چه صورتی بوده است؟ ..... ۱۹۳
- سؤال ۷۰ - آیا مساجد در صدر اسلام، کارکرد سیاسی و اجتماعی داشتند؟ ..... ۱۹۶
- سؤال ۷۱ - مساجد در پیروزی نهضت‌های اسلامی چه نقشی داشتند؟ ..... ۱۹۹
- سؤال ۷۲ - کارکرد فرهنگی و آموزشی مساجد و نقش آن‌ها در پیروزی انقلاب اسلامی تا چه حد بود؟ ..... ۲۰۲
- سؤال ۷۳ - کارکرد سیاسی - اجتماعی مساجد در پیروزی انقلاب اسلامی تا چه حد بود؟ ... ۲۰۵
- سؤال ۷۴ - آیا مساجد در پیروزی انقلاب اسلامی، کارکرد اقتصادی هم داشتند؟ ..... ۲۰۹
- سؤال ۷۵ - رمز پیروزی انقلاب اسلامی و تداوم آن در چه بوده است؟ ..... ۲۱۱
- سؤال ۷۶ - انجام تمرین‌های ورزشی و نمایش فیلم در مسجد جایز است یا خیر؟ ..... ۲۱۴
- سؤال ۷۷ - ایجاد کتابخانه و پایگاه مقاومت بسیج در مسجد چه حکمی دارد؟ ..... ۲۱۵

### کتیبه‌های مسجد

- سؤال ۷۸ - نوشتن آیات قرآن بر در و دیوار مسجد جایز است یا خیر؟ ..... ۲۱۶

### کفار و مشرکین در مسجد

- سؤال ۷۹ - ورود کفار و مشرکان به مساجد مسلمانان چه حکمی دارد؟ ..... ۲۱۸

### کودکان و مسجد

- سؤال ۸۰ - نهي از ورود کودکان به مسجد برای چیست؟ ..... ۲۲۱

### گمشده‌ها و مسجد

- سؤال ۸۱ - اعلام اشیای گم‌شده و پیدا شده در مسجد جایز است یا خیر؟ ..... ۲۲۳

**گناه در مسجد**

سؤال ۸۲ - گناه کردن در مسجد چه حکمی دارد؟ ..... ۲۲۵

**ممراب مسجد**

سؤال ۸۳ - مقصود از «محراب» چیست؟ ..... ۲۲۷

**مستى در مسجد**

سؤال ۸۴ - ورود انسان مست به مسجد چه حکمی دارد؟ ..... ۲۲۹

**مسجد جامع**

سؤال ۸۵ - مسجد جامع چیست؟ ..... ۲۳۲

**مسجد در قرآن و روایات**

سؤال ۸۶ - ویژگی‌های معنوی مسجد که در قرآن و روایات ذکر شده کدام‌ها هستند؟ ..... ۲۳۳

**مسجد ضرار**

سؤال ۸۷ - آیا غیر از مسجد «ضرار»، مساجد دیگری هم هستند که اقامه نماز در آن‌ها نهی

شده باشد؟ ..... ۲۳۶

سؤال ۸۸ - چه مسجدی به دستور پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تخریب شد؟ و چرا؟ ..... ۲۳۸

**مصلی و مسجد**

سؤال ۸۹ - آیا مصلی‌ها حکم مسجد دارند یا خیر؟ ..... ۲۴۲

### معماری مسجد

- سؤال ۹۰ - آیا دین اسلام در ارتباط با بنای ظاهری مسجد، دستور خاصی دارد؟ ..... ۲۴۳
- سؤال ۹۱ - مناسبت تر است که شبستان مسجد در چه محلی قرار بگیرد؟ ..... ۲۴۷
- سؤال ۹۲ - آیا در ساختمان مسجد، می توان از مصالح نجس استفاده کرد؟ ..... ۲۵۰

### معنای مسجد

- سؤال ۹۳ - «مسجد» در لغت و اصطلاح به چه معناست؟ ..... ۲۵۱
- سؤال ۹۴ - مسجد چگونه مسجد می شود؟ ..... ۲۵۳

### مکان مسجد

- سؤال ۹۵ - مسجد را در چه مکانی می توان ساخت؟ از نظر موقعیت جغرافیایی، بهتر است در کجا ساخته شود؟ ..... ۲۵۷
- سؤال ۹۶ - آیا تبدیل کنیف به مسجد جایز است؟ ..... ۲۶۲
- سؤال ۹۷ - آیا در زمین هایی که برای مخارج مسجد وقف شده اند، می توان مسجد ساخت؟ .. ۲۶۵
- سؤال ۹۸ - آیا تغییر حسینیه به مسجد جایز است؟ ..... ۲۶۶

### نظافت مسجد

- سؤال ۹۹ - چه پاداش هایی برای تمیزکنندگان مسجد در نظر گرفته شده است؟ ..... ۲۶۷
- سؤال ۱۰۰ - در ساخت مکان های بهداشتی مسجد، چه نکاتی باید رعایت شوند؟ ..... ۲۷۰

### نقاشی مسجد

- سؤال ۱۰۱ - نقاشی کردن مساجد چه حکمی دارد؟ ..... ۲۷۳
- سؤال ۱۰۲ - آیا نصب عکس در مسجد در حکم نقاشی کردن است؟ ..... ۲۷۴

### نماز جماعت در مسجد

- سؤال ۱۰۳ - اقامه نماز جماعت چه آثار و فوایدی دارد؟ ..... ۲۷۵
- سؤال ۱۰۴ - چه فضیلت‌هایی برای نماز جماعت ذکر شده‌اند؟ ..... ۲۷۹
- سؤال ۱۰۵ - فلسفه تشریح نماز جماعت چیست؟ ..... ۲۸۲

### نماز در مسجد

- سؤال ۱۰۶ - چرا در شرع مقدّس توصیه شده است که نماز را در مساجد متعدد و نقاط متفاوت یک مسجد به جای آورید؟ ..... ۲۸۶
- سؤال ۱۰۷ - در چه مساجدی مسافر مخیر است که نماز را تمام یا قصر بخواند؟ ..... ۲۹۰
- سؤال ۱۰۸ - آیا می‌توان در زمینی که قبلاً حمام بوده و اکنون مسجد شده است نماز خواند؟ ..... ۲۹۱

### همسایه مسجد

- سؤال ۱۰۹ - مقصود از روایاتی که می‌گویند: «همسایه مسجد نمازش قبول نمی‌شود، مگر در مسجد» چیست؟ همسایه مسجد کیست؟ ..... ۲۹۲
- سؤال ۱۱۰ - آیا همسایگان مساجد بر مسجد حقوقی دارند؟ ..... ۲۹۴
- فهرست منابع ..... ۲۹۷



### سخن ناشر

مساجد، خانه خدا، بیوت متقین، جایگاه عبادت و پرستش حضرت حق، محل اتصال به مبدأ هستی، جایگاه پاکان و نیکان، محبوب‌ترین مکان‌ها نزد خدا، کانون نشر معارف الهی، جایگاه تجلی وحدت و همبستگی مؤمنان، ستاد فرماندهی و سنگر دفاع از دین و مکانی است که از آن خدا و برای خداست.

از آنجاکه اسلام دین انسان‌سازی است و هدف از تعالیم و آموزش‌های دینی، ساختن و تربیت انسان‌هاست، همه ابزارها و امکانات نیز در این جهت بکار گرفته می‌شوند. مسجد نیز با داشتن جایگاهی بس رفیع در فرهنگ اسلامی، خود مکان و امکانی برای ساختن و تربیت انسان است. شاید اعمار مساجد در آیه شریفه «انما يعمر مساجد الله من امن بالله واليوم الآخر» اشاره به این مطلب است که اعمار مساجد با حضور مؤمنان به خدا و روز قیامت صورت می‌گیرد. یعنی اگر انسان‌های تربیت یافته در مسجد حضور نیابند، اعمار صورت نگرفته است.

انقلاب اسلامی ایران نیز بدلیل داشتن خاستگاه و محتوای دینی، فرزند و مولود مسجد است و بی‌شک ادامه حیات آن نیز جز در سایه مسجد

امکان‌پذیر نیست. سخنان و رهنمودهای بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای مدظله‌العالی در مورد جایگاه مسجد در فرهنگ اسلامی و نیز نقش و جایگاه مسجد در انقلاب اسلامی، برخاسته از همین دیدگاه مهم است.

مؤسسه فرهنگی ثقلین که نام زیبای خود را از حدیث شریف نبوی اخذ نموده است، وظیفه و رسالت خود را نشر فرهنگ ثقل اکبر - قرآن کریم - و ثقل کبیر - اهل بیت علیهم السلام - قرار داده است. بر این اساس، در سال‌های فعالیت خود تلاش نموده است که با انتشار کتاب‌هایی که عطر و فرهنگ مقدس این دو ثقل بزرگ را در جامعه اسلامی می‌پراکند، به وظیفه و رسالت خود عمل نماید. نشر کتاب حاضر نیز که تحت عنوان «۱۱۰ سؤال پیرامون مسجد» تدوین یافته است، در ادامه عمل به همان وظیفه است.

امید است که زحمات کارشناسان و محققین محترم دفتر تحقیقات و مطالعات مرکز رسیدگی به امور مساجد بخصوص حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای غرویان مسؤول محترم آن دفتر و محقق ارجمند حجت‌الاسلام جناب آقای مرتضی رستگار مورد عنایت صاحب مسجد قرار گیرد. ان شاء الله.

**مؤسسه فرهنگی ثقلین**





### مقدمه

«مسجد» بی تردید نقشی بس حساس در تحکیم اساس و بنیان جامعه دینی داشته و دارد. سال ۱۳۸۴ از سوی مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای دام‌عزه‌العالی سال مشارکت عمومی و همبستگی ملی نامیده شده است. بدون شک مساجد در طول تاریخ اسلام همواره مجلای ظهور مشارکت عمومی و میعادگاه بروز همبستگی ملی در بین آحاد مسلمین بوده و هستند. انقلاب اسلامی ایران حقیقتاً نمادی از قدرت عظیم مسجد در شکل‌دهی جریان‌های سیاسی - اجتماعی است. تأکید امام خمینی علیه‌السلام بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران بر اینکه ملت مسلمان مساجد را پرکنند، برخاسته از درکی عمیق و نگاهی ژرف به نقش مهم مسجد در جهت‌دهی تحولات اجتماعی است. حضور چشمگیر مردم در مساجد همانگونه که علت محدثه انقلاب اسلامی ایران بوده است، علت مبقیه آن نیز می‌باشد و آنچه - بی هیچ تردید - دشمن را می‌ترساند، همین حضور آگاهانه است.

\* \* \*

دفتر مطالعات و تحقیقات مرکز رسیدگی به امور مساجد در راستای نشر و ترویج فرهنگ مسجد و جذب اقشار مختلف مردم بویژه جوانان به سوی

مسجد، طرح‌هایی را در دست مطالعه و اقدام دارد. کتاب حاضر که توسط فاضل ارجمند حجة الاسلام آقای مرتضی رستگار نگارش یافته، گامی کوچک در راستای اهدافی بلند و درازمدت است. این دفتر ضمن تشکر و تقدیر از مؤلف محترم، امیدوار است این کتاب مورد استفاده اقشار مختلف بخصوص جوانان اهل مسجد و علاقمند به مطالعه قرار گیرد. ان شاء الله.

قم - دفتر مطالعات و تمقیقات

مرکز رسیدگی به امور مساجد



### پیشگفتار

مسجد خانه خدا<sup>(۱)</sup> و جایگاه انبیا و رسولان وحی<sup>(۲)</sup> و مأمّن مؤمنان است. مسجد بهشت روی زمین و تنها مکانی است که انسان با حضور در آن به ساحل آرامش و اطمینان می‌رسد. مکانی که با حضور در آن می‌توان به قدرت مطلقه الهی اتکا کرد و با امید و توکل به او پله‌های رشد و کمال را طی نمود. آشنایی بیشتر با این مکان مقدس و شناخت ویژگی‌ها و احکام و مسائل پیرامون آن به انسان کمک می‌کند تا با نگاهی عمیق‌تر در این مکان حضور یابد.

نگارنده این سطور در سفرهای متعدد تبلیغی در مناطق مختلف کشور با سئوالات متنوع و مختلفی پیرامون مسجد روبرو شده است. ولی، در این میان جای کتابی مختصر و مفید که پاسخ‌گوی سئوالات و نیازهای مخاطبان باشد، همواره خالی به نظر می‌رسید. البته ناگفته نماند که بحمدالله در سالیان اخیر

- 
۱. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «أما امر بتعظیم المساجد لأنها بيوت الله في الأرض، همانا دستور داده شده که مساجد را بزرگ و محترم شمارید چون مساجد خانه‌های خدا در زمین هستند. علل الشرایع: ج ۲، ص ۳۱۸.
  ۲. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: المساجد مجالس الأنبياء؛ مساجد پایگاه انبیا و پیامبرانند. مستدرک الوسائل: ج ۳، ص ۳۶۲، ح ۳۷۸۶.

کتاب‌ها و مقالات خوبی در ارتباط با موضوع مسجد و مسائل و موضوعات پیرامون آن به رشته‌ی تحریر درآمده است که از آن جمله می‌توان به کتاب ارزشمند «سیمای مسجد» از رحیم نوبهار، «مسجد نهاد عبادت و ستاد ولایت» از حسن رهبری، «مسجد و انقلاب اسلامی» از رضا شریف‌پور، «فضایل و آثار مسجد در آئینه قرآن و روایات» از عباس عزیزی و «مسجد آئینه اسلام» از پروفیسور רוژه گارودی و... اشاره کرد. به هر حال با توجه به نیاز و ضرورت پیشنهاد دفتر مطالعات و تحقیقات مرکز رسیدگی به امور مساجد را برای تدوین این اثر با اشتیاق تمام پذیرفتم. امید آنکه از عهده این مهم برآمده باشم.

از همه خوانندگان به ویژه ائمه محترم جماعات انتظار دارم با ارائه رهنمودها و انتقادات سازنده خویش، نگارنده را در رفع نقص‌ها و کاستی‌های این اثر یاری بخشند و چنانچه طرح سئوالات دیگری را لازم و ضروری می‌دانند به صورت مکتوب به دفتر مطالعات و پژوهش‌های مسجد ارسال نمایند. از استاد محترم جناب حجة الاسلام والمسلمین محسن غروی‌ان و برادر ارجمند حجة الاسلام والمسلمین محمد هادی یعقوب‌نژاد که از راهنمایی‌ها و کمک‌های هر دو بزرگوار در تدوین و نگارش کتاب بهره برده‌ام تقدیر و تشکر می‌کنم.

قم - تابستان ۱۳۸۴

مرتضی رستگار

## آداب مسجد

سؤال ۱- انداختن آب دهان و بینی و خلط سینه

در مسجد چه حکمی دارد؟

مسجد مکان مقدّس و باعظمتی است. از این رو، در روایات از انداختن آب دهان و بینی در مسجد نهی شده است. امام علی علیه السلام می فرماید: «من وَقَّرَ الْمَسْجِدَ مِنْ نُخَامَتِهِ لَقِيَ اللَّهَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ضَاحِكًا قَدْ أُعْطِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ وَ أَنَّ الْمَسْجِدَ لِيَلْتَوَى مِنْ النُّخَامَةِ كَمَا يَلْتَوَى أَحَدُكُمْ بِالْخِيزِرَانِ إِذَا وَقَعَ بِهِ»<sup>(۱)</sup> کسی که احترام مسجد را حفظ کند و از انداختن اخلاط (بینی و سینه) در آن خودداری کند، در روز قیامت با سرور و شادمانی، در حالی که نامه اعمالش در دست راستش قرار دارد، خداوند را ملاقات می کند. همانا مسجد هنگامی که کسی در آن خلط می اندازد، از شدت درد و ناراحتی به خود می پیچد؛ همان گونه که اگر یکی از شما را با چوب خیزران بزنند، از شدت درد به خود می پیچد. در برخی دیگر از روایات، فروبردن آب دهان و سینه را در مسجد،

۱. دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۱۴۸.

موجب بهبود بیماری‌ها و امراض دانسته‌اند؛ امام صادق علیه السلام از پدرش نقل می‌کند که پیامبر نقل فرمودند که «مَنْ رَدَّ رَيْقَهُ تَعْظِيمًا لِحَقِّ الْمَسْجِدِ جَعَلَ اللَّهُ ذَلِكَ قُوَّةً فِي بَدَنِهِ وَ كَتَبَ لَهُ بِهَا حَسَنَةً وَ حُطَّ عَنْهُ سَيِّئَةٌ» و قال: «لَا تَمُرُّ بَدَائِعٌ فِي جَوْفِهِ إِلَّا أَبْرَأَتْهُ»<sup>(۱)</sup> کسی که به خاطر بزرگداشت و احترام مسجد، آب دهان خود را فرو برد و در مسجد نیندازد، خداوند این آب دهان را به قدرت و توانایی تبدیل می‌کند و برای او در مقابل این کار، حسنه‌ای می‌نویسد و گناهی را از او محو می‌نماید. و فرمودند: این آب دهان به هر دردی که در بدن او برخورد نماید، آن را شفا می‌بخشد.

به دلیل آنکه ممکن است افراد به دلایل گوناگون، قادر به فرو بردن آب دهان و اخلاط سینۀ خود نباشند، بجاست هنگام رفتن به مساجد دستمالی همراه داشته باشند تا در صورت لزوم، از آن استفاده کنند و حرمت خانه خدا را از بین نبرند.

## سؤال ۲ - آداب ظاهری مسجد رفتن که در حضور

قلب و حال خضوع و خشوع مؤثرند، کدام‌هایند؟

در پاسخ به سؤال مزبور، به اختصار به چند مورد اشاره می‌کنیم:

۱. طهارت: مرحوم شیخ صدوق رحمته الله روایتی از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: «مکتوبٌ فی التوراة انّ بیوتی فی الارض المساجد فطوبی لمن تطهر فی بینه ثم زارنی و حقّ علی المزور ان ینکر الزائر»؛<sup>(۱)</sup> در تورات آمده است که خانه‌های من در زمین مساجد هستند. پس خوشا به حال کسی که در خانه‌اش تطهیر کند و سپس به زیارت من آید. در این صورت، بر من لازم است که زائر خود را تکریم کنم.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «لا تدخل المساجد الا بالطهارة و من دخل مسجداً بغير الطهارة فالمسجد خصمه»؛<sup>(۲)</sup> وارد مساجد نشو، مگر با طهارت و پاکی، و کسی که بدون طهارت وارد مسجد شود مسجد دشمن او خواهد بود.

۱. ثواب الأعمال، ص ۲۸.

۲. جامع الأخبار، ص ۷۰.

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود دو روایت مزبور اطلاق دارند که مؤمنان باید جسم و روحشان را پیش از ورود به مساجد تطهیر کنند.

۲. با پای پیاده رفتن: اگر انسان بخواهد پیش از ورود به مسجد و اقامه نماز، حال خضوع و خشوع پیدا کند، بهتر آن است با اندکی صرف وقت، این مسیر را با پای پیاده طی کرده، در بین راه در نامه عمل خود بنگردد، از گناهان و خطاها عذرخواهی کند و از اینکه توفیق مسجد رفتن پیدا کرده است، شکرگزار باشد. علاوه بر آن، در روایات برای پیاده رفتن به مساجد اجر و ثواب هم در نظر گرفته شده است. پیامبر گرامی فرمودند: «وَمَنْ مَشَى إِلَى مَسْجِدٍ مِنْ مَسَاجِدِ اللَّهِ فَلَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ خَطَايَا حَتَّى يَرْجِعَ إِلَى مَنْزِلِهِ عَشْرَ حَسَنَاتٍ وَمَحَى عَنْهُ عَشْرَ سَيِّئَاتٍ وَرُفِعَ لَهُ عَشْرَ دَرَجَاتٍ»<sup>(۱)</sup>؛ کسی که به سوی یکی از مساجد پیاده حرکت کند، خداوند در مقابل هر گامی که در مسیر رفت و برگشت برمی‌دارد به او ده حسنه پاداش می‌دهد و ده بدی از او دور می‌کند و وی را ده درجه بالا می‌برد.

در روایت دیگری، جابر بن عبدالله نقل می‌کند که خانه‌های ما از مسجد پیامبر دور بود، خواستیم بفروشیم و به مسجد نزدیک شویم. رسول خدا ﷺ ما را از این کار نهی کرده، فرمودند: «إِنَّ لَكُمْ بِكُلِّ خُطْوَةٍ دَرَجَةً»<sup>(۲)</sup>؛ برای شما در برابر هر گامی که به سوی مسجد برمی‌دارید درجه‌ای نزد خداوند است.

۱. ثواب الأعمال، ص ۲۹۰.

۲. صحیح مسلم، ج ۵۰، ص ۱۶۸ / صحیح بخاری، ج ۱، کتاب «الصلوة»، باب ۴۲۶، ص ۳۲۱.



۳. دعا خواندن هنگام ورود: مستحب است انسان هنگام ورود به مسجد، ادعیه و اذکاری را که از ائمه اطهار علیهم السلام هنگام ورود به مسجد نقل شده‌اند، بخواند. امام باقر علیه السلام از پیامبر نقل می‌فرماید که فرمود: «إِذَا دَخَلَ الْعَبْدُ الْمَسْجِدَ فَقَالَ: أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، قَالَ: أَوْه! كَسَرَ ظَهْرِي، وَكَتَبَ اللَّهُ بِهَا عِبَادَةَ سَنَةٍ»؛<sup>(۱)</sup> اگر بنده خدا هنگام ورود به مسجد استعاذه کند، شیطان می‌گوید: آه! کمرم شکست. و خداوند به پاداش این عمل، برای او عبادت یک سال می‌نویسد. دعاهای دیگری نیز در روایات آمده‌اند که از ذکر آن‌ها خودداری می‌کنیم.

۴. ورود با پای راست: از ائمه معصوم علیهم السلام نقل شده است که فرمودند: «الْفَضْلُ فِي دُخُولِ الْمَسْجِدِ أَنْ تَبْدَأَ بِرِجْلِكَ الْيُمْنَى إِذَا دَخَلْتَ وَبِالْيَسْرَى إِذَا خَرَجْتَ»؛<sup>(۲)</sup> فضیلت آن است که در هنگام ورود به مسجد، با پای راست داخل شوی و هنگام خروج، پای چپ مقدم شود.

۵. نماز تحیت مسجد: پس از داخل شدن به مسجد، مستحب است انسان برای رعایت ادب و احترام مسجد، پیش از نشستن، دو رکعت نماز تحیت مسجد به جای آورد. ابوذر غفاری رضی الله عنه می‌گوید: روزی رسول گرامی صلی الله علیه و آله را در مسجد ملاقات نمودم. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «يَا أَبَا ذَرٍّ! إِنَّ لِلْمَسْجِدِ تَحِيَّةً. قُلْتُ: وَ مَا تَحِيَّتُهُ؟ قَالَ: رَكَعَتَانِ تَرَكُهُمَا»؛<sup>(۳)</sup> ای ابوذر! مسجد تحیتی مخصوص دارد.

۱. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۸۸ - ۳۸۹، باب ۳۰، ح ۱.

۲. اصول کافی، ج ۳، ص ۳۰۸ - ۳۰۹، ح ۱، باب «القول عند دخول المسجد».

۳. شیخ طوسی، الامالی، ص ۵۳۹.

عرض کردم: تحیت مسجد چیست؟ فرمودند: اینکه دو رکعت نماز بجای آوری.

اهمیت نماز تحیت تا آن حد است که از نماز تحیت به عنوان حقی که مسجد بر عهده مؤمنان دارد، یاد شده است. امام علی علیه السلام می فرماید: «مِنْ حَقِّ الْمَسْجِدِ إِذَا دَخَلْتَهُ أَنْ تُصَلِّيَ فِيهِ رَكَعَتَيْنِ»<sup>(۱)</sup> از جمله حقوق مسجد آن است که هنگام ورود در آن، دو رکعت نماز تحیت بجای آوری.

البته فقها فتوا می دهند که چنانچه انسان هنگام ورود و پیش از نشستن، نماز واجب را هم اقامه کند، کفایت می کند و در واقع، نماز تحیت مسجد را بجای آورده است، اگرچه بجای آوردن دو رکعت نماز مستقل به نیت تحیت مسجد - همان گونه که در روایات اشاره شد - بهتر است.

### سؤال ۳ - آیا با عذر شرعی می‌توان وارد حیاط

مسجد و یا حرم امامان و امامزادگان شد؟

«داخل شدن در حیاط مسجد، اگر مسجد نباشد با داشتن عذر شرعی مانعی ندارد و احتیاط واجب آن است که در حرم امامان هم توقّف نکنند، بلکه عبور نیز ننمایند و همچنین در رواق‌ها. اما در ارتباط با حرم امامزادگان، رفتن با این حالت مانعی ندارد، ولی بهتر این است که به حرم امامزاده‌های مشهور مثل حضرت معصومه علیها السلام در قم با حال جُنُب نرود.»<sup>(۱)</sup>

۱. ر.ک: توضیح المسائل، مسئله ۳۵۵ / آیه‌الله بهجت، توضیح المسائل، مسئله ۳۵۹ / مجمع المسائل،

ج ۱، ص ۷۱، س ۱۸.

## احترام مسجد

سؤال ۱۴ - آیا احترام گذاشتن به مسجد، انبیاء، ائمه اطهار علیهم السلام و خانه کعبه با اصل توحید منافات دارد؟

در دین اسلام، هر خاک و سنگ و آجری احترام ندارد، مساجد و معابد به آن دلیل که محل عبادت و راز و نیاز با خداوند هستند، احترام دارند. خداوند متعال به بندگانش اجازه داده است که به این مکان‌ها احترام بگذارند و آن‌ها را عظیم بشمارند. روشن است که احترام گذاشتنی که با اذن و اجازه خالق متعال باشد، در واقع احترام به خود خالق و خدای متعال است و این نه تنها با توحید منافاتی ندارد، بلکه عین توحید است.

تعظیم و احترام به انبیای الهی و ائمه اطهار علیهم السلام عین توحید است؛ زیرا خود خداوند اجازه تعظیم و احترام به آنان را داده است. اینان به فرموده خداوند متعال در قرآن کریم «فِي بَيْوتِ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ

فِيهَا اسْمُهُ<sup>(۱)</sup> هستند؛ (چراغ‌هایی پرفروغ) در خانه‌هایی که خداوند اجازه فرموده است دیوارهای آن را بالا برند و نام خدا در آن‌ها برده شود. احترام گذاشتن به اینان به دستور خداوند متعال است. این خانه‌های انسانی، که معبد روح انسان‌ها هستند، از آن خاک و آجر و سنگی که «مسجد» نام گرفته، بالاترند و به همین دلیل، مورد تعظیم قرار می‌گیرند.

در روایات و منابع دینی، وارد شده که مقصود از این «بیوت» همان انسان‌هایی هستند که سراسر وجودشان عبادت است. در تفسیر قمی ذیل آیه شریفه مزبور، روایاتی از امام باقر علیه السلام نقل شده‌اند که فرمود: «هِيَ بِيوتُ الْأَنْبِيَاءِ وَ بَيْتُ عَلِيٍّ مِنْهَا»<sup>(۲)</sup> منظور از این خانه‌ها، خانه‌های انبیا و پیغمبران است که خانه امام علی علیه السلام نیز یکی از آن‌هاست. به راستی، زمانی که نگاه انسان‌ها، گفت و شنودشان، خورد و خوراک و تفکرات و قدم برداشتشان، همه برای خدا باشد، نامی جز مسجد و معبد بر آن‌ها نمی‌توان گذاشت و بالاترین مصداق در این باره، انبیا و ائمه طاهرين علیهم السلام هستند. خانه کعبه هم احترامش را از حضرت ابراهیم و اسماعیل علیهم السلام و دیگر انبیا و مؤمنان گرفته است. به تعبیر قرآن کریم، احترام مکه از آن روست که اولین جایگاه عبادت در جهان است «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا»<sup>(۳)</sup> نخستین خانه‌ای که برای مردم و نیایش خداوند قرار داده شده همان است که در سرزمین مکه است و پربرکت. بنابراین،

۱. نور: ۳۶.

۲. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۰۳.

۳. آل عمران: ۹۶.

اولین نقطه‌ای که برای عبادت و پرستش خدا تأسیس شده و احترامش را از عابد و عبادت گرفته، مکه است.

نتیجه آنکه احترام گذاشتن به مساجد، انبیا و ائمه اطهار علیهم‌السلام و خانه کعبه نه تنها منافاتی با اصل توحید و اعتقاد به یگانگی خداوند متعال ندارد، بلکه عین توحید است؛ زیرا احترام گذاشتن به این مکان‌های مقدّس و تعظیم انسان‌هایی که برگزیده خداوند هستند در راستای تعظیم و احترام به معبود حقیقی و خالق و آفریننده آسمان‌ها و زمین است.

### سؤال ۵ - مقصود از «هتک حرمت مسجد» چیست؟

در پاسخ به این سؤال، ابتدا به معانی لغوی «هتک» و «حرمت» توجه کنیم: «هتک» در لغت، به معنای پرده دریدن، پاره کردن پرده، کشیدن و کندن و نیز به معنای متفضح ساختن و رسوا کردن کسی است.<sup>(۱)</sup> «حرمت» به معنای آبرو، ارجمندی، آنچه شکستن آن روا نباشد، آنچه که حفظ و نگاهداری و محترم شمردن آن واجب است و حفظ و نگاهداری و محترم شمردن آن بر عموم مسلمانان واجب است. از این رو، نباید احترام مساجد دریده شود. به همین دلیل، علمای ما هتک حرمت به مسجد و اهانت به آن را از اقسام گناهان کبیره ذکر کرده‌اند.

شهید بزرگوار حضرت آیه الله دستغیب رحمته الله علیه می نویسد: «هر مکانی که به نام «مسجد» به وسیله مسلمانان بنا شود، شیعه باشد یا از سایر فرقه‌های اسلامی، رعایت حرمت آن واجب، و اهانت و هتک آن مانند خراب کردن یا آلوده ساختن به نجاست، گناه کبیره است. نزد هر دین داری، بدیهی است که مسجد

۱. فرهنگ فارسی عمید، ص ۱۲۵۷.

به حضرت آفریدگار نسبت دارد و ﴿أَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ﴾ و اهانت به آن اهانت به خداست.<sup>(۱)</sup>

شهید دستغیب در ادامه، به روایاتی که در آن‌ها به تعظیم و گرامیداشت مساجد اشاره شده، می‌پردازد؛ از جمله روایت ذیل: ابویصیر می‌گوید: از امام صادق علیه السلام در باره تعظیم و بزرگداشت مساجد پرسیدم که علت آن چیست؟ امام در جواب فرمود: «أَمَّا أَمِيرٌ بِتَعْظِيمِ الْمَسَاجِدِ لِأَنَّهَا بَيْتُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ»<sup>(۲)</sup> فرمان و دستور تعظیم مساجد از آن روست که مساجد خانه‌های خدا در روی زمین هستند.

در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم: «مَعْلُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ لَمْ يُوقِّرِ الْمَسْجِدَ»<sup>(۳)</sup> لعنت شده است کسی که مسجد را گرامی ندارد.

لزوم رعایت حرمت و عظمت مساجد تا آن حد است که اولیای دین به ما دستور داده‌اند در گفت‌وگوهای روزمره خود از «مسجد» با احترام یاد کنیم و از به کارگیری تعابیری که با منزلت و عظمت مسجد سازگار نیستند، خودداری نماییم. در روایتی از امام علی علیه السلام می‌خوانیم: «وَلَا يُسَمَّى الْمَسْلَمُ رُجِيلٌ وَلَا يُسَمَّى الْمَصْحَفَ مُصِيفِحَ وَلَا يُسَمَّى الْمَسْجِدَ مُسِيجِدًا»<sup>(۴)</sup> نباید به مسلمان

۱. گناهان کبیره، ج ۲، ص ۳۸۵.

۲. علل الشرائع، ج ۲، ص ۳۱۸، ح ۱ از باب ۴. باب «العله التي من أجلها أمر الله بتعظيم المساجد».

۳. کنز الفوائد، ج ۱، ص ۱۴۹ - ۱۵۰.

۴. الجعفریات، ص ۲۴۱ / مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۴۶، باب ۵۴ از ابواب «احکام المساجد».

روایت ۱۵.



«مردک» گفته شود و به قرآن «قرآنک»، و از مسجد هم به «مسجدک» تعبیر نکنید.

شاید به پشتوانه همین دسته از روایات است که بزرگان و علمای ما هتک حرمت مسجد را از گناهان کبیره دانسته‌اند. البته همان‌گونه که گذشت، بارزترین نوع هتک حرمت، خراب کردن مسجد بدون دلیل و نجس کردن آن است؛ همچنان که در روایات به این مسئله اشاره شده است. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «جَنَّبُوا مَسَاجِدَ كُمُ التَّجَاسَةِ»؛<sup>(۱)</sup> مساجد خود را از نجاست دور نگه دارید.

از این رو، می‌بینیم در قرآن کریم به مسلمانان دستور می‌دهد مبادا مشرکان به مسجد الحرام نزدیک شوند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ»؛<sup>(۲)</sup> ای اهل ایمان! مشرکان نجس هستند، پس نباید به مسجد الحرام نزدیک شوند.

۱. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۲۹، باب ۲۴ از ابواب «احکام المساجد»، حدیث ۴۶۱۰.

۲. توبه: ۲۸.

### سؤال ۶ - آیا ازاله نجاست از مسجد واجب است؟

«نجس کردن زمین و سقف و بام و طرف داخل دیوار مسجد حرام است و هرکس بفهمد که نجس شده است، فوراً باید نجاست آن را برطرف کند، و احتیاط واجب آن است که طرف بیرون دیوار مسجد را هم نجس نکنند و اگر نجس شود نجاستش را برطرف نمایند، مگر آنکه واقف آن را جزء مسجد قرار نداده باشد.»<sup>(۱)</sup>

«اگر مسجدی را غضب کنند و به جای آن، خانه و مانند آن بسازند که دیگر به آن مسجد نگویند، باز هم بنا بر احتیاط واجب، نجس کردن آن حرام و تطهیر آن واجب است.»<sup>(۲)</sup>

«هنگامی که انسان از نجاست مسجد مطلع می شود، فوراً باید آن را تطهیر کند. پس نباید به قدری تأخیر اندازد که عرفاً بگویند تأخیر کرده است.»<sup>(۳)</sup>

۱. توضیح المسائل، مسئله ۹۰۰.

۲. همان، مسئله ۹۰۳.

۳. عروة الوثقی، ج ۱، فصل «فی ازالة النجاسة عن البدن»، مسئله ۲، ص ۸۴.

«برطرف کردن نجاست از مسجد واجب کفایی است و اختصاص به کسی که مسجد را نجس کرده یا سبب نجس شدن آن شده است، ندارد، بلکه بر همه افرادی که می توانند مسجد را تطهیر کنند واجب است.»<sup>(۱)</sup>

«اگر حصیر مسجد نجس شود، بنابر احتیاط واجب، باید آن را آب بکشند، ولی چنانچه به واسطه آب کشیدن، خراب می شود و بریدن جای نجس بهتر است، باید آن را ببرند و اگر کسی که نجس کرده ببرد، باید خودش اصلاح کند.»<sup>(۲)</sup>

«اگر نتواند مسجد را تطهیر بنماید، یا کمک لازم داشته باشد و پیدا نکند، تطهیر مسجد بر او واجب نیست. ولی اگر بی احترامی به مسجد باشد، بنابر احتیاط واجب، باید به کسی که می تواند تطهیر کند اطلاع دهد.»<sup>(۳)</sup>

اهمیت ازاله نجاست از مسجد و تطهیر آن به حدی مهم است که گاهی بر نماز هم مقدم می شود:

«اگر انسان در وقت نماز و قبل از شروع آن متوجه شود جایی از مسجد نجس است - مثلاً، چند قطره خون بر فرش مسجد ریخته است و وقت نماز وسعت دارد - تطهیر مسجد و برطرف کردن نجاست بر خواندن نماز مقدم است.

۱. همان، مسئله ۳، ص ۸۴ - ۸۵.

۲. توضیح المسائل، مسئله ۹۰۵.

۳. همان، مسئله ۹۰۱.

و چنانچه وقت نماز تنگ باشد - یعنی اگر بخواهد مسجد را تطهیر کند و بعد از آن نماز بخواند، تمام نماز یا قسمتی از آن پس از وقت خوانده می شود - نماز خواندن بر تطهیر مسجد مقدم است.»<sup>(۱)</sup>

«اگر در بین نماز متوجه شود یا یادش بیاید که مسجد نجس است، اگر با تمام کردن نماز، تطهیر به تأخیر نمی افتد - مثلاً، در رکعت آخر نماز است - یا وقت تنگ است، نمازش را تمام کند و پس از نماز، مسجد را تطهیر نماید، و در صورتی که تأخیر نمی شود و وقت نماز هم وسعت دارد، باید نماز را رها کند و مسجد را تطهیر کند و پس از آن نمازش را بخواند.»<sup>(۲)</sup>

«کسی که وظیفه او تطهیر مسجد است، چنانچه اول نمازش را بخواند، مرتکب معصیت و گناه شده، ولی نمازش صحیح است.»<sup>(۳)</sup>

«اگر مسجدی را با گل یا گچ نجس ساخته باشند یا غیر مسلمانی در ساختن آن دست داشته باشد که موجب نجس شدن آن شده و تطهیر آن ممکن نباشد مگر با تخریب قسمت قابل توجهی یا تمام آن، در صورتی که کسی باشد که بدون دریافت اجرت مسجد را بازسازی کند، تخریب آن جایز است، وگرنه بنا بر احتیاط واجب، نباید خراب کنند.»<sup>(۴)</sup>

۱. عروة الوثقی، مسئله ۴، ص ۸۵.

۲. همان، مسئله ۴، ص ۸۵.

۳. همان، مسئله ۴، ص ۸۵.

۴. همان، مسئله ۹، ص ۸۶-۸۷.

## احکام مسجد

سؤال ۷ - آیا معامله کردن و صنعتگری

در مساجد جایز است؟

در منابع دینی، از معامله و خرید و فروش در مساجد نهی شده است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «جَنَّبُوا مَسَاجِدَكُمْ الْبَيْعَ وَالشِّرَاءَ»<sup>(۱)</sup> مساجد خویش را محل خرید و فروش قرار ندهید.

برخی از فقها، از جمله صاحب جواهر در توضیح این دسته از روایات می‌فرماید: انجام خرید و فروش و سایر عقود معاوضی،<sup>(۲)</sup> که در آنها نقل و انتقال انجام می‌گیرد، در مسجد مکروه است. ولی آن دسته از عقود و ایقاعاتی<sup>(۳)</sup> که صرفاً جنبهٔ قربی و عبادی دارند مثل برگزاری عقد ازدواج

۱. تهذیب الأحکام، ج ۳، ص ۲۴۹.

۲. «عقود معاوضی» عقودی هستند که در آنها دادوستد وجود دارد و محتوای آن دریافت چیزی در مقابل چیز دیگر است.

۳. «ایقاع» آن دسته از حقوق است که یک طرفه می‌باشد و قبول در آن شرط نیست؛ مثل وقف.

و وقف کردن، نذر کردن و امثال این‌ها، انجامشان در مسجد بلامانع است.<sup>(۱)</sup> اما در ارتباط با صنعتگری و هر عمل دیگری که جنبه شغل و حرفه دارد، باید از انجام آن‌ها در مساجد خودداری شود و به‌طور کلی، هر عملی که باعث غفلت و جلب توجه انسان به غیر خداوند شود، انجام آن در مسجد صحیح نیست. شیخ صدوق رحمته الله علیه می‌نویسد: رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در مسجد، به مردی که تیرهای خود را می‌تراشید برخورد نمودند، وی را از این کار منع کرده، فرمودند مسجد را برای این‌گونه کارها نساخته‌اند.<sup>(۲)</sup>

در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام نقل شده که امام علی علیه السلام با این‌گونه افراد برخورد می‌کردند: «انّ أمير المؤمنين علیه السلام رأى قاصّاً في المسجد فصرّبه بالدرّة و طرّده»؛<sup>(۳)</sup> امام علیه السلام آرایشگری را که در مسجد مشغول آرایشگری بود مشاهده نمودند، وی را با تازیانه زدند و از مسجد بیرون کردند. روشن است که در شرایط کنونی، شاید انجام این کارها در مسجد حتی به ذهن کسی هم خطور نکند، ولی مصادیق دیگری می‌توان یافت که گاهی مشاهده می‌شود افراد از انجام آن‌ها در مسجد ابایی ندارند؛ از قبیل بازی شطرنج، منچ، جورچین و مانند آن. همان‌گونه که بیان شد، بنابر روایات مزبور، انجام هر عملی که باعث غفلت از خداوند متعال شود، در مسجد جایز نیست.

۱. جواهرالکلام، ج ۱۴، ص ۱۱۵.

۲. علل الشرائع، ج ۲، ص ۳۱۹.

۳. اصول کافی، ج ۷، ص ۲۶۳.

در پایان پاسخ به این سؤال، ذکر استفتائی از مقام معظم رهبری کمک شایانی خواهد کرد:

سؤال: آیا نمایش فیلم‌های سینمایی که توسط وزارت ارشاد اسلامی ایران توزیع می‌شود، در مسجد برای شرکت‌کنندگان در جلسات قرآنی، اشکال شرعی دارد یا خیر؟

جواب: «تبدیل مسجد به مکانی برای نمایش فیلم‌های سینمایی جایز نیست، ولی نمایش فیلم‌های مذهبی و انقلابی دارای محتوای مفید و آموزنده به مناسبت خاصی و برحسب نیاز و تحت نظارت امام جماعت مسجد اشکال ندارد.»<sup>(۱)</sup>

**سؤال ۸ - آیا تغییر و تبدیل مسجد به کتابخانه، کوچه،  
خیابان و مانند آن جایز است؟**

خرید و فروش مسجد و اسباب و وسایل آن حرام است. هرگونه تغییر و تبدیلی در مسجد نیز حرام است. تنها در موارد خاصی که در ضمن استفتائات به آنها اشاره خواهد شد. تغییر و تبدیل به سبب رعایت مصالحی که قابل چشم پوشی نباشد، به اجازه حاکم و ولی فقیه بدون اشکال است.

صاحب جواهر می نویسد: حکم - حرمت تبدیل مسجد به چیز دیگر - قطعی است و تفاوتی ندارد که بخشی از یک مسجد را تبدیل کنند و تغییر دهند یا همه مسجد را، به اینکه جاده و یا ملک دیگری قرار دهند، به صورتی که آثار مسجد بودن از آنجا بکلی محو گردد، یا از حیث اینکه محل عبادت است نتوان در آنجا عبادت کرد. سپس در مقام تعلیل این مطلب، اضافه می کند: انجام این گونه اعمال تخریب مسجد و تبدیل آن، منافات دارد با عبادت که مسجد مخصوص این کار ساخته شده است.<sup>(۱)</sup> البته ایشان مثل برخی دیگر از

۱. جواهرالکلام، ج ۱۴، ص ۹۵.



فقها، قایل است به اینکه حاکم اسلامی در این موارد می تواند از اختیارات خاص خود استفاده کند.

در اینکه آیا جایز است مسجد را به قصد تغییر نقشه آن تخریب کنند، دو نظر وجود دارد. اقوا آن است که در صورت وجود مصلحت برای این کار و یا وجود مفسده ای در نقشه قبلی، این کار جایز است و رضایت واقف در این زمینه هیچ گونه مداخلیتی ندارد؛ چون مسجد با وقف از اختیار واقف خارج شده و به خداوند متعال واگذار گردیده است. بنابراین، ولی خدا (امام معصوم علیه السلام) در زمان غیبت حاکم اسلامی می تواند هرگونه که صلاح بداند در آن تصرف کند.<sup>(۱)</sup>

حضرت امام خمینی، بنیانگذار کبیر انقلاب علیه السلام، می فرماید: «حکومت، که شعبه ای از ولایت مطلقه رسول الله صلی الله علیه و آله است، یکی از احکام اولیه اسلام است، و مقدم بر تمام احکام فرعیه، حتی نماز و روزه و حج، است. حاکم می تواند مسجد یا منزلی را که در مسیر خیابان است، خراب کند و پول منزل را به صاحبش رد کند. حاکم می تواند در موقع لزوم، تعطیل کند و مسجدی که ضرار باشد، در صورتی که رفع بدون تخریب نشود، خراب کند.»<sup>(۲)</sup>

سؤال: در مسیر توسعه خیابانی، چند مسجد قرار گرفته اند که برخی از آنها تماماً و برخی قسمتی به جهت سهولت در رفت و آمد وسایل نقلیه،

۱. همان، ص ۸۳.

۲. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۴۵۲ (۱۶ دی ۱۳۶۶).

باید تخریب شود. نظر شما چیست؟

جواب: «خراب کردن همه مسجد یا بعضی از آن جایز نیست، مگر به خاطر وجود مصلحتی که نمی توان از آن چشم پوشی کرد.»<sup>(۱)</sup>

سؤال: مسجدی که از آن استفاده جماعت نمی شود و به ندرت کسی یا کسانی در آن نماز می خوانند، آیا می توان از آن برای مدتی به عنوان فروشگاه تعاونی استفاده نمود؟

جواب: «تبدیل مسجد به فروشگاه جایز نیست.»<sup>(۲)</sup>

سؤال: مسجدی است که زیرزمینی دارد، که متروکه است. جمعی از افراد خیر تصمیم دارند با کسب اجازه از مرجع عالی قدر، امام خمینی علیه السلام این زیرزمین را تبدیل به صندوق قرض الحسنه عام النفعه نمایند. آیا امام اجازه می دهند یا خیر؟

جواب: «جایز نیست.»<sup>(۳)</sup>

سؤال: آیا در پشت بام مسجد، غیر از ساختمان برای مسجد می توان ساختمان دیگری بنا نمود؛ مثلاً، ساختن اتاق برای بسیج و غیره؟

جواب: «جایز نیست.»<sup>(۴)</sup>

۱. أجوبة الأسئلة، ج ۱، ص ۱۲۴، س ۴۱۴.

۲. استفتانات، ج ۲، ص ۳۶۶، س ۷۸.

۳. همان، س ۵۵، ص ۳۵۷.

۴. همان، س ۵۶.

سؤال: اگر مسجدی که از قرن‌ها پیش محل عبادت و مسجد مسلمین بوده خراب، یا به وسیله عمال حکومت گذشته تخریب شده باشد، آیا می‌توان در محل آن، ساختمان دیگری برای سکنا و یا با عناوین مذهبی دیگر مثل حسینیه، تکیه و غیره ساخت؟ یا باید آن را به حالت اول و به صورت مسجد درآورد و برای سکنة محل، که مسجدی هم ندارند، به صورت سنگر دینی و عبادتگاه الهی قرار داد؟

جواب: «تبدیل مسجد به غیر آن جایز نیست.»<sup>(۱)</sup>

سؤال: ما یک حسینیه داریم که تقریباً خراب شده و مکانش هم جای خوبی نیست. آیا می‌شود آن را بفروشیم و کنار مسجد یک زمینی است حسینیه‌ای از نو بسازیم؟ و اگر می‌شود چون وصل مسجد است یک متر هم از حیاط مسجد داخل حسینیه قرار بگیرد تا بتوانیم در عزاداری امام حسین علیه السلام حسینیه خوبی داشته باشیم؟

جواب: «فروش حسینیه و همچنین جزء حسینیه قرار دادن مسجد جایز نیست.»<sup>(۲)</sup>

سؤال: شخص خیری در جنب مسجد، زمینی به نیت حسینیه در اختیار مؤمنین قرار داده است. بعداً امنای مسجد آن زمین را با اجازه صاحب آن، جزء مسجد قرار داده‌اند؛ آیا احکام مسجد بر آن جاری است یا خیر؟

۱. همان، ص ۳۶۵، س ۷۷.

۲. استفتائات، ج ۲، ص ۳۷۱، س ۹۳.

جواب: «اگر وقف حسینه تمام شده ولو به این نحو که به قصد حسینه تحویل داده باشد، مسجد نمی‌شود و احکام مسجد بر آن جاری نیست.»<sup>(۱)</sup>

سؤال: مسجدی حدود بیست سال قبل ساخته شده است و به نام مبارک «صاحب‌الزمان علیه‌السلام» نام‌گذاری شده و معلوم نیست که این نام در صیغه وقف هم ذکر شده یا نه، حکم تغییر نام این مسجد از «صاحب‌الزمان» به «مسجد جامع» چیست؟

جواب: «مجرد تغییر نام مسجد مانعی ندارد.»<sup>(۲)</sup>

۱. همان، ص ۳۶۴، س ۷۴.

۲. أجوبة الاستفتاءات، ج ۱، ص ۱۲۵، س ۴۱۹.

### سؤال ۹ - تخریب مسجد در چه صورت جایز است؟

از روایات وارده از معصومان علیهم السلام استفاده می‌شود که مسلمانان از ابتدا، حتی الامکان باید مسجد را وسیع بسازند تا در آینده مجبور نشوند مسجد را به خاطر توسعه، تخریب کنند. در سنن بیهقی آمده است: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَرَّ بِقَوْمٍ قَدْ أَشْؤُوا مَسْجِدًا لِيَبْنُوهُ، فَقَالَ: أَوْسَعُوهُ تَمْلَأُوهُ. قَالَ: فَأَوْسَعُوهُ»<sup>(۱)</sup> رسول خدا بر جمعی که تازه مشغول بنای مسجدی بودند، عبور کردند، فرمودند: مسجد را وسیع بسازید تا شما را جای دهد. آنان به فرمان پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مسجد را وسیع ساختند.

با این وجود، توسعه بنای مسجد پس از ساخته شدن نیز مانعی ندارد و از مصادیق «عمارت مسجد» به شمار می‌آید. ممکن است سؤال شود: آیا خراب کردن مسجد تازه ساخت و آباد هم جایز است یا خیر؟ در خراب کردن مسجد آباد بین فقها اختلاف است. برخی از فقها در این صورت، قایل به توقّف شده‌اند؛ به دلیل اینکه قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ

۱. السنن الکبری، ج ۲، ص ۴۳۹.

أَنْ يُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَا»<sup>(۱)</sup> و چه کسی ظالم تر است از آنکه مانع ذکر خدا در مساجد می‌شود و در جهت خرابی آن تلاش می‌کند؟ این دسته از فقها با استناد به آیه شریفه، می‌گویند: ممکن است بر تخریب مسجد تازه ساخت و مستحکم و قابل استفاده عنوان «تخریب» صدق کند.

ولی برخی دیگر از فقها از جمله صاحب جواهر تخریب مساجد را به قصد توسعه و تغییر نقشه در صورتی که به صلاح مسجد باشد، جایز شمرده‌اند.<sup>(۲)</sup> حضرت امام خمینی علیه السلام می‌نویسد: «ساختن مسجد و تعمیر مسجدی که نزدیک به خرابی می‌باشد، مستحب است و اگر مسجد طوری خراب شود که تعمیر آن ممکن نباشد، می‌تواند آن را خراب کنند و دوباره بسازند، بلکه می‌توانند مسجدی را که خراب نشده برای احتیاج مردم خراب کنند و بزرگ‌تر بسازند.»<sup>(۳)</sup>

**سؤال:** اهالی یکی از روستاها در نظر دارند مسجد محقری که تکافوی اهالی محل را نمی‌نماید تخریب کنند و مجدداً مسجد مناسبی در همان محل بسازند. با توجه به اینکه برای توسعه مسجد مزبور، تنها راه، تخریب آن است، لذا خواهشمند است تکلیف شرعی را اعلام فرمایید؟

**جواب:** «خراب کردن به منظور توسعه، در صورت احتیاج مردم اشکال

۱. بقره: ۱۱۴.

۲. رک: جواهر الکلام، ج ۱۴، ص ۸۳.

۳. رساله توضیح المسائل، مسئله ۹۱۱.

ندارد.»<sup>(۱)</sup>

البته باید توجه نمود که پس از تخریب، نباید از اجزا و آلات مسجد خراب شده در جاهایی که در معرض نجس شدن است استفاده نمود.  
سؤال: مسجدی قدیمی که غیرقابل استفاده بود، تخریب و نوسازی شده، مقداری از سنگ‌های شبستان باقی مانده. آیا استفاده از آن سنگ‌ها جهت توالت و دست‌شویی جایز است یا خیر؟ زیرا سنگ‌های اضافی از اصل ساختمان و شبستان مسجد می‌باشد؟

جواب: «در فرض سؤال، اگر مسجد دیگری در محل یا غیر آن باشد که نیاز به سنگ داشته باشد، صرف آن شود و چنانچه مسجد دیگری نباشد سنگ‌ها را بفرشید و پول آن را صرف خود مسجد کنید و صرف آن در توالت و دست‌شویی صحیح نیست.»<sup>(۲)</sup>

سؤال: مسجدی است که محراب بعضی از جاهای دیگر آن، احتیاج به تعمیر و ترمیم دارد، اجازه می‌فرمایید آن را درست کنند یا نه؟  
جواب: «اگر مسجد در معرض انهدام یا محتاج به توسعه باشد، توسعه و یا تخریب و تبدیل آن جایز است.»<sup>(۳)</sup>

در پاسخ به استفتای دیگری در همین زمینه می‌خوانیم: «در صورتی که

۱. استفتائات، ج ۲، ص ۳۶۸، س ۸۴.

۲. مجمع المسائل، ج ۱، ص ۱۴۶، س ۷۳.

۳. همان، ج ۱، ص ۱۴۹، (بخشی از سؤال ۸۶).

توسعه مسجد، محل حاجت باشد، تخریب و نوسازی آن جهت توسعه مانع ندارد.»<sup>(۱)</sup>

بنابراین، هرگونه تعمیر و بازسازی و تخریب مسجد در صورت احتیاج، جایز است و در غیر این موارد، مصداق آیه شریفه (۱۱۴ سوره بقره) خواهد بود و تخریب جایز نیست.

---

۱. همان، ص ۱۴۶، س ۷۵.



### سؤال ۱۰ - آیا جُنُب و حائض می‌توانند به مسجد بروند؟

از دیگر موارد رعایت حرمت و احترام مسجد، این است که شخص جُنُب و زنانی که دوران قاعدگی و یا ایام نفاس خود را می‌گذرانند، باید از داخل شدن به مسجد اجتناب کنند؛ زیرا این‌ها نوعی آلودگی معنوی به حساب می‌آیند. از این رو، توقف و درنگ کردن در مسجد بر جُنُب و حائض و نفساء حرام است. ولی اگر مسجدی دارای دو در باشد، افراد می‌توانند از یک در داخل و از دیگری خارج شوند - البته به استثنای مسجدالحرام و مسجدالنبی که افراد از چنین حقی برخوردار نیستند - و اگر در این دو مسجد انسان بخوابد و جنب شود یا زن حائض شود باید بلافاصله پس از فهمیدن، تیمم بدل از غسل نماید و از مسجد خارج شود. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرُبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ وَلَا جُنُبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّى تَغْتَسِلُوا﴾<sup>(۱)</sup> ای اهل ایمان، در حال مستی به نماز نزدیک نشوید تا اینکه بدانید

۱. نساء: ۴۳.

چه می‌گویید و در حال جنابت نیز تا آن‌گاه که غسل نکرده‌اید به نماز نزدیک نشوید، مگر اینکه بدون نشستن عبور کنید.

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، معنای ظاهری آیه ارتباطی با مسجد ندارد، اما روایتی که در ذیل آیه شریفه نقل شده است، این ارتباط را روشن می‌کند: امام باقر علیه السلام در ذیل آیه فوق می‌فرماید: «أَنَّ مَعْنَاهُ لَا تَقْرُبُوا مَوَاضِعَ الصَّلَاةِ مِنَ الْمَسَاجِدِ وَأَنْتُمْ مُجْتَازِينَ»؛<sup>(۱)</sup> معنای آیه شریفه این است که در حال جنابت به جایگاه‌های نماز در مساجد داخل نشوید، مگر این که بدون توقف، تنها از آن محل عبور کنید.

در روایتی نظیر همین، که صاحب تفسیر عیاشی نقل می‌کند، زراره می‌گوید: از امام باقر علیه السلام پرسیدم: آیا حائض و جنب می‌توانند داخل مسجد شوند؟ حضرت در جواب فرمودند: «لَا يَدْخُلَانِ الْمَسْجِدَ إِلَّا مُجْتَازِينَ إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ: ﴿وَلَا جُنْبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّى تَغْتَسِلُوا﴾»؛<sup>(۲)</sup> حائض و جنب نمی‌توانند داخل مسجد شوند، مگر به نحو عبور کردن (از دری داخل و از در دیگر بدون توقف خارج شوند). خداوند متعال می‌فرماید: و در حال جنابت، نزدیک نماز نشوید، مگر در حال عبور، تا اینکه غسل کنید.

همان‌گونه که اشاره کردیم، جنب و حائض حق عبور از دو مسجد مسجدا الحرام و مسجد النبی را ندارند. جمیل بن ذجاج می‌گوید: از امام صادق علیه السلام

۱. مجمع البیان، ج ۳، ص ۸۱.

۲. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۴۳.

سؤال کردم: آیا جنب می‌تواند در مسجد توقّف نماید؟ امام فرمودند: «لا ولكن يُمْرُ فيها كُلُّها إِلَّا المسجدَ الحرامَ و مسجدَ الرسولِ»؛<sup>(۱)</sup> خیر، ولی می‌تواند از مساجد عبور کند، مگر در مورد مسجد الحرام و مسجد پیامبر که حق عبور هم ندارد.

جنب و زن حائض یا نفساء نباید به مسجد الحرام و مسجد النبی وارد شوند، هرچند از یک در داخل و از در دیگر خارج شوند؛ یعنی حتی عبور از این مساجد هم برای چنین افرادی جایز نیست. توقّف جنب و حائض و نفساء در مسجد - هر مسجدی که باشد - حرام است. همچنین قرار دادن و گذاشتن چیزی در مسجد حرام است، هرچند از بیرون مسجد یا در حال عبور از آن بگذارند.<sup>(۲)</sup>

عبدالله بن سنان می‌گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: آیا جنب و حائض می‌توانند چیزی از مسجد بردارند؟ فرمودند: «نعم، ولكن لا يضعان في المسجد شيئاً»؛<sup>(۳)</sup> آری، ولی نمی‌توانند چیزی در مسجد بگذارند.

سؤال: شخص جنب برای شغلی، مانند بنایی و نقاشی داخل مسجد می‌شود، اجرتی که می‌گیرد چه صورت دارد؟

جواب: «نظر به اینکه توقّف جنب در مسجد حرام است، نقاشی یا بنایی

۱. اصول کافی، ج ۳، ص ۵۰، ح ۴، باب «الجنب يأكل و يشرب».

۲. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۸، باب «القول فی أحكام الجنب».

۳. اصول کافی، ج ۳، ص ۵۱، ح ۸، باب «الجنب يأكل و يشرب».

جنب در مسجد، که مستلزم توقف است، نیز حرام است و بنابراین، مزد او حرام است؛ به دلیل اینکه «إِنَّ اللَّهَ إِذَا حَرَّمَ شَيْئًا حَرَّمَ ثَمَنَهُ»؛ زمانی که خداوند چیزی یا کاری را حرام می‌کند، أجر و مزد گرفتن بر آن را هم حرام می‌کند. چون توقّف حرام است، پس اجرت و مزدی که با توقّف و انجام کار به دست آید، حرام است. همچنین استیجار جنب برای بنایی یا نقاشی مسجد، باطل است.<sup>(۱)</sup>

در حرمت ورود به مسجد، تفاوتی بین مسجد خراب و آباد نیست. اگر مسجدی خراب شود و هیچ کس در آن نماز هم نخواند در صورت نجاست، تطهیر آن واجب است.<sup>(۲)</sup> وجوب تطهیر مسجد خراب به این دلیل است که زمانی که مکانی برای مسجد وقف می‌شود، از روز وقف و بعد از اینکه یک نفر در آنجا نماز بخواند، تمام احکام مسجد بر آن مترتب می‌شود.

۱. مجمع الوسائل، ج ۱، ص ۱۵۷، س ۱۱۶.

۲. عروة الوثقی، ج ۱، ص ۸۷، مسئله ۱۰؛ تحریر الوسیله: ج ۱، ص ۱۲۰.

### سؤال ۱۱ - در چه صورتی جُنب حق ورود و توقف در مسجد را دارد؟

اگر شخص جنب متوجه شود مسجد به نجاست آلوده شده است، چنانچه بتواند بدون توقف کردن در مسجد و در حال عبور، نجاست را برطرف کند، باید فوراً اقدام به تطهیر مسجد نماید، ولی اگر تطهیر مسجد بدون مکث و توقف ممکن نباشد، باید ابتدا غسل کند و سپس اقدام به تطهیر مسجد نماید و غسل را حتی الامکان باید بدون تأخیر انجام دهد. ولی اگر تطهیر مسجد جز به اینکه با حالت جنابت داخل مسجد شود ممکن نباشد و شخص دیگری هم نباشد که عهده دار تطهیر مسجد شود، جایز، بلکه واجب است داخل شود و بدون غسل، مسجد را تطهیر نماید. همچنین اگر تأخیر انداختن تطهیر به بعد از غسل باعث هتک حرمت مسجد باشد، باید سریعاً و بدون غسل اقدام به تطهیر مسجد کند.<sup>(۱)</sup>

اگر کسی جنب باشد و آبی که باید با آن غسل نماید در مسجد باشد

۱. عروة الوثقی، ص ۸۷-۸۸، مسئله ۱۴.

(آب دیگری در دسترس نباشد) و به دست آوردن آب جز از راه داخل شدن به مسجد ممکن نباشد، باید تیمم کند و برای برداشتن آب یا غسل به مسجد داخل شود. این تیمم پس از پیدا کردن آب بی‌درنگ نقض نمی‌شود، بلکه تا برداشتن آب و خروج از مسجد یا غسل کردن در مسجد باقی است (البته غسل کردنی که موجب نجاست و هتک حرمت مسجد نشود). باید توجه داشت که با این تیمم، فقط ورود به مسجد و توقف در آن به مقدار نیاز مباح می‌شود و انجام دادن سایر امور (مثل تلاوت قرآن و مانند آن) محل اشکال است.<sup>(۱)</sup>

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، (القول فی أحكام الجنب)، ص ۳۹، مسئله ۲.

**سؤال ۱۲ - آیا می‌توان از زکات برای ساخت مسجد استفاده کرد؟**

«یکی از موارد هشتگانه مصرف زکات "سبیل الله" است؛ یعنی کاری که مانند ساختن مسجد منفعت عمومی دینی دارد، یا مثل ساختن پل و اصلاح راه که نفعش به عموم مسلمانان می‌رسد و آنچه برای اسلام نفع داشته باشد به هر نحو که باشد.»<sup>(۱)</sup>

**سؤال:** در صورت وجود فقرای زکات، تا چه مقدار زکات مال خود را بدون رعایت اصناف مستحقین، می‌تواند صرف در ساختمان مسجد در محل نماید؟

**جواب:** «با بودن فقرا، تمام زکات را هم می‌تواند صرف مسجد کند، لیکن بهتر آن است که مقداری به فقرا بدهد و مقداری صرف مسجد نماید.»<sup>(۲)</sup>

۱. توضیح المسائل، مسئله ۱۹۲۵.

۲. مجمع المسائل، ج ۱، ص ۱۴۷، س ۷۷.

**سؤال ۱۳ - تغییر نام مسجد چه حکمی دارد؟**

صرف تغییر نام مسجد مانعی ندارد<sup>(۱)</sup> و باعث نمی شود که مکان مزبور از مسجد بودن خارج شده یا احکام مسجد بر آن مترتب نباشد.

---

۱ . استفتائات، ج ۲، ص ۳۶۴، س ۷۵ و ۷۴.



سؤال ۱۴ - آیا می‌توان خمس را در ساختن مسجد  
مصرف کرد؟

«خمس را باید دو قسمت کنند: یک قسمت آن سهم سادات است که امر آن با حاکم است و باید آن را به مجتهد جامع الشرائط تسلیم کنند و یا با اذن (اجازه) او به سید فقیر، یا سید یتیم یا سیدی که در سفر درمانده شده بدهند، و نصف دیگر آن سهم امام علیه السلام است که در این زمان (غیبت امام عصر - عج -) باید به مجتهد جامع الشرائط بدهند یا به معرفی که او اجازه می‌دهد، برسانند.»<sup>(۱)</sup>  
بنابراین، بدون اجازه مجتهد نمی‌توان برای مسجد خرج کرد و اگر کسی خرج کند، کفایت از خمس نمی‌کند.

۱. همان، مسئله ۱۸۳۴.

سؤال ۱۵ - بردن شیء نجس به مسجد چه حکمی دارد؟

«بردن عین نجس به مسجد، مانند خون و چیزی که نجس شده - مثلاً، لباس نجس - اگر بی احترامی به مسجد باشد، حرام است.»<sup>(۱)</sup>

سؤال ۱۶ - آیا زن مستحاضه می تواند به مسجد

برود؟

«اقوا آن است که توقّف زن مستحاضه در همه مساجد و همچنین داخل شدن به مسجد الحرام و مسجد النبی جایز است. ولی چنانچه بدون غسل وارد شود، احوط آن است که از اقامه نماز خودداری کند.»<sup>(۱)</sup>

---

۱ . ر.ک: تحریر الوسیله، ج ۱: ص ۶۰، مسئله ۸ از فصل «فی الاستحاضة».

**سؤال ۱۷ - استفاده از وضوخانه مسجد برای امور  
عبادی خارج از مسجد چه حکمی دارد؟**

«کسی که نمی‌خواهد در مسجدی نماز بخواند، اگر نداند حوض یا وضوخانه آن را برای همه مردم وقف کرده‌اند یا برای کسانی که در آنجا نماز می‌خوانند، نمی‌تواند از حوض یا وضوخانه آن مسجد وضو بگیرد. ولی اگر معمولاً کسانی هم که نمی‌خواهند در آنجا نماز بخوانند وضو می‌گیرند، می‌تواند در آنجا وضو بگیرد.»<sup>(۱)</sup>

**سؤال:** آیا استفاده شخصی - آن هم به مقدار کم - از آب مخصوص وضو در مساجد، - مثلاً، مغازه‌داران محل برای نوشیدن یا درست کردن چای یا برای ماشین - با توجه به اینکه چنین مسجدی واقف مشخص ندارد که از اینکار منع کند، چه حکمی دارد؟

**جواب:** «اگر معلوم نباشد که آب، تنها وقف وضوی نمازگزاران است،

۱. توضیح المسائل، مسئله ۲۶۹.

و عرف مردم آن محل و رهگذران از مثل این آب استفاده می‌کنند، اشکال ندارد، هرچند احتیاط در این موارد مطلوب است؛<sup>(۱)</sup> یعنی بهتر است پرهیز کنند و استفاده نمایند.

---

۱. أجوبة الأسئلة، ج ۱، ص ۱۲۴، س ۴۱۵.

## اخلاص در مسجد

سؤال ۱۸ - نقش اخلاص در اعمال عبادی انسان،

بخصوص مسجد، تا چه حدی است؟

مساجد جایگاه عبادت و یاد خداوند بر روی زمین هستند. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا﴾؛<sup>(۱)</sup> مساجد از آن خدایند. پس در کنار خداوند، دیگری را نخوانید. در ارتباط با کلمه «مساجد» در آیه شریفه، چهار احتمال از سوی مفسران نقل شده که عبارتند از:

۱. مقصود اعضای هفتگانه‌ای است که انسان باید هنگام سجده آن‌ها را بر زمین بگذارد. این اعضا را خداوند آفریده است. پس دیگری را غیر از او پرستش نکنید. روایتی نیز بر تأیید این معنا ذکر شده است.<sup>(۲)</sup>
۲. مقصود از «مساجد» همه زمین است؛ به دلیل اینکه همه زمین مسجد و پرستشگاه است.

۱. جن: ۱۸.

۲. ر. ک: تفسیر القمی، ج ۲، ص ۳۹۰ / تفسیر عبّاشی، ج ۱، ص ۳۱۹.

۳. مقصود نماز است؛ زیرا «مسجد» به معنای «سجده» است و مراد از «سجده» تمامی نماز است. پس در نماز، غیر او را نخوانید.

۴. مراد از «مساجد» مکان عبادت مسلمانان است که همان مساجد می‌باشند و این معنا به ذهن هر خواننده‌ای نزدیک‌تر است و با معنای آیه مناسب‌تر؛ زیرا مساجد خانه‌های خداوند هستند و در این خانه‌ها کسی جز خداوند را پرستش نکنید. شاهد درستی این احتمال، روایتی است که در آن کلمه «مساجد» به مکان عبادت مسلمانان تفسیر شده است. امام صادق علیه السلام در حدیثی خطاب به یونس بن یعقوب می‌فرماید: «تدری یا یونس! لم عَظَمَ اللهُ حَقَّ الْمَسَاجِدِ وَ أَنْزَلَ هَذِهِ الْآيَةَ ﴿وَ أَنْ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا﴾»<sup>(۱)</sup> کانت اليهود و النَّصَارَى إِذَا دَخَلُوا كِنَائِسَهُمْ أَشْرَكُوا بِاللَّهِ تَعَالَى فَأَمَرَ اللَّهُ سَبْحَانَهُ نَبِيَّهُ أَنْ يُوحِّدَ اللَّهَ فِيهَا وَ يَعْبُدَهُ»؛<sup>(۱)</sup> ای یونس، آیا می‌دانی چرا خداوند حق مساجد را این‌گونه بزرگ داشته و فرموده است: مساجد از آن خدایند؛ پس در آن‌ها کسی را جز خدا عبادت نکنید؟ راز این سخن آن است که یهود و نصارا چون به عبادتگاه خویش وارد می‌شدند، در عبادت و پرستش شرک می‌ورزیدند. خداوند با این گفتار، به پیامبر خود فرمان داد تا در مساجد فقط خدای را بخواند و تنها او را پرستش کند. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، امام صادق علیه السلام «مساجد» در آیه شریفه را به مکان و جایگاه عبادت تفسیر کردند.

در آیه دیگری از قرآن کریم می‌خوانیم: ﴿وَ أَقِيمُوا وَجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ

۱. کنز الفوائد، ج ۱، ص ۱۴۹ - ۱۵۰.

مسجد و ادعوه مخلصین له الدین<sup>(۱)</sup> و توجه خویش را در هر مسجد به سوی او کنید و او را بخوانید، در حالی که دین خود را برای او خالص گردانده‌اید. در مورد کلمه «مسجد» در آیه شریفه، مباحثی همچون احتمالات گذشته مطرح شده‌اند. ولی در هر صورت، یکی از احتمالات همان مکان و جایگاه عبادت است و لازمه حضور و عبادت در این مکان، اخلاص و خواندن خدای یگانه است و لا غیر. نقش اخلاص در عبادات تا آن حد است که گاهی انسان‌های عابد را فاسق و فاسق را عابد می‌کند. در روایتی از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم: «دَخَلَ رَجُلَانِ الْمَسْجِدَ: أَحَدُهُمَا عَابِدٌ وَالْآخَرُ فَاسِقٌ فَخَرَجَا مِنَ الْمَسْجِدِ وَالْفَاسِقُ صَدِيقٌ وَالْعَابِدُ فَاسِقٌ وَ ذَلِكَ أَنَّهُ يَدْخُلُ الْعَابِدُ الْمَسْجِدَ مُدْلًا بِعِبَادَتِهِ يَدُلُّ بِهَا فَتَكُونُ فِكْرَتُهُ فِي ذَلِكَ وَ تَكُونُ فِكْرَةُ الْفَاسِقِ فِي التَّدْمِ عَلَيَّ فِسْقِهِ وَ يَسْتَعْفِرُ اللَّهَ - عَزَّ وَجَلَّ - مِمَّا صَنَعَ مِنَ الذَّنُوبِ»؛<sup>(۲)</sup> دو مرد به مسجد داخل شدند: یکی عابد و دیگری فاسق. هنگام خروج از مسجد، شخص فاسق صدیق گشته بود و شخص عابد فاسق؛ زیرا عابد با خودنمایی و برای نشان دادن عبادت خویش به دیگران به مسجد آمده بود و همواره در همین فکر به سر می‌برد، ولی فاسق در حال ندامت بر گناه خویش و طلب آمرزش از خداوند به خاطر گناهانش بود.

۱. اعراف: ۲۹.

۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۳۱۴، باب «العجب».



## اذان در مسجد

سؤال ۱۹- بلند کردن صدای اذان از مسجد جایز است

یا خیر؟

«اذان شعار اسلام است و ملازمه غالبی دارد با بیدار شدن همسایگان مسجد. ولی در صورت استلزام ضرر، احوط آن است که صدای آن را طوری تنظیم کنند که حتی الامکان موجب اضرار به همسایگان نشود.»<sup>(۱)</sup>

---

۱. حضرت آیه الله اراکلی رحمته الله علیه، جامع المسائل، ج ۱، ص ۹۷، س ۳۲۰.

## اعتکاف در مسجد

سؤال ۲۰ - اعتکاف چیست و چه رابطه‌ای با مسجد

دارد؟

«اعتکاف» در شرع مقدّس، عبارت است از: توقف و اقامت در مسجد به قصد عبادت و تقرّب جستن به خداوند متعال.<sup>(۱)</sup> مطالعه در سیره انبیا و پیامبران الهی علیهم‌السلام ما را راهنمون می‌سازد که آنان اوقاتی را به گسستن از خلق و ایجاد ارتباط خاص با خدای متعال صرف می‌کردند. پیامبر گرامی با همه عظمت و کمالاتی که دارند، خود را بی‌نیاز از این سنت الهی نمی‌دانستند. در روایات رسیده از اهل بیت علیهم‌السلام می‌خوانیم: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ إِذَا كَانَ الْعَشْرُ الْأَوَّلُ اعْتَكَفَ فِي الْمَسْجِدِ وَضُرِبَتْ لَهُ قُبَّةٌ مِنْ شَعْرٍ وَشَمَّرَ الْمِئْزَرَ وَطَوَى فِرَاشَهُ»<sup>(۲)</sup> امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در دهه آخر (ماه مبارک رمضان) در مسجد معتکف می‌شدند. برای آن حضرت خیمه‌ای که از مو بافته

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۰۴، خاتمه فی الاعتکاف.

۲. اصول کافی، ج ۴، ص ۱۷۵، باب «الاعتکاف».

شده بود، در مسجد برپا می‌شد. پیامبر کاملاً برای اعتکاف مهیا می‌شدند و بستر خویش را جمع می‌کردند.

در روایت دیگری می‌فرماید: «کانت بدر فی شهر رمضان ولم یعتکف رسول الله ﷺ. فلما أن کان من قابلٍ اعتکفَ عشرين: عشرًا لِعامه و عشرًا قضاءً لما فاتهُ»؛<sup>(۱)</sup> جنگ بدر در ماه رمضان انجام گرفت. به همین دلیل، رسول خدا موفق به اعتکاف نشدند. آن حضرت در ماه رمضان سال بعد، یک دهه را به عنوان همان سال اعتکاف کردند و یک دهه را نیز به عنوان قضای سال قبل.

همان‌گونه که مشاهده می‌کنیم، اهتمام به سنت اعتکاف نزد پیامبر گرامی تا آن حد بوده که در صورت امکان، اقدام به قضای آن می‌نموده‌اند. از این رو، در روایتی می‌فرمایند: «اعتکافُ عشرٍ فی شهرِ رمضانَ یعدُّ حجَّتینِ و عُمرتینِ»؛<sup>(۲)</sup> یک دهه اعتکاف در ماه رمضان معادل دو حج و دو عمره است؛ یعنی از نظر ثواب و پاداش، با آن‌ها برابری می‌کند. از این رو، اعتکاف از مستحباتی به شمار می‌آید که گاهی نیز به وسیله نذر و امثال این‌ها بر انسان واجب می‌شود و کمترین مدت آن سه روز و شرط الزامی آن روزه گرفتن در این سه روز است.

از تعریف «اعتکاف»، رابطه آن با مسجد نیز مشخص می‌گردد؛ زیرا از

۱. همان، حدیث دوم.

۲. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۸۸، باب «الاعتکاف»، ح ۲۱۰۱.

نظر مکان، اعتکاف محدودیت‌های خاص خود را دارد. نظریه معروف آن است که این مستحب باید در یکی از مساجد چهارگانه (مسجدالحرام، مسجدالنبی، مسجد کوفه و مسجد بصره) انجام گیرد. ولی گروهی از فقها انجام آن را در مساجد جامع هر شهر و منطقه به قصد رجا، به امید اینکه ان شاء الله مطلوب درگاه الهی است، جایز دانسته‌اند. مقصود از «مسجد جامع» در هر شهر و منطقه مساجدی است که مردم معمولاً در آن‌ها بیش از سایر مکان‌ها گرد هم می‌آیند و لزومی ندارد که حتماً نام آن «جامع» باشد.

کسی که اعتکاف می‌کند باید در تمام مدت، در مسجد حضور داشته باشد و تنها برای امور ضروری و به اندازه رفع ضرورت، از مسجد خارج شود و در صورت خروج، احتیاط آن است که در صورت امکان، زیر سایه بنشیند و بلکه اصلاً نباید بنشیند. فرد معتکف در تمام طول اعتکاف، باید از امور جنسی، خرید و فروش، جدال و کشمکش در امور دینی و دنیوی پرهیز کند، مگر آنکه برای اثبات حق و هدایت کسی از گم‌راهی و جهل باشد. تفصیل احکام و شرایط اعتکاف در کتب فقهی موجود است.<sup>(۱)</sup>

۱. ر.ک: تحریرالوسیله، ص ۳۰۴ الی ۳۱۰ / عروة الوثقی، ج ۲، کتاب «الاعتکاف»، ص ۲۴۶ - ۲۶۲.

## امام جماعت مسجد

سؤال ۲۱ - ویژگی‌های یک امام جماعت موفق

و شایسته کدام‌هایند؟

بدون شک، مسجد و نمازهای جمعه و جماعات از مهم‌ترین ابزارهای تبلیغ و ترویج دین و ابزار سیاسی یک حکومت دینی به شمار می‌آیند. از این رو، شخص یا اشخاصی که عهده‌دار امامت جماعت در نمازهای جمعه و جماعات در مساجد می‌گردند باید از شرایط لازم برخوردار باشند. در فقه شیعه، برای امام جماعت شرایطی ذکر شده که عبارتند از: ایمان، طهارت مولد، عقل، بلوغ، مرد بودن. ولی مهم‌تر از تمام این شروط، لزوم برخورداری امام جماعت از صفت «عدالت» است. «عدالت» حالتی روحی و نفسانی است که همراه با پرهیزگاری، انسان را از انجام گناهان کبیره، بلکه حتی از انجام گناهان صغیره نیز باز می‌دارد؛ زیرا اصرار بر گناهان صغیره، خود از جمله گناهان کبیره به شمار می‌آید. در مرتبه بعد، پرهیز امام جماعت از هرکاری است که حاکی از بی‌مبالاتی به دین باشد، همچنین از کارهایی که خلاف مروّت است و موجب می‌شود

شخصیت وی را در نگاه دیگران تحقیر کند.<sup>(۱)</sup>

امروزه با توجه به پیشرفت علوم در عرصه‌های گوناگون و بالا رفتن سطح آگاهی‌های عمومی، می‌توان گفت: از دیگر ویژگی‌های یک امام جماعت، برخورداری وی از مراتب علم و فضل و پارسایی است تا بتواند مخاطبان نمازگزار را از نظر فکری و معنوی تغذیه کند. در توضیح این ویژگی، باید گفت: که وجود این صفت لازم است، ولی کافی نیست؛ زیرا حاضران در مسجد مجموعه‌ای متنوع از جوانان و بزرگسالان، کودکان، زنان و مردان هستند. این امر ایجاب می‌کند که امام جماعت از مدیریت کافی در جهت هماهنگی کلیه نیروها، برای استفاده هرچه بیشتر از امکانات موجود برخوردار باشد. پیشوایان دینی ما بر مقبولیت امام جماعت و اینکه او مورد رضایت و پذیرش نمازگزاران باشد، تأکید فراوان نموده‌اند. این تأکیدها به حدی است که پیامبر گرامی می‌فرماید: «ثَمَانِيَةَ لَا يَقْبَلُ اللَّهُ لَهُمْ صَلَاةً...» و امام قومِ يُصَلِّيْ بِهِمْ وَ هُمْ لَهُ كَارِهُونَ...»<sup>(۲)</sup> هشت دسته‌اند که خداوند نمازی از آن‌ها را قبول نمی‌کند؛ یکی از این گروه‌های هشت‌گانه امام جماعتی است که نمازگزاران امامت او را خوش نمی‌دارند. این مسئله در دیگر روایات هم وارد شده است که به سبب اختصار، از ذکر آن‌ها خودداری می‌کنیم.

صفات دیگری از قبیل همنشینی با ضعفا و نیازمندان، تلاش بر رفع

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۷۴-۲۷۵.

۲. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۵۹، ح ۱۳۱.

مشکلات آنان، ساده‌زیستی و پرهیز از تجمل‌گرایی، برخورد خوب و مناسب، آگاهی از مبانی دینی مورد نیاز، آشنایی با علوم جدید و از جمله روان‌شناسی تربیتی، حرفه و شغل نداشتن امامت جماعت، نظم در اقامه نماز، انتخاب مطالب خوب و بدون تکرار در سخنرانی‌ها، پرهیز از اطاله نماز و سخنرانی و مواردی از این قبیل در تحقیقات میدانی انجام شده از جمله موفقیت‌های یک امام جماعت خوب و شایسته ذکر شده‌اند.<sup>(۱)</sup>

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ اِمَامًا فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ، وَلِيَكُنْ تَأْدِيَةً بِسِرْتِهِ قَبْلَ تَأْدِيَةِ بِلِسَانِهِ، وَ مُعَلِّمٌ نَفْسِهِ وَ مُؤَدِّبُهَا اَحَقُّ بِالْاِجْلَالِ مِنَ مُعَلِّمِ النَّاسِ وَ مُؤَدِّبِهِمْ»؛<sup>(۲)</sup> کسی که خود را رهبر مردم ساخته است، باید پیش از آنکه به تعلیم دیگران پردازد، خود را بسازد؛ و پیش از آنکه به گفتار تربیت‌کنند، با کردار تعلیم دهد؛ زیرا آن کس که خود را تعلیم دهد و ادب کند به تعظیم سزاوارتر است از آنکه دیگری را تعلیم دهد و ادب آموزد.

۱. ر.ک: کیهان، ش ۱۴۳۱۸، ۱۳۷۰/۸/۵.

۲. نهج البلاغه، کلمات قصار، ش ۷۳.

### سؤال ۲۲ - آیا مردم در قبال امام جماعت وظایفی دارند؟

در پاسخ به سؤال ویژگی‌های امام جماعت موفق، نکاتی ذکر شده، اما باید توجه داشت که ویژگی‌های مزبور فقط در ارتباط با امام جماعت موفق و الگو قابل تصور هستند. طبیعی است که نباید انتظار داشته باشیم هر امام جماعتی از تمامی شرایط یاد شده برخوردار باشد. این انتظار نابجا چه بسا مانع حضور انسان در نمازهای جماعت گردد و انسان را از این فیض عظیم محروم گرداند. تنها صفتی که تمامی ائمه جماعات باید دارای آن باشند تا بتوان پشت سر آنان اقامه نماز کرد داشتن «ملکه عدالت» است، به تفسیری که در پاسخ سؤال یاد شده به آن پرداختیم. از این رو، انسان باید انتظارات خود از ائمه جماعات را با توجه به شرایط و توانایی‌های موجود و ممکن، محدود نماید.

امام سجّاد علیه السلام در «رساله حقوق»، در باره حق امام جماعت بر مأمومان و لزوم تشکر و قدردانی از وی می‌فرماید: «أما حقُّ إمامك في صلاتك،



فَأَنْ تَعْلَمَ أَنَّهُ تَقَلَّدَ<sup>(۱)</sup> السَّفَارَةَ<sup>(۲)</sup> فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ رَبِّكَ - عَزَّوَجَلَّ - وَ تَكَلَّمَ  
عَنْكَ وَ لَمْ تَتَكَلَّمْ عَنْهُ، وَ دَعَا لَكَ وَ لَمْ تَدْعُ لَهُ، وَ كَفَاكَ هُوَ الْمَقَامَ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ  
- عَزَّوَجَلَّ - فَأَنْ كَانَ بِهِ نَقْصٌ كَانَ عَلَيْهِ دُونَكَ وَ إِنْ كَانَ تَمَامًا كُنْتَ شَرِيكُهُ،  
وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ عَلَيْكَ فَضْلٌ، فَوْقِي نَفْسِكَ بِنَفْسِهِ وَ صَلَاتِكَ بِصَلَاتِهِ فَتَشْكُرْ لَهُ  
عَلَى قَدْرِ ذَلِكَ»؛<sup>(۳)</sup> اما حق پیش نمازت بر تو این است که بدانی او مأموریت سیر  
به سوی پروردگارت را در نیایش بین تو و خدایت بر دوش می‌کشد، و در این  
مقام، از جانب تو سخن می‌گوید و تواز سوی او حرف نمی‌زنی، و او برای تو دعا  
می‌کند و تو برای او دعا نمی‌کنی، و او بیم و هراس ایستادن در برابر خدا را  
به عهده دارد و از جانب تو این کار را انجام می‌دهد. پس اگر عیبی در این کار  
پدید آید، متوجه اوست نه تو، و اگر تمام و کامل انجام شود، در این کمال،  
تو شریک او هستی، و او برتری و رجحانی بر تو ندارد، جان تو را با جان خود  
و نمازت را با نمازش حفظ می‌کند. پس باید به اندازه این کار، سپاسگزار  
وی باشی.

از سخنان امام چهارم، استفاده می‌شود که انسان باید همواره قدر دان

۱. القلادة: چیزی که در گردن قرار می‌گیرد؛ در مورد انسان و غیر آن به کار می‌رود.  
(تقلد یعنی: قلاده به گردن انداختن. منظور مسئولیت ارتباط بین خدا و نمازگزاران است).  
ر.ک: لسان العرب.

۲. السفارة؛ سفرت بین القوم یعنی: کشف کردم آنچه در قلب این است و آنچه را در قلب آن است  
تا بینشان اصلاح کنم؛ و سفیر رسول مصلح میان قوم است. ر.ک: لسان العرب.

۳. من لایحضره الفقیه، باب «الحقوق»، ج ۲، ص ۶۲۳.

امام جماعت خویش باشد؛ زیرا او با قبول مسئولیت، باری سنگین از سوی نمازگزاران بر دوش می‌کشد، علاوه بر آنکه حضرت، ائمهٔ جماعات را به مسئولیت خطیری که بر عهده دارند، توجه می‌دهد.

سؤال ۲۳ - آیا امام جماعت می تواند در دو مسجد  
اقامه جماعت کند؟

امام جماعت می تواند نمازی را که به جماعت خوانده، در صورتی که جماعت  
دوم و اشخاص آن غیر اول باشند، دوباره به جماعت بخواند.<sup>(۱)</sup> ولی بیش از  
دو مرتبه جایز نیست.

---

۱. توضیح المسائل، مسئله ۱۴۰۴ / استثنائات، ج ۱، ص ۲۸۰، س ۶۸۷.

### سؤال ۲۱۴ - آیا امامت غیرروحانی جایز است؟

«اگر دست‌رسی به روحانی نباشد، غیر روحانی با وجود سایر شرایط می‌تواند امامت نماید.»<sup>(۱)</sup>

سؤال: بعضی از برادران اهل علم با اینکه از معلومات بالایی برخوردار

هستند، ولی معمم نشده‌اند. آیا امامت جماعت برای آن‌ها جایز است؟

جواب: «چنانچه معمم وجود نداشته باشد، امامت غیرمعمم اشکال

ندارد؛ ولی با وجود معمم، خالی از اشکال نیست، مخصوصاً در مساجد،

و اگر امامت غیر معمم موجب هتک باشد، حرام [است] و جایز نیست.»<sup>(۲)</sup>

۱. استفتائات، ج ۱، ص ۲۸۶، س ۵۰۹.

۲. آیه‌الله فاضل لنکرانی، جامع المسائل، ج ۲، س ۳۲۵، ص ۱۵۳.

### سؤال ۲۵ - فاصله امام جماعت و مأمو مان

تا چه مقدار جایز است؟

«مأمو مان باید با امام جماعت مرتبط باشند و ارتباط آن‌ها یا بدون واسطه است که بین امام و مأمو م نباید بیش از یک گام فاصله باشد؛ یعنی از محل سجده مأمو م تا محل ایستادن امام، یا با واسطه سایر مأمو مان از جلو یا سمت راست یا چپ، باید این ارتباط برقرار باشد. بین نمازگزار و صف جلو با کسی که طرف راست یا چپ او قرار دارد بیش از یک گام فاصله نباشد.»<sup>(۱)</sup>

۱ . توضیح المسائل، مسئله ۱۴۳۵ و ۱۴۳۶ .

**سؤال ۲۶ - آیا می‌توان به امام جماعت در طبقات  
گوناگون اقتدا کرد؟**

«اگر جای مأوم بلندتر از امام باشد، در صورتی که بلندی آن به مقدار متعارف باشد اشکال ندارد؛ مثل آنکه امام در صحن مسجد و مأوم در پشت بام به نماز بایستد، ولی اگر مثل ساختمان‌های چند طبقه این زمان باشد، جماعت اشکال دارد.»<sup>(۱)</sup>

**سؤال:** مسجدی است در کراچی که در آن نماز جماعت برگزار می‌شود و دارای چهار طبقه است و طبقه همکف هم دارد. حالت نمازگزاران در طبقات به شرح زیر است:

الف. بعضی از نمازگزاران طبقه اول می‌توانند امام جماعت و بعضی از نمازگزاران طبقه همکف را ببینند.

ب. بعضی از نمازگزاران طبقه دوم و سوم می‌توانند بعضی از نمازگزاران طبقه همکف را ببینند، ولی امام جماعت را خیر.

۱. همان، مسئله ۱۴۱۶.

ج. طبقه چهارم نمی توانند هیچ کدام از نمازگزاران طبقه همکف و اول را ببینند؛ آن ها فقط می توانند بعضی از نمازگزاران طبقه دوم و سوم را ببینند. اضافه می کنم که در هر طبقه، صف های نمازگزاران برپاست و هیچ طبقه تماماً خالی نمی باشد و اتصال در هر طبقه با طبقه قبل حاصل است. آیا نماز جماعت در مسجد فوق صحیح است یا خیر؟

جواب: در صورتی که طبقات نسبت به یکدیگر علو فاحش [بلندی زیاد] نداشته باشد و کسی که در صف اول هر طبقه می ایستد از صف قبل از خودش در طبقه قبل ولو یک نفر را ببینند، نماز صحیح است.<sup>(۱)</sup>

۱. استفتائات، ج ۱، ص ۲۸۳، س ۴۹۷.

## اموات و مسجد

### سؤال ۲۷ - دفن اموات در مسجد چه حکمی دارد؟

یکی دیگر از احکام مسجد آن است که «دفن میت در مسجد، اگر ضرر به مسلمانان باشد یا مزاحم نمازشان باشد، جایز نیست، بلکه مطلقاً دفن میت در مسجد جایز نیست.»<sup>(۱)</sup> بیشتر علمای شیعه تعلیل خاصی ذکر نکرده و فقط حکم به عدم جواز داده‌اند.<sup>(۲)</sup> برخی همانند علامه حلی بر این مطلب تعلیلی هم ذکر کرده‌اند؛ ایشان در کتاب منتهی می‌فرماید: «لَا يَجُوزُ أَنْ يُدْفَنَ فِي شَيْءٍ مِنْ الْمَسَاجِدِ لِأَنَّهَا جُعِلَتْ لِلْعِبَادَةِ»<sup>(۳)</sup> جایز نیست میت را در جایی از مسجد دفن کنند؛ چون مساجد مخصوص عبادت می‌باشند و در کتاب نه‌ایه می‌فرماید: دفن میت در مسجد جایز نیست؛ «لِمَا فِيهِ مِنَ التَّضْيِيقِ عَلَى الْمُصَلِّينَ»<sup>(۴)</sup> زیرا

۱. توضیح المسائل، مسئله ۶۲۲.

۲. ر.ک: النهاية في مجرد الفقه و الفتاوى، ص ۱۱۱ / سرائر، ج ۱، ص ۲۸۰.

۳. منتهی المطب، ج ۱، ص ۳۸۹.

۴. نهاية الأحكام، ج ۱، ص ۳۵۹.



به نوعی، حق نمازگزاران تضييق می‌شود.

صاحب جواهر پس از اشاره به نقل اقوال و بررسی بعضی از اخبار و شواهد تاریخی، این‌گونه نتیجه‌گیری می‌کند: با دفن در مسجد، انسان شک می‌کند که آیا تکلیف و جوب دفن، از او ساقط شده است یا نه، بخصوص که در میان قایلان به حرمت دفن میّت در مسجد، کسانی یافت می‌شوند که تنها براساس مستندات قطعی فتوا می‌دهند، بلکه از حاشیه مرحوم صاحب وسائل بر یکی از نسخه‌های این کتاب ظاهر می‌شود که بر این حکم (حرمت دفن میّت در مسجد) اجماع وجود دارد و شاید واقعاً همچنین باشد و اجماع وجود داشته باشد؛ چون بسیاری از فقها، که متعرض این مسئله شده‌اند، تردیدی در آن نکرده‌اند، ضمن اینکه دفن در مسجد، معمولاً مستلزم تنجیس مسجد نیز هست. افزون بر این، دفن میّت در مسجد با ملاحظه اینکه نبش قبر حرام است، برخی انتفاعات از مسجد را در صورت لزوم توسعه مسجد دچار اشکال می‌کند. علاوه بر همه این امور، دفن میّت در مسجد، معمولاً با نفرت و کراهت نمازگزاران و یا کراهت نماز آنان همراه است که این خود نوعی ضرر به آنها به حساب می‌آید.<sup>(۱)</sup>

سؤال: آیا جایز است که وصیت کنم پس از مرگ، در مسجد محل، که در آن زحمت زیادی کشیده‌ام، مرا دفن کنند؛ چون بسیار دوست دارم در این مسجد دفن شوم، در حیاط مسجد یا شبستان؟

۱. جواهرالکلام، ج ۱۴، ص ۱۰۲-۱۰۳.

جواب: «اگر هنگام اجرای صیغۀ وقف، دفن میّت استثنا نشده باشد، دفن میّت در آن جایز نیست و وصیّت شما در این مورد اعتباری ندارد.»<sup>(۱)</sup>

سؤال: دوازده سال پیش در ایام زمستان، شخصی فوت نمود و به علت برف شدید، نتوانستند او را به قبرستان عمومی ببرند و ناآگاهانه متوفّا را در مسجد به خاک سپردند. آیا باید نبش قبر شود و در قبرستان عمومی دفن گردد یا خیر؟

جواب: در صورت مفروضه، اگرچه عمل حرامی انجام شده، ولی جواز نبش قبر بعد از گذشت دوازده سال معلوم نیست. اما آثار ظاهری قبر باید از بین برود.<sup>(۲)</sup>

۱ . أجوبة الأستفانات، ج ۱، ص ۱۲۵، س ۴۱۸.

۲ . مجمع المسائل، ج ۱، ص ۱۰۰، س ۷۲.

### سؤال ۲۸ - نماز گزاردن بر اموات در مسجد جایز

است یا خیر؟

به جای آوردن نماز میت در مساجد، بجز مسجدالحرام مکروه می‌باشد.<sup>(۱)</sup> مستند این حکم از سوی فقهای عظام روایاتی هستند که در آنها از بجا آوردن نماز میت در مسجد نهی شده است؛ از جمله: ابوبکر بن عیسی می‌گوید: «كُنْتُ فِي الْمَسْجِدِ وَقَدْ جِئْتُ بِجَنَازَةٍ فَأَرَدْتُ أَنْ أُصَلِّيَ عَلَيْهَا فَجَاءَ أَبُو الْحَسَنِ الْأَوَّلُ عليه السلام فَوَضَعَ مِرْفَقَهُ فِي صَدْرِي فَجَعَلَ يَدْفَعُنِي حَتَّى خَرَجَ مِنَ الْمَسْجِدِ، فَقَالَ: يَا أَبَا بَكْرٍ إِنَّ الْجَنَائِزَ لَا يُصَلِّيَ عَلَيْهَا فِي الْمَسَاجِدِ»<sup>(۲)</sup> در مسجد بودم که جنازه‌ای آوردند، خواستم بر آن نماز بگذارم، امام کاظم عليه السلام دست بر سینه من گذاشت تا اینکه مرا از مسجد بیرون کرد. آن‌گاه فرمود: ای ابابکر، در مسجد بر جنازه‌ها نماز گزارده نمی‌شود.

به دلیل آنکه روایت دیگری بر جواز نماز میت در مسجد وجود دارد، از این رو، فقها در جمع بین روایات حکم به کراهت داده‌اند.

۱. توضیح المسائل، مسئله ۶۱۲.

۲. اصول کافی، ج ۳، ص ۱۸۲.

## اموال مسجد

سؤال ۲۹ - آیا بیرون بردن ابزار و وسایل مسجد از مسجد جایز است؟

بیرون بردن هیچ‌یک از ابزار و وسایل مسجد جایز نیست. بنابر آنچه از روایات استفاده می‌شود، این حکم، حتی شامل سنگ‌ریزه‌های موجود در مسجد و حیاط مسجد هم می‌شود. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «اِذَا أُخْرِجَ أَحَدُكُمْ الْحِصَاةَ مِنَ الْمَسْجِدِ فَلْيَبْرُدْهَا فِي مَكَانِهَا أَوْ فِي مَسْجِدٍ آخَرَ فَإِنَّهَا تُسَبِّحُ»؛<sup>(۱)</sup> هرگاه کسی سنگ‌ریزه‌ای را از مسجد بیرون برد، باید آن را به جای خود و یا مسجد دیگری برگرداند؛ چون این سنگ‌ریزه هم خدای متعال را تسبیح می‌کند.

به دلیل آنکه مضمون روایت مزبور قدری عجیب به نظر می‌رسد، علمای شیعه در صدد توجیه و تفسیر آن برآمده‌اند؛ از جمله علامه مجلسی رحمته الله می‌نویسد: ممکن است تسبیح سنگ‌ریزه کنایه از این باشد که چون از اجزای مسجد است و مسجد جایگاه عبادت خداوند سبحان است و دلیل بر عظمت

۱. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۳۷-۲۳۸، ح ۷۱۷.

و جلال او، پس مسجد با تمامی اجزا و وجود خویش، خداوند متعال را از آنچه شایسته او نیست تنزیه و تقدیس می‌کند و احتمال دارد معنای حدیث این باشد که سنگ‌ریزه‌ها هم همان‌گونه که قرآن کریم می‌فرماید «همه اشیا خداوند را تسبیح و حمد می‌کنند»،<sup>(۱)</sup> خداوند متعال را ستایش کنند.

احتمال دیگری که به نظر می‌رسد این است که بیرون بردن هر سنگ‌ریزه‌ای از مسجد نامطلوب نیست؛ زیرا هنگام نظافت مسجد، خاک‌ها و سنگ‌های زاید و اضافی باید از مسجد دور ریخته شوند. از این رو، ممکن است روایت مزبور ناظر به آن دسته از مساجد صدر اسلام باشد که در برخی از آن‌ها، به جای فرش از سنگ‌ریزه استفاده می‌شد؛ یعنی بیرون بردن این سنگ‌ریزه‌ها در واقع، بیرون بردن فرش مساجد بوده است. به همین دلیل، ائمه اطهار علیهم‌السلام از این عمل نهی کرده‌اند.

روشن است که بیرون بردن ابزار و وسایل مسجد در صورت عادی حرام است و اگر کسی به همراه ببرد، باید فوراً برگرداند. به همین دلیل، حدیث مزبور و نهی حضرت در صورتی که اخراج این ابزار و وسایل به سبب هدف مطلوبی باشد، هیچ اشکالی ندارد. برای نمونه، اگر بلندگوی مسجد خراب شد و احتیاج به تعمیر پیدا کرد، خروج آن از مسجد برای تعمیر، نه تنها مانعی ندارد، بلکه مطلوب هم هست. یا خارج کردن وسایل مسجد به منظور نظافت، از جمله فرش‌های مسجد برای شستن، قطعاً شامل این‌گونه خروج‌ها نمی‌شود.

۱. ﴿إِنَّ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ﴾ (اسراء: ۴۴).

### سؤال ۳۰ - استفاده شخصی از اموال و امکانات

#### مسجد چه حکمی دارد؟

به طور کلی، هرگونه استفاده از بخش‌ها، امکانات و اموال مسجد برای اموری که مغایر با جهت مسجد است، جایز نیست. از این رو، استفاده برای مصارف شخصی هم مطلقاً جایز نیست؛ زیرا این کار غصب است، و غصب در ملک شخصی دیگران با غصب اموال و امکانات متعلق به مسجد هیچ تفاوتی ندارد. همچنین استفاده شخصی از درآمد موقوفات مسجد. ذکر چند استفتا در این باره، پاسخ سؤال را روشن‌تر خواهد کرد:

سؤال: آیا مهر مسجد را به مسجد دیگر می‌توان برد یا نه؟ مثلاً، اگر کسی مهر مسجد را ببرد و مدتی با آن نماز بخواند، چه در منزل و چه در مسجد دیگر، نماز او چه صورتی دارد؟

جواب: «جایز نیست و باید به جای اول برگرداند، مگر آنکه یقین کند که مخصوص آن مسجد نیست.»<sup>(۱)</sup>

۱. استفتائات، ج ۲، ص ۳۳۴، مسئله ۱.

سؤال: در مسجد، یک دستگاه بلندگو است که در موقع اذان و مجالس سوگواری از آن استفاده می‌شود. بعضی اوقات، کودکی یا پولی از اشخاص، مفقود می‌شود، از ما خواهش می‌کنند که به وسیله بلندگو به اهالی شهر ابلاغ نماییم، حکمش چیست؟

جواب: «اگر بلندگو را به خارج نبرند و پول برق آن را بدهند، اشکال ندارد».<sup>(۱)</sup>

سؤال: اگر در مسجد روضه برقرار باشد، آیا می‌توان برای ضبط شخصی از برق آن استفاده کرد؟

جواب: «جایز نیست، مگر آنکه پول برق مصرف شده را بدهند».<sup>(۲)</sup>

سؤال: این جانب خادم مسجدی هستم که مدت سی و دو سال در این مسجد برای رضای خدا خدمت می‌کنم و از کسی مزد و حقوق نگرفته و نمی‌گیرم. در حیاط این مسجد، مقداری درخت قلمه و درخت میوه غرس نمودم و بار آوردم، آیا جایز است از میوه و چوب آنها، خانواده این جانب استفاده کنند یا جایز نیست؟

جواب: «اگر درختان را از مال خودتان غرس کرده‌اید و وقف ننموده‌اید، میوه آن از خود شماست و می‌توانید استفاده کنید».<sup>(۳)</sup>

۱. مجمع المسائل، ج ۱، ص ۱۴۵، س ۷۰.

۲. آیه‌الله فاضل لنگرانی، جامع المسائل، ج ۱، ص ۹۶، س ۳۱۶.

۳. استفتائات، ج ۲، ص ۳۳۴، مسئله ۱.

سؤال: آیا جایز است لوازم مسجد، از قبیل: کولر، بلندگو و فرش جهت استفاده شخصی فاتحه و عروسی و یا استفاده پیش نماز مسجد از مسجد خارج شود؟

جواب: «تابع کیفیت وقف است. اگر برای استفاده در مسجد وقف شده، بیرون بردن از مسجد جایز نیست.»<sup>(۱)</sup>

سؤال: عده‌ای از افراد خیر پولی برای خریدن اجناسی که مورد احتیاج مسجد است می‌دهند و آن اجناس به نام مسجد خریداری می‌شود. آیا می‌توان از آن‌ها در خارج از مسجد برای کارهای خیر استفاده نمود؟

جواب: «اگر برای خصوص مسجد مزبور داده‌اند، در خصوص آن مسجد از آن استفاده شود.»<sup>(۲)</sup>

سؤال: مسجد را تعمیر کرده‌اند. گچ و خاک قدیمی آن راکنده و بیرون ریخته‌اند و قابل استفاده نیست. آیا جایز است که آن خاک‌ها را برای پرکردن صحن خانه یا اتاق ببرند یا نه؟

جواب: «اگر به هیچ وجه، حتی برای مسجد دیگر، مورد استفاده نیست و خریدار هم ندارد، جایز است.»<sup>(۳)</sup>

سؤال: قرآن‌هایی که در مسجد الحرام است، بر بعضی نوشته شده که

۱. همان، ص ۳۴۴، س ۲۵.

۲. همان، ص ۳۴۵، س ۲۸.

۳. مجمع المسائل، ج ۱، ص ۱۴۹، ص ۸۴.



وقف است، ولی بر بعضی دیگر نوشته نشده است. شایع است آن‌ها که کلمه «وقف» و یا عبارت دیگر، که مفهوم وقف بودن باشد ندارد، جایز است بردارند و چنین کاری احیاناً شده است، بفرمایید جایز است یا نه؟

جواب: «برداشتن آن‌ها بدون اینکه از متصدی ذی‌ربط بگیرند، جایز نیست و باید برگردانده شود.»<sup>(۱)</sup>

---

۱. مناسک محنتی، ص ۳۹۶ / استفتائات، مسائل متفرقه، س ۱۳۴۶.

### سؤال ۳۱ - خرید و فروش مسجد و ابزار و وسایل آن چه حکمی دارد؟

خرید و فروش مسجد و اسباب و وسایل مربوط به آن هرچند مسجد خراب شده باشد، جایز نیست و انجام هرگونه معامله‌ای در این باره باطل است. هنگامی که مکانی عنوان مقدّس «مسجد» پیدا کرد، احکام مسجد برای همیشه بر آن جاری خواهد بود. تنها در موارد خاص ممکن است ولیّ فقیه به خاطر رعایت مصلحت، حکم به خارج شدن محلی از مسجد بودن نماید. «اگر مسجد خراب هم شود، نمی‌توانند آن را بفروشند یا داخل ملک و جاده نمایند.»<sup>(۱)</sup>

فروختن در و پنجره و چیزهای دیگر مسجد حرام است و اگر مسجد خراب شود، باید این‌ها را صرف تعمیر همان مسجد کنند و چنانچه به درد آن مسجد نخورد، باید در مسجد دیگر مصرف شود، ولی اگر به درد مسجدهای دیگر هم نخورد، می‌توانند آن را بفروشند و پول آن را اگر ممکن است،

۱. توضیح المسائل، مسئله ۹۰۹.

صرف تعمیر همان مسجد، وگرنه صرف تعمیر مسجد دیگر کنند.<sup>(۱)</sup>

صاحب جواهر در مقام بیان دلیل بر «استعمال ابزار و سایر مخارج یک مسجد در دیگر مساجد» می‌فرماید: جواز استعمال در صورتی است که خود مسجد به آن ابزار نیازی نداشته باشد، یا ممکن نباشد که این ابزار و وسایل را در آن استفاده نمود؛ مثلاً، به دلیل مخروبه شدن. در این صورت، استعمال آن‌ها در سایر مساجد جایز است؛ اولاً، به خاطر اصل؛ یعنی اصل آن است که این عمل جایز است. ثانیاً، مساجد برای خدا هستند و آنچه برای خداست، براساس روایات رسیده، در اختیار ولیّ او (یعنی امام معصوم علیه السلام) و در عصر غیبت، در اختیار حاکم اسلامی) می‌باشد و او می‌تواند هرگونه که مصلحت است در آن‌ها تصرف کند. علاوه بر این‌ها، همه مساجد متعلق به خدا هستند. پس در حقیقت، همه مساجد مثل یک مسجد هستند. پس هیچ اشکالی ندارد که برخی را با برخی دیگر به خاطر وجود مصالح اصلاح کرد. گذشته از موارد مزبور، غرض از مساجد و ابزار و وسایلی که در آن‌ها قرار دارند، برپاداشتن شعائر دینی و انجام عبادت است و مساجد گوناگون از این نظر تفاوتی ندارند و این‌گونه اصلاحات از مصادیق احسان هستند؛ یعنی کارهایی که انسان یقین دارد واقف به انجام آن‌ها راضی می‌باشد، بخصوص زمانی که ترس تلف شدن این موقوفات باشد.<sup>(۲)</sup> ایشان در پایان بحث، اشاره می‌کند که فقها در این مسئله به همین شکل فتوا داده‌اند، بلکه بالاتر از آن، اجماع علماست که اختلافی در آن

۱. توضیح المسائل، مسئله ۹۱۰.

۲. جواهرالکلام، ج ۱۴، ص ۸۳-۸۴.

نیست. (۱)

بنابراین، اولی در ابزار و آلات مسجد، حرمت بیع و فروش آنهاست، ولی در صورت خوف از تلف شدن این ابزار و وسایل، یعنی وجود مصلحت، فروش جایز است و درآمد حاصل از آن نیز باید صرف همان مسجد و در صورت تعدّر، در مساجد دیگر صرف شود.

سؤال ۳۲ - آیا کتاب‌هایی را که وقف مسجد شده‌اند  
و مورد استفاده نیستند؛ می‌توان به کتابخانه دیگری  
منتقل کرد؟

«در صورتی که وقف آن مسجد باشند، نمی‌توان آن‌ها را به مکان دیگری انتقال  
داد.»<sup>(۱)</sup>

---

۱ . ر. ک: تحریر الوسیله، کتاب «الوقف».

سؤال ۳۳ - قرض دادن و یا صرف کردن پولی که متعلق به مسجد است و سپس جایگزین کردن آن با پول دیگر چه حکمی دارد؟

پولی که به عنوان امانت نزد هیأت امنای مسجد جمع شده است تا صرف مسجد شود، جایز نیست تصرفات دیگری در آن بنمایند؛ از قبیل قرض دادن. همچنین استفاده شخصی از اموال مسجد جایز نیست، مگر آنکه به اذن متولیان و مطابق وقف و به مصلحت مسجد باشد.

سؤال ۳۱۴ - هرگاه کسی سهواً به مسجد ضرر برساند  
ضامن است یا خیر؟

«اگر ضرر مالی به مسجد وارد کرده است ضامن است، هرچند عمدی باشد.»<sup>(۱)</sup>

---

۱ . استفتای تلفنی توسط نگارنده از: دفتر مقام معظم رهبری (حفظه الله).

## امور دنیوی و مسجد

سؤال ۳۵ - آیا صحبت کردن دربارهٔ امور دنیوی

و بلند کردن صدا در مسجد جایز است؟

مسجد خانهٔ خدا به شمار می‌آید و از جایگاه و عظمت خاصی برخوردار است و هدف از بنای آن عبادت کردن و تقرب به خدای متعال است. به همین دلیل، در احادیث و منابع روایی، از صحبت کردن دربارهٔ امور دنیوی و بلند کردن صدا در آن نهی شده است. در روایتی که از امام علی علیه السلام نقل شده است، فرمودند: «يَأْتِي فِي آخِرِ الزَّمَانِ قَوْمٌ يَأْتُونَ الْمَسَاجِدَ فَيَقْعُدُونَ حَلَقًا ذِكْرَهُمُ الدُّنْيَا وَ حُبُّ الدُّنْيَا لَا تُجَالِسُوهُمْ فَلَيْسَ لِلَّهِ فِيهِمْ حَاجَةٌ»<sup>(۱)</sup> در آخر الزمان، مردمی یافت می‌شوند که در مساجد حضور می‌یابند و تشکیل جلسه می‌دهند و از دنیا و دوستی دنیا سخن می‌گویند. با چنین افرادی همنشینی نکنید که خداوند آنان را به حال خود رها کرده و کاری به آن‌ها ندارد.

همچنین از بلند کردن صدا در مسجد نهی شده است. ابوذر غفاری

۱. مجموعه وزام، ج ۱، ص ۶۹.



از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پرسید: ای رسول خدا، مساجد را چگونه باید آباد کرد؟ پیامبر فرمودند: «لَا تُرْفَعُ الْأَصْوَاتُ فِيهَا وَلَا يُخَاضُ فِيهَا بِالْبَاطِلِ وَلَا يَشْتَرَى فِيهَا وَلَا يُبَاعُ وَاتْرَكَ اللُّغُو مَا دُمَّتْ فِيهَا. فَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَلَا تَلُومَنَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا نَفْسَكَ»<sup>(۱)</sup> آباد کردن مسجد به این است که صدا در آن بلند نشود، گفت وگوهای باطل و بیهوده در آن صورت نگیرند و از خرید و فروش در مسجد خودداری شود و تا وقتی که در مسجد هستی از سخنان بیهوده بپرهیز! و اگر این امور را رعایت نکردی در روز قیامت کسی جز خودت را مورد ملامت و سرزنش قرار مده.

حضرت در روایت دیگری، بلند کردن صدا در مسجد را از نشانه‌های نزول بلا بر امت می‌شمارند و می‌فرمایند: «إِذَا فَعَلْتُ أُمَّتِي خَمْسَ عَشْرَةَ خِصْلَةً حَلَّ بِهَا الْبَلَاءُ. قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا هِيَ؟ قَالَ: وَ ارْتَفَعَتِ الْأَصْوَاتُ فِي الْمَسَاجِدِ»<sup>(۲)</sup> هنگامی که پانزده خصلت در میان امت من رایج شود بلا بر آنان نازل خواهد شد؛ از جمله این خصلت‌ها، بلند کردن صدا در مساجد است.

البته معلوم است که گفتن اذان با صدای بلند و قرائت قرآن از موارد استثناست؛ چرا که در روایات متعددی بر بلند گفتن اذان تأکید شده است؛ از جمله در روایتی از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام نقل شده است که فرمودند: «إِذَا اذْنَتَ فَلَا تُخْفِنَنَّ صَوْتَكَ فَإِنَّ اللَّهَ يَأْجُرُكَ مَدَّ صَوْتِكَ فِيهِ»<sup>(۳)</sup> هنگامی که اذان

۱. همان، ج ۲، ص ۶۱.

۲. الخصال، ج ۲، ص ۵۰۱-۵۰۲.

۳. تهذیب الاحکام، ج ۲، ص ۵۸، ح ۴۵ باب «الاذان و الأقامة».

می‌گویی، صدایت را کوتاه مکن؛ چرا که خداوند به میزان بلند کردن صدا - و کشیدن آن - به تو پاداش می‌دهد.

اما در قرائت قرآن کریم، علاوه بر رعایت میزان متعارف صدا، به گونه‌ای که با خضوع و خشوع منافات نداشته باشد، باید حال دیگران را هم رعایت کرد تا مبادا قرائت قرآن با صدای بلند، مایه تشویش و یا حواس‌پرتی دیگران شود.

## اهل مسجد

سؤال ۳۶ - اهل مسجد چه منزلت و جایگاهی دارند؟

در روایات موجود در متون دینی شیعه و اهل سنت، ویژگی‌ها و برتری‌هایی برای اهل مسجد و مقام و منزلتی که دارند وارد شده است که به اختصار به آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. در زیر سایه خداوند قرار دارند: براساس متون دینی، هفت گروه در قیامت مورد توجه و لطف خداوند متعال قرار می‌گیرند؛ از جمله این گروه‌هاست: «و رجل قلبه متعلق بالمسجد إذا خرج منه حتى يعود إليه»<sup>(۱)</sup> شخصی که وقتی از مسجد خارج می‌شود تا زمان بازگشت دوباره به مسجد، توجهش به مسجد باشد.

۲. اهل مسجد، بهشتیان هستند: نبی مکرم ﷺ فرمودند: «اجابة المؤذن رحمة و ثوابه الجنة و من لم یجب خاصته يوم القيامة فطوبى لمن اجاب داعی الله و مشى الى المسجد و لا یجیبه و لا یمشی الى المسجد الا»

۱. الخصال، ج ۲، ص ۳۶۳.

مؤمنٌ من أهل الجنة»؛<sup>(۱)</sup> پذیرفتن دعوت مؤذن رحمت الهی است و ثواب آن بهشت است و کسی که این دعوت را نپذیرد روز قیامت با وی ستیز خواهم کرد. پس خوشا به حال کسانی که این دعوت را بپذیرند و به مسجد بروند! و او را اجابت نمی‌کند و به سوی مسجد حرکت نمی‌کند، مگر مؤمن که در بهشت ساکن خواهد شد.

۳. اهل مسجد محبوب‌ترین بندگان نزد خداوند هستند:

امام علی عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: نبی اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در پاسخ به سؤالی فرمودند: «و خَيْرُ الْبُقَاعِ الْمَسَاجِدُ وَ أَحَبُّهُمْ إِلَى اللَّهِ - عَزَّ وَجَلَّ - أَوْلَهُمْ دُخُولًا وَ آخِرُهُمْ خُرُوجًا مِنْهَا»؛<sup>(۲)</sup> بهترین مکان‌ها مساجد هستند و محبوب‌ترین افراد نزد خداوند کسانی هستند که اول وارد مسجد می‌شوند و دیرتر از همه از مسجد خارج می‌گردند.

۴. خداوند آسایش روحی و روانی اهل مسجد را ضمانت کرده

است: پیامبر گرامی صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «مَنْ كَانَتْ الْمَسَاجِدُ بَيْتَهُ ضَمِنَ اللَّهُ لَهُ بِالرَّوْحِ وَالرَّاحَةِ وَ الْجَوَازِ عَلَى الصِّرَاطِ»؛<sup>(۳)</sup> هرکس خانه‌اش مسجد باشد خداوند آسایش و آرامش و عبور از پل صراط را برای او ضمانت می‌کند.

۵. زمین برای اهل مسجد تسبیح می‌کند: تسبیح گفتن زمین برای

انسانی که به سوی مسجد می‌رود از دیگر آثار و برکاتی است که در متون دینی

۱. جامع الأخبار، ص ۶۸.

۲. من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۹۹ باب «السوق» ح ۳۷۵۱.

۳. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۶۳، ح ۳۷۸۶.

نقل شده است. امام صادق علیه السلام فرمودند: «مَنْ مَشَى إِلَى الْمَسْجِدِ لَمْ يَضَعْ رِجْلًا عَلَى رَطْبٍ وَلَا يَأْبِسُ إِلَّا يُسَبِّحُ لَهُ إِلَى الْأَرْضِينَ السَّابِعَةَ»؛<sup>(۱)</sup> هر کس گامی به سوی مسجد برمی دارد، بر هیچ تر و خشکی پانمی نهد، مگر اینکه از زمین اول تا هفتم برای او تسبیح می کنند.

۶. اهل مسجد مانع نزول عذاب الهی هستند: امام صادق علیه السلام از پدرانش و آن‌ها از رسول گرامی صلی الله علیه و آله روایت کرده اند که فرمود: هرگاه خداوند متعال مشاهده می نماید اهل سرزمینی راه اسراف و فساد و معصیت را در پیش گرفته اند و فقط سه نفر از مؤمنان در میان آنان هستند، خطاب می فرماید: «يَا أَهْلَ مَعْصِيَتِي! لَوْلَا مَنْ فِيكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ الْمُتَحَابِّينَ بِجَلَالِي الْعَامِرِينَ بِصَلَاتِهِمْ أَرْضِي وَ مَسَاجِدِي وَ الْمَسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ خَوْفًا مِنِّي لَانزَلْتُ بِكُمْ عَذَابِي ثُمَّ لَا أَبَالِي»؛<sup>(۲)</sup> ای اهل گناه! اگر در میان شما کسانی از مؤمنان نبودند که به خاطر عظمت من به یکدیگر محبت می ورزند و با برپا داشتن نماز، زمین و مساجد مرا آباد نگه می دارند و به سبب ترس از من، در سحرگاهان به استغفار می پردازند، عذاب خویش را بر شما فرو می فرستادم و به شما توجهی نمی کردم.

۷. مردگان بر مسجدها غبطه می خورند: در حدیثی از رسول گرامی صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمودند: «مَا مِنْ يَوْمٍ إِلَّا وَ مَلَكَ يُنَادِي فِي الْمَقَابِرِ مَنْ تُغِيطُونَ فَيَقُولُونَ أَهْلُ الْمَسَاجِدِ يُصَلُّونَ وَلَا تَقْدُرُ وَ يَصُومُونَ

۱. من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۲۳۳، ح ۷۰۱.

۲. شیخ صدوق، الأمالی، ص ۱۹۹.

و لا نَقْدِرُ»<sup>(۱)</sup> در هر روز، ملکی از ملائکه در قبرستان ندا می دهد: نسبت به چه کسانی غبطه می خورید؟ آنان در پاسخ می گویند: ما نسبت به اهل مساجد غبطه می خوریم؛ ایشان نماز می گزارند و روزه می گیرند، در حالی که ما توان انجام آن را نداریم.

---

۱ . مستدرک الوسائل، ص ۳۶۲ - ۳۶۳، ح ۳۷۸۶ .

### سؤال ۳۷ - مسجدی‌ها باید دارای چه صفات

و ویژگی‌هایی باشند؟

در قرآن کریم و روایات رسیده از اهل بیت علیهم‌السلام ویژگی‌ها و صفاتی برای مسجدی‌ها ذکر شده‌اند که افرادی که به مسجد آمد و شد دارند باید تلاش کنند تا چنانچه واجد این صفات نیستند، آن‌ها را تحصیل نمایند:

**ویژگی اول:** قرآن کریم به دنبال آیه ۱۰۸ سوره توبه، که در آن مسجدی را که بر پایه تقوا بنا شده، ستایش نموده است، می‌فرماید: ﴿فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ﴾؛ در آن - مسجدی که بر پایه تقوا بنیان نهاده شده - مردانی هستند که دوست دارند پاکیزه باشند و خداوند پاکیزگان را دوست دارد. از آیه شریفه استفاده می‌شود که علاوه بر ایمان به خدا و اعتقاد به معاد، لازم است متعهد و معروف به راستی و درستی در رفتار و کردار باشند. از این رو، چنانچه کسانی تمامی نمازهای واجب و مستحب را در مسجد اقامه نمایند، ولی رفتار بیرون از مسجد آن‌ها براساس شئون اسلامی و دینی نباشد، از اهل مسجد - به معنای واقعی کلمه - نخواهند بود و امتیازات آنان را نخواهد داشت.

**ویژگی دوم:** آنان براساس روایات، اسوه و الگوی جامعه هستند.

در حدیثی، امام صادق علیه السلام انسان‌های مسجدی را از برترین‌ها و برگزیدگان جامعه معرفی فرمودند: «یا فضل! لا یأتی المسجد من کُلِّ قَبیلَةٍ الاّ وافدُها و من کُلِّ اهلِ بیتِ الاّ نجیبُها»؛<sup>(۱)</sup> ای فضل! از هر جمعی تنها آنان که از همه برترند (در فضایل) و به منزله الگو برای برای قوم و گروه خویش هستند به مسجد می‌آیند، و از اهل هر خانه‌ای تنها برگزیدگان آن‌ها به مسجد می‌آیند. سخنان مزبور علاوه بر الگو معرفی کردن اینان برای جامعه، به افراد مسجدی نیز بازگو می‌کند که باید مراقب رفتار و حرکات خویش باشند تا مبادا شأن و عظمت مسجد و یا دین را با کردار و گفتار ناشایست خود زیر سؤال ببرند. از این رو، باید این افراد سعی کنند تا همواره الگو برای دیگر اقوام و خویشان و دوستان و آشنایان خود باشند.

**ویژگی سوم:** در روایات، از جمله ویژگی‌های اهل مسجد، جوان‌مرد بودن آنان ذکر شده است. امام هشتم علیه السلام از پدرانش و آنان از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل فرمودند: «ستة من المروّة، ثلاثة منها فی الحضر و ثلاثة منها فی السفر. فأما التي فی الحضر: فتلاوة کتاب الله تعالی و عمارة مساجد الله و اتخاذ الاخوان فی الله - عزوجلّ. و اما التي فی السفر: فبذل الزاد و حسن الخلق و المزاح فی غیر المعاصی»؛<sup>(۲)</sup> شش چیز از نشانه‌های جوان‌مردی است که سه چیز آن مربوط به حضور و اقامت در وطن است و سه چیز آن مربوط به حالت مسافرت. سه تایی که مربوط به حالت اقامت در وطن هستند، عبارتند از:

۱. شیخ صدوق، الامالی، ص ۴۶ - ۴۷.

۲. عیون الأخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۷.



تلاوت قرآن مجید و آباد کردن مساجد الهی و یافتن دوستانی که در مسیر خدا باشند. و سه تایی مربوط به سفر عبارتند از: بخشش توشه راه به دیگر همسفران، داشتن اخلاق نیکو و مزاح به گونه‌ای که موجب گناه و معصیت نباشد.

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، در روایت مزبور، «عمارت مسجد» را از نشانه‌های جوان‌مردان ذکر کرده است و در پاسخ دیگر سؤالات، توضیح داده‌ایم که براساس روایات، بهترین نوع عمارت و آبادانی مساجد «حضور در مساجد» است. علاوه بر آن، می‌توان با حضور در این مکان مقدّس، دوستانی یافت که انسان را در مسیر خدا یاری می‌کنند.

**ویژگی چهارم:** در روایات اشاره شده است که تردیدی در مؤمن بودن اینان نداشته باشید. پیامبر گرامی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «إِذَا رَأَيْتُمُ الرَّجُلَ يَعْتَادُ الْمَسْجِدَ فَأَشْهَدُوا لَهُ بِالْإِيمَانِ لِأَنَّ اللَّهَ يَقُولُ: ﴿إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنِ آمَنَ بِاللَّهِ﴾»<sup>(۱)</sup> هنگامی که دیدید مردی بر رفت و آمد به مسجد مداومت می‌کند وی را مؤمن بدانید؛ زیرا خداوند می‌فرماید: تنها آنان که ایمان به او دارند، مساجد خدا را آباد می‌کنند.

۱. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۲۶۲، ح ۳۷۸۶.

## بانی مسجد

سؤال ۳۸ - چه کسانی صلاحیت احداث و بنای مسجد دارند؟

تاریخ بنای مسجد با تاریخ نهضت نبی اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پیوندی عمیق و ناگسستنی دارد؛ زیرا اولین مسجد در صدر اسلام بنا نهاده شد. قرآن کریم شروطی را برای بانیان مسجد ذکر می‌کند: در آیه هجدهم سوره توبه می‌فرماید: ﴿أَتَمَّا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنَ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ﴾؛<sup>(۱)</sup> تنها آبادگران مساجد کسانی هستند که به خداوند و روز قیامت ایمان دارند و نماز بیای دارند و زکات بدهند و تنها خشیت خداوند را در دل داشته باشند.

از آیه شریفه، شروط ذیل فهمیده می‌شوند:

۱. اولین شرط جنبه اعتقادی دارد؛ بانیان مسجد حقیقتاً باید انسان‌های خداجو و مؤمن به مبدأ و معاد باشند. بی‌تردید، صفای باطن و اخلاص بانیان در ایجاد فضای معنوی و روحدار شدن ساختمان مسجد اثر می‌گذارد.

۱. توبه: ۱۸.

۲. شرط دوم آن است که از بیای دارندگان نماز باشند. نماز به عنوان مظهر بندگی و راز و نیاز با خداوند، مشخصه انسان‌هایی است که بندگی و عبودیت را از قلب به جوارح سرایت داده‌اند. پس آنان که با نماز همدم و همراز نیستند، هرچند به گونه‌ای در رونق ظاهری و یا ساختن مسجد شرکت داشته باشند، از بانیان مساجد محسوب نخواهند شد.

۳. آبادکنندگان مساجد کسانی هستند که زکات (حقوق مالی واجب خویش) را ادا می‌کنند، نه اینکه ساختن و تعمیر مسجد بهانه‌ای برای شانه خالی کردن از زیر بار وجوهات و حقوق شرعی باشد. بنابراین، از دیدگاه قرآن کریم، کسانی که حقوق مالی خویش را پرداخت نمی‌کنند نمی‌توانند صرفاً با ساختن مسجدی هرچند مجلل در ردیف آبادکنندگان مساجد به حساب آیند.

۴. آنان کسانی هستند که تنها «خشیت خدای را در دل دارند». علامه طباطبائی در تبیین معنای «خشیت» می‌نویسند: «مقصود، خشیت دینی است که همان عبادت است، نه خشیت و ترس طبیعی و عزیزی؛ چه اینکه این نوع ترس را همه دارند، مگر اولیای مقرب الهی که از هیچ‌کس غیر از خداوند ترسی ندارند و وجه اینکه از عبادت، به خشیت خداکنایه آورده شده است، این است که از میان علل و اسباب معبودگرفتن، دو چیز از همه معروف‌تر است: یکی ترس از غضب معبود، و دوم امید به رحمتش. و امید به رحمت هم برگشتش باز به ترس از انقطاع آن است، که آن نیز سخط معبود است. بنابراین، در حقیقت، همان ترس است و مصداقی است برای ترس که آن را مجسم

می‌سازد و میان آن دو ملازمه هست.»<sup>(۱)</sup>

روشن است که وضع چنین شرایطی برای سازندگان و تعمیرگران مساجد نوعی تأکید خاص بر اهمیت مسجد و بیان شأن و عظمت والای آن است، وگرنه هر مسلمانی اگرچه از اوصاف و شرایط مزبور برخوردار نباشد، شرعاً می‌تواند در عمارت مسجد شرکت داشته باشد، با این تفاوت که از فضایل و پاداش تعمیرگران حقیقی برخوردار نخواهد شد. به دیگر سخن، شروط مذکور انحصارآور نیستند، بلکه شرط کمال و قبولی هستند و نه شرط صحت و جواز. همچنین روشن است که مقصود از «عمارت» تأسیس تنها نیست و عمارت شامل بنای مسجد، ترمیم و اصلاح آن نیز می‌شود.<sup>(۲)</sup>

۱. المیزان، ج ۹، ص ۲۰۲.

۲. سیمای مسجد، ج ۱، ص ۱۴۸ - ۱۵۱.

### سؤال ۳۹ - خداوند متعال چه پاداش‌هایی برای بانیان مساجد در نظر گرفته است؟

با نگاهی به روایات، متوجه می‌شویم که وعده‌ها و پاداش‌های الهی برای بانیان مسجد بسیارند؛ به سه مورد که برجسته‌تر از سایر پاداش‌ها هستند، اشاره می‌کنیم:

۱. مقام «ولی الله» برای سازندگان مساجد: پیامبر گرامی در حدیثی ضمن برشمردن پاداش‌هایی که خداوند متعال برای سازندگان مسجد در نظر گرفته، آنان را «ولی الله» (دوستان و یاوران خدا) خوانده است: «وَمَنْ بَنَى مَسْجِدًا فِي الدُّنْيَا بَنَى اللَّهُ بِكُلِّ شِبْرٍ مِنْهُ أَوْ قَالَ: بِكُلِّ ذِرَاعٍ مِنْهُ مَسِيرَةَ أَرْبَعِينَ أَلْفَ أَلْفٍ عَامٍ مَدِينَةَ مِنْ ذَهَبٍ وَفِضَّةٍ وَدُرٍّ وَيَاقُوتٍ وَزُمُرٍ وَزَبْرَجِدٍ وَلَوْلُؤٍ، فِي كُلِّ مَدِينَةٍ أَرْبَعُونَ أَلْفَ أَلْفٍ قَصْرٍ، فِي كُلِّ قَصْرِ أَرْبَعُونَ أَلْفَ أَلْفٍ دَارٍ، فِي كُلِّ دَارٍ أَرْبَعُونَ أَلْفَ أَلْفٍ بَيْتٍ، وَفِي كُلِّ بَيْتٍ أَرْبَعُونَ أَلْفَ أَلْفٍ سَرِيرَةٍ عَلَى كُلِّ سَرِيرٍ زَوْجَةٌ مِنَ الْحُورِ الْعِينِ وَفِي كُلِّ بَيْتٍ أَرْبَعُونَ أَلْفَ أَلْفٍ وَصِيفٍ وَ أَرْبَعُونَ أَلْفَ أَلْفٍ وَصِيفَةٌ وَفِي كُلِّ بَيْتٍ أَرْبَعُونَ أَلْفَ أَلْفٍ مَائِدَةٍ عَلَى كُلِّ مَائِدَةٍ أَرْبَعُونَ أَلْفَ أَلْفٍ قِصْعَةٍ وَفِي كُلِّ قِصْعَةٍ أَرْبَعُونَ أَلْفَ أَلْفٍ لَوْنٍ مِنَ الطَّعَامِ، يُعْطَى (اللَّهُ وَلِيَّهِ) مِنَ الْقُوَّةِ مَا يَأْتِي عَلَى تِلْكَ الْأَزْوَاجِ وَعَلَى ذَلِكَ

الطعام و الشراب»؛<sup>(۱)</sup> هر کس در این دنیا مسجدی بسازد، خداوند متعال به هر وجبی یا هر ذراعی<sup>(۲)</sup> از آن، شهری در بهشت از طلا و نقره و درّ و یاقوت و زمرد و زبرجد و مروارید برای او بنا می‌کند که بزرگی آن به اندازهٔ پیمودن مسافت چهل هزار هزار سال راه باشد و در هر شهری چهل هزار هزار قصر، در هر قصری چهل هزار هزار خانه، در هر خانه‌ای چهل هزار هزار اتاق، و در هر اتاق چهل هزار هزار تخت و بر هر تختی همسری از حوریان و در هر اتاقی چهل هزار هزار خادم و چهل هزار هزار کنیز و در هر اتاقی چهل هزار هزار سفرهٔ گسترده و بر هر سفره‌ای چهل هزار هزار ظرف و در هر ظرفی چهل هزار هزار نوع از انواع طعام وجود دارد و خداوند به «دوست خود» چنان نیرو و توانی عنایت می‌فرماید که بتواند از همهٔ همسران و خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها بهره‌بردار.

۲. خانه‌ای در بهشت: امام باقر علیه السلام در مقام بیان پاداش و ثواب الهی به سازندگان مسجد می‌فرماید: «مَنْ بَنَى مَسْجِدًا كَمَفْحَصِ قِطَاعِ بَنِي اللَّهِ لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ»؛<sup>(۳)</sup> کسی که مسجدی به اندازهٔ آشیانهٔ قطا<sup>(۴)</sup> بنا کند، خداوند در بهشت خانه‌ای برای او بنا می‌کند.

روشن است که مقصود حدیث آن نیست که ساختمان مسجدی به این کوچکی مطلوب است، بلکه سخن بر اهمیت مسجدسازی دلالت می‌کند

۱. اعلام الدین، ص ۴۲۲ و ثواب الاعمال، ص ۲۹۰ (با کمی اختلاف).

۲. تردید از راوی است و ذراع دست انسان از آرنج تا سر انگشتان را گویند. ر. ک:

فرهنگ فارسی عمید، ص ۶۷۶.

۳. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۳۵، ح ۷۰۳.

۴. پرده‌ای که جثهٔ او به اندازهٔ کبوتر است.

تا همگان هرچند با امکانات کم، بتوانند در این عبادت بزرگ شریک شوند. ابو عبیده حذّاء می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: «هنّ بنی مسجداً بنی الله له بیتاً فی الجنة. فمرّ بی أبو عبید الله علیه السلام فی طریق مکة وقد سویت أحجاراً لمسجد فقلت: جعلت فداک نرجو أن یكون هذا من ذاک؟ فقال: نعم»<sup>(۱)</sup> کسی که مسجدی را بنا کند خداوند در بهشت خانه‌ای برای وی بنا خواهد کرد. روزی در راه مکّه در حالی که با سنگ مسجدی ساخته بودم، به امام صادق علیه السلام برخورد نمودم، به آن حضرت عرض کردم: فدایت شوم! آیا امیدوار باشم که این مسجد مصداق همان مسجد است که شما فرمودید؟ امام فرمودند: بلی.

۳. مانع نزول عذاب الهی: آبادگران مساجد نزد خداوند چنان محبوبند که خداوند به احترام آنان، کیفر و مجازات بندگان گناه کار را به تأخیر می اندازد. امام صادق علیه السلام می فرماید: حضرت علی علیه السلام فرمودند: «آنا الله - عزوجل - إذا أراد أن یصیب أهل الأرض بعذاب یقول: لولا الذین یتحاجون فی و یعمرون مساجدی و بالأسحار، لولاهم لأنزلت علیهم عذابی»<sup>(۲)</sup> خداوند متعال آن گاه که بخواهد اهل زمین را به کیفر اعمال بدشان عذاب نماید، می فرماید: به احترام آنان که به خاطر من با یکدیگر دوستی و محبت می ورزند و مساجدم را آباد می نمایند و سحرگهان به استغفار می پردازند، عذاب خود را بر آنان نازل نمی نمایم.

۱. تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۲۶۴، ح ۶۸ از باب ۲۵ باب «فضل المساجد».

۲. ثواب الاعمال، ص ۱۷۸.

سؤال ۱۴۰ - انگیزه‌ها، اعم از صحیح و غلط ،  
چه نقشی در مسجدسازی دارند؟

ساختن مسجد و تعمیر آن و کلیه امور مربوط به مسجد عملی عبادی است و صرف ساختن ساختمان یا تعمیر آن بدون قصد قربت و تقرب الی الله مقبول درگاه الهی نیست. آیات و روایاتی که مسجدسازی را به عنوان فضیلتی بزرگ یاد کرده‌اند، ناظر به هر مسجدی نیستند، بلکه ساختن آن مساجدی مورد نظر است که به انگیزه الهی باشد. نبی اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «مَنْ بَنَى مَسْجِدًا لِيُذْكَرَ اللَّهُ فِيهِ بُنِيَ لَهُ بَيْتٌ فِي الْجَنَّةِ»<sup>(۱)</sup> هر کس مسجدی را به قصد اینکه یاد خدا در آن بشود، بسازد خانه‌ای در بهشت برای او ساخته می‌شود.

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، در سخن پیامبر «لِيُذْكَرَ اللَّهُ» (تا یاد خدا در آن بشود) مطرح شده و ثواب و اجر نیز بر همان مترتب گردیده است. از این رو، اگر مسجدی با نیت دیگری ساخته شود، ارزش نخواهد داشت. قرآن کریم با مقایسه انگیزه بنیان‌گذاران مسجد «قبا» - بر تقوا و رضایت الهی -

۱ . روضة الواعظین، ج ۲، ص ۳۳۷ .



و جانب مقابل یعنی بانیان مسجد «ضرار» - بر تفرقه و کفر - می فرماید: گروه نخست مسجد خویش را بر امری مستحکم و استوار بنها نهاده‌اند، در حالی که گروه دوم بنای مسجد را بر تزلزل و سستی و ناپایداری، که گویا آن را بر کناره دیواره رودخانه‌ای بنا کرده‌اند که هر لحظه احتمال سقوط بنا و فرو افتادن سازندگان آن به وادی هلاکت می‌رود. بنابراین، مسجد باید بر اساس تقوا و رضایت الهی بنا نهاده شود.

شاید به همین دلیل است که می‌بینیم در روایات، از اینکه بنای مسجد از حالت عبادی خارج شود و به عنوان عملی که مایه فخر و مباهات افراد و جمعیت‌ها نسبت به یکدیگر باشد، نهی شده است. پیامبر گرامی در مقام سرزنش و بیان انحراف امت و نشانه‌های برپایی قیامت می‌فرماید: «لَا تَقَوْمُ السَّاعَةِ حَتَّى يَتْبَاهِيَ النَّاسُ بِالْمَسَاجِدِ»<sup>(۱)</sup> از نشانه‌های قیامت آن است که مردم مسجد را وسیله فخر فروشی قرار می‌دهند.

نهی از مباهات و فخر فروشی در بنا اختصاص به مسجد ندارد و اساساً در روایات، از هر بنایی که برای خودنمایی و فخر فروشی ساخته شود نهی شده است. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «مَنْ بَنَى بُنْيَانًا رِئَاءً وَ سَمِعَهُ حَمَلَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنَ الْأَرْضِ السَّابِعَةِ وَ هُوَ نَارٌ تَشْتَعِلُ ثُمَّ تَطَوَّقُ فِي عُنُقِهِ وَ يُلْقَى فِي النَّارِ، فَلَا يَحْسِبُهُ شَيْءٌ مِنْهَا دُونَ قِعْرِهَا إِلَّا أَنْ يَتُوبَ»<sup>(۲)</sup> کسی که بنایی را برای

۱. سنن بیهقی، ج ۲، ص ۴۳۹.

۲. من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۱ و ۱۲، باب «ذکر جمل من مناهی النبی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ».

خودنمایی و به گوش دیگران رساندن بسازد، خداوند این بنا را تا زمین هفتم در حالی که به صورت آتشی در گردن اوست، بروی تحمیل می‌کند و او را در آتش می‌افکند. چیزی این شخص را از سقوط به قعر جهنم حفظ نمی‌کند، مگر اینکه توبه کند.

طبیعی است که حدیث مزبور شامل بنا و ساختمان‌های شخصی هم می‌شود. لازم است در ساختمان سازی رعایت حال دیگر همسایه‌ها بشود و اگر هم به فکر دیگران نیستیم، دست‌کم برای نجات در آخرت از وضعیتی که این سخن پیامبر ترسیم می‌کند رعایت حال خودمان را بکنیم.

## تربیت در مسجد

سؤال ۱۴۱ - آیا مسجد می‌تواند اعمال و رفتار فاسد انسان را اصلاح کند؟

نه مسجد و نه هیچ عامل دیگری نمی‌تواند اعمال و رفتار انسان را اصلاح کند؛ این عوامل وسیله‌اند برای اینکه انسان به اشتباهات خود پی ببرد و خود در صدد اصلاح اعمال و رفتار خویش برآید. متأسفانه گاهی اوقات انجام برخی عبادات از جمله «مسجد رفتن» برای افراد به شکل «عادت» درآمده است. تا زمانی که تمامی اعمال انسان به این شکل باشند و بدون تفکر و تأمل در پیرامون عمل، این اعمال هیچ تأثیری در اصلاح انسان نخواهند داشت. انسان باید نه تنها برای هر عمل عبادی اخلاص و انگیزه الهی داشته باشد، بلکه باید انجام این اعمال و عبادات، بخصوص در مسجد و حضور در مکان‌های مقدس، عاملی برای تصحیح اعمال و پرهیز از گناه و زشتی‌ها باشد؛ زیرا حضور در مسجد با روح و جسم آلوده به گناه و بدون تصمیم بر توبه و بازگشت از عصیان، نه تنها انسان را محبوب درگاه حق تعالی نخواهد کرد، بلکه موجبات خشم الهی را فراهم خواهد ساخت. از روایات استفاده می‌شود که اصرار ورزیدن بر گناه و سرکشی و طغیان

همراه با حضور در مسجد و درگاه الهی نوعی نفاق، بلکه استهزا و تمسخر نسبت به فرامین الهی است. در این صورت، حضور در مسجد خشم و نفرین الهی را به دنبال دارد.

در روایتی آمده است: پیامبر گرامی می‌فرمایند: «خداوند متعال به من وحی نمود: ای برادر پیامبران و ای برادر بیم‌دهندگان! به قوم خویش ابلاغ کن در حالی که مظلومه‌ای از یکی از بندگانم برگردن آنان است، به هیچ‌کس از خانه‌های من داخل نشوند. من چنین شخصی را در حالی که به نماز در مقابل من مشغول است لعن می‌کنم، مگر اینکه آن مظلومه را به صاحبش برگرداند.»<sup>(۱)</sup>

در این روایت، تنهاگناه «ظلم بر بندگان» ذکر شده، ولی طبیعی است که همه گناهان از این خصوصیت برخوردارند، بخصوص گناهی که «حق الناس» محسوب می‌شوند. از این رو، باید گفت: تا زمانی که خود انسان عزم و اراده بر اصلاح رفتار و اعمال خویش نداشته باشد، این عوامل به تنهایی کارآیی نخواهند داشت.

## ترک مسجد

### سؤال ۱۴۲ - ترک مسجد چه عواقبی به دنبال دارد؟

اگرچه در روایات و منابع اسلامی بر حضور مؤمنان در مسجد بسیار تأکید شده و برای این حضور آثار و فواید فراوانی نقل شده است، اما هیچ‌یک از علما از این روایات استفاده نکرده‌اند که اگر کسی مطلقاً به مسجد نیاید پس مسلمان نیست. آری، چنانچه ترک مسجد و حضور نیافتن در آن و یا خروج از آن در هنگام عبادات - مثل وقت اذان - بدون عذر و علتی و یا همراه با اغراضی دیگر باشد، مسائلی به دنبال دارد که روایات و متون دینی به آن‌ها اشاره کرده‌اند:

۱. نفاق: در روایتی از رسول گرامی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وارد شده است که فرمودند: «مَنْ سَمِعَ النِّدَاءَ فِي الْمَسْجِدِ فَخَرَجَ مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ فَهُوَ مُنَافِقٌ إِلَّا أَنْ يُرِيدَ الرَّجُوعَ إِلَيْهِ»<sup>(۱)</sup> کسی که صدای اذان مسجد را بشنود و بدون علت از مسجد خارج شود، منافق است، جز اینکه قصد برگشت به مسجد داشته باشد.
۲. کامل نبودن نماز تارک مسجد: از دیگر عواقبی که در روایات

۱. تهذیب الأحکام، ج ۳، ص ۲۶۳، ح ۶۱، باب «فضل المساجد».

و متون دینی برای تارک مسجد ذکر شده‌اند، امام صادق علیه السلام فرمودند: «مَنْ صَلَّى فِي بَيْتِهِ جَمَاعَةً رَغْبَةً عَنِ الْمَسْجِدِ فَلَا صَلَاةَ لَهُ وَ لِمَنْ صَلَّى يَتَّبِعُهُ إِلَّا مِنْ عِلَّةٍ تَمْنَعُ مِنَ الْمَسْجِدِ»<sup>(۱)</sup> کسی که به خاطر اعراض و دوری از مسجد در خانه‌اش نماز جماعت برگزار کند، نماز او و همراهانش تمام و کامل نیست. شاید به ذهن برسد که برگزاری نماز جماعت در خانه موجب کامل نبودن نماز می‌شود، نه ترک مسجد، ولی باید توجه داشت که در روایت قید «رَغْبَةً عَنِ الْمَسْجِدِ» آمده است و این همان برداشتی است که ما از روایت کرده‌ایم؛ یعنی برگزاری نماز اگرچه به جماعت، ولی به خاطر اعراض و دوری از مسجد بوده و به همین دلیل، نماز این افراد کامل و تمام نیست.

۳. شکایت مسجد: عنوان دیگری که در روایات بر ترک مسجد آمده، شکایت مسجد از مسلمانان است. در روایتی از رسول گرامی صلی الله علیه و آله می‌خوانیم: «و يَقُولُ الْمَسْجِدُ: يَا رَبِّ عَطَّلُونِي وَ ضَيَّعُونِي»<sup>(۲)</sup> مسجد می‌گوید: پروردگارا، این‌ها مرا تعطیل کردند و ضایع نمودند.

نظیر این روایت در شکایتی که مسجد از همسایگانش دارد، بالحن شدیدتری وارد شده است. در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است که به دنبال شکایت مسجد از همسایگانش بر عدم حضور در مسجد، خداوند می‌فرماید: «و عَزَّتِي وَ جَلَالِي، لَا قَبْلَتُ لَهُمْ صَلَاةً وَاحِدَةً وَ لَا أَظْهَرْتُ لَهُمْ فِي النَّاسِ عِدَالَةً»

۱. شیخ طوسی، الامالی، ص ۶۹۶، ح ۱۴۸۶.

۲. الخصال، ج ۱، ص ۱۷۴-۱۷۵، ح ۲۳۲.

و لآنآلتهم رحمتی ولا جاورونی فی جتتی»؛<sup>(۱)</sup> به عزّت و جلالم! یک نماز  
آنان را قبول نمی‌کنم و عدالت را برای آنها در میان مردم ظاهر نمی‌سازم  
و رحمتم را به آنها نمی‌رسانم و در بهشت همسایه‌ام قرار نمی‌دهم.

---

۱. شیخ طوسی، الامالی، ص ۶۹۶، ح ۱۴۸۵.

سؤال ۱۴۳ - با کسانی که به مسجد نمی آیند، چگونه باید برخورد کنیم؟

به طور کلی، در روابط اجتماعی، انسان باید سعی کند هر روز بر میزان تعهد خود و خانواده اش به دین و مسائل مرتبط به آن بیفزاید، باید تلاش کند تا دیگران را هم به این مسیر بکشانند. حال اگر به شخصی برخورد کرد که نتوانست تأثیر مثبت بر او بگذارد، شرع مقدس اسلام دستوراتی در جهت تنبیه و آگاه کردن این افراد برای انسان مقرر کرده است. از این رو، دستور می دهد: «مستحب است انسان با کسی که در مسجد حاضر نمی شود غذا نخورد، در کارها با او مشورت نکند، همسایه او نشود، از او زن نگیرد و به او زن ندهد.»<sup>(۱)</sup>

۱. توضیح المسائل، مسئله ۸۹۷.



## تزیین مسجد

سؤال ۱۴۴ - آیا تزیین مساجد و آراستن آنها با طلا

جایز است؟

اساساً نظر شارع مقدّس در بنای مسجد بر آن است که مساجد از نظر جلوه ظاهری و مادی در سطحی عادی و معمولی و بلکه ساده و بی‌پیرایش باشند تا در خانه خدا، توجه انسان هرچه بیشتر از دنیا و مظاهر برجسته دنیوی و از جمله طلا و زیورآلات قطع گردد و انسان بتواند با حالت توجه قلبی و تمرکز حواس، به توحید و عبادت حق تعالی روی آورد. دقت در کلمات معصومان علیهم‌السلام در باره آراستن مساجد بیانگر آن است که نوعی پیوستگی و ارتباط میان رواج تباهی و فساد در جامعه با روی آوردن به آراستن مساجد وجود دارد. در سنن ابن‌ماجه، به نقل از پیامبر گرامی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آمده است که: «ما ساء عمل قوم قطّ الا زخرفوا مساجدهم»<sup>(۱)</sup> هرگاه عمل و رفتار گروهی تباه می‌شود، به طلاکاری و آراستن مساجد خویش روی می‌آورند. بنابراین، زینت کردن ظاهری مساجد از نشانه‌ها

۱. سنن ابن‌ماجه، ج ۱، ص ۲۴۵، کتاب «المساجد والجماعات»، باب ۲، روایت ۷۴۱.

و آثار تباهی در رفتار و کردار جامعه به شمار می آید.

از این رو، در هر حال، بنای مسجد باید یادآور ذات اقدس حق باشد و حتی الامکان با اسامی او مزین گردد تا در و دیوار بیننده را به یاد خدا آورد و چیزی که موجب حواس پرتی و غفلت شود در کار نباشد. البته لازم است طراح اسماء و آیات به گونه ای باشد که افراد بتوانند بخوانند. متأسفانه در برخی موارد، مشاهده می شود خطوطی نقش می شوند که یا اصلاً خواننده نمی شوند یا با زحمت و دشواری زیاد، که خود موجب غفلت و حواس پرتی می گردد!

## تکدی در مسجد

سؤال ۱۴۵ - آیا تکدی و تقاضای کمک از دیگران در

مسجد جایز است؟

به طور کلی، تکدی و تقاضای کمک از دیگران عملی ناپسند و مذموم است. متأسفانه حتی گاهی مشاهده می شود که برخی افراد با وجود بی نیازی، با زیر پا گذاشتن شخصیت و حرمت انسانی، به این کار عادت کرده، آن را به نوعی «شغل» خود قرار داده اند! در ناپسندی تکدی، همین بس که در صورت احتیاج هم در روایات از آن نهی شده است. امام باقر علیه السلام در مقام نکوهش این عمل، خطاب به محمد بن مسلم می فرماید: «یا محمد، لو یَعْلَمُ السَّائِلُ مَا فِي الْمَسْأَلَةِ مَا سَأَلَ أَحَدٌ أَحَدًا وَ لَوْ یَعْلَمُ الْمُعْطَى مَا فِي الْعَطِيَةِ مَا رَدَّ أَحَدٌ أَحَدًا»؛<sup>(۱)</sup> ای محمد! کسی که از دیگری درخواست کمک می کند، اگر می دانست که سؤال کردن چه آثار زیان باری به دنبال دارد، هرگز سؤال نمی کرد. و اگر آنکه چیزی به سائل می دهد، می دانست که عمل او چه پاداشی

۱. اصول کافی، ج ۴، ص ۲۰.

دارد هیچ‌گاه سائلی را رد نمی‌کرد. آن‌گاه امام باقر علیه السلام فرمودند: ای محمد! کسی که در حال بی‌نیازی، از مردم تکدی می‌کند، روز قیامت در حالی که گوستی بر صورت ندارد، خداوند متعال را ملاقات می‌کند.

تکدی و درخواست سؤال در مجالس و به طور آشکار، در همه مکان‌ها مورد نهی قرار گرفته است. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «قال رسول الله صلى الله عليه وآله: لا تسألوا أمتي في مجالسها فتبخلوها»؛<sup>(۱)</sup> رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمودند: از امت من در میان مجالس و اجتماعات تقاضای کمک نکنید. این کار باعث می‌شود که آنان را (در صورتی که چیزی به شما ندهند) بخیل بشمرید.

برخی از دیگر روایات، به کتمان حاجت سفارش می‌کنند. بنابراین، کراهت تکدی در صورت احتیاج و حرمت آن در صورت بی‌نیازی اختصاص به مسجد ندارد. البته چنانچه افراد نیکوکار هر از گاهی برای مصارف خیر و کمک به مستمندان که خود می‌شناسند، اقدام به جمع‌آوری بخشش‌ها و انفاقات مؤمنان بکنند، کراهتی ندارد؛ زیرا بر این عمل، عنوان کمک و تعاون بر «برّ و تقوا» صادق است و نه تکدی و سؤال.

## تولیت مسجد

سؤال ۱۴۶ - آیا قرار دادن متولّی برای مسجد از سوی واقف صحیح است؟

به طور کلی، قرار دادن متولّی و سرپرست برای وقف، از سوی واقف جایز است، ولی در مورد مسجد، واقف شرعاً از چنین حقی برخوردار نیست. به دیگر سخن، زمینی که به عنوان مسجد وقف شد و مسجد در آن ساخته شد مکانی مشترک و عمومی برای همه مسلمانان است و همگان می توانند با رعایت احکام و موازین شرعی در استفاده از آن نقش داشته باشند و هیچ کس، حتی واقف، نمی تواند دارای نقش خاصی باشد و دیگران را از مزایا و امکانات آن محروم نماید. ولی در مورد املاک و متعلقات دیگر مسجد، که برای تأمین مخارج مسجد در نظر گرفته شده اند، می توان جعل تولیت کرد. این حق را خود واقف هم دارد.

واقف می تواند برای وقف، متولّی (سرپرست) یا ناظر مشخص کند، حتی واقف می تواند تعیین متولّی وقف را به شخص دیگری واگذار کند که در این صورت، تولیت وقف با همان شخصی است که از سوی واقف معین شده

است، بجز در مورد مسجد که واقف نمی تواند خود یا شخص دیگری را به عنوان متولّی مسجد مشخص کند. پس مسجد یک مکان عمومی برای استفاده شرعی همه مسلمانان است و واقف یا هیأت امنای دیگران تولیتی بر مسجد ندارند.<sup>(۱)</sup>

**سؤال:** شخصی مقداری زمین را برای مسجد وقف کرده، ولی متولّی معین نکرده. اهالی، امام جماعت را دعوت می کنند و به سعی ایشان مسجد، آباد و تکمیل می گردد. آیا رضایت صاحب زمین در صحّت نماز امام و اهالی شرط است یا نه؟

**جواب:** «مسجد متولّی ندارد و رضایت کسی در عبادت در آن معتبر نیست. ولی تصرفاتی که منافی با احترام مسجد یا مزاحم نمازگزاران باشد، جایز نیست.»<sup>(۲)</sup>

**سؤال:** مسجدی است که موقوفاتی هم دارد. بانی مسجد براساس وقف نامه ای برای مسجد و موقوفاتش، متولّی و ناظر معین نموده و متجاوز از یک قرن است که در تحت ید متولّی و اعقاب وی بوده و هم اکنون متولّی در شهر دیگری است و برای رسیدگی به امور موقوفه، برای خود نماینده ای تعیین نموده. در چنین صورتی، آیا می توان بدون اذن متولّی و یا نماینده آن در رقبات تصرف نمود و در آن مسجد نماز خواند یا نه؟

۱. ر. ک: تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب «الوقف»، ص ۸۲، مسئله ۷۸ و ۷۹ /

استفتائات، ج ۲، ص ۳۹۶-۳۹۷، سؤال ۱۴۶ و ۱۴۷.

۲. استفتائات، ج ۲، ص ۳۹۶-۳۹۷، س ۱۴۷.

جواب: «مسجد تولیت بردار نیست و نماز خواندن در آن موقوف بر اجازه کسی نیست. ولی تصرف در موقوفات مسجد، منوط به نظر و اجازه متولی شرعی [آنها] است.»<sup>(۱)</sup>

در اینجا ممکن است این سؤال مطرح شود که پس اداره امور مسجد بر عهده چه کسانی خواهد بود؟

در پاسخ به این سؤال، باید گفت: سرپرستی و اداره امور مساجد در مرتبه اول، بر عهده حاکم اسلامی است و چنانچه دست‌رسی به حاکم اسلامی نباشد، به نماینده منصوب از طرف او مراجعه می‌شود و در صورت عدم دست‌رسی، مؤمنان باید اداره امور مسجد را به عهده بگیرند.

حضرت آیه الله گلپایگانی رحمته الله علیه در پاسخ به استفتایی می‌فرماید: «آدای تکالیف راجعه به مسجد به نحو کفایی، به عهده عموم مسلمین است و تولیتی که برای مسجد معین می‌شود راجع به اموال و رقبات متعلقه به مسجد است و در رقبات و اموال، کسی نمی‌تواند با متولی مخصوص آنها مزاحمت نماید.»<sup>(۲)</sup>

۱. همان، ص ۳۹۷، س ۱۴۸.

۲. مجمع المسائل، ج ۱، ص ۱۵۳، س ۹۸.

## جامعه و مسجد

**سؤال ۱۴۷ -** مساجد چگونه می‌توانند همگام با مقتضیات جامعه، حرکت فکری و فرهنگی خود را استمرار بخشند و مردم را به خود جذب کنند؟

در پاسخ به این سؤال، دو مطلب مطرح می‌شود: اول آنکه هر مسجدی باید برنامه‌های متناسب با سطح فکری و نیازهای مخاطبان خود داشته باشد. دوم آنکه مسئولان مسجد، اعم از امام جماعت و هیأت امنای باید از ابزارهای تبلیغی مناسب در هر زمان برای اشاعه فرهنگ اسلامی استفاده نمایند. مساجد ما امروزه باید به کلیه امکانات هنری، تبلیغی و فرهنگی مجهز باشند و فضای ورزشی و کتابخانه مجهز داشته باشند. مساجد نباید فقط به ایام محرم و صفر و رمضان اکتفا کنند، بلکه باید در طول سال، برنامه‌هایی برای مردم داشته باشند. برای مثال، برگزاری مراسم دعای کمیل و ندبه و زیارت عاشورا، جلسات تفسیر قرآن از برنامه‌هایی بودند که در اوایل انقلاب در مساجد گسترش پیدا کردند، ولی امروزه متأسفانه در بسیاری از مساجد، خبری از این برنامه‌ها نیست. مساجد می‌توانند با احیای این برنامه‌ها و استمرار آن‌ها و دیگر برنامه‌های



جذاب از قبیل برگزاری اردوها و مسابقات علمی و فرهنگی و ورزشی، در جهت تعمیق بخشیدن به فرهنگ اسلامی در میان مسلمانان همت گمارند. این مهم زمانی تحقق می‌پذیرد که اداره‌کنندگان مساجد از بینش اجتماعی قوی برخوردار باشند تا بتوانند براساس نیازهای زمان و مکان. برنامه‌های متناسب فرهنگی را پیاده کنند. در منابع اسلامی و روایات ما نیز بر بصیرت و آگاهی تأکید شده است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «العالمُ بزمانه لا يهجمُ عليه اللوابس»؛<sup>(۱)</sup> آن‌کس که زمان خود را درک کند، اوضاع زمان خود را بشناسد و جریاناتی را که در سطح و بطن زمان استمرار دارند درک نماید، امور مشتبه و گیج‌کننده به او هجوم نمی‌آورند.

روشن است که آشنایی با اوضاع و جریانات زمان و شناخت عوامل دست‌اندرکار اجتماع به انسان امکان پیش‌بینی و مقابله صحیح و منطقی با حوادث و مشکلات فرهنگی و اجتماعی روزگار را می‌دهد. استاد شهید مرتضی مطهری رحمته الله می‌فرماید: «مفهوم مخالف جمله گران‌قیمت فوق این است که الجاهلُ بزمانه يهجمُ عليه اللوابس؛ آنکه نمی‌داند در جهانی که زندگی می‌کند چه می‌گذرد، چه عواملی دست‌اندرکار ساختن جامعه به میل خود هستند، چه تخم‌هایی در زمان حاضر پاشیده می‌شود که در آینده سر برخواهند آورد، روزگار آستن چه حوادثی است، هرگز نمی‌تواند به مقابله با نیروهای مهاجم برخیزد و یا از فرصت‌های طلایی زودگذر اغتنام جوید. واضح است که توجه

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۶-۲۷، ج ۲۹ «کتاب العقل والجهل».

و بی توجهی قشری که مسئولیت هدایت و رهبری و رعایت و پاس داری جامعه خود را دارند، از نظر آگاهی به اوضاع، اهمیت فوق العاده بیشتری دارد.»<sup>(۱)</sup>

بنابراین، استفاده از ابزارها و امکانات هر زمان برای روزآمد کردن مساجد امری لازم و ضروری است. داشتن بصیرت و آگاهی نسبت به زمان در شریعت اسلامی، بر همگان لازم است، ولی در رابطه با مساجد می توان گفت: وجود این ویژگی ها در امام جماعت مساجد، در جهت رشد و ارتقای سطح آگاهی های سیاسی و اجتماعی مردم لازم تر است. از این رو، لازم است دست اندرکاران امور مساجد در انتخاب ائمه جماعات دقت بیشتری به عمل آورند.

## جشن ازدواج در مسجد

سؤال ۱۴۸ - آیا تشکیل مجلس عقد ازدواج

و شیرینی خوردن در مسجد جایز است؟

متأسفانه امروز در مساجد ما مجالس ختم و عزا و ترحیم به طور مکرر برگزار می‌شوند، به گونه‌ای که گاهی کمبود زمان برای برگزاری مراسم در برخی مساجد مطرح می‌شود. گاهی مشاهده می‌شود که در و دیوار اطراف مسجد سراسر اطلاعیه‌های ختم و ترحیم است! به راستی چرا؟ این نحوه استفاده از مسجد چه تصویری در ذهن افراد جامعه ترسیم می‌کند؟ در حالی که می‌توان با استفاده صحیح و متناسب با شئون مسجد، جوانان را به این مکان مقدس جذب کرد. ازدواج امری مقدس است. چه اشکال دارد که این پیمان مقدس در مکان مقدسی به نام «مسجد» صورت پذیرد؟ البته مقصود از برگزاری این پیمان در مسجد، برپایی مجلس رقص و آواز نیست، بلکه مراد خواندن عقد و شیرینی خوردن است، به گونه‌ای که مخالفتی با شئون مسجد نداشته باشد و مزاحمتی برای نمازگزاران ایجاد نشود. از برخی روایات استفاده می‌شود که سفره ازدواج امام علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام در مسجد پهن شد. شیخ طوسی

در شرح آن می نویسد: «فبسط النطوع فی المسجد...»<sup>(۱)</sup> سفره را در مسجد پهن کردند. از این رو فقهای ما اجازه و لیمه عروسی را در مسجد هم داده اند. این استفتا می تواند پاسخ سؤال مزبور را روشن تر کند:

**سؤال:** در برخی مناطق، به ویژه در روستاها، مجالس عروسی را در مساجد برپا می کنند؛ یعنی مجلس رقص و غنا را در خانه برگزار می کنند، ولی نهار یا شام را در مسجد می دهند، آیا این کار شرعاً جایز است یا نه؟

**جواب:** غذا دادن به میهمانان در مسجد، به خودی خود اشکال ندارد، ولی برپا کردن مجالس عروسی در مساجد مخالف جایگاه اسلامی مسجد است و جایز نمی باشد و ارتکاب محرمات شرعی از قبیل غنا و موسیقی لهوی مطرب، حرام است مطلقاً.<sup>(۲)</sup>

۱. الامالی، شیخ طوسی، ص ۴۲ و بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۹۴ و ۱۱۴.

۲. اجوبة الاستفتائات، ج ۱، ص ۴۰۶.

## جوانان و مسجد

سؤال ۴۹ - خادمان و متوّلان مساجد چگونه می‌توانند با نوجوانان خاطی برخورد مناسبی داشته باشند؟

بدون شك، دوران نوجوانی از حسّاس‌ترین دوران زندگی انسان به‌شمار می‌آید. این دوران به تعبیر روان‌شناسان، مرحله «انتقال» از کودکی به جوانی و بزرگ‌سالی است. در این دوران، نوجوان از یک سو، می‌خواهد کارهای دوران کودکی را کنار بگذارد و از دیگر سو، توانایی و تجربه لازم برای حل مسائل و مشکلات خود را ندارد. وجود این دو حالت باعث بروز مشکلاتی در روحیات نوجوان شده، آرامش روحی و روانی او را سلب می‌کند. به‌همین دلیل، سرکشی و ناسازگاری و برآشفتگی و پرخاش در این دوران بیش از سایر اوقات مشاهده می‌شود. این‌گونه رفتارها ممکن است در هر زمان و مکانی بروز و ظهور نمایند. مساجد نیز از این قاعده مستثنا نیستند. حال اگر مشاهده شد که برخی از نوجوانان برای ابراز وجود، در مساجد اقدام به کارهایی از قبیل سر و صدا و ایجاد مزاحمت برای مؤمنان و رعایت نکردن حرمت مسجد نموده‌اند،

متولیان و خادمان مساجد می‌توانند با اینان برخورد مناسب و صحیحی داشته باشند تا هم نظم مسجد حفظ گردد و هم از بروز هرگونه تنش و برخوردی جلوگیری شود. اما چگونه؟ در ذیل، به برخی از نکاتی که می‌توانند در این باره راهگشا باشند اشاره می‌کنیم:

امام علی علیه السلام در نامه‌ای خطاب به فرزندش، امام حسن مجتبی علیه السلام می‌نویسد: «وَأَمَّا قَلْبُ الْحَدِيثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أَلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ»؛<sup>(۱)</sup> قلب نوجوان چونان زمین کاشته نشده، آماده پذیرش هر بذری است که در آن پاشیده می‌شود. از این سخن امام علیه السلام نکاتی استفاده می‌شود:

**نکته اول:** امام علی علیه السلام این سخنان را مستقیماً و باداد و فریادکردن برای امام حسن علیه السلام بیان نکردند، بلکه به صورت نامه و نوشته در اختیار امام حسن علیه السلام قرار دادند. از این برخورد امام علیه السلام استفاده می‌شود که در هدایت نوجوان در درجه اول و تا آنجا که امکان دارد، باید از روش‌های غیرمستقیم استفاده کرد. روشن است که مقصود این نیست که متولیان امور مساجد به تک‌تک نوجوانان نامه بنویسند، اما می‌توانند با نصب تابلوها و نوشته‌هایی با مضامین تربیتی، نوجوانان را هدایت کنند. تجربه عملی نشان داده است که در همه موارد، نصب این نوشته‌ها و تذکرات مفید و سودمند است. از این رو، در مسجد نیز می‌توان از این روش استفاده کرد و مؤمنان با نشان دادن تابلوها به افراد **خاطی، بدون ایجاد**

۱. نهج البلاغه، نامه ۳۱.

کوچک‌ترین تنشی افراد را هدایت، و فضایی مناسب برای عبادت مؤمنان ایجاد کنند.  
**نکته دوم:** امام علی علیه السلام با نوشتن نامه به فرزندشان، عملاً نشان می‌دهند که به ایشان توجه خاص دارند. از این نکته استفاده می‌شود که متولیان مساجد نیز نه تنها باید از حضور نوجوانان در مساجد به سادگی عبور نکنند، بلکه باید با برخوردهای ویژه، همراه با تشویق آنان و مشارکت عملی در امور و برنامه‌های مسجد، نوجوانان را به مساجد جذب کنند.

**نکته سوم:** امام علی علیه السلام با نوشتن نامه، به پیروانشان می‌فهماند که در برخورد با نوجوانان، باید از راه‌های محبت‌آمیز و دوستانه وارد شد، نه امر و نهی داد و فریاد کردن. هرگونه افراط در برخورد با نوجوانان ممکن است به گستاخی و لجاجت و ستیزه‌جویی منتهی شود. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «الافراطُ فی الملامةِ یَشْبُهُ نیرانَ اللّجّاجِ»<sup>(۱)</sup> افراط و زیاده‌روی در سرزنش کردن، شعله‌های لجاجت را دامن می‌زند. از این‌رو، متولیان مساجد تا آنجا که امکان دارد باید برخوردهای صحیح و مسالمت‌آمیز و متناسب با شأن و شخصیت نوجوان خاطی داشته باشند.

**نکته چهارم:** متولیان مساجد باید توجه داشته باشند که خطاها و اشتباهات نوجوانان در بیشتر موارد، تعمّدی و از سر غرض نیستند، بلکه شرایط خاص سنّی آنها باعث بروز این‌گونه رفتار می‌شود. از این‌رو،

۱. غرالحکم، ح ۴۵۰۷.

باید سعی کنند با استفاده از این قلب‌های آماده پذیرش، به فرمایش امام علی علیه السلام با پاشیدن بذر هدایت، آن‌ها را آباد کنند و از این دسته از نوجوانان، در آینده، افرادی عاشق مسجد و مشارک در امور خیر بسازند.

**نکته پنجم:** آنچه را اهمیت دارد که متولیان امور مساجد و ائمه محترم جماعات باید رعایت کنند، آگاهی دادن در خصوص مسجد به نوجوانان است. متأسفانه بیشتر نوجوانان ما به دلایل گوناگون از گذشته، مسجد را صرفاً به عنوان مکانی برای عبادت می‌شناسند و از تقدس و عظمت آن و تفاوتی که با سایر مکان‌ها دارد و نیز احکام مربوط به آن اطلاع کافی ندارند. به همین دلیل، گاهی شاهد رفتارهای نامناسب هستیم. اگر آگاهی‌های لازم در ارتباط با مساجد از راه‌های گوناگون از قبیل برگزاری کلاس‌ها، مسابقات و مانند آن به نوجوانان داده شود، به نظر می‌رسد اصلاً شاهد این قبیل رفتارها نباشیم.

با برخوردهای محبت‌آمیز، توجهات خاص و تذکرات غیرمستقیم و مشارکت دادن نوجوانان در امور مسجد، می‌توان نقش و جایگاه خاص خود را در این باره به نحو احسن ایفا کرد. ان شاء الله.



### سؤال ۵۰ - برای جذب جوانان به مسجد از چه عواملی

می توان بهره گرفت؟

پاسخ جامع به این سؤال نیازمند تفصیل بیش از حد این مقال است. اما به اختصار، به چند عامل اصلی که در جذب جوانان لازم به نظر می رسد، اشاره می کنیم:

۱. امام جماعت: علاوه بر شرایط و ویژگی های عمومی برای امام جماعت، که در پاسخ به دیگر سؤالات ذکر شده اند، به دلیل آنکه امام جماعت دارای نقش محوری است، نکاتی را در جذب جوانان باید مورد توجه قرار دهد:

الف. برخورد مناسب: درک موقعیت سنّی جوانان و شناخت نیازها و روحیات آنان توجه خاص می طلبد. شناخت جوان و خصوصیات اخلاقی، فکری و فرهنگی آنان و برخورد مناسب با جوانان شرط اولی است که امام جماعت و هیأت امنای مسجد باید برای جذب جوانان مورد توجه قرار دهند. اگر بتوانیم نیازها و سطح توقعات آنها را شناسایی کنیم و برنامه ها و فعالیت های مسجد را با این شناخت هماهنگ کنیم، قطعاً حرکتی مثبت انجام داده ایم.

ب. دوستی با جوانان: افزون بر شناخت جوان و برخورد مناسب

ائمه جماعات باید با کنار گذاشتن برخی تشریفات و محدودیت‌های کاذب و غیر ضروری، با جوانان رابطه دوستی برقرار کنند، به آنان شخصیت بدهند و در ارتباط با اداره بخش‌های مسجد از آنان نظرخواهی کنند و آنان را دعوت به همکاری نمایند. امام جماعت و هیأت امنای مسجد باید با تقسیم مسئولیت‌ها و کارهای مربوط به مسجد، از تخصص‌های گوناگون افراد، بخصوص جوانانی که در مسجد کارایی دارند، استفاده کنند تا مشارکت آنان در امور و کارهای خیر، عاملی برای رفت و آمد به مسجد باشد. علاوه بر این، امام جماعت باید در مراکزی که جوانان محل حضور دارند مانند دبیرستان‌ها، مراسم‌های جشن و شادی و مجالس ترحیم حضور پیدا کند تا جوانان بیشتری را شناسایی نماید و با ایجاد رابطه دوستی، آنان را از راه‌های گوناگون به مسجد بکشاند.

ج. مطالعه و تحقیق: امام جماعت همواره باید ساعاتی از شبانه‌روز را صرف مطالعه و تحقیق کند و از شرایط فکری و فرهنگی و سیاسی، زمان و عصر خود غافل نباشد. این ویژگی باعث می‌شود تا همواره توانایی علمی در جهت پاسخ‌گویی به سؤالات و شبهاتی را که در جامعه مطرح می‌شوند، داشته باشد. در هر زمان و مکانی سؤالات و شبهات خاصی ذهن و فکر جوانان را به خود مشغول می‌کنند. طبیعی است که توانایی علمی امام جماعت برای پاسخ‌گویی به سؤالات مراجعان سبب جلب اعتماد مردم و جوانان به آن‌ها می‌شود و آنان را به مساجد می‌کشاند؛ زیرا مسجد را ملجأ و پناهگاهی برای برقراری ارتباط با خالق و مکانی برای رفع شبهات و یافتن پاسخ برای سؤالات خود می‌شناسند و تا زمانی که مساجد ما از این ویژگی برخوردار نباشند، نمی‌توان شاهد حضور

نشاط‌انگیز جوانان در مساجد بود.

د. تشویق: تشویق مؤثر و هدفمند تابع قوانین خاصی است که به کارگیری آن‌ها منجر به رفتارسازی در انسان‌ها می‌شود و انسان‌ها در هر شرایطی بدان نیازمند هستند، بخصوص در دوران نوجوانی و جوانی، تشویق با خواسته‌های جوان تطابق دارد. جوان ستایش‌خواه و به دنبال جلب توجه و شیفته‌ت‌تحسین و تمجید است. ائمه جماعات می‌توانند با تشویق جوانانی که در مسجد حضور پیدا می‌کنند، به نحوی که با شخصیت و روحیات آنان سازگار باشد، پاسخی به نیازهای درونی جوان در عرصه ذهن و عاطفه آنان بدهند. این‌گونه تشویق‌ها دوام حضور جوانان در مسجد و آغاز حضور دیگران را به انسان نوید می‌دهند.

هـ. آراستگی: امام علی علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ»<sup>(۱)</sup>

خداوند متعال زیباست و زیبایی را دوست دارد. زیبا بودن و دوست داشتن زیبایی‌ها به صورت فطری در همه انسان‌ها هست، اما آراستگی و زیبایی در ایام جوانی مورد توجه خاص همه جوانان است. از این‌رو، ائمه جماعات با اقتدا به سیره ائمه اطهار علیهم السلام باید از آراستگی لازم برخوردار باشند و توجه جوانان را جلب نمایند. مسئله آراستگی به قدری اهمیت دارد که وقتی از رسول گرامی صلی الله علیه و آله پرسیدند: اگر در میان گروهی دو نفر از نظر قرائت و فقهت و سوابق انقلابی و سن با یکدیگر مساوی بودند. کدام یک برای پیش‌نمازی

۱. اصول کافی، ج ۶، ص ۴۳۸، باب یکم، ح ۱، باب «التجمل و اظهار النعمة».

مقدم است؟ حضرت فرمودند: «فأصبحهم وجهاً»<sup>(۱)</sup> آنکه زیباتر است، امام جماعت قرار گیرد.

۲. مسجد: مسجد با داشتن شرایط و ویژگی‌های خاص خود، می‌تواند از جمله عوامل جذب جوانان به مسجد باشد. گستردگی فعالیت‌ها و امکانات مساجد از نقاط قوت آنهاست. امروزه با توجه به ابزارها و شیوه‌های نوین فرهنگی، مساجد بدون امکانات و فعالیت‌های گوناگون، توان رقابت با سایر مراکز را نخواهند داشت. از این رو، شایسته است مساجد تا حد ممکن مجهز به امکانات فرهنگی باشند؛ از قبیل: کانون فرهنگی، خانه خبر، رایانه، کتابخانه، نوارخانه، بانک لوح‌های فشرده و امکانات ورزشی از قبیل: توپ و تور، میز تنیس، فوتبال دستی. البته لازم نیست تمامی این امکانات در مسجد یا در کنار آن فراهم شود، چه اشکالی دارد که از طرف مسجد، مکان‌هایی برای این امور در نظر گرفته شوند و مسجد نقش مدیریتی آنها را ایفا نماید؟ مدیریت صحیح و برنامه‌ریزی از سوی مسجد برای این‌گونه امکانات با داشتن تخفیفات زیاد، هم برای جوانان و جامعه مفید است و هم عاملی در جهت جذب آنان می‌باشد. برگزاری کلاس‌ها و مسابقات قرآنی، خطاطی، نقاشی، نویسندگی، طراحی، اردوهای زیارتی و سیاحتی، برگزاری کلاس‌های آموزشی و رفع اشکال از دیگر راه‌کارهایی هستند که در جهت جذب جوانان می‌توان از آنها بهره گرفت.

۱. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۷۷، ح ۱۰۹۹.

۳. تبلیغات: در دنیای امروز، تبلیغات نقش و جایگاه مخصوص به خود را دارد. از این رو، انعکاس فعالیت‌های مسجد در بین مردم و اطلاع رسانی و آگاهی پیدا کردن نسل جوان از فعالیت‌های متنوع مساجد گامی دیگر در جهت جذب جوانان به مسجد است.

۴. خادم: مسئله خادم از جمله مشکلات عمده مساجد است. متأسفانه بیشتر خدام افراد کهن سال و بازنشسته هستند، و به همین دلیل، روحیه و حوصله لازم برای برخورد با تمام طبقات اجتماع را ندارند. به نظر می‌رسد اگر خادمان مسجد از افراد جوان‌تر انتخاب شوند و مشکلات اقتصادی آنان تأمین گردد، در رونق گرفتن مساجد نقش مهمی خواهند داشت. به راستی، چرا پس از گذشت ربع قرن از انقلاب اسلامی، بودجه‌ای برای احیا و سروسامان دادن به امور مساجد اختصاص نمی‌یابد؟!

### سؤال ۵۱ - علل عدم حضور بعضی جوانان در مسجد

#### چیست؟

نسل جوان هر کشوری سرمایه آن می باشد؛ سرمایه ای که با به فعلیت درآمدن آن، می توان موجبات رشد جامعه را فراهم ساخت. در کشور ما، به علت رشد بالای جمعیت، بخش بزرگی از جمعیت در سنین جوانی قرار دارند و این امر ضرورت برنامه هایی برای تربیت این نسل را افزایش می دهد؛ نسلی که هدف گسترده و اصلی تهاجم فرهنگی غرب می باشد. در تهاجم فرهنگی، پایگاه های دینی مثل مساجد نیز آماج حمله قرار دارند. دشمنان اسلام و دین از راه های گوناگون همچون ترویج ابتدال و فساد، از طریق در اختیار گذاشتن رایگان انواع لوح های فشرده رایانه ای مبتذل و برنامه های ماهواره ای و ترویج الگوهای غربی، سعی در سست کردن پایه های اعتقادی و فرهنگ اسلام در جامعه و بخصوص در بین جوانان دارند. امروزه با توجه به گستردگی ارتباطات و فناوری پیشرفته، به طور قطع، نمی توان از ورود فرهنگ های بیگانه جلوگیری کرد. از این رو، باید به جوانان در برابر این هجوم افسارگسیخته مصنوعیت بیخشمیم. به نظر می رسد بهترین و کم هزینه ترین روش در جهت نیل به این مقصود،

استفاده مطلوب و برنامه‌ریزی شده از امکانات مساجد و افزایش توان مسجد در رقابت با این تهاجم فرهنگی دشمنان است. مساجد می‌توانند با جذب جوانان و تعمیق بخشیدن به فرهنگ غنی اسلامی، در این نبرد بزرگ سربلند و پیروز باشند.

اما اینکه چرا جوانان از حضور در مساجد امتناع می‌ورزند، عوامل متعددی دارد که به چند عامل اصلی آن اشاره می‌کنیم:

۱. خانواده: محیط خانه نخستین مکانی است که پایه سعادتمندی یا شقاوت افراد در آن پی‌ریزی می‌شود. از این رو، بخشی از علل روی‌گردانی از مسجد - و شاید بتوان گفت: بخش عمده روی‌گردانی - به این نهاد باز می‌گردد. والدینی که خود پایبند تکالیف و احکام دین نیستند و در عمل، نسبت به این مسائل کم‌اعتنا و بی‌مبالا هستند و در معاشرت‌های خانوادگی با دوستان و خویشان خود، ضوابط شرعی را رعایت نمی‌کنند و به تربیت دینی و مذهبی فرزندان خود توجهی ندارند، چگونه می‌توانند فرزندان پایبند و متعهد به احکام دین و صالح داشته باشند؟ این‌گونه فرزندان با الگو قرار دادن والدین، روش آن‌ها را مشی کرده نوعاً شخصیتی بی‌تفاوت نسبت به دین و مسجد پیدا می‌کنند. البته از سوی دیگر هم والدینی که در طول زندگی خود، مقید به دین و پایبند به احکام و ضوابط دینی هستند، ولی جوانان خود را بدون در نظر گرفتن روحیات و استطاعت‌های جسمی و روحی مجبور به تکالیف واجب و مستحب دینی می‌کنند و توجیه منطقی‌پذیری برای این‌گونه اجبارها ندارند، موجب بیزاری و تنفر جوانان از دین و مسجد می‌شوند.

۲. فرد و بحران هویت: بحران هویت از سال‌های نوجوانی آغاز می‌شود و تا بخشی از جوانی ادامه دارد. جوان و نوجوان در این مرحله، با کمک والدین و اطرافیان، باید هویت خود را بسازد و با توجه به گستردگی مفهوم «هویت»، هر فرد هویت‌های گوناگونی دارد که «هویت دینی» یکی از آن‌هاست. «هویت دینی» در واقع، همان رابطه بین آدمی و دین است و نتیجه آن احساس تعهد و مسئولیت در قبال ارزش‌ها و معتقدات دینی است. بی‌تردید، فقدان جهان‌بینی مطلوب و نداشتن یک بینش صحیح نسبت به آفرینش و نیز هرگونه اختلال و آشفتگی در هویت دینی، ضعف دین‌داری در بین جوانان و عدم حضور در مساجد و پایگاه‌های دینی را به همراه خواهد داشت؛ زیرا اگر باورهای انسان منفی باشند اعمال و کردار مبتنی بر آن نیز سعادت آفرین نخواهند بود. شکست‌ها، سرخوردگی‌ها، کمبودها، اثرپذیری از تبلیغات دشمنان، برداشت غلط از دین، نداشتن بنیان و مایه علمی لازم و شناخت ناقص و غیراصولی از دین و فلسفه آن بحران هویتی فردی به دنبال دارد. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «الناس أعداء ما جهلوا»؛<sup>(۱)</sup> مردم دشمن چیزهایی هستند که نمی‌دانند. طبق این روایت، جهل و نادانی بحران هویتی را به همراه دارد.

۳. جامعه: متأسفانه در بیشتر محیط‌های عمومی جامعه مسلمانان، بخصوص در ایران اسلامی و در بین شیعیان، بی‌مبالاتی و بی‌اعتنایی و بعضاً تمسخر نسبت به دین و احکام دینی بیش از توجه و تشویق به دین و احکام آن

۱. نهج البلاغه، کلمات قصار، ش ۱۷۲ و ۴۳۸.



مشاهده می‌شود. اگرچه مسجد همچنان از قداست خاصی نسبت به سایر مراکز - حتی در بین افرادی که تعهدی نسبت به دین ندارند - برخوردار است، اما مواردی از قبیل مسائل یاد شده و معاشرت با دوستان ناباب، سوء عملکرد برخی دستگاه‌های اجرایی و یا کارمندان آنها در حکومت دینی، تناقض در گفتار و رفتار برخی مسئولان، برخورد نکردن با متخلفان اقتصادی و برخی افراد خاص، نقش اساسی در رویگردانی جوانان و دیگر اقشار جامعه از مسجد دارد.

۴. مسجد: مسجد نقش مهمی در دفع جوانان دارد. مواردی از قبیل یکنواخت بودن برنامه‌های مسجد، به روز نبودن آنها، تکراری بودن موضوعاتی که در مسجد مطرح می‌شوند، نپرداختن به موضوعات جوانان، محل درآمد بودن مسجد برای برخی از روحانیان و طولانی بودن نماز جماعت و سخنرانی، از جمله موانع جذب جوانان به شمار می‌آیند.

## چراغ در مسجد

سؤال ۵۲ - چرا در روایات بر «افروختن چراغ»

در مسجد سفارش شده است؟

مسجد محل عبادت و نور الهی است و مؤمن هنگام نیایش و راز و نیاز با خداوند، خانه دلش به نور معرفت الهی روشن می‌شود. شاید به همین دلیل است که در روایات سفارش شده است: مساجد را تاریک و ظلمانی رها نکنید و خانه خدا را با افروختن چراغ، نورانی نگه دارید. شیخ صدوق رحمته الله علیه از پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که فرمود: «مَنْ أَسْرَجَ فِي مَسْجِدٍ مِنْ مَسَاجِدِ اللَّهِ سَرَجًا لَمْ تَزَلِ الْمَلَائِكَةُ وَحَمَلَةُ الْعَرْشِ يَسْتَغْفِرُونَ لَهُ مَا دَامَ فِي ذَلِكَ الْمَسْجِدِ ضَوْءٌ مِنْ السَّرَاجِ»؛<sup>(۱)</sup> هر کس که چراغی را در یکی از مساجد برافروزد تا آن‌گاه که نوری از این چراغ در مسجد برافروخته باشد، فرشتگان و حاملان عرش الهی برای افروزنده آن استغفار می‌کنند.

همان‌گونه که از روایت استفاده می‌شود، شاید بتوان مقصود از این

۱. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۳۸، ح ۷۱۶ / تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۲۶۱.

حدیث را به مطلق کار نیک و پربرکت معنا کرد؛ یعنی هر تلاش و فعالیت مؤثر و عام‌المنفعه که در جهت حفظ و حراست از خانه خدا و روشن نگه داشتن نور الهی صورت پذیرد مقبول و مأجور درگاه الهی است. روشن است که امروزه با زدن یک کلید، خانه خدا و مسجد روشن می‌شود، ولی آیا آثار و ثواب‌های روشن کردن خانه خدا برای کسی است که این کلید را می‌زند؟ قطعاً چنین نیست و مقصود روایت کسانی هستند که هزینه‌های جاری در مساجد را به عهده گرفته‌اند و پرداخت می‌نمایند. اگرچه آن دسته از افراد هم که به هنگام فرارسیدن شب با حضور در مسجد و زدن یک کلید خانه خدا را روشن می‌کنند بی‌اجر نیستند و قطعاً ثواب و پاداشی نزد خداوند دارد. ولی آثار و ثواب‌های بسیاری که در این باره در روایات نقل شده (و در ضمن سؤال مستقلی به آن‌ها اشاره خواهیم کرد) فقط شامل این دسته از افراد نمی‌شود، بلکه مقصود کسانی هستند که بار هزینه‌های مسجد را به دوش می‌کشند.

**سؤال ۵۳ -** چه آثار و ثواب‌هایی برای افرادی که خانه خدا را روشن نگه می‌دارند، در روایات ذکر شده است؟

در روایات و منابع اسلامی، آثار و پاداش‌هایی برای این افراد ذکر شده است که در ذیل، به اختصار به آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. بخشیده شدن گناهان: پیامبر گرامی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «مَنْ أَدْخَلَ لَيْلَةً وَاحِدَةً سِرَاجًا فِي الْمَسْجِدِ غَفَرَ اللهُ لَهُ ذُنُوبَ سَبْعِينَ سَنَةً»<sup>(۱)</sup> هر کس که در یک شب چراغی را در مسجد برافروزد، خداوند گناهان هفتاد سال او را می‌آمرزد. از قید «لَيْلَةً وَاحِدَةً» در روایت استفاده می‌شود که افراد هرچند با امکانات محدود و کم، حق مشارکت در امور و هزینه‌های مسجد را دارند تا هیچ کس از این عبادت بزرگ محروم نگردد.

۲. برخورداری از ثواب‌های انبیا: در ادامه حدیث مزبور آمده است که اگر افروختن چراغ در مسجد بیش از یک شب باشد، در برابر هر شبی

۱. جامع الأخبار، ص ۷۱.

خداوند متعال ثوابی را که به یکی از پیامبران خویش می‌دهد به وی عطا می‌کند: و اگر چراغ افروختن مسجد به ده شب رسید، کسی نمی‌تواند پاداشی را که او نزد خدا دارد، توصیف کند. «و إن زادَ علی لیلةٍ واحدةٍ فَلَهُ بِکُلِّ لیلةٍ یزیدُ ثوابِ نبیِّ فإِذَا تَمَّ عَشْرَ لیالٍ لا یصِفُ الواصِفونَ ما لَهُ عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الثَّوَابِ.»<sup>(۱)</sup>

۳. حرام شدن آتش جهنم: در روایت مذکور وارد شده است که از دیگر آثار روشن نگه داشتن مسجد و خانه خدا، حرام شدن آتش بر بدن فردی است که خانه خدا را روشن نگه داشته است: «فإِذَا تَمَّ الشَّهْرُ حَرَّمَ اللَّهُ جَسَدَهُ عَلَی النَّارِ»؛<sup>(۲)</sup> اگر روشن نگه داشتن مسجد توسط فردی به یک ماه رسید، خداوند متعال بدن او را بر آتش حرام می‌کند.

۴. روشنایی قبر: از دیگر آثار روشن نگه داشتن مساجد، روشنایی قبر در عالم برزخ است. در حدیثی که منسوب به پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است، وارد شده که حضرت فرمودند: در شب معراج، دیدم که بر در ششم بهشت نوشته شده بود: «مَنْ أَحَبَّ أَنْ لَا یَظْلَمَ لِحَدِّهِ فَلَیَنْوِرِ الْمَسَاجِدَ»؛<sup>(۳)</sup> هر کس که دوست دارد قبرش تاریک نباشد، مساجد را روشن نگه دارد.

۱. همان.

۲. همان.

۳. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۸۵، باب ۲۴، حدیث دوم.

## حضور در مسجد

### سؤال ۵۴ - اقامت در مسجد چه آثار و فوایدی دارد؟

در برخی روایات، از مسجد به عنوان «بازار آخرت» و «بهترین مکان بر روی زمین» یاد شده است. در روایتی از پیامبر گرامی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌خوانیم: «المساجدُ سوقٌ مِنْ أسواقِ الآخرةِ قراها المغفرةُ و تُحفتها الجنةُ»؛<sup>(۱)</sup> مسجدها از بازارهای آخرتند، از کسانی که به آنها وارد می‌شوند با مغفرت پذیرایی می‌شود و هدیه آنان بهشت است. نام‌گذاری مساجد به «بازار آخرت» شاید به آن دلیل است که مؤمنان در آنجا به کسب امور معنوی و تهیه اسبابی می‌پردازند که در سرای آخرت به آنها نیاز دارند.

در روایت دیگری، امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام از پدرانش عَلَيْهِمُ السَّلَام از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل می‌کند که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از جبرئیل عَلَيْهِ السَّلَام سؤال می‌کند: «أَيُّ البقاعِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ - عزوجل؟ -» کدام مکان نزد خداوند از همه محبوب‌تر است؟ جبرئیل عَلَيْهِ السَّلَام در پاسخ می‌فرماید: «المساجدُ و أَحَبُّ أَهْلِهَا إِلَى اللَّهِ أَوْلَهُمْ دُخُولًا و آخِرُهُمْ

۱. شیخ طوسی، الامالی، ص ۱۳۹.

خروجاً منها»؛<sup>(۱)</sup> مساجد محبوب‌ترین مکان‌ها و دوست‌داشتنی‌ترین اهل مسجد نیز کسی است که پیش از همه به مسجد داخل و پس از همه از مسجد خارج شود.

برای اقامت در این مکان مقدّس و بازار آخرت، آثار و فوایدی در روایات ذکر شده‌اند که در ذیل، به اختصار به آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. دوست خدا: همان‌گونه که از روایت مزبور استفاده می‌شود، دوست‌داشتنی‌ترین اهل مسجد کسانی هستند که اقامتشان در مسجد بیش از دیگران است. در روایت دیگری، امام علی علیه السلام از پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که خداوند متعال در حدیث قدسی در شب معراج فرمود: «یا أحمد! لیس کلُّ من قال أنا أحبُّ الله أحبَّني حتّی يأخذ المسجد بیتاً»؛<sup>(۲)</sup> ای احمد! هر کس ادعا کرد که من خدا را دوست می‌دارم دوستدار من نیست، مگر اینکه مسجد را خانه خویش قرار دهد.

روشن است که مقصود این نیست که از مسجد به عنوان محل اسکان استفاده نمایند؛ زیرا توقّف بیهوده در مسجد نکوهیده است. از این رو، به نظر می‌رسد خانه قرار دادن مسجد کنایه از اقامت طولانی و کثرت رفت‌وآمد به مسجد باشد.

۲. میهمان و زائر خداوند: در برخی از روایات، از شخصی که منتظر

۱. اصول کافی، ج ۳، ص ۴۸۹، باب «التوادر»، ح ۱۴.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۶۱-۳۶۲، ح ۳۷۸۳.

اقامه نماز است با عناوین «مهمان الهی» و «زائر خداوند» تعبیر شده است. امام صادق علیه السلام می فرماید: «مَنْ أَقَامَ فِي مَسْجِدٍ بَعْدَ صَلَاتِهِ انْتِظَاراً لِلصَّلَاةِ فَهُوَ ضَيْفُ اللَّهِ وَ حَقٌّ عَلَى اللَّهِ أَنْ يُكْرِمَ ضَيْفَهُ»؛<sup>(۱)</sup> کسی که پس از بجای آوردن نماز، برای برپایی نماز بعدی در مسجد منتظر بماند، مهمان خداوند است و قطعاً خداوند مهمان خود را احترام و تکریم می نماید.

در روایت دیگری از امام علی علیه السلام از فرد منتظر به عنوان زائر خداوند متعال یاد شده است: «الْمُنْتَظِرُ وَقْتَ الصَّلَاةِ بَعْدَ الصَّلَاةِ مِنْ زُورِ اللَّهِ - عَزَّوَجَلَّ - وَ حَقٌّ عَلَى اللَّهِ أَنْ يُكْرِمَ زَائِرَهُ وَ أَنْ يُعْطِيَهُ مَا سَأَلَ»؛<sup>(۲)</sup> کسی که پس از نماز، منتظر برپایی نماز دیگر بماند، زائر خداوند است و خداوند متعال زائر خویش را اکرام خواهد نمود و آنچه را که او درخواست کند، به وی عطا می نماید.

۳. برخورداری از پاداش های الهی: پاداش های الهی برای کسی که در مسجد اقامت داشته باشد (کنایه از رفت و آمد زیاد، زودتر از همه آمدن و دیرتر از همه رفتن) متعندند:

الف . بخشش گناهان: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در وصیت خود به ابوذر غفاری می فرماید: «يَا أَبَاذَرٍّ! إِنَّ اللَّهَ يُعْطِيكَ مَا دُمْتَ جَالِسًا فِي الْمَسْجِدِ بِكُلِّ نَفْسٍ تَنْفَسَتْ فِيهِ دَرَجَةٌ فِي الْجَنَّةِ وَ يَمْحِي عَنْكَ عَشْرَ سَيِّئَاتٍ»؛<sup>(۳)</sup> ای ابوذر! تا زمانی

۱ . المحاسن، ج ۱، ص ۴۸، باب ۵۰، ح ۶۶.

۲ . الخصال، ج ۲، ص ۶۳۴.

۳ . وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۱۷، ح ۴۶۶۹.



که در مسجد نشسته‌ای، خداوند متعال در مقابل هر نفسی که می‌کشی، درجه‌ای از بهشت به تو عطا می‌کند و ده بدی و زشتی را از تو محو می‌گرداند.

ب . پرچمدار بهشتیان: «یا أباذر! طُوبى لأصحابِ الألوِيَةِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَحْمِلُونَهَا فَيَسْبِقُونَ النَّاسَ إِلَى الْجَنَّةِ، أَلَا وَهُمْ السَّابِقُونَ إِلَى الْمَسَاجِدِ بِالسَّحَابِ وَغَيْرِهَا»؛<sup>(۱)</sup> ای ابوذر! خوشا به حال پرچمداران روز قیامت که پرچم‌ها را بردوش گرفته و پیش از دیگران وارد بهشت می‌شوند. آنان کسانی هستند که در سحرگاهان و دیگر اوقات، در رفتن به مساجد بر دیگران پیشی می‌گیرند.

ج . خانه‌ای در بهشت: روایتی را امام صادق عليه السلام از پدرش و او از رسول گرامی نقل می‌کند که فرمود: «مَنْ كَانَ الْقُرْآنُ حَدِيثُهُ وَالْمَسْجِدُ بَيْتَهُ بَنَى اللَّهُ لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ»؛<sup>(۲)</sup> کسی که سخن و گفتار او قرآن و مسجد خانه‌اش باشد، خداوند در بهشت خانه‌ای برای او بنا می‌کند.

۴ . فقر: پیدایش فقر از جمله آثاری است که برای عجله‌کنندگان هنگام خروج از مسجد ذکر شده است. پیامبر گرامی می‌فرماید: «عَشْرُونَ خِصْلَةً تُورِثُ الْفَقْرَ... وَ تَعْجِلُ الْخُرُوجَ مِنَ الْمَسْجِدِ»؛<sup>(۳)</sup> بیست خصلت هستند که سبب پیدایش فقر می‌شوند... و از آن جمله است: عجله کردن هنگام خروج از مسجد.

۱ . شیخ طوسی، الامالی، ص ۵۲۹ .

۲ . تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۲۵۵، باب ۲۵، ح ۲۷ .

۳ . جامع الاخبار، ص ۱۲۴ .

شاید مفهوم مخالف این روایت آن است که صبر و طمأنینه هنگام خروج و بلکه دیرتر از دیگران خارج شدن - همان گونه که در برخی روایات ذکر شده - نه تنها پسندیده است، بلکه سبب بی نیازی انسان نیز می گردد.

### سؤال ۵۵ - آیا توقّف بیهوده در مسجد جایز است؟

طول دادن اقامت در مسجد نیکو و پسندیده است، اما باید توجه داشت که این طول دادن نباید حالتی همراه با لغو و بی‌کاری باشد. از این رو، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به منظور پیش‌گیری از بی‌کاری راحت‌طلبان، در وصیت خویش به ابوذر غفاری می‌فرماید: «یا أباذر! كُلُّ جُلُوسٍ فِي الْمَسْجِدِ لَغْوٌ إِلَّا ثَلَاثَةٌ: قِرَاءَةُ مُصَلٍّ أَوْ ذَاكِرِ اللَّهِ تَعَالَى أَوْ مُسَائِلٌ مِنْ عِلْمٍ»<sup>(۱)</sup> ای ابوذر! هر نشستی در مسجد، لغو و بیهوده است، مگر توقّف سه دسته: آنان که پس از بجا آوردن نماز مشغول قرائت قرآن یا سرگرم یاد خدا و یاد در حال تحصیل علم و دانش و مباحثه علمی باشند.

ذکر این سه مورد در روایت مزبور، دلیل بر حصر نیست؛ به این معنا که مفهوم روایت مذکور این نیست که هر عمل دیگری غیر از این سه، در مسجد از مصادیق لغو خواهد بود؛ زیرا شواهد تاریخی نشان می‌دهند که نقش مسجد در صدر اسلام، بسیار متعدد و متنوع بوده است؛ مساجد محل بسیج کردن ملت

۱. مجموعه و ذام، ج ۲، ص ۶۱.

و سپاه برای جنگ و جهاد بوده‌اند، مساجد مرکز تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اجتماعی بوده‌اند. در یک نگاه کلی، می‌توان گفت: از در کنار هم گذاشتن مجموعه روایاتی که در باره مسجد و مسائل آن وارد شده‌اند این نتیجه حاصل می‌شود که هر چه عقلاً و شرعاً و عرفاً لغو و بیهوده به شمار آید و مخالف تقدس و شئونات مسجد باشد، انجام آن در مسجد از مصادیق لغو خواهد بود و مؤمنان باید از ارتکاب آن پرهیزد و هرچه در جهت نشر فرهنگ دین و آیین اسلام صورت گیرد عبادت است، اگرچه در شکل‌ها و قالب‌های متعددی نسبت به زمان‌ها و مکان‌ها عرضه گردد. از این رو، انجام آن‌ها در مراکز عبادی و از جمله مسجد هیچ مانعی ندارد.

### سؤال ۵۶ - حضور با طهارت در مسجد چه آثار و فوایدی دارد؟

حضور با طهارت در خانه خدا (مسجد) از جمله آداب مسجد رفتن است. در روایات وارد شده از معصومان علیهم السلام برای حضور با طهارت آثاری ذکر شده‌اند؛ از جمله آنکه هرکس با طهارت در مسجد حاضر می‌شود «زائر خداوند» است، و یا اینکه خداوند گناهان او را می‌بخشد. در اینجا، دو روایت را ذکر می‌کنیم:

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «علیکم باتیان المساجد فَإِنَّهَا بِيوتُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ وَ مَنْ أَتَاهَا مُتَطَهَّرًا طَهَّرَهُ اللَّهُ مِنْ ذُنُوبِهِ وَ كُتِبَ مِنْ زُورَاه»<sup>(۱)</sup> بر شما باد به حضور در مساجد (سعی کنید حتماً در مساجد حضور پیدا کنید)؛ زیرا مساجد خانه‌های خداوند در زمین هستند. کسی که با حالت طهارت وارد مسجد شود، خداوند او را از گناهانش پاک می‌کند و نام وی را در

۱. شیخ طوسی، الامالی، ص ۵۳۹.

زمره زائران خویش می نویسد.

در روایت دیگری، حضور با طهارت از جمله اسبابی شمرده شده است که دعای خیر فرشتگان الهی را به همراه دارد. ابوسعید خدری نقل می کند که پیامبر گرامی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «أَلَا أَدْلِكُمْ عَلَى شَيْءٍ يُكَفِّرُ اللَّهُ بِهِ الْخَطَايَا وَيَزِيدُ فِي الْحَسَنَاتِ؟ قِيلَ: بَلَى، يَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ. قَالَ: إِسْبَاغُ الْوُضُوءِ عَلَى الْمَكَارِهِ وَكَثْرَةُ الْخَطَا إِلَى هَذِهِ الْمَسَاجِدِ وَانْتِظَارُ الصَّلَاةِ بَعْدَ الصَّلَاةِ وَ مَا مِنْكُمْ أَحَدٌ يَخْرُجُ مِنْ بَيْتِهِ مُتَطَهَّرًا فَيُصَلِّي الصَّلَاةَ فِي الْجَمَاعَةِ مَعَ الْمُسْلِمِينَ ثُمَّ يَقْعُدُ يَنْتَظِرُ الصَّلَاةَ الْآخِرَى إِلَّا وَالْمَلَائِكَةُ يَقُولُ: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَهُ، اللَّهُمَّ ارْحَمْهُ»؛<sup>(۱)</sup> آیا شما را به چیزی راهنمای نکنم که مایه بخشیدن گناهان شما و کفاره لغزش هایتان باشد و موجب افزایش حسنات و خوبی ها؟ عرض شد: آری، ای رسول خدا. حضرت فرمود: شاداب وضو گرفتن در سختی ها (شاید کنایه از این باشد که مثلاً، در هوای سرد زمستان یا در مسافرت ها به دلیل کمبود وقت با عجله و پرشتاب به صورتی که خود انسان به دقت متوجه وضو گرفتن خودش نباشد، وضو نگیرد، بلکه در این گونه موارد، به نیکویی وضو بگیرد) و پیاده به مسجد رفتن و منتظر نماز شدن پس از نماز اول. هر کس با حالت طهارت از خانه خود خارج شود و نماز جماعت را با مسلمانان بجای آورد، سپس در مسجد، منتظر برپایی نماز دیگری بماند ملائکه خداوند در حق او دعا کرده، می گویند: خدایا او را بیا مرز! خداوندا او را رحمت نما!

۱. همان، ص ۳۲۲، ح ۹.

بنابراین، به اختصار می‌توان گفت: از جمله فواید حضور با طهارت در مسجد عبارت است از: بخشیده شدن گناهان، زائر خداوند بودن، زیاد شدن حسنات و نیکی‌ها، به دنبال داشتن دعای ملائکه الهی.

### سؤال ۵۷ - آمد و شد به مساجد چه فواید و آثاری برای انسان دارد؟

آثار و فوایدی که از رفت و آمد و حضور در مسجد نصیب مؤمنان می‌شود تنها ثواب بردن و شمول لطف و مورد رحمت الهی قرار گرفتن نیست، بلکه در همین جهان هم آثار و فواید اخلاقی، تربیتی، علمی، اجتماعی و سیاسی فراوانی در سایه ارتباط با مسجد برای انسان حاصل می‌شوند. مولای متقیان امام علی علیه السلام در مقام احصای برخی از آثار و فواید ارتباط با مسجد می‌فرماید: «مَنْ اِخْتَلَفَ اِلَى الْمَسْجِدِ اَصَابَ اِحْدَى الثَّمَانِ: اَخًا مُسْتَفَادًا فِى اللّٰهِ، اَوْ عِلْمًا مُسْتَطْرَفًا،

اَوْ اَيَّةً مَّحْكَمَةً، اَوْ سَمِعَ كَلِمَةً تَدُلُّهُ عَلٰى هِدْيٍ، اَوْ رَحْمَةً مُنْتَظَرَةً، اَوْ كَلِمَةً تَرُدُّهُ عَنِ رَدِيٍّ، اَوْ يَتْرِكُ ذَنْبًا خَشِيَةً اَوْ حِيَاءً»<sup>(۱)</sup> کسی که به مسجد رفت و آمد می‌کند به یکی از موارد هشتگانه ذیل می‌رسد: اول برادری ایمانی که در مسیر خدا از او استفاده کند؛ دوم دانشی نو و فراگیر (طبیعی است که مقصود این نیست

۱. تهذیب الأحکام، ج ۳، ص ۲۴۹ - ۲۴۸، باب «فضل المساجد و الصلاة»، ح ۱.



که با رفت و آمد به مسجد یک علم جامع الأطراف نصیب انسان می‌شود، بلکه مراد این است که انسان دست کم می‌فهمد در چه شرایطی زندگی می‌کند، در اطراف او چه می‌گذرد و مسائلی از این قبیل که البته در زندگی امروزه با این همه اشتغالاتی که برای خود فراهم کرده‌ایم، این مقدار علم و آگاهی بسیار مفید است؛ سوم فهم و درک آیه‌ای از آیات قرآن؛ چهارم شنیدن سخنی که او را به هدایت رهنمون باشد؛ پنجم رحمتی که انتظار آن را از جانب خداوند متعال می‌کشد؛ ششم سخنی که او را از گم‌راهی و هلاکت بازدارد؛ هفتم ترک گناهی که سبب ایجاد روح خوف و خشیت از خدا در سایه رفت و آمد به مسجد حاصل می‌گردد؛ هشتم ترک گناه به خاطر حیا از برادران ایمانی خود که در مسجد با آنان آشنا شده است.

روشن است که تحصیل این امور در هر مسجدی امکان‌پذیر نیست و این فواید و آثار آن‌گاه به دست خواهند آمد که تمامی مساجد با تلاش همه مؤمنان و نهادهای دولتی و حکومتی در نظام جمهوری اسلامی، به جایگاه اصیل و واقعی خود بازگردند.

امام صادق علیه السلام در ضمن روایتی که از پدرانش و آنان از رسول گرامی صلی الله علیه و آله نقل می‌کنند، می‌فرماید: «یا فضل! إِنَّهُ لَا يَرْجِعُ صَاحِبُ الْمَسْجِدِ بِأَقَلِّ مِنْ أَحَدِي ثَلَاثَ: أَمَا دَعَاءُ يَدْعُو بِهِ يَدْخُلُهُ اللَّهُ بِه الْجَنَّةَ، وَ أَمَا دَعَاءُ يَدْعُو بِهِ يَصْرَفُ اللَّهُ

بِهْ عَنهُ بَلَاءُ الدُّنْيَا، وَ اِمَّا اَخٌ يَسْتَفِيْدُهُ فِي اللّٰهِ»<sup>(۱)</sup> از بهره‌ها و فوایدی که نصیب مسجدی‌ها می‌گردد، یکی از سه مورد ذیل است: یا اینکه موفق به دعایی می‌شود که خداوند با همان دعا او را به بهشت می‌برد، یا اینکه دعایی می‌کند که خداوند به سبب آن بلای دنیا را از وی دور می‌کند و یا اینکه دوست و برادری پیدا می‌کند که از او در مسیر خدا استفاده می‌نماید.

امام عَلَيْهِ السَّلَامُ در ادامه همین روایت، از قول نبی مکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تأکید می‌فرماید که حضرت فرمود: «مَا اسْتَفَادَ امْرُؤٌ مُسْلِمٌ فَائِدَةً بَعْدَ الْاِسْلَامِ مِثْلُ اَخٍ يَسْتَفِيْدُهُ فِي اللّٰهِ»؛ هیچ بهره و فایده‌ای پس از اسلام آوردن برای مسلمان بهتر از یافتن برادری که او را در مسیر خدا کمک کند، نیست. روشن است که هیچ‌یک از مادر مسیر زندگی از چنین دوستانی بی‌نیاز نیستیم و چه مرکز بهتر از مسجد که در روایات و متون دینی از آن به عنوان کانونی برای یافتن چنین دوستانی به مؤمنان معرفی شده است.

۱. شیخ طوسی، الامالی، ص ۴۷ - ۴۶.

### سؤال ۵۸ - آیا بستن در مساجد در غیر اوقات نماز

از مصادیق «ظلم» در آیه شریفه قرآن نیست؟

مسجد خانه خدا و جایگاه عبادت و پرستش خالصانه اوست. از این رو، قرآن کریم از هر کسی که به مبارزه با این نقش مساجد برخیزد به عنوان «ظالم» یاد کرده است: ﴿وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ وَ سَعَىٰ فِي خَرَابِهَا﴾<sup>(۱)</sup> چه کسی ظالم تر است از آنکه از آنکه از بردن نام و یاد خدا در مساجد جلوگیری کند و برای خرابی آن، تلاش نماید؟

مؤلف کتاب سیمای مسجد درباره آیه شریفه، دو پرسش مطرح می‌کند:

۱. جلوگیری از یاد خدا در مسجد، ظلم در حق چه کسی است؟
  ۲. جلوگیری از ذکر و یاد خدا در مسجد چگونه صورت می‌گیرد؟
- ایشان در پاسخ به سؤال اول، می‌نویسد: «این کار از یک سو، مسجد را از ایفای نقش اصلی و حیاتی خویش باز می‌دارد. پس در حقیقت، نوعی ظلم و ستم بر مسجد به شمار می‌آید؛ و از سوی دیگر، ستمی بر مؤمنان و نمازگزاران

۱. بقره: ۱۱۴.

است؟ چه این کار مایه محرومیت آنان از این مکان مقدّس می شود؛ بلکه می توان گفت: جلوگیری از یاد خدا در مسجد و تلاش در راستای کاستی و بی رونقی آن، ستمی بر مجموعه دین و شعائر الهی به شمار می آید؛ زیرا مسجد مظهر و نشان اسلام و مسلمانی است. پس سعی و کوشش برای خرابی آن در حقیقت، عملی در راستای تضعیف دین و مبارزه با آن محسوب می شود.»

در پاسخ به سؤال دوم نیز می نویسد: «این کار به انجام اعمال مهمی نیاز ندارد. هر عمل و رفتار به ظاهر ساده ای ممکن است در شرایطی جلوگیری از یاد خدا در مسجد به حساب آید. اهمیت خودداری از کارهایی که مانع ذکر و عبادت مؤمنان در مسجد می شود، تا بدانجاست که برخی از فقهای اهل سنت همچون ابوحنیفه بستن در مساجد را در هر شرایطی، جلوگیری از یاد خدا به شمار آورده اند.<sup>(۱)</sup> هرچند این سخن نادرست به نظر می رسد؛ زیرا اگرچه مسجد جایگاه ذکر و یاد خداست و بایستی به روی مؤمنان و نمازگزاران باز باشد؛ ولی از سوی دیگر، حفظ و نگه داری مسجد و وسایل و ابزار موجود در آن و جلوگیری از اعمالی که مایه هتک حرمت مسجد می شود نیز واجب است. بلی، می توان گفت: بستن در مساجد در اوقاتی که معمولاً مؤمنان برای بپا داشتن نماز در مسجد گرد می آیند، جلوگیری از یاد خدا در مسجد به شمار می آید. از این رو، جا دارد سرپرستان و خادمان مساجد شیوه هایی را در پیش گیرند که تا

۱. ر. ک: اعلام المساجد بأحكام المساجد، ص ۳۴۰ / سیمای مسجد، ج ۲، ص ۴۵.

آنجا که مصالح مسجد اجازه می‌دهد و هتک حرمت و خسارتی به خانه خدا وارد نمی‌آید، اوقات بسته بودن در مسجد را کاهش دهند. در پایان، عقوبت و عذاب زیان‌باری که بر جلوگیری از یاد خدا در مسجد و تلاش در راستای ویرانی آن در آیه ذکر شده، درخور توجه است. آیه شریفه می‌فرماید: «لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ»<sup>(۱)</sup> برای آنان در همین دنیا خذلان و خواری و در سرای دیگر، عذابی دردناک در نظر گرفته‌ایم. بنابراین، این کار عذاب و بدبختی و حرمان از نعم الهی را در هر دو جهان به دنبال دارد.»<sup>(۲)</sup>

---

۱. بقره: ۱۱۴.

۲. سیمای مسجد، ج ۲، ص ۴۵-۴۶.

## خوابیدن در مسجد

سؤال ۵۹ - خوابیدن در مسجد چه حکمی دارد؟

از جمله آدابی که در روایات برای مسجد وارد شده، آن است که انسان به خاطر کرامت و ارج نهادن به عظمت مسجد، از خوابیدن در این مکان مقدس خودداری کند.

سؤال: آیا انجام تمرین‌های ورزشی در مسجد محل یا خوابیدن در آن جایز است؟ این کارها در مسجدهای دیگر چه حکمی دارد؟

جواب: «مسجد جای ورزش و تمرین ورزشی نیست و از کارهایی که با شأن و منزلت مسجد منافات دارد، باید پرهیز شود و خوابیدن در مسجد هم مکروه است.»<sup>(۱)</sup>

در روایتی از امام باقر علیه السلام می‌خوانیم: «مَنْ نَامَ فِي الْمَسْجِدِ بِغَيْرِ عَذْرِ ابْتِلَاهُ اللَّهُ بِدَاءٍ لَزْوَالِ لَهُ»؛<sup>(۲)</sup> کسی که بدون عذر در مسجد بخوابد، خداوند او را

۱. همان، س ۳۹۳.

۲. جامع الأخبار، ص ۷۰.

به دردی که دوا ندارد، مبتلا می‌نماید.

از اینکه امام باقر علیه السلام خوابیدن در مسجد را مقید به «نداشتن عذر»، کردند، استفاده می‌شود که در صورت عذر و ضرورت، خوابیدن در مسجد اشکالی ندارد. بدین روی، «اصحاب صفه»، که گروهی از مسلمانان بودند، در مسجد می‌خوابیدند؛ چون از اطراف و مناطق دیگر به مدینه و محضر رسول گرامی صلی الله علیه و آله آمده بودند و فاقد جا و مکانی برای خوابیدن بودند.

البته باید توجه داشت که در برخی موارد، ممکن است خوابیدن در مسجد «حرام» باشد و این در صورتی است که خوابیدن مانع از عبادت دیگر مؤمنان در مسجد شود. یکی از حجج بیت‌الله الحرام نقل می‌کرد که متأسفانه این وضعیت در برخی از مساجد عربستان از جمله مسجد «حنیف» در منی، یک حالت همیشگی پیدا کرده است، به صورتی که انسان به سختی می‌تواند در ایام برگزاری حج تمتع در این مسجد نماز بخواند. بنابراین، خوابیدن در مسجد در شرایط عادی و معمولی مکروه است و در مواقع ضرورت، اشکال ندارد. در صورتی که خوابیدن مانع از عبادت مؤمنان در مسجد باشد، حرام است.

## زن در مسجد

سؤال ۶۰ - رفتن به مساجد برای زنان، در جامعه کنونی چگونه است؟

قشر عظیمی از جامعه را زنان تشکیل می‌دهند. از این رو، آنان نیز می‌توانند با حفظ موازین اسلامی از برکات و فضایل مسجد بهره‌مند شوند. به همین دلیل، می‌بینیم در روایات وارد شده است که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «لَا تَمْنَعُوا النِّسَاءَ حِظْوَهُنَّ مِنَ الْمَسَاجِدِ إِذَا اسْتَأْذَنُوكُمْ»؛<sup>(۱)</sup> هنگامی که زنان شما اجازه رفتن به مسجد می‌خواهند، آنان را از بهره و نصیبشان از مساجد، محروم نکنید.

شواهد تاریخی نیز بر حضور زنان در مساجد صدر اسلام گواهی می‌دهند. امام علی عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌فرماید: «كَانَ النِّسَاءُ يُصَلِّينَ مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ»؛<sup>(۲)</sup> زنان نماز را با پیامبر به جای می‌آوردند.

در روایات دیگری وارد شده است هنگامی که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ صدای

۱. صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۶۱.

۲. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۹۶، ح ۱۱۷۶.



گریه طفلی را که به مسجد آمده بود می شنیدند، نماز را سریع بجای می آوردند.<sup>(۱)</sup>

اما دسته‌ای از روایات نماز خواندن زنان را در خانه بهتر از حضور آنان در جماعت می دانند. از قبیل این سخن امام صادق علیه السلام که فرمودند: «خَيْرُ مَسَاجِدُ نِسَائِكُمُ الْبُيُوتِ»؛<sup>(۲)</sup> بهترین مساجد برای زنان شما خانه‌هایند، در باره این دسته از روایات، باید گفت: بسیاری از فقها از این گونه روایات اهمیت حفظ حجاب و مصونیت زنان را استنباط نموده‌اند؛ همچنان که برخی از روایات زنان را به رعایت شئون عفت و حیا در مسیر رفت و آمد به مسجد دعوت می‌کنند. زینب، یکی از همسران پیامبر، از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که فرمودند: «إِذَا شَهِدْتَ إِحْدَا كُنَّ الْمَسْجِدَ فَلَا تَمَسْ طَيْبًا»؛<sup>(۳)</sup> هنگامی که یکی از شما زنان به مسجد می‌آید. نباید از بوی خوش استفاده نماید. از این رو، برخی فقها مثل حضرت امام خمینی ره می‌فرمایند: «برای زن‌ها نماز خواندن در خانه، بلکه در صندوق خانه و اتاق عقب بهتر است. ولی اگر بتوانند کاملاً خود را از نامحرم حفظ کنند، بهتر است در مسجد نماز بخوانند.»<sup>(۴)</sup>

بنابراین، حضور زنان در مسجد، اگر در جهت سالم سازی و رشد و تعالی خود و جامعه اسلامی باشد، نه تنها مانعی ندارد، بلکه سفارش هم شده

۱. علل الشرائع، ج ۲، ص ۳۴۴.

۲. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۳۸.

۳. صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۶۲.

۴. توضیح المسائل، مسئله ۸۹۴.

است. ولی چنانچه رفت و آمد آنان سبب فساد و اخلال در سلامت خود و جامعه باشد، رفتن به مسجد نه تنها مطلوب نیست، بلکه مذموم و نکوهیده نیز می باشد. علاوه بر آن، نباید حضور زنان در مسجد منافاتی با حقوق شوهران آنها داشته باشد. در این صورت، نباید به مسجد بروند.

## زینت در مسجد

سؤال ۶۱ - مقصود از «زینت» در آیه شریفه

﴿خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ﴾ چیست؟

آیه شریفه می‌فرماید: ﴿يَا بَنِي آدَمُ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ﴾؛<sup>(۱)</sup> ای فرزندان آدم! هنگام رفتن به مسجد زینت خود را بگیرید. آیه زینت کردن را یکی از آداب رفتن به مسجد برای مؤمنان ذکر می‌کند. مفسران از جمله علامه طباطبائی در ذیل این آیه شریفه می‌فرماید: «مقصود از به همراه داشتن زینت در تمام مساجد، آن است که انسان هنگام حضور در مسجد، نیکو و پسندیده خود را بیاراید. و فرمان خداوند به زینت کردن، در حقیقت، به معنای مطلوب بودن این عمل برای نماز و دیگر عبادات مشابه همچون طواف می‌باشد و شامل زینت کردن در نمازهای عید و جماعات یومیه و سایر عبادات نیز می‌شود.»<sup>(۲)</sup>

۱. اعراف: ۳۱.

۲. المیزان، ج ۸، ص ۷۹.

بنابراین، طبق آیه شریفه، خداوند متعال دوست دارد بندگانش او آراسته و مرتب به خانه وی داخل شوند، که البته از نظر عقلی هم رعایت ادب بندگی این اقتضا را دارد. همچنان که انسان در مهمانی تا حد ممکن آراسته و نیکو حضور پیدا می‌کند، نیکوست که در حضور معبود و آفریننده خود نیز این چنین حضور پیدا کند. روشن است که مراد از «زینت» فقط آراستگی ظاهر نیست و آرایش معنوی، که متناسب با نماز و سایر عبادات باشد، نیز منظور است. از این رو، آراسته شدن به زیور فضایل معنوی مانند اخلاص و یاد خدا و خضوع و خشوع نیز از مصادیق مهم زینت در مسجد است. همچنان که در منابع دینی ما وارد شده است که ائمه اطهار علیهم‌السلام ما را به آراستن خود به زیور فضایل معنوی به هنگام ورود به مساجد فرمان داده‌اند:

امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ - عَزَّوَجَلَّ - أَوْحَى إِلَى عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ عليه‌السلام: قُلْ لِلْمَلَأِ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا يَدْخُلُوا بَيْتًا مِنْ بَيْتِي إِلَّا بِقُلُوبٍ طَاهِرَةٍ وَأَبْصَارٍ خَاشِعَةٍ وَ أَكُفٍّ نَقِيَّةٍ»؛<sup>(۱)</sup> خداوند - عزوجل - به عیسی بن مریم وحی نمود که به بنی اسرائیل بگو: جز با دل‌های پاکیزه و دیدگان خاشع و دستان پاک

به هیچ یک از خانه‌های من وارد نشوید.

از این رو، می‌توان گفت: زینت واقعی براساس روایت مزبور، در سه چیز

است:

۱. الخصال، ج ۱، ص ۳۳۷.

۱. در قلب که از هرگونه شرک و ریا و کثری به دور و آراسته به طهارت و پاکی و خالصی باشد.

۲. چشم‌ها به زینت خشوع در مقابل حق آراسته و از خیانت مبرا باشند.

۳. دست‌ها که پاک باشند و از حرام و شبهه اجتناب نمایند.<sup>(۱)</sup>

البته در روایات وارد شده از ائمه اطهار علیهم‌السلام اموری به عنوان مصداق و معنای «زینت» در تفسیر آیه شریفه ذکر شده‌اند. در تفسیر عیاشی، ذیل آیه شریفه از خیشمه نقل شده است که می‌گوید: «كَانَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عليه السلام إِذَا قَامَ إِلَى الصَّلَاةِ لَيْسَ أَجْوَدَ ثِيَابَهُ. فَقِيلَ لَهُ: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ لِمَ تَلْبَسُ أَجْوَدَ ثِيَابِكَ؟ فَقَالَ عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ، فَاتَّجَمَلُ لِرَبِّي وَهُوَ يَقُولُ: ﴿خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ﴾ فَأُحِبُّ أَنْ أَلْبَسَ أَجْوَدَ ثِيَابِي»؛<sup>(۲)</sup>

امام حسن عليه السلام هر وقت می‌خواست به نماز بایستد، بهترین لباس‌های خود را می‌پوشید. عرض کردند: ای پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله، چرا بهترین لباس‌های خود را هنگام نماز می‌پوشی؟ فرمود: خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد و می‌فرماید: زینت خود را به هنگام سجود - نماز و مسجد - به همراه داشته باشید. من نیز خود را برای پروردگارم زینت می‌دهم و دوست دارم بهترین لباسم را بپوشم.

از دیگر مصداقی که در تفسیر آیه شریفه ذکر شده، شانه کردن موی سر

۱. سیمای مسجد، ج ۱، ص ۳۵۹ - ۳۶۰.

۲. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۴.

است. ابی بصیر می‌گوید: از امام صادق علیه السلام درباره آیه شریفه «خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ». سؤال کردم، حضرت در جواب فرمود: «هُوَ الْمِشْطُ عِنْدَ كُلِّ صَلَاةٍ فَرِيضَةٍ وَ نَافِلَةٍ»؛<sup>(۱)</sup> مقصود شانه کردن پیش از هر نماز است، چه واجب باشد و چه مستحب.

بنابراین، آنچه از روایات در تفسیر کلمه «زینت» استفاده می‌شود این است که «زینت» در آیه شریفه، هم شامل آراستگی ظاهری می‌شود و هم شامل آراستگی باطنی و درونی. و ذکر مصادیق در روایات از قبیل پوشیدن لباس نیکو یا شانه کردن جنبه تعیینی ندارد، این‌ها از مصادیق زینت هستند. از این رو، استفاده کردن هرگونه زینتی که شرعاً و یا عرفاً نکوهیده نباشد، از قبیل استعمال عطر و بوی خوش در نماز و مسجد، مطلوب و پسندیده است.

علاوه بر آن، در برخی دیگر از روایات، استفاده از عطر نیز از مصادیق زینت به شمار آمده و آثار و فوایدی نیز برای استعمال آن ذکر شده است. در روایتی، امام صادق علیه السلام نقل می‌فرماید که امام سجّاد علیه السلام در شبی سرد، در حالی که ردا و عمامه‌ای از خز پوشیده و بوی خوش نیز استعمال کرده بودند، به خادم خود برخورد نمودند. خادم عرض کرد: «جُعِلْتُ فِدَاكَ! فِي مِثْلِ هَذِهِ السَّاعَةِ عَلَيَّ هَذِهِ الْهَيْئَةُ إِلَى أَيْنَ؟» فدایت شوم! در این ساعت از شب با این هیأت و قیافه نیکو به کجا می‌روید؟ امام سجّاد علیه السلام در جواب فرمود:

«الی مسجد جدی رسول الله ﷺ»؛<sup>(۱)</sup> به مسجد جدم پیامبر اکرم ﷺ می‌روم. بنابراین، نه تنها در سیره پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام استفاده بسیار از عطر را می‌بینیم، بلکه برای کسی که در نماز از آن استفاده کند فضایی هم ذکر شده است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «صلاة متطیّب أفضل من سبعین صلاة بغیر طیب»؛<sup>(۲)</sup> نمازی که با بوی خوش خوانده شود فضیلتش از هفتاد نماز در حالت عادی بالاتر است.

در پایان این بحث، به دو اثر از آثار پاکیزگی و استعمال بوی خوش اشاره می‌کنیم:

۱. در روایتی از مولای متقیان امام علی علیه السلام آمده شده است: «النتیفة من الثیاب یذهب الهم والحزن و هو طهور للصلاة»؛<sup>(۳)</sup> استفاده از لباس‌های پاکیزه و تمیز غم و اندوه را از بین می‌برد و برای نماز خواندن هم پسندیده‌تر است. بنابراین، از جمله آثار پاکیزگی از بین رفتن غم و اندوه روحی است.
۲. امام صادق علیه السلام از نبی اکرم ﷺ نقل می‌کند که فرمود: «الطیب یشد القلب»؛ بوی خوش قلب را قوی و مقاوم می‌کند. آثار دیگری نیز در روایات ذکر شده که به دلیل طولانی شدن پاسخ، از ذکر آن‌ها خودداری می‌کنیم.

۱. اصول کافی، ج ۶، ص ۵۱۷، ح ۵.

۲. همان، ص ۵۱۰، باب «الطیب»، ح ۷.

۳. همان، ص ۴۴۴، حدیث ۱۴ از باب «اللباس».

## سلام در مسجد

سؤال ۶۲ - سلام کردن به مؤمنان حاضر در مسجد چه

حکمی دارد؟

به طور کلی، سلام کردن در شریعت مقدّس اسلام از جمله مستحباتی است که در اخبار و روایات بسیار بر آن تأکید شده و آثار و ثواب‌هایی برای آن ذکر گردیده است، بخصوص برای کسی که در سلام کردن به دیگران بر آن‌ها پیشی بگیرد. ولی باید توجه داشت که سلام کردن هنگام ورود به هر مکانی و از جمله مسجد مستحب است، اما در روایات از سلام کردن به شخص نمازگزار نهی شده است. شاید به این دلیل که پرداختن به جواب سلام از سوی نمازگزار، او را از توجه به نماز خویش باز می‌دارد و شاید به همین دلیل است که فقها فتوا می‌دهند: «در حال نماز، انسان نباید به دیگری سلام کند.»<sup>(۱)</sup>

امام صادق علیه السلام از پدرش نقل می‌کند که فرمود: «لَا تُسَلِّمُوا عَلَي الْمُصَلِّي وَ ذَلِكَ لِأَنَّ الْمُصَلِّي لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يَرُدَّ السَّلَامَ لِأَنَّ التَّسْلِيمَ مِنَ الْمُسْلِمِ تَطَوُّعٌ

۱. توضیح المسائل، مسئله ۱۱۳۷.



و الردُّ فریضة»؛<sup>(۱)</sup> به نمازگزار سلام نکنید؛ زیرا نمازگزار نمی‌تواند سلام را پاسخ دهد؛ چون سلام کردن مستحب است، ولی جواب آن واجب است. پس شایسته است که انسان هنگام ورود به مسجد در صورتی که مؤمنان مشغول بجای آوردن نماز هستند، از سلام کردن خودداری کند، ولی اگر گروهی از مؤمنان در قسمتی از مسجد، در حال نماز نیستند، مستحب است به آنان سلام کند.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «كنتُ أسمعُ أبي يقولُ إذا دخلتَ المسجدَ الحرامَ و القومُ يصلونَ فلا تُسلمُ عليهم و سلمَ على النبيِّ ثمَّ اقبلَ على صلاتِكَ و إذا دخلتَ على قومٍ جلوسٍ يتحدَّثونَ فَسَلِّمْ عَلَيْهِمْ»؛<sup>(۲)</sup> شنیدم پدرم امام باقر علیه السلام می‌فرمود: هنگامی که به مسجد الحرام داخل شدی و مردم در حال بجای آوردن نماز بودند، به آنان سلام نکن، بلکه بر پیامبر سلام و درود بفرست و به نماز مشغول شو. ولی اگر بر جمعی وارد شدی که مشغول سخن گفتن هستند، بر آنان سلام کن.

ممکن است سؤال شود: چنانچه شخصی وارد مسجد شد و به نمازگزار سلام کرد و او جواب سلام را نداد، نمازش چه حکمی دارد؟ در پاسخ به این سؤال مسئله‌ای از توضیح المسائل حضرت امام خمینی ره را عیناً ذکر می‌کنیم: «اگر نمازگزار جواب سلام را ندهد، معصیت کرده،

۱. الخصال، ج ۲، ص ۴۸۴.

۲. قرب الأُسناد، ص ۴۵.

ولی نمازش صحیح است.»<sup>(۱)</sup>

سؤال: اگر کسی به انسان در حال نماز سلام کرد، به چه کیفیتی باید

پاسخ داد؟

جواب: «حضرت امام و دیگر فقها در پاسخ به این سؤال می‌فرمایند:

«و اگر دیگری به او سلام کند، باید طوری جواب دهد که سلام مقدم باشد؛

مثلاً، بگوید: «السلام علیکم» یا «سلام علیکم» و نباید «علیکم السلام»

بگوید.»<sup>(۲)</sup>

سؤال: اگر کسی به گروهی سلام کند و بگوید: «السلام علیکم جميعاً»

و یکی از آنان مشغول نماز باشد، آیا بر او هم واجب است جواب سلام را بدهد،

حتی اگر دیگران جواب سلام را داده باشند؟

جواب: «اگر کس دیگری جواب آن را بدهد، نمازگزار اقدام به جواب

گفتن نکند.»<sup>(۳)</sup>

۱. توضیح المسائل، مسئله ۱۱۴۲.

۲. همان، مسئله ۱۱۳۷.

۳. أجوبة الاستفتاءات، س ۵۱۳.

## سیاست در مسجد

سؤال ۶۳ - آیا سر دادن شعارهایی از قبیل

«مرگ بر آمریکا» و «مرگ بر اسرائیل» در مسجد

و مکان‌های مقدّس صحیح است؟

قرآن کریم غیرمسلمانان، اعم از کفار و پیروان سایر ادیان را به دو دسته تقسیم می‌کند:

دسته اول کسانی هستند که در نظام اسلامی و یا در سایر کشورها زندگی می‌کنند و کاری به نظام اسلامی و مسلمانان ندارند. سفارش قرآن کریم این است که در برخورد با آنان، نیکی کنید و نسبت به آنان به عدالت رفتار کنید؛ ﴿لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾<sup>(۱)</sup> خدا شما را از نیکی کردن و رعایت عدالت نسبت به کسانی که در امر دین با شما پیکار نکردند و از خانه و دیارتان بیرون نراندند، نهی نمی‌کند؛ چرا که خداوند دادگران را دوست دارد.

۱. ممتحنه: ۸.

پرهیز از برخورد غیر منطقی با آراء و عقاید سایر ملل و پیروان دیگر ادیان در صدر اسلام را باید از مهم‌ترین اسباب و عوامل رشد و شکوفایی اسلام به حساب آورد. حضور گسترده یهودیان و مسیحیان در جوامع اسلامی و مذاکرات و مباحثات و گفت‌وگوهایی که علمای آنها با ائمه اطهار علیهم‌السلام و اصحاب آنان داشته‌اند، شاهد این ادعاست.

اما دسته دوم کسانی هستند که علیه نظام اسلامی و مسلمانان توطئه می‌کنند و اهل قتال و جنگ و درگیری هستند. دستور قرآن کریم این است که مثل خودشان با آنها رفتار کنید، بلکه رفتاری خشن‌تر و سخت‌تر داشته باشید: ﴿أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا﴾؛<sup>(۱)</sup> مسلمانان واقعی کسانی هستند که نسبت به کفار سخت و نسبت به مؤمنان مهربان هستند. آنان را در حال رکوع و سجود می‌یابی که در صدد کسب رضای خداوند هستند.

در آیه شریفه، پیش از رکوع و سجود، «سرسختی نسبت به کفار» مطرح شده و شعارهای مزبور مصداق و نمونه‌ای برای عمل به آیه شریفه به شمار می‌آیند. البته نباید به شعار دادن تنها اکتفا کرد و بالاتر و بهتر از شعار، شدت عمل است که در سایه تحصیل، وحدت، ابتکار، خودکفایی، عزت نفس، نفوذناپذیری و دوری از هر نوع سازش و نرمشی که سبب طمع بدخواهان شود، به دست می‌آید.

ممکن است این سؤال مطرح شود که شعارهای مذکور از مصادیق لعن

و نفرین هستند؛ آیا لعن و نفرین در اسلام جایز است؟

در پاسخ به این سؤال می‌گوییم: در منطق اسلام، کوتاه آمدن در برابر دشمنانی که علناً پرچم مبارزه علیه نظام اسلامی بر افراشته‌اند نه تنها جایز نیست، بلکه توصیه و سفارش این است که با تکبر و از موضع قدرت با آن‌ها برخورد شود. پیامبر گرامی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «اِذَا رَأَيْتُمُ الْمُتَكَبِّرِينَ فَتَكَبَّرُوا عَلَيْهِمْ فَإِنَّ ذَلِكَ لَهُمْ مَذَلَّةٌ وَصَغَارٌ»<sup>(۱)</sup> هرگاه متکبران و زورمداران را می‌بینید بر آن‌ها تکبر کنید که این باعث ذلت و کوچکی آن‌هاست.

البته اسلام به این حد هم اکتفا نکرده و لعن و نفرین این گروه از کفار و مشرکان را جایز، بلکه مستحب می‌داند. علامه بزرگوار ملاً محمد مهدی نراقی رَضِيَ اللهُ عَنْهُ می‌فرماید: «شکی در مذموم بودن لعن نیست؛ زیرا لعن عبارت است از: راندن و دور کردن از خدای تعالی. اما لعنی که شرع مقدس تجویز کرده لعن بر کافران، ظالمان و فاسقان است؛ چنان که در قرآن وارد شده است؛ زیرا آنچه از کلام خدای عزوجل استفاده می‌شود این است که لعن بعضی از منکران و معاندان از محبوب‌ترین عبادات و راه‌های تقرب به خدای تعالی است. خداوند سبحان می‌فرماید: کسانی که کافر شدند و در حال کفر از دنیا رفتند، لعنت خدا و فرشتگان و همه مردم بر آنان باد. علامه نراقی در ادامه، به روایاتی از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ائمه اطهار عَلَيْهِمُ السَّلَامُ استشهاد کرده که افراد و یا گروه‌هایی را لعن کرده‌اند و در پایان، این چنین نتیجه‌گیری می‌کند: «و بِالْجَمَلَةِ اللَّعْنُ عَلَيَّ رُؤْسَاءِ

۱. مجموعه و ذام، ج ۱، ص ۲۰۱.

الظلم والضلال والمجاهدين بالكفر و الفسوق جائز بل مستحب<sup>(۱)</sup>؛  
لعن و نفرین سران ستم و گمراهی؛ کسانی که در راه گسترش کفر و عصیان تلاش  
می‌کنند جایز، بلکه مستحب است.

بنابراین، شعارهای مزبور اگر هم مصداق لعن و نفرین باشند،  
لعن و نفرینی هستند که شرع مقدّس آن را تجویز کرده است، و سر دادن لعن  
بر آنها در مساجد و مکان‌های مقدّس هیچ‌گونه منع شرعی ندارد.

۱. برای مطالعه بیشتر، ر. ک: جامع السعادات، ص ۳۵۲ - ۳۵۶.

## شعر در مسجد

سؤال ۶۴ - چرا خواندن شعر در مسجد نهی شده

است؟ و آیا این نهی شامل همه انواع شعر می شود؟

مسجد جایگاه عبادت و راز و نیاز با خالق هستی است و هرچه مخالف این باشد، انجام آن در مسجد صحیح نیست. در روایت وارد شده است که امام سجاده علیه السلام می فرماید: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به مسلمانان دستور دادند که به کسی که در مسجد شعر می خواند، بگویند: «فَضَّ اللهُ فَاكًا! إِنَّمَا نُصِبَتِ الْمَسَاجِدُ لِلْقُرْآنِ»؛<sup>(۱)</sup> خداوند دندان هایت را بشکند! مساجد را برای قرآن خواندن ساخته اند.

شهید اول پس از ذکر احکام مسجد در ذیل روایت مزبور، می فرماید:

بعید نیست که این گونه روایات را بر اشعاری حمل کنیم که فایده ای در بر نداشته باشند و یا مشتمل بر خلاف واقع و مبالغه آمیز باشند. اما اشعاری که در بردارنده موعظه و حکمت و اندرز هستند یا بیانگر سنت و سیره پیامبر و اهل بیتش باشند، نه تنها خواندن آن ها در مسجد مذموم و نکوهیده نیست، بلکه پسندیده

۱. اصول کافی، ج ۳، ص ۳۷۹.

و مطلوب نیز می‌باشند.<sup>(۱)</sup>

علامه مجلسی رحمته الله علیه ضمن نقل سخن شهید در ذیل روایت مزبور، در بحار الانوار اضافه می‌کند: مؤید سخنان شهید اول آن است که امام علی علیه السلام در خطبه‌های خویش، که غالباً در مسجد ایراد می‌شدند، به ابیاتی از اشعار شعرا استشهاد می‌نمودند. همچنین شاعران مداح مانند حسان در حضور معصومان علیهم السلام در مسجد، شعر می‌خواندند. علاوه براین، مدح معصومان علیهم السلام خود عبادتی بزرگ است و مسجد نیز جایگاه عبادت. پس مراد روایات اشعار باطل و بی‌فایده است.<sup>(۲)</sup>

۱. الذکری، ص ۱۵۶.

۲. بحار الانوار، ج ۸۰، ص ۳۶۳-۳۶۴.



## عبور از مسجد

سؤال ۶۵ - آیا می‌توان از مساجدی که دو درب

دارند به عنوان گذرگاه استفاده کرد؟

انسان نباید از مساجدی که دارای دو درب هستند، برای انجام کارهای روزانه استفاده کند؛ زیرا این کار عظمت و قداست مسجد را تا حد کوچه و خیابان تنزل می‌دهد. امام صادق علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می‌کنند که حضرت فرمودند: «لَا تَجْعَلُوا الْمَسَاجِدَ طُرُقًا حَتَّى تُصَلُّوا فِيهَا رَكَعَتَيْنِ»<sup>(۱)</sup> مساجد را گذرگاه و محل عبور خود قرار ندهید، مگر اینکه دو رکعت نماز در آن‌ها بجای آورید. از برخی احادیث دیگر، استفاده می‌شود که یکی از کارهای ناپسند مردم در آخرالزمان، گذرگاه قرار دادن مساجد است؛<sup>(۲)</sup> مساجد را راه عبور خود قرار می‌دهند.

بنابراین، انسان باید از گذرگاه قرار دادن مساجد خودداری کند، مگر اینکه هرگاه از مسجد عبور کرد دو رکعت نماز در آن بجای آورد که در این صورت، رفع کراهت می‌شود.

۱. همان، ج ۴، ص ۴، ح ۴۹۶۸.

۲. روضة الواعظین، ج ۲، ص ۳۳۸.

## غصب در مسجد

سؤال ۶۶ - غصب کردن جای دیگران در مسجد چه حکمی دارد؟

در فقه، از برخی امور تحت عنوان «مشترکات» بحث می‌شود؛ اموری که همه افراد حق بهره‌برداری از آنها را دارند؛ مثل راه‌ها، کوچه‌ها، مدارس، مساجد، و با اینکه همگان حق استفاده از مشترکات را دارند، ولی برای کسانی که زودتر اقدام نمایند، حق تقدّم دارند؛ مثلاً، اگر یکی از مؤمنان در حال استفاده از مکان خاصی از مسجد - مانند محراب - برای نماز یا دیگر عبادات مثل قرائت قرآن است، دیگری نمی‌تواند او را از این مکان براند. این کار علاوه بر آنکه اذیت و آزار مؤمن است، نوعی غصب نیز محسوب می‌شود.

به همین دلیل، امام خمینی علیه السلام در رساله‌ی عملیه می‌نویسند: «اگر انسان نگذارد مردم از مسجد و مدرسه و پل و جاهای دیگری که برای عموم ساخته شده، استفاده کنند، حق آنان را غصب نموده. همچنین است اگر کسی از مسجد

جایی برای خود بگیرد و دیگری نگذارد که از آنجا استفاده نماید.»<sup>(۱)</sup>

طبق این مبنا، نماز خواندن در چنین مکانی باطل است: «کسی که در مسجد نشسته، اگر دیگری جای او را غصب کند و در آنجا نماز بخواند، بنا بر احتیاط واجب، باید نمازش را در محل دیگری بخواند.»<sup>(۲)</sup>

امام خمینی رحمته الله علیه در تحریر الوسیله می نویسد: «مسجد یکی از مشترکات و مکان های عمومی مسلمانان است که همه در آن شریک و از نظر بهره برداری از آن، یکسان هستند. بنابراین، اگر کسی قبل از دیگری مکانی از مسجد را برای نماز، عبادت، قرائت قرآن، دعا و بلکه تدریس یا وعظ و فتوادادن و... در اختیار گرفت، دیگری نمی تواند او را از آن مکان بیرون کند. هیچ کس - به هر قصدی که داشته باشد - نمی تواند مزاحم شخص دیگری، که مکانی از مسجد را در اختیار دارد، بشود.»<sup>(۳)</sup>

البته حق تقدّم برای شخص پیشی گیرنده یک حق همیشگی نیست و تا زمانی ثابت خواهد بود که صاحب حق از آن مکان صرف نظر کند: «اگر شخص سابق از جای خود برخیزد و از آن مکان دست کشیده، صرف نظر نماید، بر فرض که حقی برای او داشته و وسایل او هم هنوز در همان جا باشند، حق اولویت او باقی است. ولی اگر وسایلی نداشته باشد، حق او ساقط خواهد بود.»

۱. توضیح المسائل، مسئله ۲۵۴۵، از «احکام غصب».

۲. همان، مسئله ۸۶۸.

۳. تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۲۱۴، مسئله ۱۵.

**سؤال ۶۷ - حق تقدّم در مشترکات تا چه زمانی ثابت است؟**

فقهای عظام تشخیص زمان حق تقدّم و ثبوت آن را به عرف واگذار کرده‌اند و حق تقدّم را تا زمانی که این حق موجب تعطیل بهره‌برداری از مسجد نباشد، ثابت دانسته‌اند. حضرت امام خمینی علیه السلام می‌نویسد: «در ثبوت حق تقدّم، شرط است که فاصله زمانی طولانی میان گذاردن وسایل و آمدن خود شخص نباشد، به گونه‌ای که موجب تعطیل بهره‌برداری از مسجد گردد. بنابراین، اگر کسی وسایل خود را گذاشت و پس از مدتی طولانی برنگشت، هیچ حقی برای او ثابت نخواهد بود، برای دیگری جایز است که قبل از آمدن او، اسباب و وسایل او را بردارد و در آنجا نماز بخواند. البته برداشتن وسایل در صورتی جایز است که نماز خواندن جز با این کار ممکن نباشد. و مراد از «وسایل» گسترده‌ای از جای یک نمازگزار را اشغال می‌کند. بنابراین، گذاشتن مهر، تسبیح و مسواک و مانند آن به عنوان وسایل و اسبابی که گذاردن آن‌ها حق تقدّم ایجاد

کند، محسوب نمی‌شود.»<sup>(۱)</sup>

بنابراین، ملاک و معیار در ثبوت حق تقدّم، آن است که از زمان گذاشتن وسایل تا بازگشت مجدد فرد، مدت زیادی نگذرد و ملاک در تعیین طولانی بودن این فاصله زمانی نیز قضاوت عرف خواهد بود.

---

۱. تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۲۱۵، مسئله ۱۷ و ۱۸.

## کارکرد مسجد

سؤال ۶۸ - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پیش از هجرت به مدینه

چه استفاده‌ای از مسجدالحرام می‌کردند؟

بنابر شواهد تاریخی موجود، پیامبر گرامی از نخستین روزهای دعوت آشکار، از مسجدالحرام استفاده‌های مهم می‌کردند. این موارد عبارتند از:

**الف . استفاده عبادی:** فقط به ذکر یک نمونه اکتفا می‌کنیم: ابن‌اثیر در *اسدالغابه* و ابن‌حجر در *الاصابة* در ترجمه «عقیف کندی» نقل می‌کنند که گفت: در روزگار جاهلیت وارد مکه شدم. میزبانم عباس بن عبدالمطلب بود و ما دو نفر در اطراف کعبه بودیم. ناگهان دیدم مردی آمد و در برابر کعبه ایستاد و سپس پسری را دیدم که آمد و در طرف راست او ایستاد. چیزی نگذشت زنی را دیدم که آمد و پشت سر آنها قرار گرفت و من مشاهده کردم که این دو نفر به پیروی از آن مرد، رکوع و سجود می‌کنند. این منظره بی‌سابقه حس کنجکاوی مرا تحریک کرد که جریان را از عباس پرسم. او گفت: آن مرد محمد بن عبدالله است و آن پسر برادرزاده اوست و زنی که پشت آنهاست، همسر محمد است. سپس گفت: برادرزاده‌ام می‌گوید: روزی فرا خواهد رسید که خزانه‌های قیصر

و کسرا را در اختیار خواهد داشت. ولی به خدا سوگند، روی زمین کسی پیرو این آیین نیست جز همین سه نفر. سپس راوی می‌گوید: آرزو می‌کنم که ای کاش من چهارمین نفر آنان بودم.<sup>(۱)</sup>

ب. استفاده تبلیغی: بر پایه برخی از شواهد تاریخی، پیامبر گرامی به صورت محدود از مسجدالحرام استفاده تبلیغی و آموزشی می‌کردند؛ زیرا کعبه و مسجدالحرام پیش از دین اسلام نیز جایگاه گردهمایی مردم بود و مشرکان برای پرستش بت‌ها و طواف خانه کعبه در آنجا گردهم می‌آمدند. اسلام آوردن شماری از یاران و صحابه ثمره این کارهای تبلیغی بوده است. از جمله این مسلمانان، می‌توان به طفیل بن عمر، شاعر توانای عرب، اشاره کرد. سران قریش از ترس اسلام آوردن او با جوسازی، او را از حضور در نزد پیامبر و سخن با ایشان برحذر داشتند، به حدی که طفیل از بیم شنیدن سخنان پیامبر پنهان در گوش فرو کرد. اما صبح هنگام، وقتی وارد مسجدالحرام شد، سخن دلربا و کلامی زیبای الهی را از لبان پیغمبر شنید. احساس عجیبی پیدا کرد. با خود گفت: تو مرد سخن‌ساز و خردمندی هستی، چه مانع دارد سخن این مرد را بشنوی؛ اگر نیک باشد پذیری و اگر زشت بود آن را رد کنی. از این رو، برای ملاقات پنهانی با حضرت صبر کرد. به دنبال حضرت به راه افتاد. وقتی حضرت وارد خانه شد، اجازه ورود خواست و درخواست نمود که حضرت آیین اسلام را برایش تشریح نماید. طفیل می‌گوید: به خدا سوگند، کلامی زیباتر از آن نشنیده و آیینی

۱. فروغ ابدیت، ج ۱، ص ۲۴۳.

معتدل‌تر از آن ندیده بودم. سپس به حضرت قول داد در میان قبیله‌اش، مبلغ اسلام باشد. ابن‌هشام می‌نویسد: وی تا روز حادثه «خیبر» در میان قبیله خود بود و به نشر آیین اسلام اشتغال داشت و در همان حادثه، با هفتاد، هشتاد خانواده مسلمان به پیامبر پیوست و در عصر خلفا، در جنگ «یمامه» شربت شهادت نوشید.<sup>(۱)</sup>

ج. استفاده آموزشی و علمی: در برخی تواریخ نقل شده است که پیامبر در این دوران، یاران خویش را در مسجد الحرام گرد می‌آوردند؛ و برای آنان قرآن می‌خواندند و واجبات و محرمات الهی را به آنان آموزش می‌دادند: «و رسول الله فی نفرٍ من أصحابه یقرأ علیهم کتاب الله و یؤدی إلیهم عن الله أمره و نهیه.»<sup>(۲)</sup> این‌گونه جلسات در مسجد الحرام گاه به مناظره و گفت‌وگوهای طولانی و علمی با سران قریش می‌انجامیدند و پیامبر با استناد به آیات قرآن کریم، به سؤالات و شبهات آنان پاسخ می‌گفتند.<sup>(۳)</sup> به دلیل آنکه این‌گونه مناظرات و گفت‌وگوها ارتباطی با بحث ما ندارند، از ذکر آن‌ها خودداری می‌کنیم.

۱. همان، ص ۳۳۵-۳۳۷.

۲. الأحتجاج، ج ۱، ص ۲۹ (احتجاج النبی ﷺ علی جماعة من المشرکین).

۳. همان، ص ۲۹-۳۸.



**سؤال ۶۹ -** پس از هجرت پیامبر به مدینه در صدر اسلام، نقش عبادی، فرهنگی و آموزشی مسجد به چه صورتی بوده است؟

با هجرت نبی اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به مدینه و تأسیس «مسجدالنبی»، فصل نوینی از نقش مسجد در فعالیت‌های عبادی، فرهنگی و آموزشی مسجد آغاز می‌گردد. از این رو، می‌بینیم که وجود مقدس پیامبر پس از هجرت، علاوه بر حضور در مسجد و اقامه عبادت در این مکان مقدس، دیگر مسلمانان را هم ترغیب و تشویق می‌کردند تا به مسجد رفت و آمد کنند و از برگزاری نمازهای پنجگانه واجب در مساجد بدون عذر تخلف نوزند. این تأکید ایشان تا به آن حد است که خودداری از حضور در مساجد از روی بی‌اعتنایی، در روایات، روی‌گردانی از سنت پیامبر به شمار آمده است و باعث می‌شود نمازهای انسان مقبول درگاه الهی قرار نگیرند. در روایتی امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام از امام علی عَلَيْهِ السَّلَام نقل می‌کند که حضرت فرمود: «مَنْ سَمِعَ النِّدَاءَ فَلَمْ يُجِبْهُ مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ فَلَا صَلَاةَ لَهُ»؛<sup>(۱)</sup> کسی که

۱. اصول کافی، ج ۳، ص ۳۷۲، ح ۱۰۵، باب «فضل الصلاة في الجماعة».

صدای اذان را بشنود و بدون دلیل پاسخ نگوید، نمازش نماز نیست.

شاید به دلیل همین اهمیت فوق العاده است که خداوند متعال در قرآن کریم از هر کسی که به این نقش بنیادین مسجد یعنی «عبادت و پرستش» آسیب رساند، به عنوان «ظالم» یاد کرده است: ﴿وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَا﴾؛<sup>(۱)</sup> کیست ستم‌کارتر از آن کس که از بردن نام خدا در مساجد او جلوگیری کند و سعی و کوشش در ویرانی آن‌ها نماید؟

از دیگر جنبه‌های عبادی مساجد در صدر اسلام، برگزاری نماز جمعه است. پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در نخستین روزهای ورود به مدینه، اقدام به برپایی این فریضه عبادی - سیاسی کردند. روایات زیادی از حضور انبوه مردم در نماز و خطبه‌های رسول‌گرامی در منابع دینی شیعه و سنی نقل شده‌اند.

از دیگر کارکردهای عبادی پس از هجرت، برپایی سنت «اعتکاف» است که از سوی پیامبر در مسجد صورت می‌گرفت.

در رابطه با نقش فرهنگی - آموزشی مسجد پس از هجرت به مدینه، باید گفت: نقش مسجد در فعالیت‌های فرهنگی، آموزشی و تبلیغی پس از ورود به مدینه، هرگز با قبل از آن قابل مقایسه نیست. با بنای مسجدالنبی در واقع، نه تنها معبد و پرستشگاهی برای مسلمانان ساخته شد، بلکه دانشگاهی فعال و سرشار از شور برای کارهای تبلیغی و فرهنگی فراهم آمد. از این رو، می‌بینیم که در روایات، به نقش آموزشی مساجد و ارزش این کار اشاره شده است.

شهید ثانی رحمته الله علیه در منیة المرید نقل می‌کند: «خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ فَادَّأَى فِي الْمَسْجِدِ مَجْلِسَانِ: مَجْلِسٌ يَتَفَقَّهُونَ وَ مَجْلِسٌ يَدْعُونَ اللَّهَ وَ يَسْأَلُونَهُ. فَقَالَ: «كَلَّا الْمَجْلِسِينَ الَّتِي خَيْرٌ؛ أَمَا هَؤُلَاءِ فَيَدْعُونَ اللَّهَ وَ أَمَا هَؤُلَاءِ فَيَتَعَلَّمُونَ وَ يُفَقِّهُونَ الْجَاهِلَ، هَؤُلَاءِ أَفْضَلُ، بِالتَّعْلِيمِ أُرْسِلْتُ. ثُمَّ قَعَدَ مَعَهُمْ»<sup>(۱)</sup> پیامبر خدا روزی خانه را به قصد مسجد ترک کردند، در مسجد با دو گروه روبه‌رو شدند: گروهی به مباحثات علمی و معارف اسلامی مشغول بودند و گروهی به دعا و نیایش. حضرت فرمودند: هر دو گروه در مسیر خیر و صلاحند: گروهی خدا را می‌خوانند و گروه دیگر به تعلیم و آگاهی‌دهی می‌پردازند: این گروه علمی از فضیلت بیشتری برخوردار است؛ زیرا من برای تعلیم فرستاده شده‌ام. خود نیز در جمع گروه عملی نشستند.

در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام آمده شده است که فرمود: «و ما جلس قومٌ فی مسجدٍ یتلونَ کتابَ اللَّهِ و یتدارسونه بینهم الّا نُزلت علیهم السکینهُ و حَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ»<sup>(۲)</sup> هیچ گروهی در مسجد به منظور تلاوت قرآن و مباحثه علمی در بین خود نشست، مگر اینکه آرامش قلبی آنان را فراگرفت و آنان را ملائکه الهی (با بال و پر خویش) دربرگرفتند.

نتیجه آنکه مساجد پس از هجرت پیامبر به مدینه، کانون و دانشگاه تبیین احکام اسلامی و مرکزی برای اشاعه فرهنگ قرآن و سنت نبوی بوده‌اند.

۱. منیة المرید، ص ۱۰۷.

۲. عوالی اللثالی، ج ۱، ص ۳۷۵.

### سؤال ۷۰ - آیا مساجد در صدر اسلام، کارکرد سیاسی و اجتماعی داشتند؟

با بررسی تاریخی انجام شده، به جرئت می‌توان گفت: در کنار بعد عبادی مسجد، مهم‌ترین و وسیع‌ترین کارکرد مساجد، کارکرد سیاسی و اجتماعی آن بوده است. مسجد در حقیقت، پایگاه و مقرّ تمامی فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی جامعه اسلامی و «دارالحکومه» آن بوده است. نمایندگان خارجی در مسجد پذیرفته می‌شدند و کلیه ملاقات‌های عمومی در زمان پیامبر و پس از او، در زمان خلفای راشد و امام علی علیه السلام در مسجد بودند. مساجد محل بیعت و اعلام برنامه‌های حکومتی بودند.

ابن‌ابی‌الحدید در شرح نهج‌البلاغه به نقل از تاریخ طبری می‌نویسد: وقتی مردم هجوم آوردند تا با امام علی علیه السلام بیعت کنند، حضرت امتناع ورزید، ولی اصرارها به حدی بود که حضرت چاره‌ای نداشت. (در این هنگام که مشروعیت الهی با مقبولیت عمومی همراه می‌گردد و حجت بر حضرت تمام می‌شود، می‌پذیرد، ولی برای انجام بیعت، از منزل خانه می‌شود و به مسجد می‌رود) و می‌فرماید: «إِنْ كَانَ لَأَبَدًا مِنْ ذَلِكَ فَفِي الْمَسْجِدِ، فَإِنَّ بَيْعَتِي لَا تَكُونُ

مخفياً و لا تكون إلا عن رضا المسلمين»<sup>(۱)</sup> اگر ناچار قرار است با من بیعت کنید، پس در مسجد؟ چرا که بیعت با من نباید به طور مخفی و پنهان باشد، بلکه باید با خواست مسلمانان و در ملاء عام و محل اجتماع مسلمانان انجام گیرد. سپس حضرت بلند شدند و در حالی که مردم در اطرافشان حرکت می‌کردند، داخل مسجد شدند و مردم از هر طرف بر سر حضرت ریختند و با ایشان بیعت کردند.

مسجد در صدر اسلام، همواره مجلس مشورتی مسلمانان در رویدادها بوده و مهم‌ترین این مشورت‌ها در حوزه نظامی و غزوات و تنظیم سیاست‌های دفاعی انجام می‌شده‌اند. امام خمینی علیه السلام، معمار کبیر انقلاب اسلامی، در ارتباط با این نقش می‌فرماید: «مسجد در اسلام و در صدر اسلام، همیشه مرکز جنبش و حرکت‌های اسلامی بوده و از مسجد تبلیغات اسلامی شروع می‌شده است و از مسجد حرکت قوای اسلامی برای سرکوبی کفار و وارد کردن آن‌ها در زیر بیرق اسلام بوده است.»<sup>(۲)</sup>

از دیگر کارکردهای اجتماعی مسجد در صدر اسلام، انجام امور درمانی در مواقع حساس بوده است. در تواریخ نقل شده که «وقد كان في مسجد الرسول موضع يُعالج فيه المرضى والجرحى و كان الرسول و الصحابة يتفقدون المرضى النازلين»<sup>(۳)</sup> در مسجد پیامبر جایگاهی برای معالجه بیماران

۱. شرح نهج البلاغه، ج ۱۱، ص ۹.

۲. صحیفه امام خمینی علیه السلام، ج ۷، ص ۶۵.

۳. الآداب الطبية في الإسلام، ص ۶۹.

و مجروحان معین شده بود و پیامبر و یارانش در آنجا از بیماران عیادت می‌کردند.

واقعی می‌نویسد: در ماجرای جنگ اُحد، مردم در مسجد چراغ و آتش برافروخته بودند و خستگان و مجروحان را زخم‌بندی می‌کردند. همچنین به دنبال زخمی شدن سعد بن معاذ می‌نویسد: پیامبر او را در خیمه کعبیه، دختر سعد بن عتبّه در مسجد پیامبر جای داد. این زن زخمی‌ها را معالجه می‌کرد.<sup>(۱)</sup>

روشن است که انجام این امور در مساجد مربوط به حالت اضطرار و ناچاری است، همان‌گونه که در صدر اسلام، طبق این شواهد تاریخی، به دلیل نداشتن جا و مکان مناسب، از مساجد استفاده‌های درمانی می‌شده است؛ زیرا معمولاً درمان جراحات و زخم با خون‌ریزی همراه است و این با طهارت و قداست مسجد سازگاری ندارد.

۱. مغازی، ج ۱، ص ۳۸۶ و ۱۸۰ / سیمای مسجد، ج ۲، ص ۲۰۷-۲۰۸.

## سؤال ۷۱ - مساجد در پیروزی نهضت‌های اسلامی

### چه نقشی داشتند؟

با اندکی تأمل در تاریخ مبارزات ملت‌های مسلمان، به این نتیجه می‌رسیم که مساجد نقش حساس و مهمی در مبارزه با نظام‌های جائر حاکم و نفوذ بیگانگان داشته‌اند. مساجد، که همواره عبادتگاه مستمر و دایمی مردم بوده و همه روزه برای ادای فرایض مذهبی در شرایط عادی در آن‌ها گردهم جمع می‌شده‌اند، مکانی برای مشورت و تبادل افکار و اطلاعات و تصمیم‌گیری‌های اجتماعی و مبارزاتی بوده‌اند و این بر اساس سنت و رویه‌ای ایجاد شده که در صدر اسلام و به ویژه زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پایه‌ریزی شده است.

در حقیقت، نهضت‌های اسلامی به قدری ریشه در آموزه‌ها و تفکرات مسجدی داشته‌اند که به صراحت می‌توان گفت: با نفی مساجد از حرکت‌های اسلامی، نهضت‌ها به یکباره از هویت اسلامی خود ساقط می‌شوند.<sup>(۱)</sup> به اختصار، به دو شاهد تاریخی از این نهضت‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. مسجد نهاد عبادت و ستاد ولایت، ص ۹۷ - ۹۸.

مورخان عصر مشروطیت به این موضوع اعتراف کرده‌اند که هرگاه حرکت‌ها و قیام‌ها از طرف علما و از مسجد نشأت می‌گرفتند، نتایج پربارتری به همراه داشتند. نویسنده کتاب تاریخ مشروطه ایران در جای جای کتاب خود، تصریح می‌کند که در ایام محرم و رمضان، مساجد حال و هوای دیگری داشت و در حقیقت نقطه آغاز مشروطیت محرم سال ۱۳۲۳ (۱۲۸۵ هـ ش) بود.<sup>(۱)</sup> در همین سال، روس‌ها اقدام به تأسیس بانک نمودند که با مخالفت‌های بسیاری از علما مواجه شدند و عمده این مخالفت‌ها از مسجد بود. «شنبه چهارم آذر ۱۲۸۴ ۲۷ رمضان حاج شیخ محمد واعظ (در مسجد «خازن الملک» تهران) به منبر رفت و پس از گفتاری در مورد حرمت ربا و حرمت اعانت به کفر، از احداث بانک روسی سخن راند. پس از منبر، مردم ریختند و به سرعت ساختمان بانک را ویرانه کردند.»<sup>(۲)</sup>

شاهد دوم بر شکل‌گیری نهضت‌ها از مسجد، نهضت «تحریم تنباکو» است. به دنبال تحریم تنباکو از سوی میرزای شیرازی رحمته‌الله علیه و تبعید آن جناب، مردم از طریق مساجد از موضع اطلاع یافتند و از مسجد شاه تا میدان ارک جمعیت بود و بدون استثنا، همگی از مرد و زن فریاد می‌زدند: «یا علی!»، «یا حسین»، «واشریعتاه!»، «وااسلاما!» و امثال این شعارها را با صدای بلند تکرار می‌کردند.<sup>(۳)</sup>

۱. تاریخ مشروطه ایران، ص ۴۹.

۲. همان، ص ۵۴-۵۷.

۳. تحریم تنباکو، اولین مقاومت منفی در ایران، ص ۱۵۰-۱۵۵.



تاریخ نهضت «تحریم تنباکو» حکایت از آن دارد که در سایر شهرهای ایران نیز وضعیت به همین منوال بوده است. «در ماه رمضان ۱۳۰۸ ق، وقتی که مأمورین انگلیسی کمپانی «رژ» تا نزدیکی شهر شیراز می‌رسند، جمع کثیری از مردم شهر، که عمده محرکین آنها همان تجار بودند، دکانین و بازار را بسته بودند و به رهبری و هدایت حاج سید علی اکبرخان اسیری شیرازی جمع شدند و بنای داد و فریاد را گذاردند و حاج سید علی اکبر به منبر رفته و بیاناتی علیه دولت و صاحب امتیاز نمود و در پایان، شمشیری از زیر عبا در آورده، اظهار داشت: موقع جهاد عمومی است. ای مردم! بکوشید تا جامه زنان نپوشید. من یک شمشیر و دو قطره خون دارم. هر بیگانه‌ای که برای انحصار دخانیات به شیراز بیاید، شکمش را با این شمشیر پاره خواهیم کرد. و گریه کنان از منبر پایین آمد.»<sup>(۱)</sup>

نمونه کامل نقش مساجد در پیروزی نهضت‌های اسلامی، نقشی است که مساجد در پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی علیه السلام ایفا نمودند.

**سؤال ۷۲ - کارکرد فرهنگی و آموزشی مساجد  
و نقش آنها در پیروزی انقلاب اسلامی تا چه  
حد بود؟**

روند فرهنگی و آموزشی علمی مساجد منحصر به صدر اسلام نیست و در دوره‌های بعد هم اندیشمندان، متخصصان و دانش پژوهان علوم و معارف اسلامی جلسات بحث و درس خود را در مساجد برپا می‌کردند. مجالس تفسیر و قرائت قرآن، مباحث کلامی و فقهی و حدیثی در مساجد جهان اسلام در عصر ائمه اطهار علیهم‌السلام و پس از آن تا آنجا که تضادی با منافع حکومت‌های وقت نداشته، برگزار می‌شده‌اند. در دوران انقلاب اسلامی، مساجدی که از مدیریت قوی و ائمه جماعات فعال و متعهد و انقلابی برخوردار بودند، کلاس‌های گوناگون در جهت آگاهی دادن به مردم در ابعاد و زمینه‌های گوناگون برگزار می‌کردند.

«در دوران رژیم پهلوی، مردم از هر صنف و طبقه، طی زندگی روزمره، کم و بیش نابسامانی وضع فرهنگی را احساس می‌کردند و هرکس متناسب با آگاهی و دانسته‌های خویش، تحلیلی از وضعیت آن دوران داشت. با فراگیر

شدن انقلاب اسلامی، مسجدها جایگاهی بسیار مؤثر در این زمینه یافتند، سخنرانی‌های روحانیون و دانشگاهیان در مساجد، حسینیه‌ها و اماکن مذهبی، مردم را بیش از پیش با ابعاد فساد، ظلم، تبعیض و بی‌عدالتی، که در ساختار سیاسی، اجتماعی و همچنین اقتصادی و فرهنگی کشور رایج بود، آشنا کرد. مسجدها همان اندازه که در طرد رژیم طاغوت از سوی مردم اثر داشت، در بازگشت به خویش، خودشناسی و ارزیابی هویت فراموش شده ملت ایران نیز مؤثر بود. مردم از طریق مساجد، هویت فراموش شده خویش را به خاطر آوردند و به فرهنگ اصیل، آرمان‌های والا و ارزش‌های انسانی معارف اسلامی بازگشتند.<sup>(۱)</sup> طبیعی است که مقصود از «کارکرد آموزشی مساجد» عهده‌داری همه امور مربوط به تعلیم و تربیت نیست، بلکه مسجد در واقع، باید بسان دیده‌بان، امور جامعه را با دید انتقادی بررسی و منعکس کند و در مرحله‌ای فراتر، به نقد و تحلیل و ارزیابی آن‌ها از منظر هدف تعلیم و تربیت بپردازد. در این رابطه، شایسته است که مساجد ما با مراکز فرهنگی و مراکز تعلیم و تربیت موجود در جامعه مرتبط باشند.

رئیس «مرکز اسناد انقلاب اسلامی» در مصاحبه‌ای در ارتباط با نقش فرهنگی مساجد می‌گوید: «به‌طور کلی، فرهنگ مردم یک فرهنگ دینی بوده است. حتی قبل از ظهور و ورود اسلام به ایران، جامعه ایرانی جامعه‌ای با فرهنگ دینی بوده است؛ مثل مکتب زرتشت و... به ویژه، فرهنگ شیعی در

۱. مسجد و انقلاب اسلامی، ص ۱۲۴.

ایران عامل مهمی بوده است؛ چراکه تشیع پیوسته اعتراض به حکومت‌ها بوده است و مکتب شیعه روحانیت معترض را تربیت کرده و روحانیت که خانهٔ او مساجد بوده است.<sup>(۱)</sup>

نقش فرهنگی، آموزشی مساجد در پیروزی انقلاب اسلامی پس از تبعید امام خمینی علیه السلام در سال ۱۳۴۳ جدی‌تر شد. یکی از اصحاب انقلاب در این باره می‌گوید: «پس از تبعید امام خمینی علیه السلام در سال ۱۳۴۳ مبارزهٔ سیاسی تقریباً فروکش کرد و مساجد به رویکرد دیگری روی آوردند و آن روی آوردن به کارهای فرهنگی، آموزشی همچون آموزش قرآن، تفسیر و در برخی مساجد هم در محور سیاسی و اطلاع‌رسانی، به تحلیل‌های سیاسی و اجتماعی و تربیتی پرداختند.»

### سؤال ۷۳ - کارکرد سیاسی - اجتماعی مساجد در پیروزی انقلاب اسلامی تا چه حد بود؟

معمار کبیر انقلاب اسلامی با الهام گرفتن از روش و سیره نبی اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، مردم را به فرهنگ اصیل اسلامی توجه داد و با توجه به نبودن امکانات، از مساجد برای سامان‌دهی حرکت‌های سیاسی، اجتماعی و سنگر مبارزات انقلابیان، بهره برد. اینک به دو نمونه از سخنان امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ پیش از انقلاب توجه کنید: «مسجد در اسلام و در صدر اسلام، همیشه مرکز جنبش و حرکت‌های اسلامی بوده و از مسجد تبلیغات اسلامی شروع می‌شده است و از مسجد حرکت قوای اسلامی برای سرکوبی کفار و وارد کردن آن‌ها در زیر بیرق اسلام بوده است.»<sup>(۱)</sup>

«این مساجد است که این بساط را درست کرد، این مساجد است که نهضت را درست کرد. در عهد رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هم و بعد از آن هم تا مدت‌ها مسجد مرکز اجتماع سیاسی بود، مرکز تجیش جیوش بود.»<sup>(۲)</sup>

۱. صحیفه امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ، ج ۷، ص ۶۵.

۲. همان، ج ۸، ص ۶۰.

از این رو، می‌بینیم پررنگ‌ترین نقش مساجد در انقلاب اسلامی محور «سیاست» بوده است: «مساجد و محافل دینی را، که سنگرهای اسلام در مقابل شیاطین است، هرچه بیشتر گرم و مجهز نگه دارید.»<sup>(۱)</sup>

«محراب یعنی مکان حرب، مکان جنگ، هم جنگ با شیطان و هم جنگ با طاغوت. از محراب‌ها باید جنگ پیدا شود؛ چنانچه بیشتر از محراب‌ها پیدا می‌شد، از مسجدها پیدا می‌شد. ای ملت! مسجدهایتان را حفظ کنید تا این نهضت به ثمر برسد.»<sup>(۲)</sup>

در پی تأکیدهای رهبر معظم انقلاب بر بازگشت مساجد به نقشی که در صدر اسلام داشتند، یاران و شاگردان امام با افشاگری در مساجد، آتش مبارزات را روزه روز شدیدتر و رژیم منحوس پهلوی را ناکارآمدتر کردند. «پایه‌های اصلی و اولیه انقلاب را شاگردان و نزدیکان و معتمدین امام بنا کردند؛ همچون شهید عراقی و طرخانی. امام چهارصد شاگرد مخصوص تربیت کرده بودند و شما همه جاز آن‌ها اثر می‌دیدید. شرق تهران آیه الله امامی کاشانی، جنوب تهران با خدمات آقای ایروانی، جنوب شرقی آیه الله غیوری، شمیرانات آیه الله ملکی، در مسجد همت مرکز تهران، کانون توحید و مسجد پرچم خدمات آیه الله شهید مطهری، در شمال تهران امام جمارانی و بالاخره، در این مسجد (مسجد قبا) شهید بزرگوار دکتر مفتاح. شاگردان امام در تمامی نقاط

۱. همان، ج ۲، ص ۴۸۵.

۲. همان، ج ۸، ص ۶۰.

تهران و شهرستان‌ها به کار تبلیغی و سیاسی مشغول بودند.»<sup>(۱)</sup>

«اصولاً در محور کارهای سیاسی، مساجد و نهادهای دینی به واسطه عملکردشان و عملکرد مبارزاتشان بر علیه حکومت‌ها، مورد توجه خاص کارگزاران دولت بود و در دوران معاصر نیز این امر صادق است؛ چه اینکه می‌دیدیم مسئولین بلندمرتبه رژیم شاه چه عکس‌العمل‌های تنیدی در مقابل مسجد و مسجدها ابراز می‌داشتند و اعمال می‌کردند. بی‌خود نبود که سپهبد رزم‌آرا، مهره حلقه به گوش شاه، می‌گفت: مسجد را بر سر کاشانی و مجلس را بر سر مصداق خراب می‌کنیم. در اینجا، اهمیت و حساسیت سیاسی بودن مساجد را بهتر درک می‌کنیم.»<sup>(۲)</sup>

حمله به مسجد «گوهرشاد» در زمان شاه معدوم و کشتار مردم، به توپ بستن حرم امام رضا علیه السلام توسط روس‌ها و همچنین به آتش کشیدن مسجد «جامع» کرمان و کشتار مردم نشانگر اهمیت مسجد در مبارزات مزبور و استفاده از آن به عنوان سنگر مبارزه، نشان عنادی است که قدرت‌های سیاسی نسبت به این مکان مقدس داشته‌اند.

علاوه بر موارد مزبور، در بعد اجتماعی، می‌توان به حل مشکلاتی از قبیل حل اختلافات قضائی و خانوادگی در مساجد، کمک به خانواده‌هایی که سرپرست آن‌ها در زندان‌ها یا بازداشت‌گاه‌ها به سر می‌بردند، و کمک به مردم

۱. مسجد و انقلاب اسلامی، ص ۸۸-۸۹.

۲. همان، ص ۸۵.

---

زلزله زده طیس در سال ۱۳۵۷ اشاره کرد. مساجد، بخصوص در اوایل انقلاب، پایگاه ترغیب و تحریک مردم برای همکاری و همیاری در زمینه‌های گوناگون بودند.



### سؤال ۷۴ - آیا مساجد در پیروزی انقلاب اسلامی، کارکرد اقتصادی هم داشتند؟

بدون شک، از اقدامات بسیار مؤثر و کارآمد مساجد و جلسات مذهبی در پیش از انقلاب اسلامی، پشتیبانی‌های مالی و اقتصادی از انقلاب و مبارزان بوده است. در این زمینه، می‌توان به تأسیس صندوق خیریه در مساجد اشاره کرد. یکی از مبارزان انقلاب در این باره می‌گوید: «در قبل از انقلاب اسلامی، بسیاری از مساجد چنین تشکیلات اقتصادی داشتند. ولی با توجه به حساسیت رژیم، که این نهادها را در مقابل بانک می‌دانست، اکثراً مخفی بود و افراد معتمد، متمول و نیکوکار، که اکثراً از قشر بازاری بودند، به صورت نهادینه، اما غیرمحمسوس، این کارها را انجام می‌دادند و اتفاقاً بسیار مؤثر هم بود. اولین صندوق قرض الحسنه در تهران، احتمالاً در مسجد «لرزاده» بود که از بانیان آن آقای حسن بسانی بود که عضو هیأت‌های مؤتلفه اسلامی بود. بعدها "صندوق جاوید" در بازار تهران که به وسیله بازاری‌ها راه‌اندازی شد، و "صندوق کوثر". ولی آنچه که مهم بود اینکه همه این صندوق‌ها به وسیله افراد خیر تغذیه می‌شدند و تقریباً حساب‌های تعدادی از بازاریان در داخل همین

صندوق‌ها بود.»<sup>(۱)</sup>

از دیگر نهادهای اقتصادی مؤثر قبل از انقلاب، که رژیم هم نسبت به آن عکس‌العمل نشان می‌داد، «مؤسسه کار یابی رفاه» یا «بنیاد رفاه و تعاون اسلامی» بود که به وسیله جمعی از دوستان و یاران امام تأسیس شد. این بنیاد، که در سال ۱۳۴۶ ش کار خود را آغاز کرد، هدفش بیشتر این بود که در پوشش خاص خود، مشکلات کسانی را که در جریان مبارزه آسیب می‌دیدند، حل کند. صندوق‌های قرض‌الحسنه را هم تشویق کردیم که هم پوشش خوبی بود برای همان کارهای امدادی و سیاسی و هم راهی برای حضور بیشتر در مساجد (به این بهانه) و بهره‌گیری بیشتر از آن‌ها به عنوان پایگاه مبارزه.»<sup>(۲)</sup>

۱. همان، ص ۷۷.

۲. همان، ص ۷۹.

### سؤال ۷۵ - رمز پیروزی انقلاب اسلامی و تداوم آن در چه بوده است؟

بدون تردید، وقتی به کارکردهای فرهنگی، آموزشی، سیاسی و اجتماعی و اقتصادی مساجد به صورت یک مجموعه مرتبط نگریسته شود، این نتیجه به دست می آید که «اگر مسجد نبود، انقلاب هم نبود.» حامد الگار آمریکایی در تحلیلی از چگونگی پیروزی انقلاب اسلامی می نویسد: «مسجد هسته اساسی تشکیلات انقلاب ایران بود. شاید این یکی از دیگر نکاتی است که در مجموعه نتیجه گیری های خود باید به آن می پرداختم. یکی از عناصر مهم در پیروزی انقلاب اسلامی احیای مجدد مسجد و تمام ابعاد عملکردی آن بود. نقش مسجد دیگر نه گوشه عزلت نشینی و گریزگاهی از جامعه بود که مردم برای دوری جستن از دنیا، گرفتن وضو، انجام عبادات یا گوش دادن به صوت قرآن به آن پناه می بردند، بلکه برعکس، مسجد به یک کانون مبارزه و مرکز فرمان دهی بدل گردید و به طور خلاصه، مسجد تماماً آن چیزی شد که در عصر

پیامبر بود.»<sup>(۱)</sup>

حضرت امام خمینی علیه السلام در سخنان خود، از مسجد به عنوان «رمز پیروزی» ملت ایران یاد می‌کند و می‌فرماید: «رمز پیروزی ملت ما همین بود که دیگر نمی‌ترسیدند از اینکه بروند توی خیابان بکشندشان، می‌رفتند خیلی هم کشته می‌شدند، بالاخره هم با همین فریادها و دادها و "الله اکبرها" پیروز شدند. رژیم اسلام این‌طور است که افرادش از مسجدند. از مسجد نهضت شروع می‌شد و از مسجد می‌رفتند به میدان، به میدان جنگ‌ها. در جمعه‌ها که خطابه می‌خواندند یا غیرجمعه که می‌رفت آن سردارشان منبر و صحبت می‌کرد، از آنجا راهشان می‌انداخت برای اینکه بروند مبارزه کنند و یک همچین روحیه که از مسجد تحقق پیدا می‌کند، این دیگر نمی‌ترسد از اینکه حالا من بروم شاید چه بشود! این مسجدی است، این الهی است. آدم الهی نمی‌ترسد از اینکه حال شاید مرا هم بکشند. بهتر! ما می‌رویم جای بهتری داریم.»<sup>(۲)</sup>

ولی متأسفانه در سالیان اخیر، به مساجد توجه لازم نمی‌شود و برخی از کارکردهای آن، که در پیروزی انقلاب اسلامی نقش داشتند و به یقین در دوام و ثبوت آن نیز نقش خواهند داشت، به دلیل پیدایش و تأسیس نهادها و مراکز دیگر کم‌رنگ و یا به فراموشی سپرده شده است، امری که امام خمینی علیه السلام

۱. دین و دولت در ایران، ص ۱۵۴.

۲. صحیفه امام خمینی علیه السلام، ج ۹، ص ۸۹.

بنیانگذار انقلاب اسلامی، نیز از آن نگران بود، خالی شدن مساجد و سلب کارکردهای آن بود: «مساجد را خالی نگذارید. این‌هایی که صحبت این را می‌کنند که حالا ما انقلاب کرده‌ایم، برویم سراغ کارهای دیگر، خیر، انقلاب از مساجد پیدا می‌شود. مساجد را آباد کنید، با مسجد رفتن خودتان.»<sup>(۱)</sup>

«من امروز باید بگویم که تکلیف است برای مسلمان‌ها، حفظ مساجد امروز جزو اموری است که اسلام به او وابسته است. مساجد را پر کنید. اگر این مسجد و مرکز ستاد اسلام قوی باشد، ترس از فانتوم‌ها نداشته باشید، ترس از آمریکا و شوروی و این‌ها نداشته باشید. آن روز باید ترسید که شما پشت بکنید به اسلام، پشت بکنید به مساجد.»<sup>(۲)</sup>

«ما امیدواریم حالا هم مساجد ما برگردد به آن وقتی که مسجد محل حلّ و عقد امور باشد و مسجد محل نقشه‌های جنگ باشد، همه چیز باشد و مسجدی‌ها باشند که بتوانند کارها را به خوبی انجام دهند.»<sup>(۳)</sup>

از این رو، به نظر می‌رسد اگر بخواهیم به انقلاب اسلامی، که ثمره خون هزاران شهید است، خدمتی بکنیم، باید تا می‌توانیم مساجد را فعال و پر نشاط کرده، فاصله موجود میان مردم و مسجد را روز به روز کمتر کنیم.

۱. همان، ج ۱۲، ص ۵۰۰-۵۰۱.

۲. همان، ج ۱۳، ص ۲۱-۹۱.

۳. همان، ج ۱۷، ص ۲۳۳.

سؤال ۷۶ - انجام تمرین‌های ورزشی و نمایش فیلم

در مسجد جایز است یا خیر؟

«مسجد مکان ورزش نیست. همچنین جایز نیست مسجد را به مکان نمایش فیلم‌های سینمایی تبدیل کنند، ولی نمایش فیلم در وقت نیاز، با هماهنگی امام جماعت مسجد مانعی ندارد.»<sup>(۱)</sup>

---

۱. أجوبة الاستفتاءات، ج ۱، ص ۱۱۹ و ۱۲۲، س ۴۰۴ و ۴۰۹.

**سؤال ۷۷ - ایجاد کتابخانه و پایگاه مقاومت بسیج در  
مسجد چه حکمی دارد؟**

«چنانچه قبل از آنکه زمینی را وقف مسجد کنند قسمتی از آن را کتابخانه و یا اتاق بسیج سازند و قسمت دیگر را مسجد، هیچ اشکالی ندارد. ولی پس از آنکه زمین عنوان مسجد را پیدا کرد، کتابخانه کردن مقداری از مسجد و مزاحمت نمازگزاران جایز نیست. ولی می‌توانند تعدادی کتاب بدون مزاحمت مصلین [نمازگزاران] در مسجد قرار دهند.»<sup>(۱)</sup>

---

۱. استفتائات، ج ۲، ص ۳۴۶، س ۳۱ و ۳۰.

## کتیبه‌های مسجد

سؤال ۷۸ - نوشتن آیات قرآن بر در و دیوار مسجد

جایز است یا خیر؟

علی بن جعفر برادر امام کاظم علیه السلام می‌گوید: «سألته (موسی بن جعفر علیه السلام) عن المسجد کُتِبَ فِي الْقِبْلَةِ الْقُرْآنُ أَوْ الشَّيْءُ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ، قَالَ: لَا بَأْسَ»<sup>(۱)</sup> از برادرم (امام کاظم علیه السلام) سؤال کردم: آیا جایز است در سمت قبله مسجد، قرآن یا چیزی از ذکر خداوند نوشته شود؟ امام علیه السلام فرمودند: اشکالی ندارد. بنابراین، نوشتن آیات قرآن و یا الفاظی که بیانگر ذکر خداوند متعال هستند بر در و دیوار مسجد، مانعی ندارد. البته نویسندگان این آثار باید توجه داشته باشند که نوع نوشتن به صورتی باشد که علاوه بر زیبایی، افراد بتوانند آن را بخوانند. متأسفانه در بیشتر موارد، هدف فقط آراستن مسجد است؛ زیرا بیشتر آیات و روایات مکتوب بر در و دیوار مساجد به عربی هستند و برای بیشتر اهل مسجد قابل استفاده نیستند. از این رو، اگر متولیان امور مساجد از ترجمه

۱. قرب الاسناد، ص ۱۲۱.



آیات و روایات استفاده کنند. به نظر می‌رسد پسندیده‌تر باشد.

یکی دیگر از اموری که متولیان امور مسجد در این مورد با توجه کنند این است که در انتخاب جملات و عباراتی که می‌خواهند بنویسند، دقت بیشتری کنند و از افراد آگاه همچون ائمه جماعات کمک بگیرند. برای مثال، اطراف در ورودی مسجد، قسمتی از آداب و دعا‌های هنگام ورود نوشته شود و یا اینکه - مثلاً - با پای راست داخل شوید و صلوات بفرستید و بگویید: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي»؛ خدایا گناهان مرا ببخش. یا بر بالای در ورودی مسجد جملات مناسبی از قبیل: «الْهٰی ضِیْفُکَ بِبَابِکَ یَا مَحْسَنُ قَدْ اَتَاکَ الْمُسٰیءُ»؛ نوشته شود. اطراف در شبستان از طرف فضای داخلی و درون مسجد، دعای خروج از مسجد به همراه کیفیت خروج (با پای چپ) نوشته شود. در جهت قبله، نماز غفیله و دعای فرج نوشته شود. در وضوخانه، بعضی از دعا‌های وارد شده به هنگام وضوگرفتن نوشته شود.

البته باید توجه داشت که در نوشتن اذکار و ادعیه بر در و دیوار مسجد، سادگی مسجد باید حفظ شود، و به صورتی نباشد که شلوغی نوشته‌ها افراد را از نگاه کردن به آن‌ها خسته کند، چه رسد به خواندن آن‌ها!

باید توجه داشت که هدف از کتابت آیات و روایات و اسماء خداوند، رهایی از غفلت و هوای نفس و توجه به سوی یگانه معبود عالم آفرینش خدای متعال است.

## کفار و مشرکین در مسجد

سؤال ۷۹ - ورود کفار و مشرکان به مساجد مسلمانان

چه حکمی دارد؟

بحث تفصیلی در باره این سؤال از عهده این کتاب خارج است و در کتب فقهی ما به تفصیل در باره آن بحث شده است، اما به اجمال برخی از این مباحث را ذکر می‌کنیم:

شیخ طوسی در کتاب *الخلافا با تمسک* به آیه شریفه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ﴾<sup>(۱)</sup> می‌فرماید: چون خداوند متعال آنان را نجس دانسته، جایز نیست که به هیچ مسجدی وارد شوند؛ زیرا اجماع علماست که مساجد را باید از نجاسات حفظ کرد.<sup>(۲)</sup> ایشان همچنین در کتاب *المبسوط*، مساجد را به سه قسم تقسیم می‌کند:

۱. توبه: ۲۸، «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بدانید که مشرکان نجس هستند. پس نگذارید نزدیک مسجد الحرام شوند.»

۲. *الخلافا*، ج ۱، ص ۵۱۸، مسئله ۲۶۰ (لایجوز للمشرکین دخول المسجد الحرام و غیره).

۱. مسجد الحرام؛ ۲. مساجد حجاز؛ ۳. مساجد سایر بلاد اسلامی. در مورد مسجد الحرام. نص خاص (آیه مزبور) داریم که مشرکان حق ورود به آنجا را ندارند. به مساجد حجاز هم حق ورود ندارند، مگر با شرایطی که بیان خواهیم کرد. اما در مورد مساجد بلاد اسلامی، اگر هدف کفار و مشرکان از ورود به مسجد، خوردن و خوابیدن و کارهایی از این قبیل باشد، باید از آن جلوگیری کرد. اگر مقصودشان شنیدن قرآن و یادگرفتن علم و حدیث باشد، باز هم باید آن‌ها را منع کرد؛ چون آن‌ها نجس هستند و مساجد را باید از نجاسات دور نگه داشت. ولی در صورت ضرورت و ناچاری، می‌توان آن‌ها را به مسجد راه داد؛ زیرا پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اسیران بنی قریظه و بنی النضیر را در مسجد جای دادند.<sup>(۱)</sup>

همچنان‌که مشاهده می‌شود، فقها برای منع ورود مشرکان به یک دسته از آیات همچون آیه مزبور و روایاتی تمسک کرده‌اند که ما به سبب اختصار، از ذکر آن‌ها صرف نظر می‌کنیم. ولی شواهد تاریخی گویای آن هستند که در برخی موارد، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آنان را از ورود به مسجد جلوگیری نمی‌کردند. در هر صورت، مسئله محل اختلاف است و تفصیل آن را می‌توان در کتاب‌های فقهی مشاهده کرد. در پایان، سه استفتا از مراجع معاصر را ذکر می‌کنیم:

سؤال: شهرستان (...). فاقد محل مخصوص مجالس ترحیم است. در ایام فواتح، یهودی‌های ساکن این شهرستان جهت عرض تسلیت و اظهار همدردی با صاحبان میت، داخل شبستان مسجد مسلمین می‌شوند. آیا این

۱. المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۲، ص ۴۶-۴۷.

مطلب جایز است؟

**جواب:** «ورود غیر مسلمان در مسجد جایز نیست و این گونه مجالس فاتحه را، که در معرض شرکت غیر مسلمانان می باشد، در غیر مسجد منعقد نمایند.»<sup>(۱)</sup>

**سؤال:** آیا ورود غیر مسلمانان به مساجد مسلمین جایز است، هر چند برای مشاهده آثار تاریخی باشد؟

**جواب:** «ورود آنان به مسجد غیر از مسجد الحرام و مسجد النبی فی نفسه منعی ندارد، مگر آنکه موجب نجس شدن یا هتک حرمت مسجد یا توقف جنب در مسجد باشد.»<sup>(۲)</sup>

**سؤال:** ورود اهل کتاب به مساجد برای شرکت در مجلس ترحیم دوستان و آشنایان جایز است یا باید از آنها جلوگیری کرد؟

**جواب:** «اگر موجب هتک مسجد نباشد، جلوگیری آنها واجب نیست.»<sup>(۳)</sup>

۱. مجمع المسائل، ج ۲، ص ۱۵۲، س ۹۶.

۲. أجوبة الاستفتاءات، ج ۱، ص ۱۲۹، س ۴۳۰.

۳. آية الله فاضل لنکرانی، جامع المسائل، ج ۱، ص ۹۰، س ۲۸۷.

## کودکان و مسجد

سؤال ۸۰ - نهی از ورود کودکان به مسجد

برای چیست؟

مسجد جایگاه عبادت، محل راز و نیاز مخلوق با خالق و خلوتگه تسویه نفس از آلودگی هاست. خوشا به حال کسی که از کودکی با این مکان مقدس مأنوس و همدم باشد. گاهی دیده می شود بعضی افراد از ورود کودکان به مسجد و حضور آنان در برنامه ها جلوگیری می کنند و توجه ندارند که این کار چه عواقبی به دنبال دارد! و چه نقشی در ذهن کودک ترسیم می شود! راننده ای می گفت: چهل سال است از شرکت در مجالس مذهبی و حضور در مساجد گریزانم! وقتی علت آن را جویا شدم، از خاطرات کودکی و برخورد نامناسب بزرگ ترها با کودکان سخن می گفت! به راستی، چرا؟

اما در روایتی از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده است: «جَنَّبُوا مَسَاجِدَ كُمْ صِبْيَانِكُمْ وَ مَجَانِينِكُمْ»؛<sup>(۱)</sup> دیوانگان و کودکان را از مساجدتان دور نگه دارید.

۱. تهذیب الأحکام، ج ۳، ص ۲۵۴.

باید توجه داشت که نهی از حضور این دو دسته شاید به این دلیل بوده که مسجد محلی مقدّس و مطهّر است و ممکن است کودکان ناخودآگاه مسجد را آلوده کنند و یا دیوانگان به خاطر نداشتن سلامت عقلی، نظم مسجد را به هم بریزند. ولی آیا نهی عمومیت دارد و شامل همه کودکان می شود، حتی آن ها که خوب و بد را تشخیص می دهند؟ چنین نیست. شهید ثانی رحمته الله علیه ذیل بحث از روایت مزبور می نویسد: مقصود آن دسته از کودکانی است که انسان به طهارت آنان اطمینان ندارد و ممکن است مسجد را آلوده کنند و یا بچه هایی که خوب و بد را تشخیص نمی دهند. اما کودکانی که انسان به طهارت آنان اطمینان دارد، نه تنها راه دادن آنان به مسجد مکروه نیست، بلکه سزاوارتر آن است که آن ها را به مسجد بیاورند؛ همچنان که مستحب است کودکان را پیش از بلوغ به نماز عادت دهند.<sup>(۱)</sup>

نتیجه آنکه آوردن کودکان به مسجد نه تنها مانعی ندارد، بلکه این ما هستیم که باید برخورد مناسب و لطیف با آنان داشته باشیم. تا خاطرات خوبی را از بودن در این مکان در ذهن آن ها ترسیم کنیم و تا حد ممکن، آنان را تشویق هم بکنیم، و بالاخره آنکه آیا شایسته نیست با شرکت دادن کودکان در نظافت و پاکیزه کردن مساجد، آنان را به طور عملی با احکام مسجد آشنا کنیم؟

۱. مسالك الأفهام، ج ۱، ص ۳۲۹.

## گمشده‌ها و مسجد

سؤال ۸۱ - اعلام اشیای گم‌شده و پیدا شده

در مسجد جایز است یا خیر؟

اعلام اشیای گم‌شده و پیدا شده در مسجد از جمله مکروهات است. شیخ صدوق رحمته‌الله می‌نویسد: «و سَمِعَ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَجُلًا يُنْشِدُ ضَالَّةً فِي الْمَسْجِدِ فَقَالَ: قُولُوا لَهُ: لَا رَدَّ اللهُ عَلَيْكَ ضَالَّتَكَ فَانْهَاهَا لِغَيْرِ هَذَا بُنِيَتِ»؛<sup>(۱)</sup> پیامبر گرامی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شنیدند که مردی در مسجد اعلام می‌کند: چیزی گم کرده‌ام (تا اگر کسی پیدا کرده است، بازگرداند). حضرت فرمودند: به او بگویید: خدا گم‌شده‌ات را به تو برنگرداند! مسجد را برای این‌گونه کارها نساخته‌اند!

از حدیث مذکور استفاده می‌شود که چون هدف از بنای مسجد کسب تقرب به خدای عزوجل و عبادت اوست، بنابراین، اعلان اشیای گم‌شده در این مکان مقدس مخالف آن هدفی است که مسجد برای آن بنا شده است. متأسفانه در بسیاری از روستاها، اشیای گم‌شده و پیدا شده در مسجد و از طریق بلندگوی

۱. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۳۷، ح ۷۱۴.

مسجد اعلان می‌شود! باید توجه داشت که نفس اعلان به خودی خود، مکروه است. بلندگوی مسجد هم اگر برای کارهای عام‌المنفعه وقف شده باشد، استفاده از آن اشکالی ندارد، ولی اگر واقف آن را برای خصوص مسجد و برنامه‌های آن وقف کرده باشد، این‌گونه استفاده‌ها حرام خواهند بود. بنابراین، لازم است دقت و توجه بیشتری صورت گیرد. البته روشن است که معرفی و اعلام اشیای گم‌شده در غیر از مسجد، واجب است در مکان‌های عمومی صورت پذیرد، و چنانچه تنها مکان عمومی مسجد باشد، بهتر آن است در جلوی در مسجد، هنگام ورود یا خروج جمعیت از مسجد، این کار صورت گیرد.



## گناه در مسجد

### سؤال ۸۲ - گناه کردن در مسجد چه حکمی دارد؟

به طور کلی، گناه کردن در هر مکان و زمانی ممنوع است، اما چون مسجد جایگاه عبادت و انس گرفتن با معبود و گرفتن پاداش های الهی است و این مطلوب زمانی حاصل می شود که انسان با اقامت در مسجد مرتکب گناه و معصیت نشود، اجتناب از آن بیش از جاهای دیگر لازم است.

امام صادق علیه السلام از پدرش و او از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می کند که فرمود: «الجلوس فی المسجد لانتظار الصلاة عبادة ما لم یحدث. قیل: یا رسول الله و ما الحدیث؟ قال صلی الله علیه و آله: الأفتیاب»<sup>(۱)</sup> نشستن در مسجد به انتظار برپایی نماز عبادت است، تا زمانی که حدیثی از شخص صادر نشود. گفته شد: ای رسول خدا، مقصود از «حدیث» چیست؟ فرمودند: غیبت کردن.

روشن است که هرگناه دیگری هم در مسجد انجام شود، همین اثر را دارد و این امر اختصاص به غیبت کردن ندارد. در روایت دیگری، از وجود مقدس پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله آمده است: «لحدیث البغی فی المسجد یا کل الحسنات

۱. شیخ صدوق، الامالی، ص ۴۲۰، ح ۱۱ «المجلس الخامس و الستون».

كَمَا تَأْكُلُ الْبَيْهْمَةُ الْحَشِيشَ»؛<sup>(۱)</sup> سخن زور و ظالمانه در مسجد، اعمال نیک انسان را می‌بلعد، آن‌گونه که چهارپا علف را می‌خورد.

اذیت و آزار دیگران در مسجد نیز در شمار اعمالی است که موجب بی‌بهره‌گی انسان از فضایل و آثار ارزشمند مسجد خواهد بود. در روایت دیگری از حضرت می‌خوانیم: «إِنَّ أَحَدَكُمْ إِذَا تَوَضَّأَ فَأَحْسَنَ الْوَضُوءَ ثُمَّ أَتَى الْمَسْجِدَ لَا يَنْهَزُهُ إِلَّا الصَّلَاةَ لَا يُرِيدُ إِلَّا الصَّلَاةَ فَلَمْ يَخْطُ خَطْوَةً إِلَّا رُفِعَ لَهُ بِهَا دَرَجَةٌ وَحُطَّ عَنْهُ بِهَا خَطِيئَةٌ حَتَّى يَدْخَلَ الْمَسْجِدَ فَإِذَا دَخَلَ الْمَسْجِدَ كَانَ فِي الصَّلَاةِ مَا كَانَتِ الصَّلَاةُ هِيَ تَحْبِسُهُ وَالْمَلَائِكَةُ يُصَلُّونَ عَلَيْكَ مَا دَامَ فِي مَجْلِسِهِ الَّذِي صَلَّى فِيهِ، يَقُولُونَ: اللَّهُمَّ ارْحَمْهُ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَهُ، اللَّهُمَّ تَبَّ عَلَيْهِ مَا لَمْ يُوْذِ فِيهِ مَالٌ يُحْدِثُ فِيهِ»؛<sup>(۲)</sup> هنگامی که یکی از شما وضوی خود را نیکو بگیرد و به سوی مسجد حرکت کند و انگیزه او به جای آوردن نماز در مسجد باشد، در مقابل هر گامی که به سوی خانه خدا برمی‌دارد، یک درجه وی را بالا می‌برند و یک گناه و لغزش از او محو می‌شود تا اینکه به مسجد داخل شود. وقتی به مسجد داخل شد اوقاتی را که صرف نماز و مقدمات آن نموده است برای او به عنوان نماز محسوب می‌شود و فرشتگان بر شخص نمازگزار تا وقتی که در محل نمازش اقامت نموده است، درود می‌فرستند و می‌گویند: خدایا، وی را رحمت کن! خدایا، او را بیامرز! خدایا توبه او را بپذیر! (البته این امر) تا زمانی است که در مسجد کسی را مورد آزار خود قرار ندهد و گناهی از او سر نزنند.

۱. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۷۱.

۲. صحیح مسلم، ج ۵، ص ۱۶۲ / صحیح بخاری، ج ۱، ص ۲۶۴، «کتاب الصلاة»، باب ۳۲۸.

## محراب مسجد

سؤال ۸۳ - مقصود از «محراب» چیست؟

لغویان برای «محراب» معانی گوناگونی ذکر کرده‌اند که در ذیل، به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم: «المِحْرَابُ - بالكسْرِ و السكون - العِرفَةُ و مقامُ الامامِ فی المسجدِ و یقال: محرابُ المصلی مأخوذاً من المحاربة لأنَّ المصلی یحاربُ الشیطانَ و یحاربُ نفسَه باحضارِ قلبِه»<sup>(۱)</sup> محراب - به کسر میم و سکون باء - غرفه یا جایگاه امام جماعت در مسجد است و گفته می‌شود محراب نمازگزار که از محاربه و جنگ گرفته شده است؛ چون نمازگزار با شیطان و هوای نفس می‌جنگد تا حضور قلب پیدا کند.

در لسان العرب نیز آمده است: «و محرابُ المسجدِ أيضاً صدرُهُ و أشرفُ موضعٍ فیهِ»<sup>(۲)</sup> صدر مسجد را نیز محراب نامیده‌اند، و برخی گفته‌اند: محراب را به آن دلیل «محراب» نامیده‌اند که انسان باید در آن عاری از اشتغالات

۱. مجمع‌البحرین، ج ۲، ص ۳۸.

۲. لسان العرب، ج ۱، ص ۳۰۵.

دنیوی و پریشانی خاطر باشد. در دوران ما، محراب مکانی است که با کیفیت خاصی به عنوان جایگاه مخصوص به امام جماعت ساخته می‌شود. آنچه از تاریخ استفاده می‌شود این است که در گذشته و در شرایع پیش از اسلام نیز مکانی به عنوان محراب و محل عبادت وجود داشته است، هرچند کیفیت این مکان‌ها برای ما روشن نیست. برای نمونه، در مورد حضرت مریم عَلَيْهَا السَّلَام قرآن کریم می‌فرماید: ﴿كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا﴾؛<sup>(۱)</sup> هرگاه زکریا بر محراب عبادت مریم داخل می‌شد، نزد او رزقی (از سوی خداوند) می‌یافت. از روایتی در باره ساختن مسجد پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هم استفاده می‌شود که این مسجد فاقد محراب بود و اگر گاهی تعبیر به محراب النبی صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌شود، مقصود همان محل نماز و مصلائی حضرت است.<sup>(۲)</sup>

۱. آل عمران: ۳۷.

۲. ر.ک: اصول کافی، ج ۳، ص ۲۹۶، ح ۱.

## مستی در مسجد

سؤال ۸۴ - ورود انسان مست به مسجد چه حکمی

دارد؟

ورود افراد مست چنانچه سبب هتک خانه خدا و مسجد شود، حرام است و بر مسلمانان واجب است که مانع ورود اینگونه افراد به مسجد شوند، ولی در صورتی که موجب هتک نشود، دلیلی بر حرمت آن نیست. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿لَا تَقْرُبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَىٰ﴾؛<sup>(۱)</sup> نزدیک نماز نشوید در حالتی که مست هستید. برخی از مفسران گفته‌اند: مراد از لفظ «صلاة» در آیه شریفه، محل بجا آوردن نماز یعنی «مساجد» است و مؤید این سخن، عبارت ذیل آیه است که می‌فرماید: ﴿إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ﴾ و عبور در مورد محل نماز معنا پیدا می‌کند، نه در مورد خود نماز.<sup>(۲)</sup>

علامه طباطبائی در ذیل آیه شریفه، می‌فرماید: مراد از کلمه «الصلاة»

۱. نساء: ۴۳.

۲. مجمع البیان، ج ۳، ص ۸۰.

مسجد است؛ برای اینکه می‌فرماید: در حال جنابت نیز نزدیک مسجد نشوید، مگر اینکه از آن عبور کنید. پس در این تعبیر، مجاز به کار رفته است و چون استعمال مجازی مجوز لازم دارد، مجوز جمله «حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ» است؛ چون اگر فرموده بود: در حال مستی نزدیک مسجد نشوید، دیگر تعلیل آوردن با جمله «حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ» خیلی مناسب به نظر نمی‌رسید، و یا اینکه مقصود این بوده که بفهماند شما در حال نماز در مقابل عظمت و کبریایی خدا قرار دارید و با او سخن می‌گویید. پس صلاح نیست که در این حال، مست باشید و نفهمید چه می‌گویید، و این معنا اقتضا می‌کند که در آیه شریفه بفرماید: در حال مستی نزدیک نماز نشوید. اما به دلیل آنکه بر حسب سنت، بیشتر نمازها در مسجد به صورت جماعت انجام می‌شوند و قصد خداوند متعال آن بوده که حکم دخول جنب در مسجد را نیز در ضمن بیان نماید، به اختصار چنین فرموده است.<sup>(۱)</sup>

چنان‌که گذشت، بیانات مزبور همگی ناظر بودند به اینکه اگر ورود مست به مسجد موجب هتک حرمت شود، حرام است؛ همچنان‌که در برخی روایات، از ورود شخص مست به مسجد و بی‌اعتنایی مردم نسبت به شراب‌خواری به عنوان یک انحراف در امت اسلامی و از نشانه‌های ظهور امام زمان (عج) یاد شده است: «و رأیت المساجدَ محتشيةً مِمَّنْ لا يخافُ اللهَ مجتمعونَ فيها للغيبةِ و أكلِ لُحومِ أهلِ الحقِّ و يتواصفونَ فيها شرابَ المُسكرِ و رأیتَ الشُّكرانَ

۱. المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، ج ۴، ص ۵۷۲.

يُصَلِّي بِالنَّاسِ وَ هُوَ لَا يَعْقِلُ وَلَا يَشَانُ بِالسُّكْرِ وَإِذَا سُكِرَ أَكْرَمَ...»<sup>(۱)</sup>؛  
و می بینی که مساجد پر می شوند از افرادی که ترسی از خدا ندارند، برای غیبت  
کردن و گوشت اهل حق را خوردن در مسجد جمع می شوند و نوشیدن شراب را  
توصیف می کنند و می بینی که افراد مست در حالی که عقل ندارند با مردم نماز  
می خوانند و مردم مستی و می خواری را سرزنش نمی کنند، و هنگامی که مست  
هستند مورد احترام هم قرار می گیرند. (البته شاید از ترس آزارشان، مردم آنان را  
احترام می کنند.)

## مسجد جامع

### سؤال ۸۵ - مسجد جامع چیست؟

«مسجد جامع» مسجدی است که اغلب اوقات، بیش از سایر مساجد جمعیت داشته باشد،<sup>(۱)</sup> یا مسجدی که برای اجتماع زیادی از مردم ساخته شده و اختصاص به گروه خاص یا اهالی محله‌ای نداشته باشد.<sup>(۲)</sup> بر اساس تعاریف مزبور، هیچ مانعی ندارد که در یک شهر، بیش از یک مسجد جامع باشد.

۱. مجمع المسائل، ج ۱، ص ۱۵۳، س ۱۰۱.

۲. أجوبة الاستفتاءات، ج ۱، ص ۱۲۲، س ۴۱۲.



## مسجد در قرآن و روایات

سؤال ۸۶ - ویژگی‌های معنوی مسجد که در قرآن

و روایات ذکر شده کدام‌ها هستند؟

در قرآن کریم، آیه‌ای وارد شده که معروف به آیه «رفع مساجد» است. خداوند متعال در سوره نور می‌فرماید: «فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تَرْفَعَ وَيُذَكِّرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ»<sup>(۱)</sup> در خانه‌هایی که خدا اجازه فرموده است که رفعت یابند و در آن‌ها نام او به بزرگی یاد شود، هر صبح و شام تسبیح و تنزیه ذات پاک او کنند.

طبق آیه شریفه، اولین ویژگی مساجد آن است که خانه‌های خدا در روی زمین هستند و به فرمان پروردگار بنیاد شده‌اند. مفسران در تفسیر کلمه «بیوت» می‌گویند: مراد از «بیوت» براساس روایات یا بیوت انبیاء و ائمه اطهار علیهم‌السلام است و یا مساجد. صاحب مجمع البیان در تبیین اینکه مراد از «بیوت» مساجد باشد، به روایتی از رسول گرامی ﷺ استناد می‌کند که می‌فرماید: «المساجدُ بیوتُ اللَّهِ

فی الأرض و هی ترضی لأهل السماء كما ترضی لأهل الأرض؛<sup>(۱)</sup> مساجد خانه‌های خدا در روی زمین هستند. همان‌گونه که ستارگان برای اهل زمین می‌درخشند، مساجد نیز برای اهل آسمان درخشان و نورانی هستند. صاحب تفسیر مجمع البیان در تأیید اینکه ممکن است بیوت انبیا هم مراد باشد به روایاتی استناد می‌کند.<sup>(۲)</sup>

علامه طباطبائی رحمته‌الله در تفسیر المیزان می‌فرماید: از مصادیق یقینی این بیوت مساجد می‌باشند که آماده‌اند تا ذکر خدا در آن‌ها گفته شود و صرفاً برای این‌کار ساخته شده‌اند؛ همچنان که فرمود: «و مساجدٌ یُذکر فیها اسمُ الله کثیراً»<sup>(۳)</sup> و مساجدی که نام خدا در آن بسیار برده شود.<sup>(۴)</sup>

ویژگی دوم این مراکز الهی آن است که چون دارای اهمیت ویژه‌ای هستند، خداوند فرمان رفع و منزلت آن‌ها را صادر نموده است: «أَنْ تُرْفَع» علامه طباطبائی می‌نویسد: مراد از «رفع بیوت»، رفع قدر و منزلت و تعظیم آن‌هاست و چون عظمت و علو، خاص خدای تعالی است و احدی شریک او نیست، مگر آنکه منتسب به او باشد که به مقدار انتسابش به او، از آن بهره‌مند می‌شود. پس اذن خدا به اینکه این بیوت رفیع‌المقام باشند، به خاطر این است که این بیوت منتسب به خود اویند. علت رفعت این خانه‌ها همان «یُذکر فیها اسمُه»

۱. بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۳۲۵-۳۲۶.

۲. ر.ک: مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۲۷.

۳. حج: ۴۰.

۴. المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، ج ۱۵، ص ۱۷۵.

است؛ یعنی همین که در آن بیوت نام خدا برده می‌شود.<sup>(۱)</sup> و ویژگی سوم این است که مساجد پایگاه عبادت و پرستش هستند و «يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُهُ» از این رو، به موحدان و یکتاپرستان و عابدان در مسجد بشارت می‌دهد: «أَلَا بَشَّرَ الْمَشَائِينَ فِي الظُّلُمَاتِ إِلَى الْمَسَاجِدِ بِالنُّورِ السَّاطِعِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»؛<sup>(۲)</sup> بشارت دهید کسانی را که در تاریکی شب به سوی مساجد گام برمی‌دارند به نوری درخشان در روز قیامت. و شاید این به آن دلیل است که مساجد مراکز انوار الهی هستند.

ویژگی چهارم آنکه مساجد از خصوصیتی برخوردارند که مردان الهی و عابد را به سوی خود جذب می‌کنند، به گونه‌ای که هر صبح و شام در آن به تسبیح خدا مشغولند: «يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْعُدْوِ الْآصَالِ». بنابراین، مساجد پایگاه عبادت و پرستش خداوند هستند و شاید بتوان گفت: مهم‌ترین هدف از بیان مسجد همین عبادت خداوند است؟ زیرا در دیگر آیات هم از کسانی که مانع عبادت و ذکر خدا در مسجد بشوند به عنوان «ظالم» یاد می‌کند.<sup>(۳)</sup> علاوه بر این، هدف نهایی و اساسی از آفرینش جن و انس در قرآن کریم، عبادت است و بس: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»؛<sup>(۴)</sup> جن و انس را جز برای عبادت و پرستش نیافریدم.

۱. المیزان، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، ج ۱۵، ص ۱۷۴-۱۷۵.

۲. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۳۹، باب «فضل المساجد»، ح ۷۲۰.

۳. بقره: ۱۱۴.

۴. الذاریات: ۵۶.

## مسجد ضرار

سؤال ۸۷ - آیا غیر از مسجد «ضرار»، مساجد دیگری هم هستند که اقامه نماز در آنها نهی شده باشد؟

آنچه از روایات استفاده می‌شود این است که هر مسجدی مثل مسجد «ضرار»، از روی انگیزه‌های غلط بنا شده، در طول تاریخ مورد نکوهش قرار گرفته است. صاحب جواهر به تبعیت از دو روایت، نه مسجد دیگر غیر از مسجد «ضرار» را ذکر کرده، می‌نویسد: در نصوص، از اقامه نماز در این مساجد نهی شده و این‌ها مورد لعن قرار گرفته‌اند.<sup>(۱)</sup>

امام صادق علیه السلام در روایتی می‌فرماید: امیرالمؤمنین علیه السلام در کوفه از نمازگزاران در پنج مسجد نهی فرمود: مسجد «اشعث بن قیس» مسجد «جریر»، مسجد «سماک بن محرمة (خرشة)»، مسجد «شيث» و مسجد «یتیم» یا «هیشم».<sup>(۲)</sup>

۱. جواهرالکلام، ج ۱۴، ص ۱۳۹.

۲. اصول کافی، ج ۳، ص ۴۹.

امام باقر علیه السلام در روایت دیگری می‌فرمایند: به انگیزه اظهار سرور و خوش حالی از کشته شدن امام حسین علیه السلام، چهار مسجد کوفه (اشعث، جریر، سماک و شیث) در کوفه تجدید بنا شدند!<sup>(۱)</sup>

از کنار هم گذاشتن دو روایت مزبور، این نتیجه به دست می‌آید که از آغاز، مساجد پنج‌گانه مزبور بر تضعیف دین پی‌ریزی شده بودند که ابتدا امام علی علیه السلام از نماز در آنها نهی فرمودند.

شیخ کلینی در اصول کافی همچنین از ابی بصیر نقل می‌کند که علاوه بر مساجد مذکور، از نمازگزرده در مسجد «بنی السید» و مسجد «بنی عبدالله» و مسجد «غنی» و مسجد «ثقیف» نیز نهی شده است.<sup>(۲)</sup>

صاحب جواهر اضافه می‌کند: مسجدی در حمراء بر قبر یکی از فراعنه مصر بنا شده است. ایشان نقل می‌کند: گاهی گفته می‌شود که احکام مساجد هم بر مساجد مزبور جاری نیستند. البته اکنون دیگر این مساجد از بین رفته‌اند و نشانی از آنها نیست.<sup>(۳)</sup>

روشن است که این مساجد خصوصیت ویژه‌ای ندارند و هر مسجدی که با انگیزه‌ها و اهداف ضد دینی بنا شود، نامبارک و ملعون و مطرود است.

۱. همان.

۲. همان.

۳. جواهرالکلام، ج ۱۴، ص ۱۳۹.

### سؤال ۸۸ - چه مسجدی به دستور پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

تخریب شد؟ و چرا؟

تنها مسجدی که خداوند متعال به علی به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دستور تخریب آن را داد، برگرفته از قرآن کریم، «ضرار» نام گرفت. در قرآن کریم می‌خوانیم:

﴿وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَلَيَحْلِقَنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَى وَاللَّهُ يَشْهَدُ أَنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا لِمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ﴾<sup>(۱)</sup> گروهی دیگر از آنان (منافقان) کسانی هستند که مسجدی ساختند برای زیان رساندن به اسلام و مسلمانان و تقویت کفر و تفرقه‌افکنی میان مؤمنان و کمین‌گاه برای کسی که از پیش با خدا و پیامبرش مبارزه کرده بود. آنان سوگند یاد می‌کنند که جز نیکی نظری نداشته‌ایم! اما خداوند شهادت می‌دهد که آن‌ها دروغگو هستند. هرگز در آن (مسجد به عبادت) نایست. آن مسجدی که از روز نخست بر پایه تقوا بنا شده

۱. توبه: ۱۰۷-۱۰۸.

شایسته‌تر است که در آن به عبادت بایستی. در آن مردانی هستند که دوست دارند پاکیزه باشند، و خداوند پاکیزگان را دوست دارد.

در تفاسیر، در شأن نزول آیه شریفه، چنین آمده است: پس از آنکه عمرو بن عوف و جماعتی مسجد «قبا» را ساختند، از حضرت دعوت کردند تا تبرکاً در آنجا نماز بخواند. حضرت قبول کردند و مسجد را افتتاح نمودند. عده‌ای از منافقان «بنی غنم بن عوف» از روی حسد و انگیزه‌های غلط، اقدام به ساختن مسجدی در کنار مسجد «قبا» نمودند تا از آن به عنوان پایگاهی علیه مسلمانان استفاده کنند. سپس نزد حضرت آمدند و درخواست کردند در آنجا نماز بگذارند، ولی چون حضرت عازم جنگ تبوک بودند، وعده دادند که هنگام بازگشت، این کار را انجام خواهند داد. پس از مراجعت به مدینه، این آیات نازل شدند. از این رو، حضرت به دو تن از اصحابشان دستور دادند که بروید و این مسجد را، که مردمی ظالم ساخته‌اند، خراب کنید و آن را به آتش بکشید. در روایتی هم آمده است که جای آن را زباله‌دان کردند تا کثافات محل را در آنجا بریزند.<sup>(۱)</sup>

از دقت در آیه شریفه، اهداف بانیان این مسجد روشن می‌شود:

الف. از کلمه «ضراراً» فهمیده می‌شود که هدف اولیه اینان ضرر و ضربه وارد کردن به مسلمانان و جامعه اسلامی بوده است.

ب. از کلمه «کفرراً» استفاده می‌شود که هدف بانیان تأسیس مسجدی

۱. ر.ک: مجمع البیان، ج ۵، ص ۱۰۹، ص ۳۸۹ / تفسیر التمی، ج ۱، ص ۳۰۵.

به عنوان مرکز عبادت و بندگی حق نبوده، بلکه آن را برای کفرورزی و بازگشت به ارزش‌ها و عقاید جاهلیت بنا کرده بودند.

ج. از کلمه «تفریقاً بین المؤمنین» استفاده می‌شود که در این مسجد، اهداف خدایی مدّ نظر نبوده‌اند؛ زیرا مسجد پایگاه اتحاد و همدلی و همبستگی مؤمنان با یکدیگر است، در حالی که این مسجد به قصد ایجاد تفرقه در میان مؤمنان بنا شده بود.

د. نهایت اینکه قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَإِرْصَاداً لِّمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ﴾ این مرکز نه تنها عنوان مسجد ندارد، بلکه کمین‌گاه و سنگر منافقان و دشمنان خدا و پیامبر است.

این مسجد با این اهداف و ویژگی‌ها، طبیعی است که سزاوار تخریب و سوزاندن باشد. از این رو، وجود هر یک از این اوصاف در مراکزی هم که امروزه تأسیس می‌شوند موجود باشد، باعث تخریب آن‌ها خواهد بود و باید هم تخریب شوند؛ زیرا قرآن کریم برای همه عصرها و نسل‌هاست و هدف قرآن صرفاً بیان و نقل یک حادثه تاریخی نیست و اگر چنین می‌بود، احتیاجی نبود که علل و عوامل و اهداف بانیان آن ذکر شود. در عصر غیبت نیز مسئولیت برخورد با این‌گونه مراکز و مساجد در صورت تأسیس، با حاکم اسلامی است: «حاکم می‌تواند مساجد را در موقع لزوم تعطیل کند و مسجدی که ضرار باشد، در صورتی که رفع بدون تخریب نشود، خراب کند.»<sup>(۱)</sup>



پیام دیگری که آیه شریفه برای ما دارد این است که به پیامبر دستور می‌دهد ﴿لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا﴾؛ هرگز در چنین مکانی حاضر نشو. از این رو، مؤمنان و مسلمانان باید توجه داشته باشند که از حضور در مکان‌هایی که سبب ضرر به مسلمانان و جامعه و کفرورزی و ایجاد تفرقه و پایگاه دشمنان می‌شود، خودداری کنند. و در پایان آیه، مسلمانان و پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را به حضور در اماکنی که بر پایه تقوا و پرهیزگاری بنا شده‌اند تشویق می‌کند و در واقع، نقطه مقابل مسجد «ضرار» مسجد «تقوا» است که پاگان اقدام به احداث آن نموده‌اند. از این رو، مورد توجه و عنایت حضرت حق - جلّ و علا - قرار گرفته است.

## مصلی و مسجد

### سؤال ۸۹ - آیا مصلی‌ها حکم مسجد دارند یا خیر؟

به‌طور کلی، مستحب است انسان در خانه هم جایی را برای نماز قرار دهد، ولی مکانی را که در خانه برای نماز خواندن قرار می‌دهد و مصلی‌ها و نمازخانه‌هایی که به عنوان مسجد وقف نشده باشند و همچنین نمازخانه پادگان‌ها و ادارات و رستوران‌ها و مؤسسات تا زمانی که ثابت نشده محل به عنوان مسجد قرار داده شده است، حکم مسجد را ندارند. اما در مصلی‌هایی که برای اقامه نماز جمعه بنا می‌کنند، در صورتی که زمین محل نماز اهدا یا وقف شده باشد و به همین عنوان ساخته شود و یک نماز در آن خوانده شود، در حکم مسجد است و احکام مسجد بر آن جاری است، اگرچه اسم مسجد روی آن نمی‌گذارند و به «مصلی» معروف است.<sup>(۱)</sup>

۱. ر.ک: العروة الوثقی، ج ۱، فصل «فی الامسکنة المکروهة»، ص ۵۹۶، مسئله ۴ / مجمع‌المسائل،

ج ۱، ص ۱۴۰، س ۵۰.

## معماری مسجد

سؤال ۹۰ - آیا دین اسلام در ارتباط با بنای ظاهری

مسجد، دستور خاصی دارد؟

آنچه از منابع اسلامی و روایات استفاده می‌شود رهنمودهایی کلی درباره بنای مسجد است. روشن است که این رهنمودها در جهت تحقق بخشیدن به همان اهدافی هستند که مسجد برای آنها بنا شده است. در ذیل، به برخی از این رهنمودها اشاره می‌کنیم:

۱. رعایت سادگی در بنای مسجد: از سخنان اهل بیت علیهم‌السلام و سیره

عملی آنان استفاده می‌شود که مسجد با وجود برخورداری از شکوه و جلال معنوی، باید از نظر ظاهری ساده و از پیرایش‌های مادی به دور باشد. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مسجد خود را بسیار ساده بنا کرد، به گونه‌ای که در آغاز، سقف هم نداشت. وقتی گرمای آفتاب به مسلمانان فشار آورد، از پیامبر خواستند تا سایه‌بانی برای آن ساخته شود. با این حال، هنگام آمدن باران از سقف، آب به داخل می‌ریخت. مسلمانان از حضرت خواستند تا سقف مسجد گل مالی شود، حضرت مخالفت نمود و فرمود: سقف مسجد باید همچون خیمه

حضرت موسیٰ عَلَيْهِ السَّلَام باشد.<sup>(۱)</sup> برخی فقها با استناد به این قبیل روایات، بی سقف بودن مسجد را مستحب دانسته‌اند و برخی ساختن سقف را مکروه. شهید ثانی رَحِمَهُ اللهُ می‌نویسد: باز بودن بخشی از سقف مسجد کافی است؛ زیرا در بیشتر مناطق برای دفع سرما و گرما به سقف نیاز است.<sup>(۲)</sup>

البته معنای حفظ سادگی خودداری از به کار بستن «هنر» و «هنرنمایی» هنرمندان نیست، مراعات هنر و سادگی، هم امکان‌پذیر است و هم خود نوعی هنر است و این رسالت بر دوش هنرمندان مسلمان است. تیتوس بروکهارت می‌گوید: هنر دینی یک رمز و نماد است و به این اعتبار، وسایل ساده و ابتدایی آن را بس است.<sup>(۳)</sup>

۲. استحکام: محکم‌سازی در خلقت و آفرینش شیوه خداوند است؛ ﴿صُنِعَ اللهُ الَّذِي أَتَقَنَ كُلَّ شَيْءٍ﴾؛<sup>(۴)</sup> آفرینش خداوندی است که همه چیز را متقن آفریده است. پیامبر در همه زمین‌ها، مسلمانان را به محکم‌کاری سفارش می‌نمود. در سنن ابی‌داود، آمده است که پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمان داد تا مساجد را خوب بسازیم.<sup>(۵)</sup> رعایت استحکام در مسجدسازی جایگاه ویژه‌ای دارد؛

۱. اصول کافی، ج ۳، ص ۲۹۵-۲۹۶.

۲. شرح لمعه، ج ۱، ص ۵۴۰.

۳. مجموعه مقالات ۱، مبانی هنر معنوی، تیتوس بروکهارت، «مدخلی بر اصول و روش هنر دینی»، ص ۸۴.

۴. نمل: ۸۸.

۵. سنن ابی‌داود، ج ۱، ص ۱۲۵، ش ۴۵۶.

چراکه مسجد بنایی نمادین است و باید از نسلی به نسل‌های آینده به ارث برسد.  
 ۳. تناسب مساحت با جمعیت: مراعات این اصل در بنای مسجد، یک ضرورت است؛ چراکه جمعیت روز به روز افزایش می‌یابد و امروزه در ساخت مکان‌های عمومی تناسب حفظ می‌شود. رعایت این تناسب در مسجد مهم‌تر است، تا همگان بتوانند فیض حضور در مسجد را داشته باشند. روزی پیامبر بر گروهی که مشغول ساخت مسجدی بودند، عبور می‌کرد، فرمود: مسجد را وسیع و جادار بسازید و آن را از جمعیت پر کنید. آنان به فرمان پیامبر مسجد را وسیع ساختند.<sup>(۱)</sup>

۴. مناره: «مناره» در لغت، به معنای جایگاه نور است. نام دیگرش «مأذنه» یعنی محل اذان‌گفتن است. آنچه از روایات استفاده می‌شود این است که مساجد زمان پیامبر ﷺ فاقد مناره بودند. از روایات استفاده می‌شود که اصل مناره ساختن مورد نکوهش قرار نگرفته و تنها از بلند ساختن آن نهی شده است. در روایتی آمده است که امام علی علیه السلام فرمودند: مناره را باید هم‌سطح با پشت‌بام ساخت.<sup>(۲)</sup>

۵. کنگره: مقصود از «کنگره» اشکال مربعی شکل یا مثلثی است که با فاصله‌های معین در انتهای دیوار و یا پشت‌بام مسجد ساخته می‌شود. در روایات رسیده؛ از ساختن چنین اشکالی در مساجد نهی شده است.

۱. سنن بیهقی (السنن الکبری)، ج ۲، ص ۴۳۹.

۲. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۳۹.

پیامبر گرامی فرمودند: مساجد را صاف و بدون کنگره بسازید.<sup>(۱)</sup> در روایت دیگری که از امام باقر علیه السلام نقل شده، آمده است: هنگامی که قائم آل محمد صلی الله علیه و آله قیام کند، کنگره‌های مساجد را ویران می‌کند.<sup>(۲)</sup>

۱. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۱۶، ح ۵، ب ۱۵ از ابواب «احکام المساجد».

۲. همان، ح ۴.

### سؤال ۹۱ - مناسبت تر است که شبستان مسجد

#### در چه محلی قرار بگیرد؟

یکی از مکان‌هایی که نماز خواندن در آنجا مکروه می‌باشد مقابل دری است که باز باشد.<sup>(۱)</sup> کراهت نماز در این مکان شاید به دلیل آن است که سبب حواس پرتی و غفلت از یاد خدا می‌شود؛ زیرا شبستان، معمولاً شلوغ است و افراد در حال آمد و شد هستند. از این رو، مناسب است در شبستان مسجد تا آنجا که امکان دارد، در طرف مقابل قبله قرار داده شود تا رفت و آمد افراد تأثیری بر نماز مؤمنان نداشته باشد.

نکته دیگری که به نظر می‌رسد به هنگام گذاشتن در لازم است رعایت شود این است که مساجد دارای دو در باشند تا ورودی و خروجی مردان و زنان از یکدیگر جدا باشند. این سنتی است که از زمان پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شروع گشت و شایسته است که ادامه یابد. استاد مطهری رَحِمَهُ اللهُ می‌فرماید: «اسلام به خطرات ناشی از روابط - به اصطلاح - آزاد جنسی کاملاً آگاه است. از این رو، نهایت مراقبت را

۱. توضیح المسائل، مسئله ۸۹۸.

در برخوردهای زنان و مردان اجنبی دارد؛ تا حدی که منجر به هرج و مرج نشود، طرفدار دور نگه داشتن زنان از مردان است. اسلام در عین اینکه به زنان اجازه شرکت در مساجد را می‌دهد، دستور می‌دهد به صورت مختلط نباشد؛ محل‌ها از یکدیگر جدا باشند. می‌گویند پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در زمان حیات خویش، اشاره کرد در ورودی زنان به مسجد، از در ورودی مردان مجزاً باشد. روزی اشاره به یکی از درها کرد و فرمود: «لَوْ تَرَكَنَا هَذَا الْبَابَ لِلنِّسَاءِ»؛ یعنی خوب است این در را به بانوان اختصاص بدهیم. نیز می‌گویند: پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دستور داد که شب هنگام، که نماز تمام می‌شود، اول زن‌ها بیرون بروند، بعد مردها. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خوش نمی‌داشت که زن و مرد در حال اختلاط از مسجد بیرون روند؛ زیرا فتنه‌ها از همین اختلاط‌ها برمی‌خیزد. یک روز رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در بیرون مسجد بود، دید مردان و زنان با هم از مسجد بیرون آمدند. به زن‌ها خطاب کرد و فرمود: بهتر این است شما صبر کنید، آن‌ها بروند، شما از کنار (کوچه یا خیابان) بروید و آن‌ها از وسط.<sup>(۱)</sup>

استاد مطهری در پایان، به فتوای صاحب *عروة الوثقی* در این زمینه اشاره می‌کند که می‌فرماید: «يَكْرَهُ اِخْتِلَاطُ النِّسَاءِ بِالرِّجَالِ اِلَّا لِلْعِجَازِ»؛<sup>(۲)</sup> مختلط شدن مردان و زنان مکروه است، مگر در مورد پیرزنان. این استثنا شاید به دلیل آن است که علاوه بر نبودن فتنه در زنان پیر، از نظر معنوی نیز آنان مادران جامعه هستند و باید مورد اکرام و احترام همگان باشند، اگرچه حقیقتاً مادر همه

۱. مسئله حجاب، ص ۲۳۳ - ۲۳۴.

۲. عروة الوثقی، ج ۲، ص ۸۰۵، مسئله ۴۹ از «کتاب النکاح».



افراد نیستند.

نتیجه آنکه سازندگان مسجد در ارتباط با در شبستان مسجد، دست کم باید دو نکته را مورد توجه قرار دهند:

۱. تا حد ممکن در شبستان در جهت مقابل قبله قرار گیرد.

۲. مساجد حداقل دارای دو در باشند تا در ورود و خروج مردان و زنان

از یکدیگر جدا باشند.

**سؤال ۹۲ - آیا در ساختمان مسجد، می توان از مصالح نجس استفاده کرد؟**

مصالح ساختمانی مسجد، اعم از آجر و سنگ و سیمان و گچ و مانند آن، که در ساختن دیوار و کف و سقف مسجد به کار می روند، باید پاک باشند و بنا بر احتیاط واجب، آنچه در قسمت بیرونی دیوار مسجد هم به کار می رود، مانند سنگ ها و آجرهای تزیینی و غیر آن ها نیز باید پاک باشد.<sup>(۱)</sup> از این رو، به کار گرفتن کارگر و بنای غیر مسلمان در ساختن مسجد، در صورتی که سبب نجس شدن ساختمان مسجد می شود و تطهیر آن امکان ندارد، جایز نیست.<sup>(۲)</sup>

۱ . ر.ک: عروة الوثقی، ج ۱، ص ۷۴-۷۶.

۲ . أجوبة الاستفتاءات، ج ۱، ص ۱۲۵، س ۴۱۹.

## معنای مسجد

سؤال ۹۳ - «مسجد» در لغت و اصطلاح

به چه معناست؟

از نظر لغوی، «مسجد» اسم مکان است از فعل «سجد» و به معنای جایگاه سجود و عبادت. «فَأَمَّا الْمَسْجِدُ مِنَ الْأَرْضِ فَمَوْضِعُ السُّجُودِ نَفْسَهُ»<sup>(۱)</sup> مسجد در زمین، آن مکان و جایی است که در آن سجده می‌کنند. «وَالْمَسْجِدُ فَتْحًا وَكَسْرًا بَيْتُ الصَّلَاةِ»<sup>(۲)</sup> مسجد را چه به فتح جیم بخوانند و چه به کسر آن، جایگاه نماز گزاردن است.

اما در اصطلاح، بنا بر آنچه برخی از نویسندگان نقل کرده‌اند: «مسجد قطعه‌ای کوچک یا بزرگ از زمین است که پس از نظافت، تسطیح و پاکیزه کردن آن، سمت قبله در آن مشخص می‌شود و به نماز اختصاص می‌یابد. این قطعه زمین گاهی دارای دیوار است و گاهی بدون آن، با شن پاکیزه و یا حصیرهای

۱. کتاب العین، ج ۶، ص ۴۹ / سادة العرب، ج ۳، ص ۲۰۴.

۲. مجمع البحرين، ج ۳، ص ۶۵.

ارزان یا فرش‌های گران‌قیمت فرش می‌شود. گاهی بر روی این قطعه زمین بناهای عظیم با دیوارها، سقف‌ها و گنبدها و مأذنه‌های بزرگ برپا می‌شود و گاهی نیز هیچ‌یک از این‌ها را ندارد، اما این در مسجد بودن آن تأثیری ندارد؛ زیرا یک مسجد ساده و معمولی نیز همانند عظیم‌ترین مساجد، مکانی مقدّس با ویژگی‌های ممتاز است.<sup>(۱)</sup>

بنابراین، مسجد محل راز و نیاز مخلوق با خالق و آفریننده هستی، خلوت‌نگه تزکیه نفوس از گناهان و آلودگی‌های دنیوی و محل تفکر در عیوب و اصلاح انحرافات اخلاقی و تکامل روح است.

۱. دو ماهنامه مسجد، ش ۳۷ و ۳۸، «پیدایش مسجد» ص ۸۰-۸۱.

### سؤال ۹۴ - مسجد چگونه مسجد می شود؟

در باره اینکه چگونه مکانی عنوان مسجد پیدا می کند و از چه زمانی احکام و آثار مسجد بر آن مترتب می شود، حضرت امام خمینی ره در تحریر الوسیله می فرماید: قول مشهور فقها آن است که باید صیغه وقف بر مکانی که قرار است مسجد گردد، خوانده شود؛ یعنی گفته شود: «وَقَفْتُهَا مَسْجِدًا قَرْبَةً إِلَى اللَّهِ تَعَالَى»؛ این زمین را به قصد قربت و تقرب به خداوند متعال به عنوان مسجد وقف کردم. ولی اگر زمینی را به قصد قربت به نیت مسجد بودن بسازند و دست کم یک نفر به اذن بانی در آن نماز به جای آورد، آن مکان مسجد می شود و تمامی احکام مسجد نسبت به آن مراعات می شود.<sup>(۱)</sup>

همچنین بانی می تواند تنها زمین را مسجد قرار دهد و بنا و پشت بام را مسجد قرار ندهد، و به طور کلی، جاری شدن و نشدن احکام مسجد از این نظر، کاملاً وابسته به کیفیت نیت بانی و واقف است. در صورت شک در اینکه دیوار مسجد هم جزو مسجد هست یا خیر، احتیاط مستحب است که احکام مسجد را

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، «فی مکان المصلی»، ص ۱۵۲، مسئله ۱۹.

نسبت به این مکان‌ها مراعات نمایند.<sup>(۱)</sup>

نکته دیگری که در ارتباط با وقف مسجد باید مورد توجه قرار گیرد، آن است که واقف در وقف مسجد، لازم است عنوان «مسجد بودن» را قصد نماید. بنابراین، اگر کسی مکانی را به عنوان جایگاه نماز - نمازخانه - و یا عبادت مسلمانان وقف نماید، وقف صحیح است، ولی آن مکان مسجد نخواهد بود. بنابراین، برای تحقق عنوان «مسجد» کافی است که واقف بگوید «این مکان را مسجد قرار دادم»، و نزدیک‌تر به احتیاط آن است که چیزی را که دلالت بر وقف نماید، ذکر کند و بگوید: این زمین را به عنوان مسجد وقف نمودم.<sup>(۲)</sup>

البته همان‌گونه که اشاره شد، فقهای ما از جمله حضرت امام خمینی ره و برخی دیگر برای تحقق عنوان مسجد، «خواندن صیغه را شرط نمی‌دانند» و نماز خواندن دست‌کم یک نفر را شرط می‌دانند. ایشان در تحریری می‌نویسند: «اگر کسی بنایی را به عنوان مسجد بسازد و اذن نماز خواندن در آن را به همگان بدهد، چنانچه بعضی از مردم در آن نماز بخوانند، همین اندازه در وقف و مسجد شدن آن کفایت می‌کند».<sup>(۳)</sup>

باید توجه داشت که مساجد تمام گروه‌های مسلمانان، اعم از شیعه و غیر آن، در احکامی که برای مساجد گفته می‌شود، فرقی ندارد.<sup>(۴)</sup>

۱. العروة الوثقی، ج ۱، ص ۸۹، مسئله ۱۶.

۲. تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۶۲، مسئله ۲.

۳. همان، ج ۲، ص ۶۳، مسئله سوم.

۴. عروة الوثقی، ج ۱، ص ۸۹، مسئله ۱۵.

«اگر مسجدی ویران شود، زمین آن از مسجد بودن خارج نمی‌شود و احکام مسجد در برخی موارد بر آن جاری است و همچنین اگر تمام روستا یا شهری که مسجد در آن است، خراب شود مکانی که مسجد بوده همچنان عنوان مسجد دارد.»<sup>(۱)</sup>

«مسجد بدون دیوار و ساختمان را نیز می‌توان مسجد قرار داد. بنابراین، اگر زمینی را برای مسجد وقف کنند و به همین قصد در آن نماز خوانده شود، مسجد است و احکام آن باید مراعات شود، هرچند دیوارکشی نشده باشد و ساختمان هم نساخته باشند.»<sup>(۲)</sup>

آخرین نکته‌ای که باید در ذیل این سؤال ذکر شود این است که چنانچه کسی مکانی یا بنایی را به عنوان مسجد برای گروهی خاص - طایفه فلانی - وقف نماید، این وقف شرعاً صحیح است و تنها برای همان گروه نمازگزاردن در آن مکان جایز است. ولی تحقق عنوان مسجد به فتوای امام خمینی علیه السلام برای چنین مکانی مشکل است.<sup>(۳)</sup>

صاحب جواهر علیه السلام نه تنها چنین قصدی را موجب تحقق عنوان مسجد ندانسته، بلکه آن را از اساس باطل شمرده و فرموده است: منظور از مسجد شرعاً مکانی است که برای عموم مسلمانان وقف شده باشد. پس اگر بانی در موقع

۱. تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۷۵-۷۶، مسئله ۶۳.

۲. عروة الوثقی، ج ۱، ص ۵۹۷، مسئله ۱۲.

۳. امام خمینی علیه السلام، حاشیه بر عروة الوثقی، مسئله ۱۲ از مسائل «فی بعض احکام المسجد».

وقف کردن، مسجد را برای عده خاصی وقف کند، چنین مکانی مسجد نیست و اساساً قصد کردن عده‌ای خاص، با مسجد بودن منافات دارد و از این رو، چنین وقفی از اصل و ریشه باطل است.<sup>(۱)</sup>

---

۱. جواهرالکلام، ج ۱۴، ص ۶۹ (خاتمة فیما یتعلق بالمساجد).



## مکان مسجد

**سؤال ۹۵ - مسجد را در چه مکانی می توان ساخت؟**  
از نظر موقعیت جغرافیایی، بهتر است در کجا ساخته شود؟

به طور کلی، زمینی را که برای ساختن مسجد استفاده می شود باید وقف مسجد شده باشد و سایر اراضی موقوفه را نمی توان برای مسجدسازی استفاده کرد و باید در همان جهتی که برای آن وقف شده اند استفاده نمود. امام حسن عسکری علیه السلام می فرماید: «الوقوفُ علی حَسَبِ ما یَقْفُها أهلُها إن شاء الله»؛<sup>(۱)</sup> موقوفات بر اساسی که واقف معین کرده اداره و مصرف می شوند. از این رو، از زمین هایی که برای اغراض دیگری وقف شده اند نمی توان برای ساخت مسجد استفاده کرد.

در ارتباط با ساخت مسجد، مکان دیگری که در روایات از مسجدسازی در آن نهی شده قبرستان ها هستند. سماعة بن مهران می گوید: «سئل أبوعبدالله علیه السلام

۱. اصول کافی، ج ۷، ص ۳۷، حدیث ۳۴، باب «ما يجوز من الوقف و الصدقة».

عن زیارة القبور و بناء المساجد فیها؟ فقال: أما زیارة القبور فلا بأس بها ولا تُبْنی عندها مساجد؛<sup>(۱)</sup> از امام صادق علیه السلام در باره زیارت قبور و ساختن مسجد در قبرستان سؤال شد، امام علیه السلام فرمودند: زیارت قبور مانعی ندارد، ولی نباید در قبرستان مسجد ساخته شود.

در روایت دیگری عبید بن زراره می گوید: شنیدم که امام صادق علیه السلام می فرمود: «الأرض کلها مسجدٌ إلا بئر غائطٍ أو مقبرة»؛<sup>(۲)</sup> در تمامی زمین بجز محل چاه دست شویی و قبرستان می توان مسجد بنا نمود.

البته باید توجه داشت کراهت بنای مسجد بر قبرستان در شرایطی است که مانع دیگری نباشد، ولی اگر مانعی مثل وقف - یعنی اینکه زمین برای قبرستان وقف شده - باشد، بنای مسجد بر آن حرام است. همین طور است اگر بنای مسجد در قبرستان مستلزم نبش قبر و هتک حرمت مؤمنان مدفون در آنجا باشد.

سؤال: هرگاه شخصی در قبرستان مسلمین، که وقف است، مسجدی روی قبور اموات بنا کند، آیا جایز است یا خیر؟ و اگر چنین مسجدی بنا شد، آیا نماز در آن صحیح است؟

جواب: «ساختن مسجد در قبرستان، که زمین آن وقف قبرستان است، جایز نیست و نبش قبور مسلمین حرام است و به مجرد ساختن، مسجد نمی شود.

۱. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۳۴، ح ۳۴۹۶، باب ۶۵ و باب «کراهة بناء المساجد عند القبور».

۲. تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۲۵۹ - ۲۶۰، باب «فضل المساجد و الصلاة فیها» و ح ۴۸.

ولی نماز خواندن در آن مانعی ندارد.»<sup>(۱)</sup>

سؤال: مسجدی کوچک و خراب و کهنه در محل ما وجود دارد که برای مردم محل بسیار کوچک و غیر قابل استفاده است. زمین اطراف این مسجد، قبرستان است. آیا جایز است از هوایی زمین قبرستان برای اضافه و توسعه مسجد استفاده شود، به طوری که از دفن اموات، ممانعت نشود؛ یعنی قسمت فوقانی، مسجد (در ارتفاع دو متر) و قسمت تحتانی قبرستان باشد؟

جواب: «اگر موجب نبش قبر یا هتک قبور مسلمین یا تصرف قبرستان نباشد اشکال ندارد، ولی مقداری که از هوایی قبرستان گرفته می شود، حکم مسجد پیدا نمی کند.»<sup>(۲)</sup>

ممکن است سؤال شود: آیا در محل نجاست می توان مسجد بنا نمود یا خیر؟ در پاسخ این سؤال، به ذکر روایتی از مسعدة اکتفا می کنیم: مسعدة بن صدقه می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که در پاسخ به این سؤال فرمود: «إِذَا أُلْقِيَ عَلَيْهِ مِنَ التُّرَابِ مَا يُوَارِي ذَلِكَ وَ يَقَطَعُ رِيحَهُ فَلَا بَأْسَ بِذَلِكَ لِأَنَّ التُّرَابَ يُطَهَّرُهُ»<sup>(۳)</sup>؛ اگر بر روی آن خاک ریخته شود، به گونه ای که آن را بپوشاند و بوی آن را قطع کند، اشکالی ندارد؛ زیرا خاک آنجا را پاک و طاهر می کند.

۱. مجمع المسائل، ج ۱، ص ۱۳۲، س ۲۳.

۲. استفتائات، ج ۲، ص ۳۶۱، س ۶۷.

۳. قرب الأسناد، ص ۳۱-۳۲.

- اما در ارتباط با موقعیت جغرافیایی مسجد، به نکاتی کلی اشاره می‌کنیم:
۱. در اماکن پرجمعیت و آباد و در مرکزیت شهرها و محلات، نبش تقاطع‌ها و در دسترس افراد ساخته شود.
  ۲. بنای مسجد متناسب با وضع اقتصادی و فرهنگی مردم و ساختمان‌های اطراف باشد، به گونه‌ای که در اسرع وقت تکمیل گردد.
  ۳. مساجد در فواصل معین و دور از هم ساخته شوند. متأسفانه مشاهده می‌شود به خاطر لجاجت‌های افراد و برخی از خصومت‌های شخصی، مساجد متعددی نزدیک هم ساخته می‌شوند و هیچ‌کدام کارآیی لازم را ندارند.
  ۴. در زمین گسترده ساخته شود و در طرح و اجرای فضاهای جنبی، از قبیل کتابخانه، منزل خادم و امام جماعت، پارکینگ و مانند آن دقت لازم بشود.
  ۵. حتی الامکان، فضای سبز مناسب در محوطه اطراف مسجد دایر گردد.
  ۶. در مسیرهای شیبدار، اگر مسجد در قسمت‌های پایین باشد بهتر است؛ زیرا اگر مسجد در بلندی باشد ساکنان پایین سرایشی چه بسا انگیزه لازم برای رفتن به مدرسه نداشته باشند و یا در اثر گذشت زمان، این انگیزه در افراد ضعیف شود. ولی اگر مسجد در نیمه پایینی سرایشی باشد ساکنان بالای سرایشی انگیزه رفتن برای مسجد دارند، زیرا:
- اولاً، سریع می‌رسند؛ چون سرازیری است. ثانیاً، حرکت به سوی پایین آسان است. ثالثاً، چون معمولاً بازگشت جمعی است، همراه و همسخن وجود

دارد. از این رو، سختی مسیر احساس نمی شود. علاوه بر آن انگیزه به منزل رفتن قوی است. رابعاً، قرار بر برگشت آسان است. از این رو، لذا امکان استفاده از وسیله نقلیه مسجدی ها در بازگشت وجود دارد. البته در موارد استثنایی، که قسمت میانی یا بالای سرایشی از مرکزیت خاصی برخوردار باشد، بنای مسجد در آنجا مناسب تر است. در هر حال، با توجه به اختلاف مناطق در ساخت و سازهای شهری، نمی توان قواعد و دستورالعمل های کلی در ارتباط با مسجدسازی وضع نمود. از این رو، شایسته است مؤمنان قبل از احداث مسجد، با مشاوره، به دقت جوانب کار را بررسی کنند.

### سؤال ۹۶ - آیا تبدیل کنیف به مسجد جایز است؟

مقصود از «کنیف» مکان‌های آلوده به نجاست می‌باشد. اگرچه نجس کردن مسجد هتک حرمت و از گناهان کبیره به شمار می‌آید، اما بنا کردن مسجد بر این‌گونه مکان‌ها، بخصوص به‌هنگام توسعه مسجد، با شرایطی بلا اشکال است. عبدالله بن سنان می‌گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد مکانی که زمانی دست‌شویی بوده، سؤال کردم که آیا می‌توان آن را نظافت کرد و مسجد قرار دارد؟ امام علیه السلام فرمودند: «أَلْقِ عَلَيْهِ مِنَ التَّرَابِ حَتَّى يَتَوَارَى فَإِنَّ ذَلِكَ يُطَهِّرُهُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى»<sup>(۱)</sup> بر چنین مکانی آن قدر خاک بریز که نجاسات آن پوشیده شوند. این کار زمین را تطهیر خواهد کرد، ان شاء الله.

نظیر این روایت را ابی‌الجارود از امام باقر علیه السلام نقل کرده است.<sup>(۲)</sup>

مسعده بن صدقه می‌گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: «أَيَصْلِحُ مَكَانٌ حَشًّا أَنْ يَتَّخَذَ مَسْجِدًا؟ فَقَالَ: إِذَا الْقِيَ عَلَيْهِ مِنَ التَّرَابِ مَا يُوَارِي ذَلِكَ وَ يَقَطَعُ

۱. الأستبصار، ج ۱، ص ۴۴۲، باب «بئر الغائط يتخذ مسجداً»، حدیث ۵.

۲. همان، ص ۴۴۱، ح ۳.

رِيحُهُ فَلَابَأْسَ وَ ذَلِكَ لِأَنَّ التَّرَابَ طَهُورٌ وَ بِهِ قَضَتِ السُّنَّةُ؛<sup>(۱)</sup> آیا می توان مکان دست شویی را به مسجد تبدیل کرد؟ امام علیه السلام فرمود: اگر به قدری خاک روی نجاسات بریزند که پوشیده و بوی آن قطع شود مانعی ندارد؛ چون خاک، آن نجاسات را تطهیر می کند و سنت پیامبر نیز این گونه بوده است.

شاید به استناد همین دسته از روایات است که فقهای ما فتوا داده اند: جایز است دست شویی و مکان هایی مانند آن را، که مشتمل بر بول و غایط است، مسجد قرار دهند، به این صورت که نجاسات موجود را با خاک پاک و طاهر بیوشانند. در این حالت، نجس بودن باطن زمین مسجد ضرری ندارد، هرچند که تنجیس ظاهر و باطن مسجد در غیر این غرض جایز نیست، ولی در همین فرض هم احوط آن است که ابتدا نجاست را از این گونه مکان ها برطرف کنند، سپس آن را مسجد قرار دهند، یا اینکه تنها ظاهر زمین را، که پاک است، مسجد قرار دهند.<sup>(۲)</sup>

لازم به توضیح است که چنانچه زمینی مخصوص دست شویی نبوده باشد، تغییر و تبدیل آن به مسجد بلامانع است، ولی اگر چنانچه آن زمین در جهت خاص وقف و استفاده شود، تبدیل آن جایز نیست:

سؤال: در اثر توسعه مسجد، توالت سابق آن در حیاط مسجد واقع گردیده که فعلاً معدوم و زمین آن موزائیک کاری و تمیز شده. بعضی از مؤمنین

۱. همان، ص ۴۴۱-۴۴۲، ح ۴.

۲. عروة الوثقی، ج ۱، ص ۵۹۹، مسئله ۱، فصل ۱۵ (فی بعض احکام المسجد).

در نماز خواندن روی چنین زمینی که سابقاً جای توالی بوده، احتیاط می‌کنند. متمنی است حکم آن را بیان فرمایید؟

جواب: «در فرض سؤال که زمین مزبور برای انتفاع در جهت مخصوص بوده، آن را جزء صحن مسجد قرار دادن، که منافی با آن جهت است. جایز نبوده و حکم مسجد را ندارد. ولکن نماز خواندن در آن مکان مانع ندارد. والله العالم.»<sup>(۱)</sup>

طبق این استفتاء، مکانی که برای جهت خاصی مثل وضوخانه و دست‌شویی وقف شده است، چنانچه تبدیل هم شود عنوان «مسجد» را ندارد و اگر واقف ناراضی باشد، چه بسا اقامه نماز در این مکان هم خالی از اشکال نباشد.



سؤال ۹۷ - آیا در زمین‌هایی که برای مخارج مسجد

وقف شده‌اند، می‌توان مسجد ساخت؟

در زمین‌هایی که وقف مسجدند تا از عواید آن‌ها برای مخارج مسجد استفاده شود، نمی‌توان مسجد ساخت و اضافه کردن مقداری از آن هم برای مسجدسازی جایز نیست.<sup>(۱)</sup> به طور کلی، زمین‌هایی که وقف می‌شوند تابع نحوه وقف هستند و هرگونه تصرفاتی خارج از آن محدودده جایز نیست.

---

۱. تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب «الوقف»، ص ۷۴، مسئله ۵۶.

### سؤال ۹۸ - آیا تغییر حسینیه به مسجد جایز است؟

چنانچه وقف زمین برای حسینیه تمام نشده و قبض و وقف حاصل نشده، تغییر آن به عنوان مسجد اشکال ندارد، ولی اگر تغییر بعد از تمامیت وقف حسینیه حاصل شده باشد، باطل است و آن محل مسجد نمی‌شود، اگرچه نماز خواندن در آنجا اشکال ندارد.

سؤال: شخص خیری در جنب مسجد، زمینی به نیت حسینیه در اختیار مؤمنین قرار داده است. بعداً امنای مسجد، آن زمین را با اجازه صاحب آن، جزو مسجد قرار داده‌اند. آیا احکام مسجد بر آن جاری است؟

جواب: اگر وقف حسینیه تمام شده، ولو به این نحو که به قصد حسینیه تحویل داده باشد، مسجد نمی‌شود و احکام مسجد بر آن جاری نیست.<sup>(۱)</sup>

۱. همان، ج ۲، ص ۳۶۴، س ۷۵ و ۷۴.

## نظافت مسجد

سؤال ۹۹ - چه پاداش‌هایی برای تمیزکنندگان مسجد در نظر گرفته شده است؟

گرایش به زیبایی و تمیزی در وجود همه انسان‌ها نهفته است. از این‌رو، بهترین و مقدس‌ترین مکان‌ها یعنی مساجد، باید در نهایت تمیزی و نظافت باشد تا انسان از حضور در آنجا نه تنها خسته و دل‌زده نشود، بلکه همواره دل‌تنگ این مکان‌ها گردد. از این‌رو، می‌بینیم در روایات، پاداش‌های زیادی برای نظافت‌کنندگان مسجد در نظر گرفته شده است که در ذیل، به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. آمرزش گناهان: رسول خدا ﷺ فرمودند: «مَنْ كَسَسَ الْمَسْجِدَ يَوْمَ الْخَمِيسِ وَ لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ فَأَخْرَجَ مِنْهُ مِنَ التُّرَابِ مَا يَدْرُ فِي الْعَيْنِ غُفْرَانَهُ تَعَالَى لَهُ»<sup>(۱)</sup>؛ کسی که خانه خدا را در روز پنج‌شنبه و شب جمعه خاک‌روبی کند و به اندازه غباری که در چشم می‌رود از مسجد خاک بگیرد، خداوند او را مورد

۱. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۳۳، ح ۷۰۰.

آمزش خویش قرار می دهد.

از حدیث مزبور استفاده می شود که نظافت مسجد در روز پنجشنبه و جمعه از فضیلت خاصی برخوردار است، ولی این کار در هر زمان دیگری هم صورت گیرد پسندیده است؛ چون نفس عمل مهم است. علاوه بر این، مهم نیست که حتماً مقدار زیادی خاک روبه و آشغال از مسجد بیرون کنند؛ مهم اهمیت دادن به نظافت و تمیز نگه داشتن مساجد است که باید از سوی تک تک مسلمانان صورت پذیرد.

۲. سالم مانندن جسد پس از مرگ: عبدالله بن مسعود از رسول خدا ﷺ

در حدیثی طولانی نقل می کند که آن حضرت فرمودند: در شب معراج دیدم که بر در ششم بهشت نوشته بود: «... و مَنْ أَرَادَ أَنْ لَا تَأْكُلَهُ الدِّيدَانُ تَحْتَ الْأَرْضِ فَلْيَكْنَسِ الْمَسَاجِدَ»<sup>(۱)</sup> و هر کس بخواهد کرمها (جسد) او را در زیرزمین نخورند، مساجد را جارو کند.

۳. اشتیاق بهشت و حوریان بهشتی به ملاقات او: امام کاظم ع

از پدرش نقل می کند که: «أَنَّ الْجَنَّةَ وَالْحَوْرَ لَتَشْتَأُقَ إِلَى مَنْ يَكْسُحُ الْمَسَاجِدَ وَيَأْخُذُ مِنْهَا الْقَدَى»<sup>(۲)</sup> بهشت و حوریان مشتاق ملاقات کسانی هستند که مساجد را جارو کنند و به اندازه خاشاکی که در چشم می رود از آن خاک بگیرند.

۱. الفضائل، ص ۱۵۳.

۲. بحار الأنوار، ج ۸۰، ص ۳۸۲.

۴. برخورداری از رحمت متّین: امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که آن حضرت فرمود: «مَنْ قَمَّ مَسْجِدًا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ عِتْقُ رَقِيَّةٍ وَ مَنْ أَخْرَجَ مَا يَقْدِي عَيْنًا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ»؛<sup>(۱)</sup> کسی که مسجدی را جارو کند، خداوند پاداش آزاد کردن بنده‌ای برای او می‌نویسد و اگر از مسجد به اندازه خاشاکی که در چشم می‌رود، غبار برگردد خداوند - عزوجل - دو بهره و نصیب از رحمت خویش را به وی عطا می‌فرماید.

قرآن کریم برخوردار از رحمت مضاعف و دو چندان الهی را یکی از آثار تقوا معرفی می‌کند، آنجا که می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ آمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ»؛<sup>(۲)</sup> ای اهل ایمان! اگر تقوای الهی پیشه سازید و به رسول خدا ایمان آورید، خداوند رحمت مضاعف خویش را به شما عطا خواهد کرد.

۱. المحاسن، ج ۱، ص ۵۷-۵۸.

۲. حدید: ۲۸.

سؤال ۱۰۰ - در ساخت مکان‌های بهداشتی مسجد،

چه نکاتی باید رعایت شوند؟

در تعریف بنای مسجد، یکی از مستحبات آن است که مکان‌های بهداشتی را در کنار مسجد بسازند. از رسول گرامی روایت شده است که فرمودند: «واجعلوا مطاهرکم علی أبواب مساجدکم»؛<sup>(۱)</sup> محل‌های تطهیر را در کنار مساجد قرار دهید.

صاحب جواهر پس از ذکر این روایت می‌فرماید: مؤید این حکم آن است که این کار به مصلحت کسانی است که به مسجد رفت و آمد می‌کنند و باعث می‌شود نمازگزاران از ناحیه بوی محل تطهیر دچار اذیت نشوند. علاوه بر آن، این کار باعث می‌شود تا مسجد در معرض نجس شدن قرار نگیرد و با احترام و منزّه بودن مسجد نیز سازگار است.<sup>(۲)</sup> شهید اول می‌فرماید: «والمیضاة علی بابها»؛ مستحب است که مکان‌های

۱. تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۲۵۴، ح ۲۲ از باب «فضائل المساجد والصلاة فیها».

۲. جواهر الکلام، ج ۱۴، ص ۷۸.

بهداشتی مسجد را در کنار در آن بسازند. شهید ثانی رحمته الله علیه در توضیح این عبارت می‌فرماید: این استحباب مربوط به فرضی است که بنای دست‌شویی مقدم بر تحقق عنوان مسجد باشد (یعنی اگر زمینی عنوان مسجد ندارد می‌توان سرویس بهداشتی در آن ساخت)، ولی اگر تحقق عنوان «مسجد» شده باشد. ساختن هرگونه مکان بهداشتی در فضای مسجد حرام است و همچنین ساختن وضوخانه چنانچه چه ضرری برای مسجد داشته باشد، جایز نیست.<sup>(۱)</sup>

سؤال: قطعه زمینی است که آن را شخصی به نیت مسجد خریداری کرده و در صدد ساختن آن بوده است. لکن قبل از آنکه آنجا را ساختمان کند و قسمت شبستان و دست‌شویی و توالی آن را معین نماید مرحوم شده بعد از او چند نفر دیگر با خرج خودشان، قسمت شمالی زمین را که مورد نظر بانی برای شبستان بوده، ساخته‌اند. (مورد نظر از این جهت که بانی در آن قسمت زمین، گاهی نماز می‌خوانده و آن قسمت را هموار کرده بود.) و چون بانی زمین مرحوم شده و قسمت توالی و دست‌شویی را معلوم نکرده، هنوز مسجد فاقد توالی است، در حالی که وراثت بانی هستند و برای هرگونه اصلاحی به صورتی که شرع مقدّس اجازه فرماید، حاضرند. تقاضا می‌شود نظر مبارک را در مورد ساختن دست‌شویی و توالی مرقوم فرمایید که ان شاء الله مشکل حل شود؟

جواب: «در محلی که به عنوان مسجد نماز در آن خوانده نشده، هر طوری که معمار و مهندس صلاح بدانند و با نقشه ساختمان مخالف نباشند،

۱. شرح اللمعة، ج ۱، ص ۵۴۱.

ساختن توالت و دست‌شویی مانعی ندارد.»<sup>(۱)</sup>

سؤال: زمینی به مساحت ۲۵۰ متر مربع واقع در جنب مسجدی به منظور اضافه کردن وسعت حیاط مسجد خریداری شده و بعداً ساختمانی در آن احداث گردیده که بالای آن به قسمت مسجد زنانه اضافه شده و از طبقه پایین و زیرزمین جهت انبار و کتاب‌خانه و شوفاز و سایر نیازها استفاده خواهد شد، و چون ساختمان مذکور احتیاج به دست‌شویی و توالت دارد، آیا می‌توان در زیرزمین این ساختمان، چاهی برای فاضلاب و توالت حفر نمود و در روی آن دست‌شویی و توالت ساخت یا خیر؟

جواب: «در فرض سؤال، اگر زمین مذکور را به قصد مسجدیت وقف نکرده باشند، یا قصد مسجدیت طبقه زیر را نکرده باشند و فقط طبقه روی زیرزمین را، که به قسمت زنانه اضافه شده، مسجد قرار داده‌اند، جایز است در زیرزمین، که مسجد نیست، چاه فاضلاب حفر نمایند و توالت بسازند؛ و اگر تمام آن به قصد مسجدیت وقف شده باشد زیر زمین نیز مسجد است و حفر چاه فاضلاب و ساختمان توالت و دست‌شویی در آنجا جایز نیست.»<sup>(۲)</sup>

۱. مجمع المسائل، ج ۱، ص ۱۴۰، س ۵۲.

۲. همان، س ۴۵.



## نقاشی مسجد

### سؤال ۱۰۱ - نقاشی کردن مساجد چه حکمی دارد؟

شواهد تاریخی نشان می‌دهند مساجد صدر اسلام ساده و بی‌پیرایش بوده و هیچ‌گونه نقشی در آنها نبوده است، ولی بعدها در برخی از مساجد تصاویری نقش شده‌اند. از این رو، عمرو بن جمیع می‌گوید: از امام باقر علیه السلام در مورد مساجدی که دارای نقاشی و تصویر هستند، سؤال نمودم، امام علیه السلام فرمود: «أَكْرَهُ ذَلِكَ»<sup>(۱)</sup> این کار را خوش نمی‌دارم. به همین دلیل، امام خمینی رحمته الله فتوا می‌دهند که «بنابر احتیاط واجب، نباید صورت چیزهایی که مثل انسان و حیوان را، که روح دارد، در مسجد نقش کنند. و نقاشی چیزهایی که روح ندارد، مثل گل و بوته مکروه است.»<sup>(۲)</sup>

۱. اصول کافی، ج ۳، ص ۳۶۹.

۲. توضیح المسائل، مسئله ۹۰۸.

**سؤال ۱۰۲ - آیا نصب عکس در مسجد در حکم نقاشی کردن است؟**

بنابر فتاویٰ فقها، نصب عکس در مسجد حکم تصویر ذی‌الروح و نقاشی آن‌ها را ندارد، ولی چون نماز خواندن مقابل عکس مکروه است، بدین دلیل، خادمان و متولیان امور مساجد باید دقت کنند تا عکس‌ها در مقابل نمازگزاران نباشند، یا به هنگام نماز با وسیله‌ای آن‌ها را بپوشانند.

**سؤال:** امروزه در بعضی از مساجد و یا مکان‌هایی که نماز جمعه اقامت می‌شود، عکس‌ها و پوسترهایی روبه‌روی نمازگزاران نصب می‌شود. آیا نماز خواندن در این مکان‌ها اشکال دارد؟

**جواب:** نماز صحیح است، هرچند در مقابل نمازگزار بودن آن کراهت دارد، و کراهت رفع می‌شود به اینکه روی آن را به وسیله‌ای بپوشانند.<sup>(۱)</sup>

۱. استفتائات، ج ۱، ص ۱۵۰، س ۷۹.

## نماز جماعت در مسجد

سؤال ۱۰۳ - اقامه نماز جماعت چه آثار و فوایدی

دارد؟

برخی از آثار و فواید اقامه نماز جماعت از قبیل عبور آسان و سریع از پل صراط، ثواب مضاعف، ورود به بهشت، و تحقق نظارت عمومی، در پاسخ به سؤال هدف و فلسفه تشریح نماز جماعت بیان شده است. اینک به برخی دیگر از آثار و فواید آن اشاره می‌کنیم:

۱. استجابت دعاها: یکی از فوایدی که در منابع اسلامی و متون دینی برای اقامه نماز جماعت ذکر شده مستجاب شدن دعا برای نمازگزاران در جماعت است. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ - عَزَّوَجَلَّ - لَيَسْتَجِيبُ مِنْ عَبْدِهِ إِذَا صَلَّى فِي جَمَاعَةٍ ثُمَّ سَأَلَهُ حَاجَةً أَنْ يَنْصَرَفَ حَتَّى يَقْضِيَهَا»؛<sup>(۱)</sup> قطعاً خداوند از بنده‌اش که نماز خود را به جماعت خوانده و حاجتی از او طلبیده است، شرم می‌کند که دعای او را مستجاب نکند.

۱. ارشاد القلوب، ج ۱، ص ۱۸۳.

۲. شناخت افراد مورد اعتماد: امام صادق علیه السلام می‌فرماید: از پدرم شنیدم که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ صَلَّى الْخُمْسَ فِي جَمَاعَةٍ فَظَنُّوا بِهِ خَيْرًا»<sup>(۱)</sup> هرکس نمازهای پنج‌گانه خود را به جماعت برگزار کند، به او گمان خوب ببرد.

۳. سبب قرار گرفتن در دژ محکم الهی: امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ صَلَّى الْغَدَاةَ وَالْعِشَاءَ الْآخِرَةَ فِي جَمَاعَةٍ فَهُوَ فِي ذِمَّةِ اللَّهِ - عَزَّوَجَلَّ - وَمَنْ ظَلَمَهُ فَإِنَّمَا يَظْلِمُ اللَّهَ وَ مَنْ حَقَّرَهُ فَإِنَّمَا يُحَقِّرُ اللَّهَ - عَزَّوَجَلَّ»<sup>(۲)</sup> هرکس نماز صبح و عشا را به جماعت برگزار کند در پناه خدای متعال خواهد بود و کسی که به چنین فردی ستم کند به خدا ستم کرده است و هرکس او را تحقیر کند خدای عزوجل را کوچک شمرده است.

۴. تربیت نیکو و پسندیده: از دیگر آثاری که در اقامه نماز جماعت وجود دارد، تربیت پسندیده است. به همین دلیل، ائمه اطهار علیهم السلام شیعیان را به شرکت در این‌گونه محافل تشویق می‌کنند و آن را مایه عزت و سربلندی مذهب شیعه می‌دانند. امام صادق علیه السلام به زید شحام می‌فرماید: «یا زید! خالِقُوا النَّاسَ بِأَخْلَاقِهِمْ، صَلُّوا فِي مَسَاجِدِهِمْ وَ عُودُوا مَرْضَاهُمْ، فَإِنَّكُمْ إِذَا فُعِلْتُمْ قَالُوا هَؤُلَاءِ الْجَعْفَرِيُّ، رَحِمَ اللَّهُ جَعْفَرًا، مَا كَانَ أَحْسَنَ مَا يُؤَدَّبُ أَصْحَابَهُ»<sup>(۳)</sup> با مردم معاشرت داشته باشید، در مساجد آن‌ها نماز بخوانید و از بیمارانشان

۱. اصول کافی، ج ۳، ص ۳۷۱، باب «فضل الصلاة في الجماعة»، حدیث سوم.

۲. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۷۷، باب «الجماعة و فضلها»، حدیث ۱۰۹۸.

۳. همان، ج ۱، ص ۳۸۳، ح ۱۱۲۸.

عبادت کنید. اگر این‌گونه رفتار کنید می‌گویند: این‌ها جعفری مذهب هستند، خداوند جعفر را رحمت کند! چه خوب پیروانش را تربیت کرده است!

۵. آمرزش گناهان: امام علی علیه السلام می‌فرماید: «اجابَةُ الْمُؤَذِّنِ كَقَارَةِ الذَّنُوبِ»؛<sup>(۱)</sup> اجابت دعوت مؤذن (رفتن به مسجد برای اقامه نماز) کفاره گناهان است.

۶. برائت از آتش جهنم: امام صادق علیه السلام از جدش حضرت علی علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: «مَنْ أَدْرَكَ الصَّلَاةَ أَرْبَعِينَ يَوْمًا فِي الْجَمَاعَةِ كُتِبَ لَهُ بَرَاءَةٌ مِنَ النِّفَاقِ وَ بَرَاءَةٌ مِنَ النَّارِ»؛<sup>(۲)</sup> هر کس چهل روز نماز جماعت را درک کند، برای او بیزاری از نفاق و آتش جهنم نوشته می‌شود.

علاوه بر آثار مذکور، در پاسخ به سؤال مزبور، اقامه نماز جماعت و جمعه یک اثر تبلیغی و جهانی دارد که گفتن آن از زبان غیر مسلمانان زیباتر به نظر می‌رسد. به ذکر نظر دو متفکر غیرمسلمان اشاره می‌کنیم:

هراس لیف می‌گوید: «در مسجد "وکنج" لندن ملاحظه کردم که عالی‌ترین نوع مساوات در میان مسلمانان وجود دارد، سخت دست‌خوش حیرت گردیدم؛ دیدم نژادهای مختلف و شخصیت‌های عالی و دانی در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند و برادرانه مشغول عبادت هستند. نظیر این را تاکنون

۱. جامع الأخبار، ص ۶۷.

۲. ارشاد القلوب، ج ۱، ص ۱۸۴.

ندیده بودم.»<sup>(۱)</sup>

هوستون اسمیت در کتاب مذاهب انسان می نویسد: «محل اجتماع مسلمانان را برای ادای صلوات خمسه، "مسجد" می گویند. بیگانگانی که به ممالک اسلام سفر کرده اند، مشاهده نموده اند که اجتماع مردم مسلمان در مساجد یکی از مناظر بسیار شورانگیز مذاهب بشری عالم است؛ چه، در صحن و شبستان ساده و بی پیرایه، که با نوری ضعیف منور است، صدها نفوس دوش به دوش یکدیگر رو به سوی قبله، گاهی به قیام و گاهی به رکوع و گاهی به سجود مشغولند.»<sup>(۲)</sup>

۱ . راه تکامل، ج ۳، ص ۱۰۲ / مسجد نهاد عبادت و ستاد ولایت، ص ۱۷۰ .

۲ . اسلام از نظر دانشمندان غرب، ص ۵۲ .

### سؤال ۱۰۴ - چه فضیلت‌هایی برای نماز جماعت ذکر شده‌اند؟

برگزاری نماز جماعت از جمله دستوراتی است که در اسلام بر آن‌ها تأکید و سفارش فراوان شده است و از سوی خداوند متعال آثار و فضایل ارزشمندی برای کسانی که برای برپایی این عمل تلاش می‌کنند، منظور گردیده است. در نامه‌ای از امام رضا علیه السلام به مأمون عباسی در فضیلت «نماز جماعت» می‌خوانیم: «و فضل الجماعة علی الفرد بکُلِّ رکعة ألف رکعة»؛<sup>(۱)</sup> پاداش هر رکعت نماز جماعت نسبت به نماز به فرادا، برابر با دو هزار رکعت است.

پیامبرگرامی به امام علی علیه السلام فرمودند: «یا علی! انّ من صلی الغداة فی جماعة فکاتما قام اللیل کله راکعاً و ساجداً»؛<sup>(۲)</sup> ای علی، هر کس نماز صبح را به جماعت بخواند مثل این است که تمام شب را با حالت رکوع و سجود

۱. وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۲۸۹، باب یکم، باب «تأكد استحبابها فی الفرائض».

۲. دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۱۵۳.

گذرانده باشد.

پیامبر گرامی مواظبت بر نماز جماعت را بهترین راه برای عبور از پل صراط می‌دانند: «مَنْ حَافِظَ عَلَيَّ الْجَمَاعَةَ حَيْثُ مَا كَانَ مَرَّ عَلَيَّ الصِّرَاطِ كَالْبُرْقِ اللَّامِعِ فِي أَوَّلِ زُمْرَةٍ مَعَ السَّابِقِينَ وَ وَجْهَهُ أَضْوَاءُ مِنَ الْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ وَكَانَ لَهُ بِكُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ حَافِظًا عَلَيْهَا ثَوَابٌ شَهِيدٍ»؛<sup>(۱)</sup> کسی که بر نماز جماعت مواظبت نماید همانند برق جهنده - بسیار سریع - همراه اولین گروه، از پل صراط می‌گذرد، در حالی که سیمای او روشن تر از ماه شب چهاردهم می‌باشد، و برای هر شب و روزی که بر نماز جماعت محافظت نماید، ثواب شهید داده می‌شود. در روایت دیگری، صفوف نمازگزاران را به صف‌های ملائکه‌ای تشبیه فرموده است: «وَأَمَّا الْجَمَاعَةُ فَإِنَّ صُفُوفَ أُمَّتِي فِي الْأَرْضِ كَصُفُوفِ الْمَلَائِكَةِ فِي السَّمَاءِ وَ الرَّكْعَةُ فِي جَمَاعَةٍ أَرْبَعٌ وَ عَشْرُونَ رَكْعَةً كُلُّ رَكْعَةٍ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ - عَزَّ وَجَلَّ - مِنْ عِبَادَةٍ أَرْبَعِينَ سَنَةً وَ أَمَّا يَوْمَ الْقِيَامَةِ [الجمعة] فَإِنَّ اللَّهَ يَجْمَعُ فِيهِ الْأُولِينَ وَ الْآخِرِينَ لِلْحِسَابِ [سُدُّ] فَمَا مِنْ مُؤْمِنٍ مَشَى إِلَى الْجَمَاعَةِ إِلَّا خَفَّفَ اللَّهُ عَلَيْهِ - عَزَّ وَجَلَّ - أَهْوَالَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ ثُمَّ يَأْمُرُ بِهِ إِلَى الْجَنَّةِ»؛<sup>(۲)</sup> صف‌های نماز جماعت امت من در زمین مانند صفوف ملائکه الهی در آسمان است و ثواب هر رکعتش به اندازه بیست و چهار رکعت است که هر رکعتش نزد خداوند متعال محبوب تر از عبادات چهل سال است و اما امروز قیامت [یا جمعه]

۱ . اعلام الدین، ص ۴۲۳ .

۲ . الخصال، ج ۲، ص ۳۵۵ / بحار الأنوار، ج ۸۵، ص ۶، باب یکم، حدیث هشتم.



خداوند تمام انسان‌ها را برای حساب جمع می‌کند، پس هیچ مؤمنی نیست که بر نماز جماعت داشته باشد مداومت، مگر اینکه خداوند ترس‌ها و وحشت‌های روز قیامت را برایش کم می‌کند و سپس دستور می‌دهد که او را به سوی بهشت ببرند.

اهمیت شرکت در نماز جماعت و برخورداری از فضایل و پاداش آن به حدی است که پیامبر مکرر به آن دسته از مسلمانانی که در نماز جماعت شرکت نمی‌کردند اخطار می‌داد و آن‌ها را عتاب و سرزنش کرد. پیامبر حتی کور مادرزاد را هم از شرکت در جماعت مسلمانان معاف نکرد؛ وقتی کورمادرزادی به حضرت فرمود: «أَتَى ضَرِيرَ الْبَصَرِ وَرُبَّمَا أَسْمَعُ النِّدَاءَ وَلَا أُجِدُّ مَنْ يَقُودُنِي إِلَى الْجَمَاعَةِ وَالصَّلَاةِ مَعَكَ؟»؛ ای رسول خدا، من از چشم عاجز هستم و گاهی صدای اذان را می‌شنوم و کسی را نمی‌یابم که مرا به جماعت راهنمایی کند تا با شما نماز بخوانم. پیامبر گرامی فرمودند: «شُدَّ مِنْ مَنْزِلِكَ إِلَى الْمَسْجِدِ حَبَالًا وَاحْضِرِ الْجَمَاعَةَ»؛<sup>(۱)</sup> ریسمانی از خانه‌ات تا مسجد بکش و به کمک آن در نماز جماعت حاضر شو.

به راستی، آیا با دیدن این روایت از پیامبر گرامی، دیگر عذری برای شرکت نکردن و عدم حضور در نماز جماعت برای افراد باقی می‌ماند؟!

۱. تهذیب الأحکام، ج ۳، ص ۲۶۶.

### سؤال ۱۰۵ - فلسفه تشریح نماز جماعت چیست؟

بی تردید، چنانچه جامعه‌ای دچار اختلاف و تفرقه شود، بخش مهمی از نیرو و توان و استعداد خود را در کشمکش‌ها و درگیری‌ها از دست خواهد داد و این برای تمام جوامع، بخصوص جامعه اسلامی، بسیار خطرناک و نامطلوب است. از این رو، در اسلام، وحدت، یک‌دلی و همبستگی افراد جامعه با یکدیگر در پرتو دستورات و فرامین الهی از اساسی‌ترین نیازهای جامعه به‌شمار آمده و در جهت ایجاد وحدت، قوانین و دستورالعمل‌هایی برای مسلمانان وضع شده‌اند. از جمله این قوانین و دستورات، که در مکتب اسلام بسیار بر انجام آن‌ها تأکید شده، بجای آوردن «نماز جماعت در هر روز» و نماز جمعه هفته‌ای یک بار است. به دلیل آنکه غالباً نمازهای جمعه و جماعت در مساجد برگزار می‌شوند، از این رو، مسجد در ایجاد «وحدت» و همبستگی دارای نقش و جایگاهی ویژه است. در پرسش‌هایی که از ائمه اطهار علیهم‌السلام در ارتباط با فلسفه تشریح نماز جماعت پرسیده شده، به برخی از آثار این عمل اشاره شده است که

در ذیل، به آن‌ها اشاره می‌کنیم:

امام هشتم علیه السلام در پاسخ به این سؤال فضل بن شاذان، به آثار فردی و اجتماعی نماز جماعت اشاره می‌فرماید: «لأن لا يكون الاخلاص و التوحيد و الاسلام و العبادة لله الا ظاهراً مكشوفاً مشهوراً، لأن في اظهاره حجة على اهل الشرق و الغرب لله - عزوجل - وحده و ليكون المنافق و المستخف مؤدياً لما أقر به بظاهر الإسلام و المراقبة و ليكون شهادت الناس بالإسلام من بعضهم لبعض جائزة ممكنة مع ما فيه من المساعدة على البر و التقوى و الزجر عن كثير من معاصي الله - عزوجل -»<sup>(۱)</sup> برای اینکه بندگی خالصانه و یکتاپرستی و اسلام و عبادت خداوند - عزوجل - آشکار گردد و از این طریق، حجت الهی بر همه انسان‌ها تمام شود و منافقان و مؤمنانی که سهل‌انگارند و نماز را سبک می‌شمارند، از دیگر مؤمنان شناسایی گردند و مؤمنان بتوانند به اسلام یکدیگر گواهی دهند. علاوه بر این، شرکت در نماز جماعت کاری نیک و موجب پرهیزگاری است و دوری از بسیاری از گناهان را به دنبال خواهد داشت.

در روایت دیگری امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «أما جعل الجماعة و الأجماع إلى الصلاة لكي يعرف من يصلي ممن لا يصلي و من يحفظ

۱. علل الشرائع، ج ۱، ص ۲۶۲.

مواقیت الصلاة مِمَّنْ يُصَيِّعُ و لولا ذلك لم يُمكن أحدٌ أن يشهدَ على آخرٍ بِصلاحٍ لأنَّ مَنْ لا يُصَلِّي لِاصلاح له بين المسلمين... و قد كانَ يقولُ رسولُ اللَّهِ ﷺ: لا صلاةَ لِمَنْ لا يُصَلِّي في المسجدِ مَعَ المسلمينِ إلا مِن علةٍ؛<sup>(۱)</sup>

نماز جماعت و اجتماع و گردهمایی برای نماز فقط به این خاطر مقرر شده است که نمازخوان و بی نماز از یکدیگر شناخته شوند و نیز کسی که بر اوقات نماز محافظت می کند از کسی که آن را ضایع می سازد مشخص گردد، و اگر نماز جماعت نبود کسی از جامعه اسلامی نمی توانست به صلاحیت دیگری گواهی دهد؛ چون کسی که نمازش را نخواند در بین مسلمانان صلاحیت و جایگاهی ندارد... رسول گرامی می فرمودند: نمازی نیست برای کسی که بدون عذر و علت در مسجد و با مسلمانان نماز نخواند.

از دو روایت مزبور آثار، اجتماعی نماز جماعت ظاهر می شوند که به طور خلاصه به آن ها اشاره می کنیم:

۱. آشکار شدن اسلام و بندگی خدا و آیین توحید و یکتاپرستی و اتمام

حجت بر آنان؛

۲. شناخته شدن نمازخوان و بی نماز در اجتماع مسلمانان؛

۳. شناخت منافقان و کاهلان از مؤمنان حقیقی و شهادت دادن مردم

۱. من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۸.

بر یکدیگر؛

۴. ترویج روحیه تعاون و همکاری و مشارکت در کارهای عمومی

و عام المنفعه؛

۵. ترویج روحیه تقوا و پرهیزگاری؛

۶. تحقق نظارت عمومی بر رفتار و کردار افراد جامعه و در نتیجه،

اجتناب افراد از معاصی و فراهم شدن محیط سالم اجتماعی.

## نماز در مسجد

سؤال ۱۰۶ - چرا در شرع مقدّس توصیه شده است که نماز را در مساجد متعدد و نقاط متفاوت یک مسجد به جای آورید؟

در پاسخ به سؤال، چند نکته قابل توجهند:

۱. قرآن کریم از مسجد خاصی نام نمی برد و به مسلمانان دستور می دهد که به هر مسجدی روی آورید: ﴿قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ﴾؛<sup>(۱)</sup> بگو ای پیامبر، پروردگارم به عدالت امر کرده و توجه خویش را در هر مسجد (به هنگام عبادت) به سوی او کنید و او را بخوانید، در حالی که دین (خود) را برای او خالص می گردانید! مفسران در تفسیر ﴿اقِيمُوا وُجُوهَكُمْ﴾ نظرات گوناگونی دارند. یکی از آن نظرات این است که وقتی در مسجدی زمان نمازی را درک کردید، همان جا نمازتان را بجای آورید و آن را به تأخیر نیندازید. براساس این تفسیر، معنای آیه این

۱. اعراف: ۲۹.

خواهد بود که بجای آوردن نماز در مساجد متعدد مطلوب است.<sup>(۱)</sup>

۲. در منابع دینی وارد شده است که زمین و دیگر آفریده‌ها شاهد اعمال انسان هستند و در روز قیامت، به نفع و یا بر ضرر انسان (نسبت به نوع عمل و رفتار انسان) شهادت می‌دهند. از جمله آثار اقامه نماز در مساجد متعدد، این است که این مساجد در صحرای محشر، به نفع نمازگزار شهادت خواهند داد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «و صَلُّوا مِنْ الْمَسَاجِدِ فِي بُقَاعٍ مُخْتَلِفَةٍ فَإِنَّ كُلَّ بُقْعَةٍ تَشْهَدُ لِلْمُصَلِّيِ عَلَيْهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ»؛<sup>(۲)</sup> در جاهای متعدد از مساجد نماز بجای آورید؛ چون هر گوشه‌ای از زمین در روز قیامت، برای کسی که بر آن نماز گزارده باشد، شهادت می‌دهد. از حدیث شریف فرموده، هم مطلوبیت نماز در مساجد متعدد استفاده می‌شود و هم اینکه در مورد مسجد واحد، شایسته است انسان در نقاط متفاوت آن نماز و عبادت بجای آورد.

شاید به همین علت است که وجود مقدس بنی اکرم صلوات الله علیهم در وصیت خویش به ابوذر غفاری می‌فرماید: «يَا أَبَا ذَرٍّ مَا مِنْ رَجُلٍ يَجْعَلُ جِبْهَتَهُ فِي بُقْعَةٍ مِنْ بُقَاعِ الْأَرْضِ إِلَّا تَشْهَدُ لَهُ بِهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَ مَا مِنْ مَنْزِلٍ نَزَلَهُ قَوْمٌ إِلَّا وَ أَصْبَحَ ذَلِكَ الْمَنْزِلُ يُصَلِّيَ عَلَيْهِمْ أَوْ يَلْعَنُ. يَا أَبَا ذَرٍّ، مَا مِنْ صَبَاحٍ وَلَا رَوَاحٍ إِلَّا وَ بُقَاعِ الْأَرْضِ يُنَادِي بَعْضُهَا بَعْضًا: يَا جَارَةٌ، هَلْ مَرَّ بِكَ الْيَوْمَ ذَاكِرُ اللَّهِ (تعالی) أَوْ عَبْدٌ وَضَعَ جِبْهَتَهُ عَلَيْكَ سَاجِدًا لِلَّهِ (تعالی)؟ فَمَنْ قَائِلَةٌ: لَا وَ مَنْ قَائِلَةٌ: نَعَمْ، فَإِذَا

۱. المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، ج ۸، ص ۹۱-۹۲.

۲. الامالی، شیخ صدوق، ص ۳۵۸-۳۵۹.

قالت نعم، اهتزت و انشرحت و ترى ان لها فضلاً على جاريتها»<sup>(۱)</sup>

ترجمه: «ای اباذر! هر انسانی پیشانی خود را برای سجده بر قطعه‌ای از زمین بگذارد، آن زمین در روز قیامت به نفع وی شهادت خواهد داد، و هر گروهی در مکانی فرود آیند، (چنانچه صالح باشند) آن مکان بر آنها درود می‌فرستد و (چنانچه گناه کار و فاسد باشند) آنان را لعن و نفرین می‌نماید. ای اباذر! در هر صبح و شام، بخش‌های زمین با یکدیگر به گفت‌وگو می‌پردازند. یکی به دیگری می‌گوید: ای همسایه! آیا امروز کسی که به یاد خداوند باشد یا بنده‌ای که پیشانی‌اش را برای سجده بر تو قرار دهد، از تو گذر نموده است؟ برخی پاسخ مثبت می‌دهند و برخی پاسخ منفی. بخش‌هایی از زمین که به چنین انسان‌هایی برخورد نموده باشند به شور و وجد آمده، احساس فرح و شادی می‌کنند و این موفقیت را، که چنین انسان‌هایی بر آنها عبور نموده، برای خود فضیلت و امتیازی بر همسایه خود به حساب می‌آورند.»

آری، زمین به ظاهر بی‌جان از عبور انسان‌های صالح و موحد بر روی خود، می‌بالد و فخر و مباهات می‌کند. این وابستگی زمین به انسان‌های نیکوکار تا آنجا ادامه می‌یابد که در برخی از روایات، وارد شده که بخش‌هایی از زمین، که مؤمنان در آن خداوند را عبادت کرده‌اند، در مرگ مؤمن همراه با فرشتگان الهی به سوگ می‌نشینند و گریه و زاری می‌کنند. امام کاظم علیه السلام می‌فرماید: «اذا مات المؤمن بکت علیه الملائكة و بقاع الأرض التي كان يعبد الله عليها»

۱. الامالی، شیخ صدوق، ص ۵۳۴.



و أَبْوَابُ السَّمَاءِ الَّتِي كَانَ يَصْعَدُ فِيهَا بِأَعْمَالِهِ»<sup>(۱)</sup> هنگامی که مؤمن می‌میرد، فرشتگان و بخش‌هایی از زمین که مؤمن خداوند را در آن‌ها عبادت می‌نموده و درهای آسمان، که اعمال او از آنجا صعود می‌کرده است، همگی در ماتم وی می‌گیرند.

۳. به دلیل آنکه هدف از حضور در مسجد انجام اعمال عبادی و تقرّب به خدای تعالی است، هرگونه وابستگی به مسجد خاصی مثل مسجد محل یا مسجد جامع و یا امام جماعت خاصی باعث می‌شود تا انسان در بسیاری از اوقات، از فیض حضور در نمازهای جماعت و خواندن نماز در وقت فضیلت محروم شود، و این امر با هدف رفت و آمد به مساجد، چندان که شایسته است، سازگار نیست.

---

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۸.

**سؤال ۱۰۷ - در چه مساجدی مسافر مخیر است  
که نماز را تمام یا قصر بخواند؟**

«در چهار مکان است که مسافر مخیر است نماز خود را به قصر یا به اتمام بخواند:  
 ۱. مسجد الحرام در مکه؛ ۲. مسجد النبی در مدینه؛ ۳. مسجد کوفه در شهر کوفه؛  
 ۴. زائر امام حسین علیه السلام در کربلای معلی. مسافر می تواند در مسجد الحرام  
 و مسجد پیغمبر و مسجد کوفه نمازش را تمام بخواند. ولی اگر بخواهد در جایی  
 که اول جزء این مساجد نبوده و بعد به این مساجد اضافه شده نماز بخواند،  
 احتیاط واجب آن است که شکسته بخواند و نیز مسافر می تواند در حرم و رواق  
 حضرت سیدالشهداء علیه السلام بلکه در مسجد متصل به حرم، نماز را تمام  
 بخواند.»<sup>(۱)</sup>

۱. توضیح المسائل، مسئله ۱۳۵۶.

سؤال ۱۰۸ - آیا می‌توان در زمینی که قبلاً حمام بوده  
و اکنون مسجد شده است نماز خواند؟

«اگر تغییر مورد وقف با اجازه مجتهد جامع‌الشرائط بوده (چون - مثلاً - به حمام  
نیازی نبوده است) از این نظر اشکالی ندارد و عدم رضایت فرزندان واقف  
تأثیری ندارد. ولی اگر اهل محل به آن حمام نیاز دارند، تغییر آن بی‌مورد بوده  
است. در این صورت، محل اشکال است.»<sup>(۱)</sup>

---

۱. برای مطالعه بیشتر ر. ک: تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب «الوقف».

## همسایه مسجد

سؤال ۱۰۹ - مقصود از روایاتی که می‌گویند:

«همسایه مسجد نمازش قبول نمی‌شود، مگر در

مسجد» چیست؟ همسایه مسجد چیست؟

اگرچه تأکیدها و تشویق‌هایی که در زمینه رفت و آمد به مسجد صورت گرفته عمومی و همگانی‌اند، اما این تأکیدها در خصوص همسایه مسجد جنبه جدی‌تر و گسترده‌تری به خود گرفته‌اند. ولی معنای این دسته از روایات آن نیست که اگر همسایه مسجد نماز را در خانه خودش بخواند، باطل است. فقهای مانیز با استناد به این دسته روایات خاص، نماز خواندن همسایگان مسجد را در مسجد مستحب مؤکد و ترک نماز همسایه در مسجد را مکروه شمرده‌اند. حضرت امام خمینی ره در رساله توضیح المسائل می‌فرمایند: «مستحب است نمازهای واجب، خصوصاً نمازهای یومیّه، را به جماعت بخوانند و در نماز صبح و مغرب و عشا، خصوصاً برای همسایه مسجد و کسی که صدای اذان مسجد را

می شنود، بیشتر سفارش شده است.»<sup>(۱)</sup>

اما اینکه همسایه مسجد کیست، برخی از روایات همسایه مسجد را کسانی می دانند که صدای اذان را می شنوند. امام علی علیه السلام می فرماید: «لا صلاة ليجار المسجد الا في المسجد الا ان يكون له عذر او به علة. فقيل له: و من جار المسجد، يا امير المؤمنين؟ قال: من سمع النداء»<sup>(۲)</sup> همسایه مسجد چنانچه عذر و یا بیماری نداشته باشد، نمازش جز در مسجد مقبول درگاه الهی نخواهد بود. از آن حضرت سؤال شد: همسایه مسجد چه کسی است؟ فرمود: کسی که صدای اذان را بشنود.

ممکن است به ذهن برسد که امروزه با فراهم شدن امکانات صوتی در مساجد، آیا باز هم «شنیدن اذان» معیار و ملاک است یا خیر؟ در پاسخ، باید گفت: فقهای بزرگی همچون علامه و محقق کرکی، شهید ثانی و صاحب جواهر رحمتهما الله ملاک و معیار در تعیین همسایه را رجوع به عرف می دانند. صاحب جواهر رحمتهما الله می نویسد: چون لفظ «همسایه» یک لفظ عرفی است و شرع هم در این زمینه اصطلاح خاصی ندارد، باید برای به دست آوردن معنای آن، به «عرف» مراجعه نمود.<sup>(۳)</sup>

۱. توضیح المسائل، مسئله ۱۳۹۹.

۲. دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۱۴۸ (ذکر المساجد).

۳. ر. ک: جواهر الکلام، ج ۲۸، ص ۴۲ - ۴۳.

### سؤال ۱۱۰ - آیا همسایگان مساجد بر مسجد حقوقی دارند؟

همان‌گونه که مسجد دارای حقوقی نسبت به همسایگان خویش است، متولیان امور مساجد نیز متقابلاً باید نکاتی را نسبت به همسایگان مسجد مورد توجه و عنایت قرار دهند. امروزه در مواردی مشاهده می‌شود که گاهی مناقشات و مشاجراتی بر سر پخش اذان، قرآن و سایر مراسم‌های مذهبی از بلندگوهای مسجد رخ می‌دهند. آنچه در این زمینه می‌توان گفت آن است که پخش اذان از مسجد در پنج وقت فضیلت نمازهای واجب، یک سنت اسلامی است که از زمان نبی اکرم صلی الله علیه و آله تا به حال در تمام سرزمین‌های اسلامی رایج و متداول بوده است. اذان شعار جامعه اسلامی و نشانه مسلمانان است و مخالفت با آن و یا ابراز انزجار از صدای آن در صبحگاهان و غیر آن برای انسان جایز نیست.

اما در مورد پخش سایر مراسم و امور مذهبی از قبیل مجالس دعا و سوگواری، باید متولیان رعایت حال همسایگان را بنمایند و بلندگوهای مسجد را به گونه‌ای تنظیم کنند که برای افراد حاضر در مسجد قابل استفاده باشند؛ زیرا اگر این امر سبب آزار و اذیت همسایگان شود، دل‌سردی آنان از مسجد

و شعائر اسلامی را به همراه خواهد داشت.

علاوه بر آن، اذیت و آزار دیگران در شرع مقدّس حرام است. حضرت امام خمینی علیه السلام در یکی از سخنرانی‌هایشان فرمودند: «گاهی می‌شود کارها به ظاهر اسلامی، لکن با بی‌توجهی و خلاف اسلام واقع می‌شود؛ مثل اینکه نصف شب‌ها شروع می‌کنند به فریاد و شعار دادن و دعا خواندن و تکبیر گفتن، در صورتی که همسایه‌ها هستند و ناراحت می‌شوند، مریض‌ها هستند، معلولین هستند، بیمارستان‌ها هست و این‌ها رنج می‌برند و شما یک چیزی را که می‌خواهید "عبادت" باشد "معصیت کبیره" می‌شود.»<sup>(۱)</sup>

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۴۱۱.





## فهرست منابع

۱. قرآن کریم؛
۲. نهج البلاغه، مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه السلام، ترجمه محمد دشتی؛
۳. أجوبة الاستفتاءات، حضرت آية الله خامنه‌ای (مدظله). دارالنبأ، ۱۴۱۵ ق؛
۴. ارشاد القلوب، حسن بن ابی الحسن دیلمی، شریف رضی، ۱۴۱۲ ق؛
۵. استفتاءات، امام خمینی رحمته الله علیه؛
۶. اسلام از نظرگاه دانشمندان غرب، علی اصغر حکمت، کتابخانه ابن سینا؛
۷. اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵؛
۸. اعلام الدین، حسن بن ابی الحسن دیلمی، قم، آل‌البیت، ۱۴۰۸ ق؛
۹. اعلام الساجد باحکام المساجد، محمد بن عبدالله زرکشلی شافعی، قاهره، ۱۳۸۴ ق؛

- ١٠ . الأحتجاج، ابو منصور احمد بن على طبرسى، مشهد، مرتضى، ١٤٠٣ ق؛
- ١١ . الآداب الطبية فى الإسلام، جعفر مرتضى عاملى، قم، جامعة مدرسین، ١٣٦٢؛
- ١٢ . الأستبصار، شيخ طوسى، تهران، دارالكتب الإسلامية، ١٣٩٠ ق؛
- ١٣ . الأمالى، شيخ صدوق، كتابخانه اسلاميه، ١٣٦٢؛
- ١٤ . الأمالى، شيخ طوسى، قم، دارالثقافة، ١٤١٤ ق؛
- ١٥ . المحاسن، احمد بن محمد بن خالد برقى، قم، دارالكتب الإسلامية، ١٣٧١ ق؛
- ١٦ . بحار الأنوار، محمد باقر مجلسى، بيروت، مؤسسة الوفاء، ١٤٠٤ ق؛
- ١٧ . پيرامون جمهورى اسلامى، مرتضى مطهرى، قم، صدرا، ١٣٦٧؛
- ١٨ . تاريخ مشروطة ايران، احمد كسروى، تهران، اميركبير، ١٣٤٤؛
- ١٩ . تحرير الوسيله، امام خمينى رحمته الله، قم، اسماعيليان، ١٤٠٨ ق؛
- ٢٠ . تحريم تنباكو اولين مقاومت منفى در ايران، ابراهيم تيمورى، تهران، سقراط، ١٣٢٨؛
- ٢١ . تفسير العياشى، محمد بن مسعود عياشى، تهران، علميه، ١٣٨٠ ق؛
- ٢٢ . تفسير قمى، ابوالحسن على بن ابراهيم قمى، قم، دارالكتاب، ١٣٦٧؛
- ٢٣ . تهذيب الاحكام، شيخ طوسى، تهران، دارالكتب الإسلامية، ١٣٦٥؛
- ٢٤ . ثواب الأعمال، شيخ صدوق، قم، رضى، ١٣٦٤؛

- ۲۵ . الجعفریات (الأشعثیات)، محمّد بن محمّد بن اشعث كوفي، تهران، مكتبة نينوى الحديثه؛
- ۲۶ . جامع الأخبار، تاج الدين شعيرى، قم، رضى، ۱۳۶۳؛
- ۲۷ . جامع السعادات، ملاّ محمّد مهدي نراقى؛
- ۲۸ . جامع المسائل، آية الله محمّد فاضل لنكرانى؛
- ۲۹ . جامع المسائل، حضرت آية الله اراكى رحمته الله عليه؛
- ۳۰ . جواهر الكلام فى شرح شرائع الاسلام، محمّد حسن نجفى، دارالكتب الاسلامية، آخوندى، ۱۳۶۵؛
- ۳۱ . حاشيه بر عروة الوثقى، امام خمينى رحمته الله عليه؛
- ۳۲ . الخلاف، شيخ طوسى، قم، مؤسسة النشر اسلامى، ۱۴۱۷ ق؛
- ۳۳ . الخصال، شيخ صدوق، قم، جامعه مدرسين، ۱۴۰۳ ق؛
- ۳۴ . دعائم الاسلام، نعمان بن محمّد تميمى مغربى، مصر، دارالمعارف، ۱۳۸۵ ق؛
- ۳۵ . دو ماهنامه مسجد، «پيداىى مساجد»، حسين مؤنس، ترجمه سيد سعيد سيد حسينى، ش ۳۷ و ۳۸ .
- ۳۶ . دين و دولت در ايران، حامد الكار، ترجمه ابوالقاسم سرى، تهران، طوس، ۱۳۶۵؛
- ۳۷ . الذكرى، شهيد اول، طبعة حجرية غير مرقمة الصفحات، خط كرماني، سنة ۱۲۷۲؛

۳۸. الروضة البهية (شرح اللمعة) شهيد ثانی، قم، داوری، ۱۴۱۰ ق؛
۳۹. راه تکامل، امین احمد، ترجمه احمد بهشتی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۴؛
۴۰. رساله توضیح المسائل، آیه الله العظمی محمد تقی بهجت؛
۴۱. رساله توضیح المسائل، امام خمینی رحمته الله علیه؛
۴۲. رساله الحقوق امام سجاد عليه السلام، ترجمه محمد سپهری، قم، دارالعلم، ۱۳۷۲؛
۴۳. روضة الواعظین، محمد بن حسان فتال نیشابوری، قم، رضی؛
۴۴. سرائر، ابن ادريس حلی، جامعه مدرسین، قم، ۱۴۱۰ ق؛
۴۵. سنن ابن ماجه، حافظ ابو عبدالله محمد بن يزيد قزوینی، تصحيح محمد فؤاد عبدالباقي، داراحياء التراث، ۱۳۹۵ ق؛
۴۶. سنن بیهقی (سنن الکبری)، ابوبکر احمد بن حسین بن علی بیهقی، بیروت، دارالمعرفه؛
۴۷. سیمای مسجد، رحیم نوبهار، قم، اعتماد، ۱۳۷۳؛
۴۸. شرح نهج البلاغه، عبدالحمید بن ابی الحدید معتزلی، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی، ۱۴۰۴ ق؛
۴۹. صحیح مسلم، مسلم بن حجّاج نیشابوری، دارالفکر، ۱۴۰۱ ق (ده مجلد در یک جلد)؛
۵۰. صحیفه امام خمینی رحمته الله علیه، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی؛

۵۱. العروة الوثقى، محمد كاظم طباطبائي يزدي، بيروت، مؤسسه الأعلمی، ۱۴۰۹ ق؛
۵۲. عدة الداعي، ابن فهد حلّي، دارالكتب الاسلامی، ۱۴۰۷ ق؛
۵۳. علل الشرائع، شیخ صدوق، قم، مكتبة الداوری؛
۵۴. عوالي اللآلی، ابن ابی الجمهور احسائی، قم، سيدالشهداء، ۱۴۰۵ ق؛
۵۵. عیون أخبار الرضا عليه السلام، شیخ صدوق، جهان ۱۳۷۸ ق؛
۵۶. غرر الحكم و درر الكلم، عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، قم، دفتر تبلیغات، ۱۳۶۶؛
۵۷. الفضائل، شاذان بن جبرئیل قمی، قم، رضی، ۱۳۶۳؛
۵۸. فروغ ابدیت، جعفر سبحانی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۰؛
۵۹. فرهنگ فارسی عمید، حسن عمید؛
۶۰. قرب الأستاد، عبدالله بن جعفر حمیری، تهران، نینوا؛
۶۱. كتاب العين، لابی عبدالرحمن الخلیل بن احمد الفراهیدی؛
۶۲. كنز الفوائد، علامه ابوالفتح كراچکی، قم، دارالذخائر، ۱۴۱۰ ق؛
۶۳. گناهان كبری، سيد عبدالحسین دستغیب، قم، ۱۳۶۳؛
۶۴. لسان العرب، ابن منظور؛
۶۵. المبسوط فی فقه الأمامیة، شیخ طوسی، تحقیق محمد تقی الكشفی، المكتبة المرتضویة، ۱۳۸۷ ق؛

- ۶۶ . المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴؛
- ۶۷ . المیزان فی تفسیر القرآن، سید محمد حسین طباطبائی، قم، اسماعیلیان؛
- ۶۸ . مجمع البحرین، الشیخ فخرالدین الطریحی؛
- ۶۹ . مجمع البیان فی تفسیر القرآن، فضل بن حسن طبرسی، دارالمعرفة؛
- ۷۰ . مجمع المسائل، آیه الله سید محمد رضا گلپایگانی رحمته الله علیه؛
- ۷۱ . مجموعه مقالات ۱، مبانی هنر دینی، تیتوس بولکارت، مدخلی بر اصول و روش هنر دینی، ترجمه جلال ستاری، تهران، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲؛
- ۷۲ . مجموعه ورام، ورام بن ابی فراس، قم، مکتبه الفقیه؛
- ۷۳ . مسئله حجاب، مرتضی مطهری، تهران، صدرا، ۱۳۶۸؛
- ۷۴ . مستدرک الوسائل، محدث نوری، قم، آل البيت، ۱۴۰۸ ق؛
- ۷۵ . مسجد نهاد عبادت و ستاد ولایت، حسن رهبری، تبریز، ۱۳۸۲؛
- ۷۶ . مسجد و انقلاب اسلامی، رضا شریف پور، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰؛
- ۷۷ . مناسک محشی؛
- ۷۸ . منتهی المطلب، علامه حلی، تبریز، حاج احمد، ۱۳۳۳؛

- 
٧٩. من لا يحضره الفقيه، شيخ صدوق، قم، جامعه مدرسین، ١٤١٣ ق؛
٨٠. منية المرید، شهید ثانی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ١٤٠٩ ق؛
٨١. النهاية فی المجرّد الفقه و الفتاوى، شيخ طوسی، قم، قدس؛
٨٢. نهاية الاحکام فی معرفة الاحکام، علامه حلی، قم، اسماعیلیان، ١٤١٠ ق؛
٨٣. وسائل الشیعه، شيخ حرّ عاملی، قم، آل البيت، ١٤٠٩ ق؛